



دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده: علوم سیاسی، اجتماعی و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم سیاسی

عنوان:

# رویکرد اسلام به تروریسم

استاد راهنما:

دکتر منصور میراحمدی

استاد مشاور:

دکتر محمد ستوده آرانی

نگارش:

علی اکبر ولدبیگی

شهریور ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به: روان پاک پدرم

مادرو، همسر فداکارم

## تشکر و تقدیر

بر خود لازم می‌دانم از رابهائی و مساعدت کسانی که در انجام این پژوهش مرایاری رسانند تقدیر و تشکر نمایم. خصوصاً از

رابهائی استاد حجت الاسلام والمسلمین دکتر منصور میر احمدی و استاد مشاورم آقای دکتر محمد ستوده آرنانی تشکر و قدردانی می‌نمایم.

همچنین از همه اساتید و کارکنان دانشگاه و آقای جلیلی در کتابخانه که زحمات زیادی تقبل نمودند تشکر می‌کنم.

## چکیده

روی‌کرد اسلام به تروریسم چیست؟ برخی بین سه مفهوم، تروریسم، عملیات استشهادی و عملیات انتحاری ارتباط برقرار می‌کنند. لذا با روش توصیفی - تحلیلی با هدف تبیین روی‌کرد اسلام به تروریسم با شرح این مفاهیم به مسأله پاسخ می‌دهیم. آنها افراد بی‌گناه را مورد هدف قرار می‌دهند تا پیام خود را به حریف و افکار عمومی برسانند بنابراین کسانی که کشته می‌شوند جرمی مرتکب نشده‌اند و بصورت ناخواسته مورد هجوم تروریسم قرار می‌گیرند و این مسأله نشان می‌دهد که عملیات تروریستی یک حمله تجاوز کارانه است و با قوانین الهی و بشری سازگار نیست هر عملیاتی تحت این چنین شرایطی حتی اگر به نام اسلام هم انجام گیرد تروریسم محسوب می‌شود و با توجه به اثبات فرضیه پژوهش حاضر، عملیات انتحاری مسلمانان تحت نام جهاد، به دلیل مشترکات زیاد با تروریسم یک فعالیت تروریستی محسوب می‌شود. آنها بر کار خود نام جهاد می‌گذارند در حالی که به لحاظ محتوایی عمل آنها خصوصیات جهاد دفاعی را ندارد و اشتراک اساسی ویژگی‌های این دو موجب قرابت آنها به هم شده است اما عملیات استشهادی به دلیل نداشتن اشتراک اساسی با تروریسم یک عمل تروریستی محسوب نمی‌شود بلکه یک عمل دفاعی است که شئون انسانی و اخلاقی در آن رعایت می‌شود و عملی است فی سبیل الله برای رستگاری و دریافت اجر عظیم و روزی نیکو از جانب پروردگار است. این ویژگی‌ها موجب تمایز عملیات استشهادی از تروریسم است بنابراین روی‌کرد اسلام به تروریسم منفی است و همانطور که اشاره شد عملیات انتحاری به دلیل اشتراک ویژگی‌های آن با تروریسم، یک فعالیت تروریستی محسوب می‌شود و از نظر اسلام مردود است و در مقابل روی‌کرد اسلام به عملیات استشهادی بنابر شاخصهای مهم آن مثبت ارزیابی می‌شود.

کلمات کلیدی:

اسلام - تروریسم - عملیات استشهادی - عملیات انتحاری

## فهرست مطالب

فصل اول: کلیات (طرح تفصیلی و چارچوب نظری).....	۱
۱. طرح مسأله.....	۲
۲. علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن.....	۲
۳. سابقه پژوهش.....	۲
۴. سؤال اصلی پژوهش.....	۳
۵. فرضیه‌های پژوهش.....	۳
۶. مفاهیم.....	۳
۶-۱. تروریسم:.....	۳
۶-۲. عملیات انتحاری:.....	۴
۶-۳. عملیات استشهادی:.....	۴
۷. سؤال‌های فرعی.....	۴
۸. پیش فرضهای پژوهش.....	۴
۹. اهداف پژوهش.....	۴
۱۰. روش پژوهش.....	۵
۱۱. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها.....	۵
۱۲. سازمان دهی پژوهش.....	۵

چارچوب نظری ساختار/ کارگزار در رابطه با پدیده تروریسم..... ۶

مقدمه :..... ۶

۱. نظریه ساختار / کارگزار:..... ۶

۱-۱. ساختار گرایی:..... ۷

۱-۲. اراده گرایی:..... ۸

۱-۳. نظریه ساخت یابی:..... ۱۰

۱-۴. واقع گرایی انتقادی:..... ۱۱

۱-۵. رأی ماستریخت:..... ۱۳

۱-۶. گزینش راهبردی ساختار:..... ۱۳

جمع بندی ..... ۱۵

**فصل دوم: تروریسم**..... ۱۷

۱. مفهوم تروریسم ..... ۱۸

۲. شاخصه‌های تروریسم..... ۱۸

۲-۱. خشونت ..... ۱۹

۲-۲. جنبه سیاسی پدیده ..... ۱۹

۲-۳. وحشت و ترس ..... ۱۹

۳. زمینه های تروریسم ..... ۲۰

الف: زمینه‌های خارجی ..... ۲۰

مقدمه:..... ۲۰

۱. نظم کنونی جهان ..... ۲۱

۱-۱. مؤلفه های نظم جهانی..... ۲۵

۱-۱-۱. حق سلطه جویی و تهاجم:..... ۲۵

۱-۱-۲. حقوق تروریستی (حق کشتن افراد با تهمت واهی تروریست):..... ۲۵

(ب)

۲۵.....	۳-۱-۱. حق تصفیه نژادی:.....
۲۶.....	۴-۱-۱. حق سرنگون سازی:.....
۲۶.....	۵-۱-۱. حق اعمال تحریم:.....
۲۶.....	۶-۱-۱. عدم ایستادگی در برابر تهاجم:.....
۲۶.....	۷-۱-۱. عدم حق دفاع از خود:.....
۲۷.....	۸-۱-۱. عدم حق دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای:.....
۲۷.....	۲-۱. فقر و نابرابری:.....
۳۰.....	۳-۱. تعارض ارزش‌های اسلامی با غرب:.....
۳۲.....	۴-۱. تبعیض:.....
۳۶.....	۲. ضعف قوانین بین‌المللی و عدم همکاری جهانی.....
۴۰.....	۳. رویکردهای تناقض‌گونه به حقوق بشر.....
۴۳.....	۴. تامین مالی تروریسم.....
۴۵.....	۱-۴. مؤسسات مالی.....
۴۷.....	۲-۴. پول‌شویی.....
۴۹.....	۵. نقش رایانه در تروریسم.....
۵۰.....	۶. نقش رسانه‌ها در تروریسم.....
۵۰.....	جمع بندی.....
۵۱.....	ب- زمینه‌های داخلی تروریسم:.....
۵۱.....	مقدمه:.....
۵۲.....	۱. قدرت و منافع هیأت حاکمه.....
۵۲.....	۱-۱. قدرت؛.....
۵۳.....	۲-۱. منافع هیأت حاکمه:.....
۵۵.....	۳-۱. استبداد:.....

۵۶.....	۲. بحران مشروعیت
۵۷.....	۲-۱. مشروعیت؛
۵۸.....	۲-۲. بحران؛
۵۹.....	۲-۳. انگیزه تروریسم:
۶۰.....	۳. فقدان دموکراسی:
۶۰.....	۳-۱. دموکراسی:
۶۲.....	۳-۲. حکومت‌های شبه دموکراسی:
۶۴.....	۳-۳. گفتمان خشونت:
۶۵.....	۳-۴. فقدان دموکراسی و وجود تروریسم:
۶۶.....	۴. فقدان توسعه و مشکلات اقتصادی
۶۷.....	۴-۱. تمرکز سیاست و اقتصاد:
۶۹.....	۴-۲. ضعف فرهنگ اقتصادی عقلانی:
۷۰.....	۴-۲-۱. عقلانیت به لحاظ فلسفی:
۷۰.....	۴-۲-۲. عقلانیت به لحاظ جامعه‌شناختی:
۷۱.....	۴-۲-۳. عقلانیت:
۷۴.....	جمع بندی:
۷۷.....	<b>فصل سوم: عملیات استشهادی</b>
۷۸.....	مقدمه:
۷۸.....	۱- مفهوم عملیات استشهادی
۷۹.....	۲. شاخصه‌های عملیات استشهادی
۷۹.....	۲-۱. فی سبیل الله:
۸۰.....	۲-۲. ارزش و عظمت شهادت:
۸۱.....	۲-۳. تکیه بر قدرت خدا:

- ۲-۴. انسانی بودن: ..... ۸۱
- ۲-۵. آگاهی از عمل: ..... ۸۲
۳. زمینه‌های عملیات استشهادی ..... ۸۲
- ۳-۱. حفظ اسلام و مسلمین با انگیزه الهی: ..... ۸۲
- ۳-۱-۱. مؤیدات حفظ اسلام: ..... ۸۳
- ۳-۲. امر به معروف و نهی از منکر ..... ۸۶
- ۳-۲-۱. منکرات: ..... ۸۸
- ۳-۲-۱-۱. طاغوت: ..... ۸۸
- ۳-۲-۱-۲. تکیه بر بیگانگان و ولایت کفار: ..... ۸۸
- ۳-۲-۱-۳. حمایت نکردن از محرومان: ..... ۸۹
- ۳-۲-۲. معروفات: ..... ۸۹
- ۳-۳. مبارزه با سلطه بیگانگان و دفاع از حقوق مسلمین ..... ۹۲
۴. مصادیق ..... ۹۳
- ۴-۱. ایران ..... ۹۳
- ۴-۲. لبنان ..... ۹۷
- ۴-۳. فلسطین ..... ۹۹
- فصل چهارم: عملیات انتحاری** ..... ۱۱۰
- مقدمه: ..... ۱۱۱
۱. مفهوم: ..... ۱۱۱
۲. شاخصه های عملیات انتحاری ..... ۱۱۲
- ۲-۱. خشونت؛ ..... ۱۱۲
- ۲-۲. وحشت و نا امنی؛ ..... ۱۱۲
- ۲-۳. سازمان یافته بودن؛ ..... ۱۱۲

۱۱۴	۳- زمينه های عمليات انتحارى .....
۱۱۴	۳-۱. زمينه های فکرى و اعتقادى: .....
۱۱۴	۳-۱-۱. ابن تيممه حنبلى: .....
۱۱۵	۳-۱-۲. سيد قطب: .....
۱۲۰	۳-۱-۳. عبدالله اعظم: .....
۱۲۲	۳-۱-۴. اسامه بن لادن: .....
۱۲۵	۳-۱-۵. اى من ظواهرى: .....
۱۲۶	۳-۲. زمينه های عى نى .....
۱۲۶	۳-۲-۱. استعمار: .....
۱۲۸	۳-۲-۲. اهداف کشورها از حمايت شبکه های انتحارى .....
۱۲۸	۳-۲-۲-۱. آمريکا: .....
۱۲۹	۳-۲-۲-۲. پاکستان: .....
۱۲۹	۳-۲-۲-۳. عربستان: .....
۱۳۰	۴. مصاديق عمليات انتحارى .....
۱۳۰	۴-۱. طالبان: .....
۱۳۶	۴-۲. سازمان القاعده: .....
۱۴۲	جمع بندى .....
۱۴۴	<b>فصل پنجم: جمع بندى و نتيجه گيرى</b> .....
۱۵۶	<b>فهرست منابع</b> .....
۱۵۷	الف کتاب های فارسى؛ .....
۱۶۲	ب) مجلات .....
۱۶۳	د) ساى تهاى اى نترنتى .....

فصل اول:

# کلیات

## (طرح تفصیلی و چارچوب نظری)

## ۱. طرح مسأله

تروریسم یکی از معضلات دنیای امروز است که موجب تجاوز به حقوق انسانها و برافراخته شدن جنگ است. طرح روزافزون تروریسم در سالهای اخیر از سوی غرب عمدتاً در جهت برقراری نوعی ارتباط میان اسلام و تروریسم همراه بوده است. در این میان، بین سه مفهوم عملیات انتحاری، عملیات استشهادی و تروریسم ارتباط خارجی برقرار می‌گردد. پژوهش حاضر با هدف تبیین رویکرد اسلام به تروریسم، تلاش می‌کند ابعاد مفهومی عملیات انتحاری و عملیات استشهادی را از منظر اسلام مورد بررسی قرار داده به نسبت سنجی میان آنها و مفهوم تروریسم بپردازد.

## ۲. علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

طرح روزافزون مسأله تروریسم در جهان و بویژه در کشورهای اسلامی، تلاش غرب در متهم ساختن مسلمانان و کشورهای اسلامی به تروریسم و حمایت از آن از یک سو، و ضرورت بحثی علمی درباره دیدگاه اسلام و بویژه فقه شیعه نسبت به این مسأله از سوی دیگر در کنار علاقه شخصی، مهمترین دلایل و زمینه‌های اهمیت تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند. این پژوهش افزون بر آشکار ساختن دیدگاه اسلام می‌تواند در سیاست‌گذاریها و موضع‌گیری مسلمانان و کشورهای اسلامی تأثیرگذار باشد.

## ۳. سابقه پژوهش

موضوع تروریسم مورد توجه بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است و کتابها و مقالات زیادی در این رابطه نوشته شده است. این پژوهشها در دو دسته کلی جای می‌گیرند. برخی

درصد متهم ساختن مسلمانان به طرفداری از تروریسم بوده، برخی دیگر تلاش می‌کنند موضع سلبی اسلام نسبت به آن را نمایان سازند. در برخی از این پژوهشها، عملیات انتحاری و استشهادی در کنار یکدیگر و در ارتباط با تروریسم مورد توجه قرار می‌گیرد اما کمتر به مقایسه آنها پرداخته شده است. از این رو، به نظر می‌رسد کنار هم قرار دادن آنها و تلاش برای مقایسه نظری مفاهیم مذکور با تروریسم از بداعت خاص برخوردار می‌باشد.

#### ۴. سؤال اصلی پژوهش

چه نسبتی میان عملیات انتحاری، عملیات استشهادی و تروریسم در اسلام وجود دارد؟

#### ۵. فرضیه‌های پژوهش

در اسلام عملیات انتحاری برخلاف عملیات استشهادی یک فعالیت تروریستی به حساب می‌آید.

#### ۶. مفاهیم

##### ۱-۶. تروریسم:

تروریسم از ریشه لاتین ترور به معنای ترس و وحشت گرفته شده است. به رفتار و اعمال فرد یا گروهی اطلاق می‌شود که از راه ایجاد ترس و وحشت و به کار بستن زور می‌خواهد به هدف‌های سیاسی (و غیر سیاسی) خود برسد. همچنین کارهای خشونت آمیز و غیر قانونی حکومتها برای سرکوبی مخالفان و ترساندن آنان نیز در ردیف تروریسم قرار دارد که از آن به تروریسم دولتی یاد می‌شود<sup>۱</sup> و به اعمال تروریستی که به منظور تأمین مقاصد سیاسی در سطح بین الملل انجام می‌شود، تروریسم بین المللی اطلاق می‌گردد.<sup>۲</sup>

۱- حسن علیزاده، فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران: روزنه، ۱۳۷۷ ص ۲۷۴.

۲- محمود طلوعی، فرهنگ جامع سیاسی، چاپ دوم، تهران: علمی، ۱۳۷۷ ص ۳۵۶.

## ۲-۶. عملیات انتحاری:

انتحار یعنی خویشتن را کشتن یا خودکشی<sup>۱</sup> به اقدامی اطلاق می‌شود که شخص با علم به کشته شدن و با هدف ضربه زدن به دشمن این کار را انجام داده و در این بین کشته شود.

## ۳-۶. عملیات استشهادی:

عملیات استشهادی به اقدامی اطلاق می‌شود که شخص با قصد قربت و با علم به شهادت و با هدف ضربه زدن به دشمن به انجام آن مباردت می‌ورزد و در این بین کشته می‌شود.<sup>۲</sup>

## ۷. سؤال‌های فرعی

- ۱-۷. تروریسم چیست؟
- ۲-۷. عملیات انتحاری چیست؟
- ۳-۷. عملیات استشهادی چیست؟
- ۴-۷. رابطه تروریسم با عملیات انتحاری و استشهادی چیست؟

## ۸. پیش فرضهای پژوهش

- ۱-۸. تروریسم یکی از پدیده‌های رایج در دنیا و در برخی کشورهای اسلامی است.
- ۲-۸. اسلام نسبت به این پدیده، بسیار مهم، موضع‌گیری خاصی دارد.

## ۹. اهداف پژوهش

تبیین نسبت تروریسم با عملیات انتحاری و استشهادی، مهمترین هدف علمی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد این پژوهش افزون بر این هدف، می‌تواند نسبت به زمینه‌های شکل‌گیری تروریسم و عملیات انتحاری و استشهادی نیز دستاوردهایی داشته باشد که توجه به آنها در سیاست‌گذاری و موضع‌گیری کشورهای اسلامی می‌تواند راهگشاه تلقی گردد.

---

۱- علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج دوم، مؤسسه انتشارات، چاپ دانشگاه تهران ۱۳۷۲، ص ۲۹۵۸.

۲- سید جواد ورعی، مبانی فقهی عملیات شهادت طلبانه، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۲۷ ص ۳۱۲.

## ۱۰. روش پژوهش

توصیفی - تحلیلی

## ۱۱. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

کتابخانه‌ای و اینترنتی

## ۱۲. سازمان دهی پژوهش

پژوهش حاضر از پنج فصل تشکیل شده است. فصل اول به کلیات یا طرح تفصیلی و چارچوب نظری تحقیق می‌پردازد. در فصل دوم به بررسی مفهوم، شاخصه‌ها و زمینه‌های و شکل‌گیری تروریسم در دوران معاصر پرداخته می‌شود در فصل سوم مفهوم، شاخصه‌ها و زمینه‌های عملیات استشهادی توضیح داده می‌شود فصل چهارم مفهوم، شاخصه‌ها و زمینه‌های عملیات انتحاری بررسی می‌گردد. سپس در فصل پنجم، نخست به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مباحث این پژوهش و سپس به نسبت سنجی تروریسم با عملیات استشهادی و انتحاری و نتیجه‌گیری پایانی پرداخته می‌شود.

## چارچوب نظری ساختار / کارگزار در رابطه با پدیده تروریسم

### مقدمه :

تروریسم در عصر کنونی ابعاد جدیدی به خود گرفته است، عملیات تروریستی در سالهای اخیر، بخصوص حادثه ۱۱ سپتامبر در سطح جهانی پیامدهایی را به دنبال داشت. از طرفی واکنش غرب در متهم کردن مسلمانان و دولتهای اسلامی به تروریسم و حمایت از تروریست‌ها و از جهتی دیگر نگاه مسلمانان به اینکه رفتار غرب باعث و عامل تروریسم محسوب می‌شود. بیان این مسأله از زوایای مختلف در مواجهه اسلام با تروریسم، نیازمند یک الگوی نظری است و چون در پدیده تروریسم ساختارها و عوامل انسانی مؤثر هستند به همین دلیل از چارچوب ساختار کارگزار استفاده می‌شود. برای درک عواملی که منشأ بوجود آمدن ساختارها و رفتار رهبران در چارچوب سازمانهای تروریستی می‌شود و تعامل بین این ساختارها و عوامل انسانی، در ظهور تروریسم، انتخاب این الگو مناسب به نظر می‌رسد و به همین دلیل در ادامه گذرا به این نظریه اشاره کرده، چگونگی بکارگیری آنرا در توضیح پدیده تروریسم بیان می‌کنیم.

### ۱. نظریه ساختار / کارگزار:

پرسش‌هایی از تصورات ساختار کارگزار و تبیین‌های سیاسی وجود دارد: کارگزار کیست؟ کارگزار فردی است یا جمعی؟ اگر جمعی است چگونه بسیج می‌شود؟ رابطه ساختار کارگزار چگونه است؟ بدین ترتیب شماری از مواضع متمایز از قبیل: ساختارگرایی، اراده گرایی، نظریه ساخت یابی، و واقع گرایی انتقادی پدید می‌آید.<sup>۱</sup>

---

۱- دیوید مارش و جری استوکر/ روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، پژوهشکده مطالعات راهبردی تهران: ۱۳۷۸ ص ۳۰۶.

## ۱-۱. ساختار گرایی:

اساساً، دیدگاه ساختارگرا در رابطه ساختار - کارگزار برتری را به ساختار می‌دهد و در پی آن است که حوادث، فرایندها و نتایج اجتماعی و سیاسی قابل مشاهده را برحسب عملکرد ساختارهای اجتماعی و سیاسی مشاهده نشدنی، که بازیگران صرفاً حاملان آنها هستند، تبیین کند. به بیان ونت (wendt 1991) تبیین از خارج محسوب می‌شود. ساختارگرایی پیوندی نزدیک با جبرگرایی، کارکردگرایی و غایت گرایی دارد. مطابق جبرگرایی، تمام جنبه‌های حیات اجتماعی و سیاسی برحسب روابط و مناسبات اقتصادی که زیربنا است تبیین می‌گردد و مطابق شیوه‌های کارکردگرایی، حوادث اجتماعی و سیاسی نه برحسب انگیزه‌های بازیگران بلکه برحسب پیامد هایشان توضیح داده می‌شوند و مطابق دیدگاه غایت گرایی فرایندهای تغییر را برحسب یک وضعیت غائی تاریخی که اجتناب ناپذیر هست بسوی آن تکامل می‌یابند.<sup>۱</sup>

ساختار اساساً به معنای بستر و معطوف به زمینه‌ای است که رویدادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی در چارچوب آن شکل می‌گیرند و معنا می‌یابند. ولی دانشمندان علم سیاست با توسل به مفهوم بستر یا زمینه، چیزهای بیشتری را در نظر دارند. آنها به ویژه به ماهیت منظم روابط اجتماعی و سیاسی اشاره دارند، به این واقعیت که نهادها، اعمال، امور روزمره و آداب و رسوم، در طول زمان، نوعی نظم یا ساختار پیدا می‌کنند. پس توسل به مفهوم بستر سیاسی اگر هم بر فرض بیشتری استوار نباشد، بر این فرض استوار است که رفتار سیاسی به منظم بودن گرایش دارد. هر اندازه تاثیر ساختار بیشتر باشد، رفتار سیاسی مورد نظر پیش‌بینی پذیر تر خواهد بود.<sup>۲</sup>

دانیل لیتل، رویکرد ساختارگرایی را به دو الگوی تبیینی تقسیم می‌کند؛ یکی تبیین علی که ساختارهای اجتماعی را علت اصلی پدیده‌های اجتماعی می‌داند، ساختارگرایی علی، ملّاغایش این است که جوامع، سیستم‌های در هم تنیده‌ای هستند که ساختارهای اجتماعی بسیار متنوعی را در دل خود جا داده‌اند مثل: صورتهای مختلف دول، سیستم‌های اقتصادی و

۱- همان، ۳۱۱ - ۳۰۹.

۲- کالین های، *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، ترجمه احمد گل محمدی تهران: نشر نی ۱۳۸۵.

شبکه‌های حمل و نقل. مدعای دوش این است که بسیاری از خصیصه های مهم جوامع (مثل انواع سازماندهی‌های پایدار و فرایندهای تغییر) را می‌توان معلول اجزاء خاص این ساختار دانست. قدرت علی ساختارهای اجتماعی در مکانیسم‌های علی نهفته است که افعال افراد، واسطه بروز آنهاست. ساختار خصیصه‌ای از سیستم اجتماعی است که در طول مدتی طولانی پایدار می‌ماند و دارای یک پیوستگی زمانی است و از خواص ساختار این است که استقلال بسیار زیادی از افرادی دارد که در آن ساختار واجد سمتی هستند.

الگوی دوم، از اساس، احتیاج تبیین به رابطه علی را منکر است و در عوض شئون مختلف پدیده های اجتماعی را چنان تبیین می‌کند که نشان می‌دهد آن شئون چگونه با ساختارهای انتزاعی زیرین جفت می‌شوند این الگو مبتنی بر تئوری زبان شناسی است. زبان شناسی ساختاری چنین می‌گوید که جامعه را هم مثل زبان باید «سیستمی بالقوه» دانست با خواص رجعی. (گیدنز ۴۷ : ۱۹۷۹) یعنی جامعه هم، از باب تمثیل، ساختمانی منتزع دارد و هدف پژوهش اجتماعی کشف قواعد حاکم بر این ساختمان است. لیتل بازسازی تئوری ماتریالیسم تاریخی مارکس به دست نیکوس پولانزاس را بعنوان مثال مطرح می‌کند که پولانزاس معتقد است بر اینکه باید درکی ضد تاریخی گرانه از مارکسیسم داشته باشیم و در آن، «امر سیاسی را در دل ساختار شکل بندی اجتماعی جای دهیم»<sup>۱</sup>

## ۲-۱. اراده گرایی:

اراده گرایی در مقابل ساختارگرایی قرار دارد اگر ساختارگرایی تبیین از خارج می‌باشد، اراده گرایی تبیینی خودی یا از داخل است که بر نهادهای اجتماعی، کارگزاری انسانی و بافت غنی تعامل اجتماعی و سیاسی تمرکز دارد. اراده گرایی با دیدگاهی ساده و تک علتی در مورد رابطه بین ساختار و کارگزار عمل می‌کند، بعضی ساختارها را به مثابه محصول کنش ارادی تصور می‌کند. اراده گرایی پیوندی نزدیک با مفاهیم عدم تعیین کنندگی، احتمال (اقتضاء)، اراده باوری و بالاتر از همه فردگرایی روش شناختی (این دیدگاه که معتقد است در تقریر و ارائه تبیین های اجتماعی و سیاسی باید آغاز و انجام کار با فرد باشد) دارد. تبیینهای اراده گرا در

۱- دانیل لیتل، تبیین در علوم اجتماعی؛ ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط ۱۳۷۳.

مقابل مفاهیم دال بر تعیین کنندگی بر ماهیت اقتضائی فرایندهای اجتماعی و سیاسی تاکید دارند، یعنی این اندیشه که نتایج پیشاپیش پیش بینی پذیر نیستند. برای فهم نتایج سیاسی، باید صرفاً انگیزه و اراده‌های کنشگران را ملاحظه کرد. اراده‌گرایی، به ویژه در آثار نظریه پردازان قائل به انتخاب عقلانی، انتخاب عمومی، مارکسیست‌های تحلیلی، کثرت‌گرایان روزنامه‌نگاران، به حیات خود ادامه می‌دهد.<sup>۱</sup>

اراده‌گرایی در نظریه اختیار عاقلانه دانیل لیتل مدلی از تبیین را که بر حیات جمعی متکی است بررسی می‌کند، یعنی تبیین جمعی که طرحهای اجتماعی را حاصل جمع افعال سنجیده و عاقلانه به دست می‌دهد. آدمیان در چند راهی‌ها، راهی را که با اغراضشان موافق است اختیار می‌کنند، برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می‌کنند و پس از بررسی ادله موافق و مخالف به راهی می‌روند که عملی عاقلانه و سنجیده است. لذا برای تبیین رفتار فرد باید ابتدا اغراض و معتقدات او را معین نمود و سپس نشان داد که آن عمل، شیوه خودپسندی است برای رسیدن به آن اغراض در چارچوب آن معتقدات است. در اینجا فایده و اولویت برای هر فاعل عاقلی که همواره و مختارانه به دسته‌ای از افعال و عواقبشان می‌اندیشد و سپس بر حسب سهمی که اعمال در برآوردن غایت او دارند، یکی را اختیار می‌کند. قائلان به نظریه اختیار عاقلانه، مفهوم فایده را مبنای مقایسه دخل و خرجها و مضار و منافع ناهمگون قرار داده‌اند. و تئوری فایده بخشی از احتمال، هم غافل نیست. وقتی کسی کاری را در پیش می‌گیرد می‌باید متذکر باشد که آن کار ممکن است پیامدهای چندگانه‌ای داشته باشد. بر اساس قواعد تصمیم‌گیری، قاعده فایده متوقع، از مجموع فواید متوقع پیامدهای هر یک از شقوق که بیشترین فایده متوقع را داراست انتخاب می‌کند، قاعده بیشینی انتخاب که در اینجا شخص فاعل، جمیع شقوق را بررسی می‌کند و برترین پیامد هر یک از شقوق را معین می‌کند و آنگاه شقی را انتخاب می‌کند که در میان برترین‌ها، بهترین باشد این قاعده عافیت طلب و خطرگریز، است فاعل را از دچار شدن به زیانهای مهلک محافظت می‌کند، و در عوض بهترین پیامد قابل

۱- دیوید مارش و جری استوکر، پیشین، صص ۱۱۴-۳۱۲.

حصولش کمتر از آن است که از راههای دیگر قابل حصول است.<sup>۱</sup>

به بیان های، کارگزاری، به کنش و در چارچوب بحث ا به رفتار سیاسی معطوف است که توانایی یا قابلیت یک کنشگر برای کنش آگاهانه و از این طریق، تلاش برای رسیدن به اهداف یا نیات خود تعریف می شود.<sup>۲</sup>

### ۳-۱. نظریه ساخت یابی:

از نگاه مارش و استوکر، این نظریه که نظریه آنتونی گیدنز است از اهمیت بالایی در رابطه با مسأله ساختار و کارگزار در نظریه اجتماعی و سیاسی، برخوردار می باشد. آنها معتقدند این نظریه تلاشی جهت فراتر رفتن از دوگانه انگاری ساختار و کارگزار است. گیدنز مفهومی از دوگانه انگاری را مبتنی بر اینکه ساختار و کارگزار دوروی یک سکه اند، بر مفهومی مبنی بر اینکه ساختار و کارگزار ارتباط بیرونی دارند (دو سکه مجزا که بعضاً با یکدیگر برخورد دارند)، ترجیح می دهد. او تلاش نموده تا از طریق توسعه فهمی دیالتیکی از رابطه میان ساختار و کارگزار به این امر برسد. این تلاش در دو مفهوم محوری گیدنز یعنی «ساخت یابی» و «دوگانگی ساختار» انعکاس یافته است. گیدنز با ارائه مفهوم ساخت یابی، ایده وابستگی متقابل و ارتباط درونی را مطرح می سازد. مارش و استوکر برآنند همانطور که لیدر بیان کرده، «در نظریه گیدنز، ساختار به معنایی مشابه به آنچه در رهیافت های متعارف است نمی باشد.» در واقع، هیچگاه بین مفاهیمی که گیدنز به کار می برد، دوگانه انگاری وجود نداشته است. در واقع، دوگانه انگاری از قبل موجود بین ساختار و کارگزار (آنگونه که به طور متعارف تعریف شده اند)، صرفاً جابه جا شده است. آنها بیان می کنند که مفهوم نظام نقش برجسته و مهمی در نظریه ساخت یابی ندارد و در نتیجه گیدنز به سوی «تبیینی از درون» از ساختار (نظام) و کارگزار کشیده می شود. کار اساسی گیدنز یقیناً منعکس کننده بافت غنی کنش (متقابل) اجتماعی است می شود. اما تشخیص اهمیت محوری مسأله ساختار کارگزار و لزوم فراتر رفتن

---

۱- دانیل لیتل، همان صفحات ۱۳-۷۹

۲- کالین های، همان ص ۱۶۰.

از دوگانه انگاری بین این دو اصطلاح، نماینگر یک توسعه نظری اساسی می‌باشد.<sup>۱</sup>

#### ۴-۱. واقع گرایی انتقادی:

مارش و استوکر برآنند که واقع گرایی انتقادی تلاشی دیگر در جهت غلبه بر دوگانه انگاری ساختار و کارگزار را که مبتنی بر فهم دیالتیکی رابطه ایندو است، می‌توان در اثر روی سبکار: و در رهیافت رابطه‌ای راهبردی مرتبط با آن که بوسیله باب جسوپ شرح و بسط پیدا کرده، یافت. به رغم مشابهت‌های آشکار با نظریه ساخت یابی، واقع گرایان انتقادی از نقطه آغازی ساختارگرایانه‌تر به دوگانه انگاری ساختار و کارگزار نزدیک می‌شوند، یعنی وجود لایه‌های ساختار را مطرح می‌کنند که تعیین کننده کارگزار است و سلسله راهبردهای بالقوه‌ای را که ممکن است به وسیله کارگزاران (چه فرد و چه گروهی) در تلاش جهت تحقق نیاتشان به کار رود، مشخص می‌سازد. بدین معنا، واقع گرایی انتقادی تبیینی از خارج یا ساختار محور، از رابطه میان ساختار و کارگزار می‌باشد. با این همه، این دیدگاه دیالتیکی ساختار و کارگزار بدون شباهت به دیدگاه گیدنز نیست.<sup>۲</sup>

در شرح و بسط این فهم دیالتیک مارش و استوکر از رابطه درونی میان ساختار و کارگزار، واقع گرایان انتقادی کاربرد ارتدوکس اصطلاحات «ساختار» و «کارگزار» را حفظ کرده اند. با انجام این کار، آنها مفهومی از دیالتیک را شرح و بسط داده‌اند که تا اندازه‌ای متفاوت از مفهوم گیدنز است. بنابراین در حالیکه گیدنز ساختار و کارگزار را به مثابه دو روی یک سکه می‌نگرد که در یک زمان تنها به یک روی آن می‌توان نگرست (امکان نگرستن همزمان به دو روی سکه وجود ندارد) اما واقع گرایان انتقادی ترجیح می‌دهند ساختار و کارگزار را به مثابه دو فلز درون یک آلیاژ بنگرند که سکه از آن تهیه شده است. از این رو ساختار و کارگزار، اگرچه به لحاظ نظری تفکیک پذیرند، در عمل کاملاً درهم تنیده هستند (ما نمی‌توانیم با نگاه کردن به سکه، فلزهای موجود در آن آلیاژ را بنگریم، بلکه می‌توانیم حاصل آمیختگی شان را ببینیم) ویژگیهای آن سکه (جامعه) نه تنها از مجموعه فلزهای سازنده‌اش

۱- مارش و استوکر؛ پیشین صص ۳۱۸-۳۱۴.

۲- مارش و استوکر؛ پیشین ص ۳۱۸.

(ساختار و کارگزار) بلکه از تعادل شیمیایی پیچیده شان نیز ناشی می‌شود. مقدمات منطقی یا پیش فرضهای واقع‌گرایی انتقادی یا هستی‌شناسی رابطه‌ای راهبردی را می‌توان به شکل زیر خلاصه نمود:<sup>۱</sup>

هر کارگزار انسانی، تنها در رابطه با محیط‌های از پیش شکل گرفته و عمیقاً ساختمند شده، معنا می‌یابد.

چنین محیط‌هایی با تعیین سلسله شایستگی‌های بالقوه و پیامدهای مستقیم کنشها به طور همزمان محدود کننده و توانایی بخش کنشگرانی (چه فردی و چه گروهی) هستند که در آنها ساکن اند.

اینکه چه چیزی سازنده ساختار است، کاملاً به دیدگاه ما بستگی دارد. برای نمونه، کنش دیگران (مثلاً یک گروه از مردم) نمایانگر ساختار از نظر فردی است که عضو آن گروه از مردم نیست. این مفهومی ذاتاً رابطه‌ای از ساختار است.

ساختارها بطور مستقیم نتایج را تعیین نمی‌کنند، بلکه صرفاً دامنه بالقوه انتخاب‌ها و راهبردها را مشخص می‌سازند. چون کنشگران تنها شناختی جزئی از چنین ساختارهایی دارند، از اینرو آنان فقط دسترسی جزئی به این دامنه فرضی راهبردها دارند.

محیط‌های کنش می‌تواند برحسب سلسله مراتب لایه‌ای سطوح ساختارهایی، که به شیوه‌های پیچیده‌ای تعامل دارند تا محدود نمایند و آن زمینه‌ای را تعیین کنند که درون آن کارگزاری نمایان می‌گردد، تصویر شود.

کنش راهبردی عبارتست از تعامل دیالکتیک کنشگران صاحب اراده و آگاه، ولی در عین حال محاط شده توسط ساختار و زمینه‌های از پیش شکل گرفته‌ای (ساختارمند شده) که آنها در آن ساکن اند. مارش و استوکر برآنند که چارچوب واقع‌گرایی انتقادی، مانند نظریه ساخت‌یابی گیدنز، بر اهمیت پیامدهای (خواسته و ناخواسته) کارگزاری و تاثیر آثار و نتایج کنش راهبردی بر زمینه‌های ساختمند شده‌ای که آن کنش باید در آن واقع شود تاکید می‌ورزند.

---

۱- همان، صص ۳۲۰ - ۳۱۹.

## ۵-۱. رأی ماستریخت:

کسب موقعیت برتر؛ مارش و استوکر، این بحث‌ها نشان دهنده امتیازهای نظری رهیافت دیالتیک در مقایسه با مسأله ساختار و کارگزار می‌دانند. یعنی دیدگاه واقع‌گرایی انتقادی یا راهبردی رابطه‌ای را مطرح می‌کنند، و نشان می‌دهیم چگونه ممکن است آن را برای فهم فرایند تصویب پیمان ماستریخت در پارلمان بریتانیا بکار بست. در ۲۲ ژوئیه ۱۹۳۹، مجلس عوام انگلستان با ۳۲۴ رای مخالف در مقابل ۳۱۶ رأی موافق و به رغم حمایت نه عضو اتحادیه کارگری اولستر پیمان ماستریخت را رد کرد. تعداد ۲۳ نماینده مجلس از حزب محافظه کار بر علیه این پیمان رأی دادند و در نتیجه دولت جان میجر نتوانست این پیمان را به تصویب مجلس انگلستان برساند. جان میجر حرکتی فوری را برای روز بعد در نظر گرفت و طی آن بنحوی استراتژیک رأی اعتماد به دولت خود را با تصویب آن پیمان، درهم آمیخت. مجلس عوام به دولت میجر رأی اعتماد داد و دولت به طور ضمنی موفق به تصویب پیمان ماستریخت شد. اصلاحیه پیشین حزب کارگر به نفع بخش اجتماعی معاهده (که دولت را در میان چیزهای دیگر، به حداقل دستمزد متعهد نموده بود) تنها با رأی تعیین کننده رئیس مجلس بتی بوتروید شکست خورد.<sup>۱</sup>

زمینه‌یابی کارگزار: در نسبت دادن علیت سیاسی ضرورت دارد که کنش اجتماعی و سیاسی درون زمینه‌ای که در آن رخ می‌دهد، قرار داده شود. باید دائماً از خود پرسیده شود چگونه فرایندها خارج از حوادث مورد مطالعه بر زمینه و راهبردها، اراده‌ها و کنشهای کارگزاری که مستقیماً درگیر آن هستند، تأثیر دارند.<sup>۲</sup>

## ۶-۱. گزینش راهبردی ساختار:

مارش و استوکر در نتیجه‌گیری بر آنند که ساختارها هم محدود کننده‌اند و هم توانایی بخش؛ بدین ترتیب که آنها سلسله‌ای از فرصت‌ها و راهبردهای بالقوه‌ای را که در دسترس کنشگران هستند مشخص می‌کنند. توصیف ساختارهایی که ابتدائاً تشخیص داده شده به عنوان

---

۱- همان، صص ۳۲۳ - ۳۲۲.

۲- همان، ص ۳۲۷.

منابع (مسیر سازنده کنش) و یا محدودیتها (محدود کننده فرصت‌ها برای کنش)، به «انتزاع دیدگاه مسلط» بستگی دارد. و مثال می‌زنند، از منظر شخصی که می‌خواهد دارائی‌اش را حفظ کند، سگ محافظ هرچند گاز می‌گیرد، یک منبع است اما از منظر سارق بی‌خبر، یک محدودیت است! بنابراین ساختارها، تحمیل کننده گزینش راهبردی‌اند. آنها منابع و فرصت‌هایی برای قدرتمند فراهم می‌آورند. در حالی که هم‌زمان با آن، ضعیف و زیردست را محدود می‌کنند. بنا بر مسأله ساختار و کارگزار، مسأله قدرت سیاسی است، یعنی مسأله کسی است که موقعیت برتر را دارا می‌باشد.<sup>۱</sup>

## جمع بندی

بیان شد که مواضع متمایز از قبیل ساختارگرایی، اراده‌گرایی، نظریه ساخت‌یابی و واقع‌گرایی انتقادی، از تصورات ساختار/ کارگزار در تبیین‌های سیاسی وجود دارد. دیدگاه ساختارگرایی در رابطه با ساختار/ کارگزار برتری را به ساختار می‌دهد و ساختار را اساسا به معنای بستر و معطوف به زمینه‌ای است که رویدادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی در چارچوب آن شکل می‌گیرد و حتی نهادها، اعمال، امور روزمره و آداب و رسوم، در طول زمان، نوعی نظم یا ساختار پیدا می‌کند. دیدگاه اراده‌گرایی، برخلاف ساختارگرایی تبیینی از داخل است که بر نهادهای اجتماعی کارگزار انسانی و بافت غنی تعامل اجتماعی و سیاسی تمرکز دارد. برای فهم نتایج سیاسی باید صرفا انگیزه و اراده‌های کنشگران را ملاحظه کرد و از نگاه دانیل لیتل، مدلی از تبیین است که بر حیات جمعی متکی است یعنی طرحهای اجتماعی را حاصل جمع افعال سنجیده و عاقلانه می‌داند. در نظریه ساخت‌یابی، تلاش گیدنز بر این است که از طریق توسعه فهمی دیالتیکی از رابطه میان ساختار/ کارگزار، وابستگی متقابل و ارتباط درونی این دو را به هم مطرح سازد. در واقع‌گرایی انتقادی؛ ساختار/ کارگزار در این دیدگاه شباهت به دیدگاه دیالتیکی گیدنز دارد و برخلاف گیدنز که ساختار و کارگزار را دو روی یک سکه می‌دانست، ترجیح می‌دهند ساختار و کارگزار را به مثابه دو فلز درون یک آلیاژ بنگرند که سکه از آن تهیه شده است. از این رو ساختار/ کارگزار اگرچه به لحاظ نظری تفکیک پذیرند، در عمل کاملا درهم تنیده هستند. از آنچه گذشت رابطه تعامل ساختار/ کارگزار روشن شد اما استفاده ما از این چارچوب در این پژوهش این است که برای تبیین رویکرد اسلام به تروریسم، لازم است زمینه‌ها و عواملی را نشان دهیم که باعث پیدایش ساختاری می‌شود که نقش رهبران در تأثیرگذاری نیروی انسانی در تعامل با این ساختار موجب شکل‌گیری پدیده تروریسم می‌شود. به دیگر سخن در شکل‌گیری پدیده تروریسم نه می‌توان صرفا به نقش و جایگاه ساختارها و زمینه‌های شکل‌گیری آنها توجه کرد و نه در برابر آنها به نقش و جایگاه اراده عاملان و کنشگران این پدیده. بر اساس نظریه ساختار/ کارگزار، در پیدایش تروریسم، ساختارها و کنشگران به مثابه دو روی یک سکه عمل می‌کنند و در واقع

درهم تنیده می‌باشند. از این رو، هرگونه بحثی درباره تروریسم مستلزم توجه توأمان به این دو است و به دیگر سخن، کنشگران و عاملان انسانی تروریسم در شرایط و زمینه‌های خاصی به چنین کنشی دست می‌زنند. بنابراین قبل از توضیح کنش آنان، مروری بر زمینه‌ها و شرایط ساختاری پدیده تروریسم ضروری به نظر می‌رسد.

فصل دوم:

# تروریسم

## ۱. مفهوم تروریسم

تروریسم «Terrorism» از ریشه لاتینی «Terror» به معنای ترس و وحشت گرفته شده است به رفتار و اعمال فرد یا گروهی اطلاق می‌شود که از راه ایجاد ترس و وحشت و به کار بستن زور می‌خواهد به هدفهای سیاسی خود برسد. همچنین کارهای خشنونت آمیز و غیر قانونی حکومتها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آنان نیز در ردیف تروریسم قرار دارد که از آن به تروریسم دولتی یاد می‌شود<sup>۱</sup> و به اعمال تروریستی که به منظور تأمین مقاصد سیاسی در سطح بین الملل انجام می‌شود تروریسم بین المللی اطلاق می‌گردد.<sup>۲</sup> اما چون تعریف های زیادی از تروریسم به عمل آمده و هنوز تعریف جامعی وجود ندارد که تروریسم را پوشش بدهد به برخی خصوصیات مشترک آن اشاره می‌کنیم و از به آوردن تعاریف متعدد آن صرف نظر می‌کنیم.

## ۲. شاخصه‌های تروریسم

الکس اشمید «Alexp. Schmid» در اثر خود بنام «راهنمای تحقیق درباره مفاهیم، نظریه‌ها، اطلاعات پایه و تألیفات در باب تروریسم» در این کتاب بیش از صد تعریف از تروریسم گردآوری شده است در مجموع به عناصری مشترک در تعاریف رسیده است که عبارتند از: «خشنونت، جنبه سیاسی پدیده، وحشت و ترس»<sup>۳</sup> این شاخصه‌ها را به اختصار

۱- حسن علیزاده، پیشین، ص ۲۷۴.

۲- محمود طلوعی، پیشین، ص ۳۵۶.

۳- محمد علی اردبیلی، مفهوم تروریسم، در «تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل» (مجموعه

توضیح می‌دهیم.

### ۲-۱. خشونت

عمومی‌ترین ویژگی تروریسم خشونت یا تهدید به خشونت می‌باشد برخی قید غیرعادی یا غیر قانونی را به خشونت اضافه کرده‌اند اما شاخصه اصلی خشونت است.<sup>۱</sup> اشمید، قائل به تفاوت بین اقدامات خشونت آمیز و اقدامات تروریستی است و می‌گوید: هر اقدام تروریستی نوعی اقدام خشونت آمیز نیز می‌باشد اما هر اقدام خشونت آمیز اقدامی تروریستی نیست. اقدام خشونت آمیز دو وجهی است؛ قاتل و مقتول یا ضارب و مجروح، در حالی که اقدام تروریستی یک وجه آن انجام «خشونت و تهدید» و وجه دوم آن «انتقال پیام خشونت» و وجه سوم آن «احساس وحشت جدی» می‌باشد از نظر اشمید بین هدف خشونت و هدف ترور و بین قربانی و حریف تفاوت وجود دارد در یک قتل تروریستی قربانی به راحتی می‌تواند تغییر کند چرا که هدف غایی تأثیر بر افکار عمومی است.<sup>۲</sup>

### ۲-۲. جنبه سیاسی پدیده

اقدام تروریستی را نمی‌توان اقدامی جدا از بعضی تمهیدات و زمینه‌سازیهایی اولیه تصور کرد. بنابراین بین این قبیل اقدامات و رفتار دیوانه‌ای که بدون ملاحظه افراد، به روی آنها آتش می‌گشاید باید فرق گذاشت و تروریسم ممکن است اقدامی فردی یا جمعی و سازمان یافته با عزم پیشین و یا طرح معین، در جهت تأمین قصد خاص متجلی شود؛ مثلاً در جهت تأثیر بر نظام سیاسی یا نظام بین‌المللی و غیره طراحی شود.

### ۲-۳. وحشت و ترس

در بیان مفهوم ترور اشاره شد، ترور به معنی ترس و وحشت است و تروریسم از طریق ایجاد ارعاب و وحشت صورت می‌گیرد اغلب صرف کشتن قربانیان ملاک نیست و ممکن

---

مقالات و سخنرانی‌ها همایش پنجم و ششم دیماه ۱۳۸۰ تهران: روزنامه رسمی دانشکده علوم قضایی، ۱۳۸۱ ص ۱۱۹.

۱- سیامک ره پیک، تحلیل تروریسم در نسیت مفهومی امنیت و منافع ملی، (مجموعه مقالات) همان ص ۲۲۱.

۲- علی عبدالله خانی، تروریسم شناسی، تهران: ابرار معاصر، ۱۳۸۶ صص ۳۹-۴۰.

است بر اساس اتفاق باشد. علی عبدالله خانی ویژگیهای دیگری از قبیل؛ قبول مسئولیت، غیر قانونندی، عامل اقدام تروریستی، انگیزه و غیره نام برده است؛ صدور بیانیه پس از اقدام تروریستی یکی از ویژگیهای تروریسم است این بیانیه ضمن قبول مسئولیت اقدام ترویج کننده مواضع عقیدتی سیاسی و یا ملی تروریست ها نیز می باشد. غیر قانونی بودن از ویژگیهای بارز تروریسم است این ویژگی ابتدا حکومتها را از دایره تروریسم خارج می نماید اما در شاخصه عامل اقدام تروریستی حکومتها نیز با یک قید وارد دایره تروریسم می شوند و آن اینکه اقدامات آنان غیر قانونی می باشد اما هنوز معلوم نیست اقدامات یک حکومت علیه حکومت دیگر با کدام قانون سنجیده می شود، قوانین داخلی کشور یا حقوق بین المللی. عبدالله خانی، با اشاره به عامل اقدام تروریستی، بر آن است که بسیاری از تعاریف تروریسم، اقدامات حکومتهای قانونی را بعنوان اقدام تروریستی در نظر نمی گیرد مگر کار آنها پنهانی و در زمانی غیر از جنگ انجام شود، اقدامات جنگی اصولاً در حوزه تروریسم قرار نمی گیرد. انگیزه از اقدامات تروریستی ممکن است برای رسیدن به اهداف سیاسی یا مذهبی انجام شود و یا ممکن است برای کسب منافع شخصی صورت گیرد. اگر سارقی به بانک حمله کند و پس از کشتن رئیس بانک با مقداری پول فرار کند نمی توان او را تروریست نامید ولی اگر انگیزه همین شخص در سرقت از بانک ایجاد ترس و وحشت در مردم یا مقاصدی مانند بی اعتماد کردن مردم به بانکها و بی ثبات کردن اقتصاد باشد، این کار یک اقدام تروریستی بحساب می آید.

### ۳. زمینه های تروریسم

#### الف: زمینه های خارجی

##### مقدمه:

در این قسمت از تحقیق، زمینه های خارجی شکل گیری تروریسم را پی می گیری م. عناصری که از بیرون بر کشورهای اسلامی تأثیر می گذارند این عناصر ساختار و بستر لازم برای بروز تروریسم بوجود می آورند؛ نظم نا عادلانه کنونی جهان، ضعف قوانین بین المللی، رویکرد تناقض گونه قدرتهای غربی به حقوق بشر به همراه عوامل دیگر که نقش تسهیل کننده در شکل گیری تروریسم دارند مورد بررسی قرار می دهی م.

## ۱. نظم کنونی جهان

گفته شده اصطلاح نظم نوین را اولین بار میخائیل گورباچف (آخرین نخست وزیر شوروی) در نطقش در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۸ م. به کار برد اما پس از اینکه جرج بوش پدر (رئیس جمهور اسبق آمریکا) در سال ۱۹۹۱ م در سخنرانی خود خطاب به کنگره، از عبارت «نظم نوین جهانی» استفاده کرد این اصطلاح بر سر زبانها افتاد. یک نگرش، نظم نوین را نقشه آمریکا برای اداره جهان پس از فروپاشی شوروی می‌داند که آمریکا تلاش می‌کند تا دیگر کشورهای قدرتمند را در حد بازیگران درجه دوم وارد صحنه بین‌المللی نماید و برخی تحلیل‌گران بر تمرکز قدرت در صحنه بین‌المللی و وجود مراکز متعدد قدرت (آمریکا، اروپا، چین، ژاپن، روسیه و کشورهای در حال توسعه) تاکید می‌کنند.<sup>۱</sup> به هر حال نقش آمریکا در نظم کنونی جهان بسیار برجسته و آشکار است و ایالات متحده این توانایی را در خود داشته که هم پیمانانش را به دنبال خود بکشاند و در جهت منافع خود از آنها استفاده کند.

دموکراسی غرب نطفه استعمار و استثمار را در خود دارد. با نضج تمدن صنعتی غرب که آن خود در گرو شیوه استعماری بوده است به برتری سفیدهای اروپا و آمریکای شمالی بر دیگر مردم جهان قائل است و تنها دسته اول را لایق دموکراسی، و دیگران را محتاج ارشاد و تادیب که خود این ارشاد، نیت استعمار را با خود نهفته می‌داشت. تا جنگ جهانی دوم، کانون دموکراسی غرب که اروپا باشد، دنیا را به چشم یک مستعمره می‌دید و این استعمار از هیچ نوع اعمال خشونت و ظلم در سرزمین‌های مستعمره و نیمه آزاد، خودداری نمی‌کرد (جنگ تریاک در چین و ...). بعد از جنگ جهانی دوم، استعمار به شیوه قدیم دیگر جای ماندن نداشت و با آرایشی دیگر و لباسی نو از در دیگر به نام استعمار نو وارد شد. این استعمار نو، حضورش در شئون مختلف و در هیبت‌های مختلف عرض اندام می‌کرد: به صورت داد و ستد نامتوازن، قرارداد تحمیلی، فروش اسلحه، ایجاد صنایع مونتاژ، فرهنگ صادراتی، آموزش ناهنجار، پشتیبانی از عوامل فساد و ده‌ها رنگ و طرز دیگر. استعمار قدیم به فرهنگ بومی و

۱- طاهره اخوان، نظم نوین جهانی. <http://www.pajoohe.com>

سرزمین تحت اشغال کار چندانی نداشت اما اکنون با حمله به فرهنگ، در پی تداوم استیلای خود تلاش می‌کند. غریبها یک مرزبندی انجام دادند و مردم دنیا را به انسانهای درجه یک و درجه دو، تقسیم کردند، آنها در قوانین خود حقوق و دموکراسی برای انسان قائل بودند، اما این کار با ضد حقوق و دموکراسی برای انسانهای دیگر همراه شد. تمدن غرب بنیاد خود را بر تولید و مصرف گذاشته است و چون رسیدن به مقصود از طریق درآمد امکان پذیر است، تحصیل پول از هر راه ممکن مورد توجه می‌باشد. اگر سیل مواد خام کشورهای مسلمان و دیگر کشورها توسعه نیافته به سوی اروپا و آمریکا سرازیر نمی‌شد بازگشت کالای صنعتی برای فروش به این سرزمین‌ها و متعاقب آن رونق اقتصادی غرب در پی نمی‌داشت. رونق اقتصادی غرب وابسته به استعمار خارج و مصرف پرستی داخل شکل گرفته است. در نتیجه گرایش‌های حسی و غریزی در غرب کفه معنویت بسیار پایین آمده و توقعات غریزی روز به روز بیشتر شده و به عناوین مختلف خود را نشان می‌داد. از همین رو واکنش‌هایی در جامعه غرب در قالب اعتراض، بخصوص در جوانها بصورت ذهن کجی اجتماعی و فرهنگی و نفی ارزشهای مستقر و خشونت‌هایی چون آدم ربائی سیاسی، خرابکاری و غیره که نشانه آشکار از انزجار نسبت به نظم موجود تمدن غرب است.<sup>۱</sup>

دیگر اینکه واکنش خشونت آمیز دنیای غیر غرب و بخصوص کشورهای مسلمان در برابر سلطه طلبی غرب است. اگرچه قدرتهای غربی از حوادث تروریستی به نفع خود بهره برداری می‌کنند اما همین وضعیت سلطه آمیز زمینه‌ای برای ادامه عملیات تروریستی می‌شود. براساس نظریه استیلای مجدد، حادثه ۱۱ سپتامبر اینطور رخ می‌نمایاند که کشور آمریکا در دوران پس از فروپاشی شوروی با نوعی بحران توجیه مواجه شد. فروپاشی کمونیسم باعث گردید تا تعارض‌های ایدئولوژیک پیشین به متن جامعه آمریکا کشیده شده و از توان بسیج دولت تا حد زیادی کاسته شود. اما استفاده مناسب دولت بوش از شرایط فراهم آمده باعث شد تا دولت ضعیف وی، به مقتدرترین دولت پس از روزولت تبدیل شود. بوش در پناه فضای بوجود آمده موفق شد تا: در ذهنیت شهروندان، نهادهای بین‌المللی و کشورهای خارجی،

---

۱- محمد علی اسلامی ندوشن، ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم، تهران: توس ۱۳۵۷ صص ۱۹۵-۱۹۲.

تروریسم را بطور موفقیت آمیز جایگزین کمونیسم نموده و بدین ترتیب توانایی سمبلیک، نفوذ خود را افزایش دهد. مشروعیت حضور نیروهای آمریکایی در مناطق حساس دنیا را فراهم آورد. پایگاههای جدید را در خاورمیانه، آسیای مرکزی، افغانستان و قفقاز تاسیس نماید. تعقیب دشمن مجهول باعث شد همه کشورها ضمن ابراز همدردی با مردم و دولت آمریکا خود را در معرض تهدید تروریسم احساس کنند و به یمن حادثه ۱۱ سپتامبر استیلای آمریکا بر مناطق حساس دنیای پس از شوروی تضمین شود.<sup>۱</sup>

جا افتادن دشمن مجهول با استفاده از حادثه ۱۱ سپتامبر موجب کسب موفقیت‌هایی شد و از این طریق آمریکاییها توانستند با بسیج داخلی، کسب رضایت کنگره، حل معضل مشروعیت انتخابات، تاسیس پایگاههای نظامی در آسیای مرکزی و قفقاز، تجهیز پایگاههای خاورمیانه‌ای، ذخیره حق و امتیاز ویژه در معادلات آتی عراق و ایجاد وهم و تردید در سیاستگذاری سایر کشورهای مخالف نظم نوین جهانی، فقط نمونه‌های عینی و فعلی آن سیاست است. آمریکاییها برای تحصیل یکایک این امتیازها باید هزینه فکری؛ اقتصادی زیادی می‌کردند اما حادثه ۱۱ سپتامبر باعث تعمیق نظم نوین و رخنه آمریکا در مناطقی شد که در شرایط عادی به سادگی میسر نبود. با همراهی کشورهایمانند روسیه به موجب اخذ چراغ سبز در مورد استمهال بدهی ۱۶۰ میلیارد دلاری خود و همچنین سرکوب چچن‌ها، این موفقیت را در ظاهر به دست آورد. فرانسوی‌ها پس از ملاحظه انفجار نفتکش خود در حوالی یمن موضع‌گیری آمریکا را پذیرفتند، بقیه کشورهای آسیایی و اروپایی نیز منافع ملی خود را در گرو همسویی با آمریکا دیدند.<sup>۲</sup>

آمریکا با این فضا سازی سعی در تحت فشار قرار دادن کشورهای مسلمان همچون ایران، سوریه و عراق، عربستان سعودی و افغانستان داشت اما در مقابل این کشورها می‌بینند که غربیها و آمریکا، اسرائیل را تجهیز می‌کنند و این حق به آنها داده نمی‌شود از فلسطینیها دفاع

---

۱- نصری، قدیر نصری، حادثه ۱۱ سپتامبر: نظریه‌ها و تفاسیر: *نشریه مطالعات راهبردی*: ۱۸ و ۱۷ صص ۲۳-۱۷  
۱۳۸۸/۸/۱۴

<http://192.168.218.60/namamatn/show page.aspx? Id =13702203 & auth = 0& 8/22/2009>

۲- همان، صص ۲۳-۲۲.

کنند و جنایات اسرائیل را محکوم کنند. نظم کنونی جهان، بر اساس اعمال زور استوار است. اقبال صادقی Iqbal siddiqi، بر آن است که نظم کنونی بر قانون جنگل و این ایده که قدرت حق است بنا شده است. اما قدرت با خود مسئولیت می‌آورد و قدرت در کنار اخلاقیات مطلوب است و این مایه تاسف است که تاریخ جهان بر پایه تداوم بی‌عدالتی و ظلم از طریق زور بنا شده است. از صلح طلبی بعنوان سلاح وضع موجود برای خنثی کردن و بی‌اعتبار کردن دشمنان استفاده می‌شود اما وقتی جنبشهای استقلال طلب در جهان از زور و خشونت استفاده می‌کنند اینجا پای اخلاق به میان می‌آید. برای مبارزه با تروریسم باید آنرا تشخیص دهیم و آنرا محکوم کنیم و از هر گونه هم‌فکری با آنها پرهیز شود و باید راه‌های سیاسی - اجتماعی مشکلات آنها پیدا شود وگرنه همه اخلاقیات، تقوا و احساسات مذاهب در جهان و همه زحمات مردم خوب در جهان نمی‌تواند از اسباب اتفاق آن در آینده جلوگیری کند. این حقیقت جهانی است که ما در آن زندگی می‌کنیم.<sup>۱</sup>

برخی صاحب نظران (سیدنی شپیپتون sidng shipton) برای امنیت در جهان کنونی دیالوگ بین الادیانی را مهم می‌دانند، مفهوم مخالف این مسأله این است که عدم دیالوگ می‌تواند زمینه بروز تروریسم را ایجاد کند. وی معتقد است اگر مردم با یکدیگر صحبت کنند و سعی در فهم نقطه نظر دیگری اگرچه مخالف نظر او باشد، نظری که الزاما موافق آن نیست، متضمن رشد اجتماعی ادیان می‌شود. و این روش را تلاشی برای روشن کردن استیلاي تعصب و سوء تفاهم می‌داند.<sup>۲</sup>

پیرو تغییرات عمده‌ای که پس از جنگ دوم جهانی و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و با تک قطبی شدن جهان و یکه تازی ایلات متحده در عرصه نظام بین الملل، ساز و کارهای جدیدی برای توصیف این وضعیت وجود دارد که به اعتقاد دیوید - پترسون/ ادوارداس - هرمان، مولفه‌های جدیدی ظهور می‌کند که همگی بر اساس سود و زیان تک ابرقدرت جهان و هواداران آن، می‌باشد. آنها در مقاله‌ای نهادینه شدن نظام قدرتی که عدالت در آن مفهومی واهی

---

2-Bashir, Hassan Terrorism Definition. Roots and solutions, published by: Book Extra, Great-Britain 2003 p.54.  
2- Ibid, pp, 42-49.

است و فساد در آن پنهان شده است را در قالب چند مولفه نمایانگر می‌شوند:<sup>۱</sup>

### ۱-۱. مؤلفه های نظم جهانی

#### ۱-۱-۱. حق سلطه جویی و تهاجم:

دیوید و ادوارد معتقدند ایالات متحده از حقوق اولیه سلطه جویی برخوردار است. و منشور سازمان ملل مبنی بر منع «بزرگترین جرم بین المللی» را نقض کرده است (ویتنام، افغانستان و عراق و ...)

#### ۱-۱-۲. حقوق تروریستی (حق کشتن افراد با تهمت واهی تروریست):

آنها معتقدند این حقوق به موازات حق تهاجم است، چرا که مرز میان تروریسم و تهاجم، مبهم و بسته به معیارهاست. در هر دو حالت، اعمال آمریکا در بمبارانها و کشتارهایش هیچ گاه با کلمات زشت نام گذاری نشده‌اند. در حمله به عراق طرحی تروریستی داشت، برای ارباب پرسنل نظامی و غیر نظامیان طرح ریزی شده بود، آنها موضع غرب را در قبال مسلمانان موضعی سیاسی می‌دانند، به نظر غربیها، اسرائیل به تروریستها تنها پاسخ می‌دهد و حملات تلافی جویانه انجام می‌دهد، در مقدمه قطنامه ۹۵۱ مجلس نمایندگان، در حالی که نیروهای اسرائیل به اردوگاههای پناهندگان فلسطینی در غزه یورش می‌بردند اعلام می‌شد که «عملیات نظامی اسرائیل در غزه تنها حماس و گروه های تروریستی دیگر را مورد حمله قرار می‌دهد صدمات به غیر نظامیان ابداً مرادف هدف‌گیری تعمدی غیر نظامیان آنگونه که حماس و دیگر گروه‌های تروریستی غزه انجام می‌دهند، نیست». دیوید و ادوارد این اظهارات را صراحتاً مدافعه‌ای استدلالی می‌دانند تروریسم دولتی اسرائیل، چون رهبران اسرائیل از ابابان تا آریل شارون و ایهود اولمرت نخست وزیر کنونی، صراحتاً قصد ترور غیر نظامیان فلسطینی را تصریح می‌کند؛

#### ۱-۱-۳. حق تصفیه نژادی:

تصفیه نژادی در نظر عرب زشت و قابل سرزنش است اما وقتی فلسطینیان از

---

۱- دیوید پترسون/ادوارد داس. هرمان، مؤلفه های نظم نوین جهان امپریالیستی، سایت باشگاه اندیشه، ارسال ۸۸/۵/۱۷

[http:// www. bashgah.net/pages-34724.html](http://www.bashgah.net/pages-34724.html).

خانه‌هایشان اخراج می‌شوند، گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین و گرفتن اورشلیم از فلسطینیان و در حالی که قربانیان انسانهایی پست و شریک تصور شده‌اند، اسرائیل مورد ستایش قرار می‌گیرد؛

#### ۴-۱-۱. حق سرنگون سازی:

به موازات حق سلطه جویی که ایالات متحده از آن برخوردار است، می‌توان به حق این کشور در دخالت در امور داخلی سرنگونی هر حکومت مذهبی اشاره کرد. به عنوان مثال (دخالت در ایران و سرنگونی دولت مصدق در سال ۱۹۵۳ و دخالت‌های دیگر آمریکا در یونان و دیگر کشورها) و بعد از جنگ سرد، اعلان «جنگ علیه ترور» که بعداً خواهد آمد؛

#### ۵-۱-۱. حق اعمال تحریم:

قدرت سلطه گر این حق را به خود می‌دهد تا تحریم‌هایی را (معمولاً با همکاری جامعه جهانی) علیه هدفی اعمال کند تا موجب رنج مردم و بی‌اعتباری رهبران آن شود. جماهیر شوروی، کوبای کاسترو، ویتنام در خلال سالهای ۱۹۷۵-۱۹۹۴، نیکاراگوئه در زمان ساندنیست‌ها (انقلابیون سویالیست)، ایران پس از سقوط شاه در سال ۱۹۷۹ لیبی و عراق پس از تجاوز به کویت در آگوست ۱۹۹۰، افغانستان در زمان طالبان. همگی تحت تحریم‌های ایالات متحده قرار گرفتند، اما به اسرائیل حمله نمی‌شود و مورد تحریم هم قرار نمی‌گیرد؛

#### ۶-۱-۱. عدم ایستادگی در برابر تهاجم:

در تضاد آشکار حکومت‌های غربی، هیچ حقی به فلسطینیان برای ایستادگی در برابر حملات اسرائیل نداده‌اند و این عمل شکل غیرقابل پذیرش از تروریسم است و نه مقاومتی مشروع. حمله اسرائیل به لبنان در سالهای ۱۹۸۲ و ۲۰۰۶ و حمله آمریکا و همدستانش به یوگسلاوی، افغانستان و عراق طی سالهای گذشته، نه تنها هیچ حقی برای مقاومت ندارند، بلکه مقاومت آنها انگ فعالیت‌های تروریستی خواهد خورد؛

#### ۷-۱-۱. عدم حق دفاع از خود:

نام ایران در لیست جدید کشورهای مورد حمله آمریکا به چشم می‌خورد. ایران اگرچه از هر طرف با نیروهای نظامی آمریکا محاصره شده و شدیداً مورد تهدید آمریکا و اسرائیل

قرار دارد، اما هیچ حقی برای دفاع از خود ندارد. با فشار آمریکا، شورای امنیت چهار دوره تحریم بر برنامه هسته‌ای ایران اعمال کرد در حالی که هیچ کارشناسی تاکنون نتوانسته مدعی تولید کامل سلاح‌های هسته‌ای در ایران شود و ایران هیچ حقی در دفاع از خود ندارد؛

#### ۸-۱-۱. عدم حق دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای:

آمریکا و هم پیمانانش و دیگر دول قدرتمند همگی از حق داشتن سلاح‌های هسته‌ای برخوردارند با کشورهای دیگری که مورد پسند آمریکا باشند (اسرائیل، هند، پاکستان) اما ایران و کره شمالی هیچ حقی ندارند.

بر اساس مؤلفه‌های فوق، حق سلطه‌جویی و تهاجم، حق کشتن افراد با تهمت تروریست، حق تصفیه نژادی، حق سرنگون سازی مخالفین، حق اعمال تحریم، عدم حق ایستادگی در برابر تهاجم برای مخالفین، عدم حق دفاع مخالفین، حق داشتن سلاح هسته‌ای و موارد دیگر از این قبیل، چهره غرب را از نظر دولتهای اسلامی زیر سوال برده است و نارضایتی از چنین اقداماتی زمینه تقابل و خشونت را فراهم کرده است.

مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه ۷۱/۱/۸ بیان می‌کند که این نظام نوینی که آمریکائوها می‌گویند این است، کاری کنند که همه دنیا آن طور که آنها می‌خواهند، فکر کنند و حقایق را وارونه بفهمند.<sup>۱</sup> وقتی نظم کنونی جهان این چنین باشد و مسلمانان و غیره حقوق خود را پایمال شده ببینند قطعاً برخی در مقابل این زورگویی‌ها خواهند ایستاد و این زورگویی‌ها زمینه بروز تروریسم و گروه‌های رادیکال را فراهم می‌کند.

#### ۲-۱. فقر و نابرابری:

نگاهی به وضعیت کنونی جهان نشان می‌دهد که ما از یک سو شاهد پدید آمدن گروهی از شاخص‌های مثبت در تغییر جهان هستیم که خود را در بهبود وضعیت بهداشتی و آموزشی در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهند. ولی از سویی دیگر هنوز هم با پدیده‌های فقر و نابرابری به صورتی گسترده روبرویم. فقر و نابرابری امروز نه فقط در جهان

---

۱- اصغر جوانی، *مفهوم نظم نوین جهانی*؛ پرتال فرهنگی اطلاع رسانی نور، مجتمع دانشگاه امیرالمومنین (ع).

<http://noorportal.net/90/148/1639.aspx>

کاملاً محسوس است، بلکه گسستی میان کشورهای فقیر و ثروتمند بوجود آورده است که در تضادی آشکار با پارادیم جهانی شدن قرار دارد و خطری است که از درون، این فرایند را تهدید می‌کند. اکنون ۲۰٪ از فقیرترین مردم جهان فقط ۵٪ درصد از کل درآمد جهان را در دست دارند ۲۰٪ از ثروتمندترین مردم جهان ۷۹٪ درآمد جهان را در اختیار دارند؛ یک میلیارد نفر در جهان درآمدی زیر یک دلار در روز دارند، میزان مرگ و میر کودکان در کشورهای در حال توسعه هنوز ۱۰ برابر بیشتر از کشورهای توسعه یافته است؛ هفت میلیون نفر در سال به دلیل بیماری‌های قابل علاج می‌میرند و<sup>۱</sup> .... در چنین شرایطی می‌توان اطمینان داشت که فشار فقر و نابرابری در کنار مشکلات دیگر، بدبینی و نفرت از تمدن غرب را سرعت می‌بخشد.

رویداد ۱۱ سپتامبر و حوادث پس از آن اشغال کشورهای عراق و افغانستان و نیز سیاست‌های جدید برای منطقه خاورمیانه عملاً این مسأله را منعکس کرد که مهم‌ترین بعد فرایند جهانی شدن یعنی ظهور دهکده اقتصادی جهانی در نظم آتی جهان، اگرچه ناممکن، حداقل مبهم و غیرقابل تصور است. این تحولات اساسی نشان داد که بهره‌برداری از منابع انرژی اقتصادی آن مستلزم توجه به متغیر تعیین کننده ژئوپلیتیک است.

در گفتمان جدید، تهدید مرجع مشخصی ندارد و ضرورتاً از جانب واحد سیاسی دولت که دارای جایگاه معینی در سلسله مراتب قدرت جهانی است صورت نمی‌گیرد برعکس تهدید در قالب تروریسم عملکرد فرامرزی، نامشخص و یا غیرقابل پیش بینی است در چنین فضایی هیچ قدرتی از تیرس تهدیدات به دور نیست و هیچ کشوری قادر نخواهد بود با حصاربندی مرزهای ملی و تقویت بنیه دفاعی، امنیت خود را تامین کند. برخی صاحب نظران مسائل سیاسی مانند کسینجر ریشه‌های این حادثه را نه به انگیزه‌های شخصی و یا گروهی سازمان و یا فرد خاص، بلکه به روند رو به رشد نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی که اخیراً در اثر فرایند جهانی شدن شدت گرفته است، نسبت می‌دهند. در این نگرش آمریکا به عنوان موتور محرکه جهانی شدن مورد حمله قرار گرفته و ریشه‌های این گونه اقدامات را باید در

---

۱- ناصر فکوهی، در هزار توهای نظم جهانی، تهران: نشر نی ۱۳۸۴ ص ۱۳۵.

عملکرد بازماندگان حرکت سریع جهانی شدن در کشورهای توسعه نیافته جستجو کرد.<sup>۱</sup>

حوادث یازدهم سپتامبر شاید یک بار برای همیشه خواب طلایی غرب را درباره زیستن در جزایر سعادت و آرامش در میان اقیانوسی از درد و رنج، جنگ و بی‌عدالتی و بی‌رحمی، برهم زد و به آنها نشان داد که در نظام کنونی جهان که مفاهیمی چون توسعه، عدالت اجتماعی، آزادی و رفاه، جز برای اقلیتی کوچک از ساکنان زمین واقعیت ندارد و اکثریت بزرگ مردمان آن در شرایطی بی‌ثبات، بحران زده، زیر فشار فقر و فساد حکومت‌های قومی و قبیله‌ای و مافیایی، زیست می‌کنند و ناچار به تحمل دائمی خطر نیستی یا تنگدستی و بی‌خانمانی هستند، یافتن داوطلبانی برای انتحار تروریستی و برهم زدن نظام جهانی حتی در محافظت شده‌ترین نقاط آن، کار چندان سخت و ناممکنی نیست و مردمان این نقاط پس از یازدهم سپتامبر دیگر هرگز نخواهند توانست خود را از خطراتی مشابه به آنچه برای مردم «جهان سومی» و کشورهای اسلامی نوعی روزمرگی در زندگی است، مصون احساس کنند.<sup>۲</sup>

سالهاست که بیشتر صاحب نظران اجتماعی و اقتصادی از ضرورت توسعه در کشورهای در حال توسعه و کاهش فاصله وحشتناکی سخن می‌گویند که در حال حاضر کشورهای مزبور را از گروه کشورهای صنعتی ثروتمند جدا می‌کند و سالهاست که سردرمداران کشورهای توسعه یافته با بی‌اعتنایی تحقیرآمیز آشکار به موضوع توسعه می‌نگرند و آن را جزء آخرین دل‌نگرانیهای خود در نظام جهانی جای می‌دهند. کشورهای صنعتی بجای اینکه نابرابری موجود را کاهش دهند بر توانایی و پتانسیل شرکت‌های بیمه خود در جلوگیری از آثار زنجیره‌ای بحران‌ها حساب می‌کنند که حوادثی از نوع یازدهم سپتامبر نشان می‌دهند در صورتیکه حد خاصی از شدت در ضربه‌های بحرانی بگذرد، هیچ پتانسیل بیمه‌ای نیز نمی‌تواند به طور کامل تخریب اقتصادی را جبران کند. واقعیت آن است که یورش‌های تروریستی، به ویژه در اشکال جدیدشان، نظیر حملات میکروبی و اطلاعاتی، چه به شکل سازمان یافته و چه به شکل فردی به نقاط حساس و آسیب پذیر نظام اجتماعی و نظام فناورانه (نظام‌های

۱- رسول افضلی، پژوهش‌های جغرافیایی - شماره ۷۵ پاییز ۱۳۸۵، صص ۱۵۷-۱۵۶.

۲- ناصر فکوهی، پیشین ص ۱۹۹.

اطلاعاتی، شبکه‌های انرژی اتمی، شبکه‌های بهداشت و توزیع انرژی، آب، هوا و ... می‌توانند از نقاط کور نظام جهانی که کشورهای ثروتمند در آنها دست شبکه‌های مافیایی و شرکت‌های چند ملیتی و باندهای فاسد قدرت را باز گذاشته‌اند، به عنوان نقاط سازماندهی و سرچشمه‌های توانایی مالی و فناورانه خود استفاده کرده و با صدماتی جبران‌ناپذیر و هرچه پرهزینه‌تر را در سالهای آینده بر آنها وارد کنند.<sup>۱</sup>

اگر بخواهیم شاهد چنین اعمال تروریستی در آینده نباشیم، بی‌شک باید رویکرد و رفتار کشورهای صنعتی تغییر کند و ملت‌های توسعه نیافته هم به حساب آورده شوند و نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به طرز قابل قبولی کاهش یابند چرا که این نابرابریها بی ارتباط با سلطه همه جانبه غربیها نبوده است.

### ۳-۱. تعارض ارزش‌های اسلامی با غرب:

به تعبیر ساموئل هانتینگتون، جهانگرایی غربی و برخورد‌های خطرناک آتی احتمالاً از تعامل میان نخوت غربیان و تعصب مسلمانان سر بر می‌آورد. وی معتقد است که تمدن غرب بیش از تمدن دیگری بر تمام تمدن‌های دیگر تاثیر مهم و گاه مخرب داشته است. با افزایش نسبی قدرت تمدن‌های دیگر، جاذبه فرهنگ غرب رنگ می‌بازد. فروپاشی کمونیسم این دیدگاه را تقویت کرد که ایدئولوژی لیبرالیسم دموکراتیک، در جهان پیروز شده است و دارای اعتباری جهانی است. غرب و بویژه امریکا معتقدند که ملت‌های غیر غربی باید خود را با ارزش‌های غربی تطبیق بدهند، ارزش‌هایی چون دموکراسی، بازار آزاد، حکومت محدود، حقوق بشر، فردگرایی و قانونمداری. در تمدن‌های دیگر اقلیت‌هایی هستند که این ارزش‌ها را قبول دارند و از آن دفاع می‌کنند، ولی دیدگاه رایج در جوامع غیر غربی در مورد این ارزش‌ها طیف وسیعی را، از تردید گرفته تا مخالفت شدید، شکل می‌دهد. آنچه که به نظر غرب جهانگرایی است، از دیدگاه بقیه، امپریالیسم است. هانتینگتون معتقد است که چون اسلام فاقد یک کشور کانونی است، روابط تک تک مسلمانان با غرب فرق می‌کند، اما از دهه ۱۹۷۰ به بعد نوعی روند پیوسته ضد غربی در این کشورها شکل گرفته که نمودهایی به قرار زیر دارد: رشد بنیادگرایی،

۱- همان، صص ۲۰۲-۲۰۰.

انتقال قدرت در درون جهان اسلام از کشورهای طرفدار غرب به کشورهای ضد غربی، ایجاد حالت شبه جنگ میان بعضی گروه‌های اسلامی و غرب و بالاخره ضعیف شدن پیوند میان آمریکا و بعضی کشورهای مسلمان که معلول دوران جنگ سرد بود. ریشه اختلافات غرب با تمدنهای اسلامی در این پرسش اساسی نهفته است که در شکل دادن به آینده جهان نقش این تمدن در نسبت با غرب چیست؟ نظریه واقع‌گرایانه‌ای که در مورد روابط بین‌المللی وجود دارد حاکی از این است که کشورهای کانونی تمدن‌های غیر غربی برای ایجاد تعادل با قدرت مسلط غرب باید به صورت متحد و یکپارچه عمل کنند. هانتینگتون چند عامل را موجب اختلاف غرب، از جوامع دیگر ارزیابی می‌کند:

۱- حفظ برتری نظامی غرب به کمک سیاست منع گسترش، و ضد گسترش تسلیحات اتمی، بیولوژیک و شیمیایی، و ابزار پرتاب آنها.

۲- پیشبرد نهادها و ارزش‌های سیاسی غرب، با اعمال فشار به کشورهای دیگر برای احترام به حقوق بشر بر اساس تلقی غرب، و اتخاذ روش‌های دمکراتیک به شکلی که در غرب رایج است.

۳- حفظ انسجام فرهنگی، اجتماعی و حقوقی جوامع غربی از طریق محدود کردن پذیرش مهاجران و آوارگان غیر غربی. در تمام این مرحله‌ها غرب برای دفاع از منافع خود در برابر کشورهای غیر غربی، با دشواریهایی روبه‌رو بوده است و در آینده نیز مشکلاتی خواهد داشت.<sup>۱</sup>

کشورهای غیر غربی که به استقلال سیاسی رسیده‌اند و می‌خواهند خود را از زیر سلطه اقتصادی، نظامی و فرهنگی غرب آزاد کنند و کشورهای آسیایی و مسلمان به دنبال یافتن راه‌های میانبری هستند تا از لحاظ نظامی، با غرب به توازن قوا برسند. هانتینگتون بر آن است که آرمانهای جهانی تمدن و قدرت کشورهای غربی به طور نسبی در حال افول است و جسارت فرهنگی فرایندهای تمدن‌های دیگر باعث شده است که در رابطه میان غرب و بقیه،

---

۱- ساموئل پی هانتینگتون، *برخورد تمدنها و بازسازی نظم جهانی* / ترجمه محمد علی حمید رفیعی، تهران: دفتر

پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۸، صص ۲۹۵-۲۹۱

دشواریهایی بروز کند و غرب با تمدنهای چالشگر مثل تمدن اسلامی احتمالاً همواره روابطی پرتنش و غالباً بسیار خصومت آمیز خواهد داشت.<sup>۱</sup> بنابراین وقتی رویکرد غرب با این قصد باشد که خود را بر تمدنهای دیگر بخصوص تمدن اسلام تحمیل کند، در مقابل مسلمانان از خود واکنش نشان می‌دهند و با تاملی اندک می‌توان گفت که زمینه بروز تروریسم وجود دارد و این امکان هست که با استفاده از ساختارها و ظرفیت های موجود گروه های رادیکالی و افراطی شکل بگیرند و شاهد پدیده تروریسم باشیم.

#### ۴-۱. تبعیض:

به تصریح هانتینگتون، جوامع غیر غربی در اشاره به شکاف میان عقیده و عمل غربی‌ها ذره‌ای تردید نمی‌کنند. دو رویی، معیارهای دوگانه و «اما و اگر» بهای رفتار متظاهرانه جهانگرایان است. دموکراسی مورد حمایت است، البته به شرط آنکه باعث نشود بنیادگرایان اسلامی قدرت را به دست بگیرند، منع گسترش سلاح هسته‌ای در مورد ایران و عراق توصیه می‌شود، اما در مورد اسرائیل چنین نیست. آزادی مبادله کالا وسیله‌ای است برای رشد اقتصادی، البته نه در مورد محصولات کشاورزی، حقوق بشر در چین مسأله مهمی است، اما در عربستان سعودی نه، تهاجم به کویت نفت خیز به شکل گسترده‌ای دفع می‌شود، اما هجوم به بوسنی بی نفت، پاسخی در پی ندارد. معیارهای دوگانه، در عمل، بهایی است ناگزیر که برای معیارهای اصولی جهان پرداخت می‌شود.<sup>۲</sup>

تبعیض درباره منع گسترش تسلیحات از جانب غرب، موجب بدبینی مسلمانان و دیگر جوامع غیر غربی شده است. به عقیده هانتینگتون غرب به دنبال منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی است و تامین منافع همه کشورها را در نظم و ثبات بین‌المللی می‌داند، اما کشورهای دیگر، منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی را در خدمت منافع غرب و حفظ پیشگامی آن قلمداد می‌کنند. بازتاب این تلقی دو گانه را از یک سو در اصرار غرب بر منع گسترش این سلاح‌ها می‌توان مشاهده کرد، و از سویی دیگر در برخورد قدرت‌های منطقه‌ای می‌توان آن را

۱- همان ص ۲۹۳.

۲- همان.

دید که با منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مخالفند. این وضعیت به ویژه در مورد کره شمالی قابل توجه است. اما کره جنوبی توان هسته‌ای کره شمالی را با منافع منطقه‌ای خود در تضاد نمی‌دید. بسیاری از مردم کره جنوبی، بمب اتمی کره شمالی را یک بمب کره‌ای تلقی می‌کردند که می‌توانست از استقلال و منافع دو کره در برابر ژاپن و تهدیدهای بالقوه دیگر دفاع کند. هانتینگتون بر این باور بود که سیاست آمریکا، در یک فاصله زمانی از مقابله گسترش تسلیحات کشتار جمعی دست خواهد کشید و خود را با آن ناسازگار خواهد کرد او تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی را مهم و در روندی کند اما محکوم توزیع قدرت در جهان که چند تمدنی است می‌داند.<sup>۱</sup>

بحث تبعیض که یکی از زمینه‌های مطرح در رابطه با بدبینی جهان اسلام از غرب است می‌تواند یکی از زمینه‌های مهم تروریسم باشد در چارچوب نظریه انتقام مقدس، این نظریه ناظر بر مناسبات تبعیض آمیز است که در دوران مدرن گریبانگیر مسلمانان شده است و عامل این تبعیض و فقر، مناسباتی است که توسط قدرتهای برتر و بدست حکام دست نشانده آنها بر تاروپود زندگی مسلمانان مسلط شده است و برای اصلاح مناسبات فعلی باید بپا خاست.<sup>۲</sup>

البته نظریه فوق به جای تمرکز بر زمینه‌های برخورد مسلمانان با غرب به پیامد مناسبات تبعیض آمیز اشاره دارد که حادثه ۱۱ سپتامبر را عارضه اجتناب ناپذیر این رابطه نابرابر و تبعیض آمیز می‌داند. جهان غرب تاکنون با نادیده گرفتن حقوق فلسطینیان به طور یکپارچه از حضور دولت اسرائیل در سرزمین‌های مقدس حمایت می‌کرده است. در شرایط جدید ایجاد دو دولت سرزمینی مستقبل را با هدف ایجاد امنیت منطقه و به تبع آن امنیت نظام بین المللی با منافع خود سازگارتر می‌بیند. در نگرش جدید نخبگان سیاسی غرب، تا زمانی که اعراب خاورمیانه اسرائیل را دشمن و تهدید علیه امنیت خود قلمداد کنند، تروریسم و تهدید امنیت نظام بین الملل فروکش نخواهد کرد. در نظر آنها تشکیل دولت مستقل فلسطینی و عقب نشینی اسرائیل به مرزهای قبل از سال ۲۰۰۰ یعنی زمان آغاز انتفاضه دوم که از طریق طرح‌های

---

۱- همان، ص ۳۰۳.

۲- قدیر نصری. پیشین ص ۱۷.

مختلفی همچون «نقشه راه» و پروژه «تحقق دو دولت» دنبال می‌شود اولین گام برای ایجاد ثبات نسبی و تسکین آلام اعراب فلسطینی خواهد بود.<sup>۱</sup>

یکی از تبعیضهایی که پس از ۱۱ سپتامبر که از پیامدهای «جنگ علیه تروریسم» به رهبری ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود، هزاران تن از اتباع کشورهای عربی و اسلامی را در ایالات متحده به شکل گسترده‌ای بازداشت پیشگیرانه و دستگیر و زندانی شدند و اقلیتها بیشترین هزینه اقدامات ضد تروریستی را که علی الظاهر برای تضمین امنیت کل جامعه انجام شده است، پرداخت کرده‌اند. این بازداشت‌ها به صورت محرمانه انجام می‌شد و معمولاً دولت آمریکا با قرار وثیقه برای این زندانیان مخالفت می‌کرد. بازداشت شدگان در وضعیتی بسیار سخت در کنار مجرمان کیفری نگهداری می‌شدند. تماس آنها با خانواده و وکیلاشان محدود بود. علاوه بر اینها اشخاص دیگری از ملتهای مختلف دستگیر و بازداشت می‌شدند، تقریباً همه بازداشت شدگان به دلیل نقض‌های کوچک مقررات مهاجرتی که در شرایط عادی موجب بازداشت نمی‌شد محکوم شدند و به بیان پل هافمن، از قول یکی از مفسران که اظهار می‌کند تنها سه تن از حدود ۵۰۰۰ نفر غیر اتباع بازداشت شده در این مرحله متهم به جرائم تروریستی شدند، در نتیجه زندگی را برای بسیاری از غیر اتباع مقیم در ایالات متحده آمریکا دشوار می‌کند. این در حالی است که هنجارهای بین المللی، آشکارا تبعیض بر اساس نژاد، ملیت یا مذهب را منع می‌کنند، دولت آمریکا با تحت فشار قرار دادن جوامع مهاجران طرد و تبعیض را که قواعد حقوق بشر برای حذف آن بسیار تلاش کرده‌اند تقویت می‌کند و در نتیجه این مسأله ایجاد تفاهم و همکاری بین جوامع در جنگ علیه تروریسم را مشکل تر می‌سازد. در انگلستان هم، همین وضعیت بود، قوانین ضد تروریستی در این کشور اتباع بیگانه را هدف قرار داده‌اند، اما در صورتی که اتباع بریتانیایی مظنون به اقدامات تروریستی باشند از حمایت کامل قانون برخوردارند. این در حالی است که اتباع بیگانه را می‌توان به صورت نامحدود و بدون محاکمه یا اتهام در بازداشت نگه داشت. در دنیای امروز تعداد انسانهایی که به دلیل قصور دولتها در رعایت استانداردهای حقوق بشر باید فقدان عزیزان خویش یا درد و رنج

۱- افضلی، رسول پیشین. ص ۱۶۴.

شخصی را تحمل کنند نسبت به آنهایی که قربانیان حملات تروریستی اند بیشتر است. البته منظور هافمن، این نیست که هرگونه تلاش برای پایان بخشیدن به حملات تروریستی را بی ارزش و بی مقدار تلقی کند بلکه منظور گوش زد کردن پیامد توجه نکردن به حقوق انسانهاست که با شیوه تبعیض آمیز به بهانه جنگ علیه تروریسم انجام می‌گیرد.<sup>۱</sup>

سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که آیا خطری که جامعه بشری را تهدید می‌کند فقط تروریسم است؟ یا اینکه خطرات دیگری وجود دارد و امنیت انسانها را نادیده می‌گیرد؟ اگر چنین است اهمیت توجه به آنها در چه حد است؟ برای پاسخ به این سوالات کافی است نگاهی بیاندازیم به مشکلاتی که جامعه بشری را تهدید می‌کند. به اعتقاد هافمن، برای صدها میلیون نفر از انسانها در دنیای امروز مهمترین منبع عدم امنیت فقر شدید است نه تهدید تروریستی، بیش از یک میلیارد نفر از جمعیت جهان درآمدی کمتر از یک دلار در روز دارند. اعلامیه جهانی حقوق بشر و کل چارچوب حقوق بشر مبتنی بر غیر قابل تفکیک بودن حقوق بشر است؛ که نه تنها حقوق مدنی و سیاسی بلکه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد، اگر قرار بر این است که تروریسم کنترل شود باید تفاوتهای میان این تعهدات حقوق بشری و واقعیتهای زندگی بیش از یک ششم جمعیت جهان از میان برداشته شود. همه انسانها مستحق استاندارد زندگی هستند که سلامتی و رفاه آنها را نظیر غذا، بهداشت، مسکن را میسر سازد. اما اکنون روزانه بیش از سه هزار کودک آفریقایی از مالاریا، جان می‌دهند. و تنها درصد کوچکی از میلیونها بیمار مبتلا به ایدز به مراقبتهای بهداشتی و دارویی که برای ادامه زندگی لازم است دسترسی دارند. و به نمونه‌ای بسیار از این قبیل می‌توان اشاره کرد. چرا به تروریسم توجهی بیشتر از فاجعه خشونت علیه زنان می‌شود؟ میلیونها زن روزانه تهدید می‌شوند اما هیچ جنگی برای خشونت علیه زنان آغاز نمی‌شود. زنان در هر گوشه از جهان احساس ناامنی می‌کنند و شهروندان درجه دو محسوب می‌شوند. اگر مقداری از منابع و توجهی که به جنگ علیه تروریسم اختصاص یافته است به ریشه کنی فقر یا رفع خشونت علیه زنان اختصاص می‌یافت، امنیت بیشتری حاصل نمی‌شد؟ اما به نظر هافمن جنگ علیه تروریسم

---

۱- پل هافمن، حقوق بشر و تروریسم، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، مجله حقوقی شماره ۳۴، ۱۳۸۵، صص ۱۵۰ - ۱۴۶.

موجب شده هرگونه بحث و اقدام جدی در خصوص دیگر منشأهای عدم امنیت انسانی اهمیت خویش را ازدست بدهد. امنیت زمانی حاصل می‌شود که همه مردم جهان در نظام بین المللی نقش داشته باشند و بدون توجه به نژاد، جنسیت، مذهب، یا هرگونه وضعیت دیگر از حقوق بنیادین که اعلامیه جهانی حقوق بشر وعده داده است بهرمنند گردند.<sup>۱</sup>

پس نتیجه می‌گیریم، برخوردهای تبعیض آمیز که در نظام بین المللی وجود دارد به صورت بالقوه در کنار سایر زمینه‌ها، ساختاری را شکل می‌دهند که این ساختار زمینه بروز تروریسم را با خود دارد، تروریسم در هر کجا باشد محکوم است و نمی‌توان به بهانه مبارزه با تروریسم، با مسلمانان رفتار خشونت آمیز انجام داد در حالی که تروریسم مرز نمی‌شناسد و ممکن است در همه ادیان وجود داشته باشد، اما آنچه مسلم است تروریسم مورد نکوهش همه است و باید ریشه‌های ظهور این پدیده را بیرون کشید و از رفتار تبعیض آمیز دست برداشت و نباید کاری را انجام داد که نه تنها مشکل را برطرف نمی‌کند بلکه موجب بروز مشکلات دیگر شود.

## ۲. ضعف قوانین بین المللی و عدم همکاری جهانی

حقوق بین الملل بشر دوستانه، ضمن توصیف اعمالی که می‌توان آنها را اعمال تروریستی نامید، اقدامات خشونت بار ارتكابی در نظامهایی که به نحوی همواره «تروریسم دولتی» را اعمال می‌کنند به عنوان اقدامات تروریستی تعریف و توصیف نمی‌کند. در این میان مشروعیت کم و بیش مبهم برخی حکومتها و نیز دغدغه برخی دیگر از دولتهای تازه به استقلال رسیده از به خطر افتادن استقلال شکننده‌شان موجب انسداد مسیر پیشرفتهای لازم در این زمینه یعنی مبارزه با تروریسم شده و این وضعیت آنها را همواره به دفاع حریصانه از حاکمیت ملی و اصل مداخله واداشته است.<sup>۲</sup>

به اعتقاد ساندز، حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ باعث جریحه دار شدن احساسات عمومی شد

۱- همان صص ۱۵۴-۱۵۳.

۲- یس ساندز، مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین الملل: خطرات و فرصتها. ترجمه حسن سواری، مجله حقوقی ۲۹،

۱۳۸۲. صص ۳۳۸-۳۳۹.

و شورای امنیت به صورت یک قانونگذار ظاهر شد که البته در صلاحیت آن نیست. شورای امنیت قطعنامه‌ای تصویب کرد که در مبارزه با تروریسم تعهدات و تکالیف متعدد را به دولت‌ها تحمیل می‌کند (قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱)) لویی جی کندر لی Luigi condorelli از آن به بدعت حیرت آور یاد کرده است. به نظر وی این قطعنامه معادل یک عهدنامه بین المللی کاملاً موفق است. همه دولت‌ها را متعهد می‌کند بی‌آنکه نیاز به طی مراحل مذاکرات طولانی در چارچوب کنفرانسهای دیپلماتیک بوده باشد و یا این که تصویب و الحاق رسمی دولت‌ها در مدت طولانی ضرورت داشته باشد. این قطعنامه در عین حالی که مربوط به وضعیت‌های مذکور نظیر آنچه در افغانستان می‌گذرد، می‌باشد، نوعی قانونگذاری پیرامون مسأله تروریسم نیز هست. اگر از نقطه نظر کلی برای این قطعنامه حوزه صلاحیت عام قائل شویم در واقع به جریان خلع ید خزننده از دولت‌ها در حوزه‌هایی که اساساً در صلاحیت خود آنهاست، کمک کرده و موجب تقویت رویکرد تبدیل شدن، شورای امنیت از آن چیزی که در مواد ۲۵ و ۱۰۳ منشور ملل متحد پیش بینی شده بوده و خواهد توانست عهدنامه بین المللی را که مطابق تصمیمات خود نمی‌بیند ابطال نماید. و دیگر اینکه شورا از کنار مسأله تروریسم دولتی بسرعت رد شده است. قطعنامه برای آن دسته از رهبرانی که رفتار مردد و مبهمی در پیش گرفته‌اند، میدان را باز گذاشته چون متعرض کیفیت سیاست داخلی دولت‌ها نشده و با این موضوع با مدارا برخورد کرده است. اشکال دیگر اینکه، ناتوانی بعضی از دولت‌ها در پاسخ به الزامات شورای امنیت است. به موجب این قطعنامه دولت‌ها مکلف اند در کنار تکالیف متعدد دیگر، از اقدام کسانی که تروریسم را سازمان داده و یا با حمایت مالی اعمال تروریستی را تسهیل می‌کنند، جلوگیری کرده و اجازه ندهند از قلمرو آنها علیه دول دیگر یا اتباع دول دیگر استفاده تروریستی به عمل آید. (قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت شماره ۱۸ پاراگراف ۲، حرف ب) باید گفت برخی از دولت‌ها دارای آنچنان ساختار و سازماندهی که بتواند این تعهدات را برآورده نمایند، نیستند به بیان ساندز، حادثه ۱۱ سپتامبر در خود کشور آمریکا و علیه آن واقع گردید. بنابراین دلیلی ندارد تصور شود که اگر این اقدام از طریق قلمرو ایالات متحده و به منظور انهدام اهدافی در مکزیک یا کانادا طراحی شده بود توفیق نمی‌یافت (بلکه به طریق اولی موفق می‌شد). حتی در خود کشورهای قدرتمند، نواحی و مناطقی با شهرهای بزرگ وجود دارند که

در آنها حکومت مرکزی فقط در آن یک نظارت نسبی را اعمال می‌کند.<sup>۱</sup>

بنابراین روشن است که برخی دولتها و حتی خود قدرتهای بزرگ هم نمی‌توانند این تعهدات را برآورده نمایند و حقوق بین‌المللی بشر دوستانه اقدامات خشونت بار در نظامهایی که به نحوی همواره «تروریسم» را اعمال می‌کنند به عنوان عملی تروریستی تعریف و توصیف نمی‌کند. و ضعف قانون می‌تواند در کنار زمینه‌های ساختاری دیگر امکان بروز تروریسم را فراهم آورد.

با عدم وحدت رویه در مواجهه با مشکلات جهانی و ضعف قوانین بین‌المللی، منافع همه کشورهای جهان تامین نمی‌شود. برای کشورهایی که با فقر گریبانگیرند و حداقل زندگی، آموزش و پرورش، امنیت و عدالت برای آنها مهم است، همین طور دولتهایی که همواره درگیر جنگ داخلی‌اند، با مهاجرت انبوه و بلایای طبیعی مکرر رو به رو هستند، البته مبارزه با تروریسم بی‌معنا نیست اما آخرین چیزی است که به آن می‌اندیشند از سویی دیگر کشورهای ضعیف که در فلاکت و بدبختی زندگی می‌کنند و همواره قربانی خشونت هستند و هیچ امیدی غیر از خروج از حوزه سلطه قدرتهای دیگر ندارند، اهمیت مبارزه با تروریسم مشخص نیست. برای بسیاری از این مردمان، برخی از تروریستها بسیار مقبول و حتی قهرمان محسوب می‌شوند و این علاقمندی، یک هشدار جدی محسوب می‌شود. تنها راه واقعی قبولاندن اینکه تروریسم دشمن بشریت است، تمایل به اجرای واقعی عدالت، مهرورزی و همبستگی جهانی برای حل مشکلات پیش رو است. اگر دولتهای قوی فقط بدنبال منافع خاص خود باشند به بیان ساندز، تروریسم بسان نوک یک کوه یخ شناور است. اگر مشکل مربوط به آن حل نشود آن قسمت از این کوه یخی در زیر آب شناور است در نقطه دیگر ظاهر می‌شود. برای مبارزه با تروریسم شناخت زمینه و عواملی که تروریسم در آنها ریشه دوانیده، لازم است و برای شناخت همه جانبه این عوامل و یافتن راه حل اصولی، و اتخاذ یک روش معقول و جهان شمول ضروری است.<sup>۲</sup>

---

۱- همان، صفحات ۴۸-۴۹-۳۴۷.

۲- همان، صص ۳۸۲-۳۶۵.

پس برای اینکه جهانیان به وحدت رویه برسند، مقوله عدالت مهمترین چیز است و نقش قدرتهای بزرگ به لحاظ در اختیار داشتن امکانات بین المللی قابل توجه است، چرا که اگر غریبها منافع سایر ملتها از جمله جهان اسلام را در نظر نگیرند، همواره این نارضایتی از غرب باقی خواهد ماند نارضایتی هم امکان ناامنی را فراهم می کند و اگر قدرتهای غربی بخواهند مثل همیشه در قوانین بین الملل نفوذ کنند و منافع دیگران را به حساب نیاورند، باید خود را برای مقابله با خطرهای جدی تری از ناحیه تروریست ها آماده کنند. و در واقع زمینه این خطر در رفتار غرب نهفته است.

کریستوفر سی. جونیر، در مقاله ای نگرانی از حمله به راکتورهای هسته ای را مطرح کرده است. وی معتقد است اگر راکتورهای هسته ای در برابر حمله از سوی گروههای تروریست آسیب پذیر هستند زیرا آنها فقط بوسیله موانع فیزیکی و نیروهای امنیتی محلی محافظت می شوند، ترس از این است که یک حمله تروریستی علیه نیروگاه هسته ای می تواند سیستم های ایمنی دیگر را نیز منهدم نموده و منجر به صدمه جدی و انتشار فاجعه آمیز مواد رادیواکتیو گردد و افشاکاری های اخیر مبنی بر اینکه القاعده نیروگاه های هسته ای را به عنوان اهداف اصلی برای خرابکاری در نظر گرفته نگرانی فزاینده ای میان کارشناسان ایجاد کرده چرا که اساساً راکتورهای هسته ای در سراسر جهان بویژه در ایالات متحده از حفاظت کافی برخوردار نیستند. او نگرانی دیگر را مربوط به امنیت تاسیسات هسته ای از این جهت می داند که یک گروه تروریستی بتواند یک وسیله هسته ای بسازد، اجتماع رو به رشد چنین سناریویی را ممکن می داند، اگر مهارت علمی به همراه در اختیار داشتن مواد شکاف پذیر وجود داشته باشد توانایی ساختن بمب هسته ای امکان پذیر است. با این وجود استانداردهای آژانس هم اکنون فقط در زمینه حمل و نقل بین المللی مواد شکاف پذیر اعمال می شود و نه در خصوص امنیت اماکنی که این مواد در آنجا فرآوری، استفاده و ذخیره می شوند. این مسأله این نگرانی را بوجود آورده است که آیا مواد شکاف پذیر ذخیره شده در نیروگاههای هسته ای در حقیقت امن هستند یا جابجا مفقود یا مورد سرقت قرار گرفته اند. کریستوفر، تهدید سوم را مربوط به ساخت بمب کثیف می داند؛ یک بمب کثیف یک دسیسه انفجاری و حاوی ایزوتوپهای رادیواکتیو به شکل پودر یا ساچمه (ظریف است که پس از انفجار، مواد هسته ای را پخش و

منطقه وسیعی را آلوده می‌سازد، هدف اصلی یک بمب کثیف، القاء ترس و آلوده کردن مردم و اموال آنها با مواد رادیواکتیو می‌باشد.<sup>۱</sup>

واقعیت این است که قوانین بین الملل ضعیف و ساختار نظام بین الملل غیر عادلانه است. نمی‌شود انتظار داشت که تروریسم نباشد حال آنکه ضعف قوانین بین الملل خود زمینه بروز تروریسم است. یکی از زمینه‌های دیگر بدبینی، حق وتوی قدرتهای غربی به ویژه آمریکا به نفع اسرائیل و به ضرر کشورهای مسلمان است، ضعف قانون در نظام بین الملل، باعث عملکردهای ناعادلانه که نشأت گرفته از سلطه طلبی غرب است، می‌شود.

در بحث نظریه همگرایی در روابط بین الملل و شناخت راه‌های هم‌گرایی و واگرایی در قالب یک سیستم کل بعضی ویژگی‌ها و واگرایی ذکر شده است؛ یکی بیم از قرار گرفتن تحت سلطه قدرت بزرگتر که موجب واگرایی می‌شود و دیگری نظام‌هایی که احساسات ملی، قومی، و میهنی و یا عقیدتی در آنها شدید باشد معمولاً میل به همراهی نظام جهانی را ندارند.<sup>۲</sup> با این وجود ملت‌های اسلامی دل خوشی از غرب ندارند و از سلطه‌گری غربیها بشدت متنفر هستند، با توجه به ارزشهای متضاد و یا ناهماهنگ دولت‌های اسلامی با غرب، و شدت احساسات قومی و عقیدتی در بین این دولتها باضافه متاثر بودن از رفتا غربیها در برخورد با کشورهای اسلامی، همواره این بدگمانی نسبت به غرب وجود دارد و این بدگمانی ممکن است در قالب خشونت و تروریسم به وسیله گروه‌های افراطی خود را نشان دهد.

### ۳. رویکردهای تناقض گونه به حقوق بشر

در یک مقاله، پل هافمن، رئیس کمیته اجرایی بین المللی سازمان «عضوبین الملل» معتقد است که شیوه انجام جنگ با تروریسم چهارچوب حقوق بشر بین الملل را تهدید می‌کند. او قبل از افشای جزئیات زندان ابوغریب استدلال می‌کند که کنارگذاشتن حقوق بشر در مواقع بحرانی و اضطراب کوتاه اندیشانه و مشکل آفرین خواهد بود. جنگ علیه تروریسم که بدون

۱- کریستوفر، سی. جونز/مقابله با تروریسم هسته‌ای، ترجمه محمد رضا مهماندار، *مجله حقوقی* شماره ۳۸، ۱۳۸۷

صص ۲۸۸ - ۲۹۰

۲- علی اصغر کاظمی، *نظریه همگرایی در روابط بین الملل*، تهران: توس، ۱۳۷۰ صص ۶۶.

رعایت حاکمیت قانون آغاز شده، همان ارزشهایی که قرار است مورد حمایت قرار دهد تهدید می‌کند. «جنگ علیه تروریسم» به رهبری ایالات متحده بر این نگرش مبتنی است که وقایع ۱۱ سپتامبر باید زنگ خطری قلمداد گردد مبتنی بر اینکه جهان تغییر یافته است جامعه بین الملل نیازمند ابزارها، استراتژی‌ها و شاید یک ساختار هنجاری جدید در برخورد با این تهدید های شدید علیه امنیت جهانی است. به اعتقاد هافمن، نحوه آغاز این جنگ خود تهدید برای امنیت انسانی است و به چالش کشیدن چارچوب حقوق بشر بین المللی و حقوق بشر دوستانه، امنیت ما را بیش از هر حمله تروریستی، تهدید می‌کند. تحقق حقوق بشر برای جلوگیری از تروریسم از این لحاظ مورد توجه است که تروریسم نتواند آزادی و امنیت انسانها را تهدید کند. البته چارچوب حقوق بشر مانع اتخاذ اقدامات موثر و مشروع در واکنش به حملات تروریستی نیست. محدودیت‌هایی که حقوق بشر بین المللی بر بعضی اشکال قدرت اجرایی، همچون ممنوعیت شکنجه وارد می‌کند، بر اساس اجماع جامعه جهانی بر ارزشهایی است که همه آنها را بنیادین و اساسی تلقی می‌کنند. به اعتقاد او تاریخ گواه بر این است هنگامی که جوامع، حقوق بشر را با امنیت معامله کرده‌اند، اغلب هیچ یک از آن دو را بدست نیاورده‌اند. در واقع اقلیتها و دیگر گروههای حاشیه‌نشین تاوان این معامله را از طریق نقض حقوق بشر خویش پرداخت کرده‌اند. گاهی به شکل کشتار جمعی، گاهی بازداشت خودسرانه و حبس و گاهی اوقات به شکل سرکوب آزادی بیان یا مذهب جلوه می‌کند. او معتقد است در طی ۶۰ سال گذشته میلیونها نفر به دلیل رعایت نشدن حقوق بشر از بین رفته‌اند.<sup>۱</sup>

بعد از ۱۱ سپتامبر کشور چین برای جلب همکاری بین المللی در مبارزه‌اش با تجزیه طلبی که از سالها قبل آغاز شده است، فرق بین تروریسم و استقلال طلبی جامعه نژادی اویغور در منطقه خود مختار اویغور سین کیانگ را از میان بردارد.... پلیس ادعا می‌کرده که در سرکوب تروریستها موفق بوده و بیش از ۱۰۰ نفر از هزار نفری از مسلمانان چینی اویغور را که به گفته مقامات چینی در کنار طالبان جنگیده‌اند، بازداشت کرده است. همین وضعیت در مصر و روسیه و ..... هم ملاحظه شده است؛ از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دولت مصر صدها تن از مخالفان

---

۱- پل هافمن، حقوق بشر و تروریسم، ترجمه علیرضا ابراهیم گل مجله حقوقی شماره ۳۴، ۱۳۸۵، صص ۱۳۳ - ۱۳۱.

دولت را به دلیل عضویت در اخوان المسلمین یک گروه غیر قانونی اما مخالف اقدامات خشونت آمیز، و اعتقاد به آرا و نظرات «شبهه برانگیز» بازداشت کرده است که شامل اساتید دانشگاهها، پزشکان و دیگر متخصصان برای رسیدگی به محاکم نظامی یا محاکم امنیتی عادی یا اضطراری دولتی ارجاع شده است که آیین رسیدگی آنها مطابق استانداردهای بین المللی محاکم منصفانه نیست. همچنین بعد از ۱۱ سپتامبر، روسیه جنگ در چین را به مبارزه علیه تروریسم پیوند می زند و رئیس جمهور روسیه آقای ولادمیر پوتین اعلام کرد که آمریکا و روسیه یک «دشمن مشترک» دارند، زیرا افراد بن لادن با وقایع اخیر در چین مرتبط بوده اند و وقایع چین را نمی توان خارج از چارچوب جنگ علیه تروریسم بررسی کرد و به جنبه های منازعه چین اشاره نکرد..... روسیه عملیاتش را در چین یک عملیات ضد تروریستی تلقی می کند اما تلفات بسیاری به غیر نظامیان وارد ساخت. گفته شده نیروهای روسی به عملیاتهای شبانه دست می زنند و اشخاص را می کشند یا با خود می برند و از آن پس خبری از آنها در دست نیست.<sup>۱</sup>

تضعیف هنجارهای اساسی و بنیادین حقوق بشر به وسیله یک کشور، عضو گیری سازمانهای تروریستی را ساده تر می کند. سازمانهای تروریستی از میان ناراضیان، محرومان و کسانی که حقوق آنها نقض شده عضوگیری می کنند. نقض حقوق بشر به نام جنگ با تروریسم، امنیت را چه در کوتاه مدت و چه بلند مدت تهدید می کند، تلاش برای پاسخ به تهدیدهای تروریستی تضعیف می شود، ارزشهای مشترک را تهدید و همکاری بین المللی و حمایت عمومی برای انجام اقدامات ضد تروریستی تضعیف می کند و هیچ ملتی هر اندازه که قوی باشند نمی تواند مسأله تروریسم را به تهایی حل کند.<sup>۲</sup>

یک جنبه منفی از اقدامات ضد تروریستی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ این است که دولتها تعریف مبهم و بسیار موسعی از تروریسم ارائه داده اند که این مسأله می تواند مبنایی برای دولتهای سرکوبگر شود و از این طریق مخالفان سیاسی خود را تضعیف کنند و با این تعریف

---

۱- همان. پاورقی ص ۱۳۴.

۲- همان. ص ۱۳۴.

از مبارزه ضد تروریستی سوءاستفاده کنند و فعالیتهای صلح آمیز را نیز شامل کنند و از این طریق مخالفان سیاسی یا مدافعان حقوق بشر را تروریست بنامند و آنها را تحت تدابیر امنیتی اضطراری قرار دهند که در شرایط عادی قابل پذیرش نیست. نباید قوانین ضد تروریستی طوری وضع شود که فعالیتهای سیاسی مورد حمایت چارچوب حقوق بشر بین المللی ممنوع شده یا مورد مجازات قرار گیرد. در فضای پس از ۱۱ سپتامبر، ممنوعیت مطلق شکنجه، بدون هیچ دلیل منطقی مورد تردید قرار گرفت. اگر شکنجه در بعضی موارد مجاز شود، معلوم نیست جهان از حملات تروریستی ایمنی یابد؟ شرایط زندان گوانتانامو، به گونه‌ای بود که زندانیان فاقد هرگونه حمایت قانونی یا نظارت قضایی یا بین المللی بودند، ایالات متحده نمی‌پذیرد که اینها زندانیان جنگی‌اند یا از حمایت کامل حقوق بشر دوستانه یا قواعد حقوق بشری برخوردارند. ایالات متحده زندانیان را «مبارزان دشمن» نامیده است و در خصوص بازداشت‌های خودسرانه در دسامبر ۲۰۰۲ هرگونه نظارت بین المللی بر این زندانیان را رد کرده است. در نتیجه هویت زندانیان مخفی می‌ماند و هیچ نظارت داخلی و بین المللی بر زندانها وجود ندارد با توجه به اینکه هیچ دلیلی بر تداوم بازداشت بعضی زندانیان همچون کودکان ۱۳ ساله وجود ندارد بعضی زندانیان آزاد شده‌اند اما تاکنون اتهام آنها اعلام نشده است و سوال در مورد مبنای بازداشت و طول بازداشت بی‌جواب می‌ماند.<sup>۱</sup> قضیه سید عباسین *sayed Abassin* که راننده تاکسی در افغانستان بود نمونه‌ای از این مدعاست<sup>۲</sup> برای جلوگیری از تروریسم حقوق بشر نادیده گرفته می‌شود. غافل از اینکه پایمال کردن حقوق بشر خود می‌تواند زمینه ساز تروریسم باشد.

#### ۴. تامین مالی تروریسم

در عصر ما تروریسم از تهدیدی ملی به یک تهدید جهانی تبدیل شده است. در عصر

۱- همان. صص ۱۴۵-۱۳۷

۲- همان. پاورقی ص ۱۴۵.

او به طور اتفاقی چند مسافر عضو طالبان را از کابل به شهر فست برده بود پس از بازداشت به گوانتانامو انتقال داده شد و در آوریل ۲۰۰۳ بدون هیچ محاکمه یا اتهامی آزاد شد و در این مدت با وصف صدمات به خود و خانواده‌اش حقوق بشر در موردش رعایت نمی‌شود و به هیچ دادگاه یا وکیلی طبق مقررات کنوانسیون سوم ژنو دسترسی ندارد.

جهانی شدن و فن آوری پیشرفته، اقدامات تروریستی، دیگر در مرزهای ملی یا منطقه‌ای محصور نمی‌ماند. گسترش مسافرت های هوایی، انقلاب ارتباطات، اقتصاد جهانی خصوصی در جهان بدون مرز که در آن زندگی می‌کنیم، شرایطی پدید آورده که می‌تواند مورد استفاده تروریستها قرار بگیرد. تروریستها با جلب همکاری مساعدت هم‌پیمانان فرامرزی و با تکیه بر ارتباطات و شبکه مالی، می‌توانند تقریباً هر جا که بخواهند، اقدامات تروریستی خویش را سازماندهی کنند و به اجرا گذارند.<sup>۱</sup>

تخمین زده شد که هزینه عملیات اقدامات ۱۱ سپتامبر بالغ بر پانصد تا ششصد هزار دلار بوده که از کشور امارات متحده عربی برای تروریستها در آمریکا ارسال شده که این مبلغ در ۲۴ حساب بانکی متفاوت و در چهار بانک مختلف در جریان بوده است.<sup>۲</sup> تامین کنندگان مالی سازمانهای تروریستی، هم می‌توانند عوامل دولتی باشند که این گونه کمک‌ها را در زمره بودجه کشور قرار می‌دهند و هم عوامل غیر دولتی یا خصوصی که درآمد خود را از دو طریق بدست می‌آورند:

وجوه درآمد قانونی و مشروع.

وجوه درآمدهای غیر قانونی و نامشروع.

وجوه مشروع معمولاً از طریق هبه؛ امور خیریه و عواید دیگر به دست می‌آیند. وجوه نامشروع نیز از طریق برخی اقدامات که در سطح داخلی و بین‌المللی غیر قانونی و مجرمانه تلقی می‌شوند، مانند قاچاق مواد مخدر، تجارت غیر قانونی سلاح، خرید و فروش کالای قاچاق و امثال اینها، به هر شکل ممکن بایستی مسدود شوند، حتی اگر ثابت نشود که قرار است صرف اقدامات تروریستی شوند، اما وجوه مشروع اگر ثابت شود قرار است در عملیات

---

۱- پطروس پطروس غالی، سازمان ملل متحد و اقدامات جامع حقوقی برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی / ترجمه سید قاسم زمانی، *در تروریسم تاریخ، جامعه شناسی، گفت‌مان، حقوق/نویسندگان جیمز دردیان و دیگران*، گردآوری؛ علیرضا طیب؛ مترجمان؛ وحید بزرگی و دیگران، تهران: نی ۱۳۸۲ صص ۳۲۷-۳۲۸

۲- شهرام زر نشان، شورای امنیت و تعهدات دولتها برای مقابله با تروریسم، *مجله حقوقی دفتر خدمات بین‌الملل*، شماره ۳۶، ۱۳۸۷، ص ۷۸

تروریستی به کار برده شوند، قابل انسداد است<sup>۱</sup> با این توضیحات معلوم شد که یکی از عواملی که خطر تروریسم را به فعلیت می‌رساند کمک‌های مالی به تروریسم است؛ یعنی اگر چنین مبالغی برای تروریست‌ها به آمریکا نمی‌رسید معلوم نمی‌شد عملیات ۱۱ سپتامبر به این صورت اتفاق می‌افتاد. به همین خاطر جامعه جهانی همان روزها نخست پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در این مسأله اتفاق نظر داشت که نبرد علیه تروریسم جز با ردگیری سرچشمه‌های تامین مالی و کور کردن منابع زیرزمینی پول رسانی به عملیات تروریستی قابل پیروزی نیست.<sup>۲</sup>

#### ۱-۴. مؤسسات مالی

پس از اجماع بر اینکه مؤسسات مالی وسیله سوءاستفاده هستند، در نشست رؤسای کشورهای گروه هفت در سال ۱۹۸۹ در پاریس، تصمیم گرفته شد تا گروه اقدام مالی ایجاد و راه‌های سوء استفاده از مؤسسات مالی مسدود گردد. در کنوانسیون‌هایی ارتکاب اعمالی که طبق این کنوانسیونها جرم تلقی شده علاوه بر اینها ارتکاب هر عمل دیگر نیز که با قصد قتل یا ایراد لطمه جسمی به افراد غیر نظامی باشد و هدف از آن، ارعاب مردم یا اجبار یک حکومت یا سازمان بین‌المللی به انجام یا خوداری از انجام کاری باشد، عمل تروریستی محسوب می‌شود. به موجب بند اول ماده سه کنوانسیون تأمین مالی تروریسم شامل ارائه یا جمع‌آوری وجوه به هر وسیله به طور مستقیم یا غیر مستقیم برخلاف قانون و به طور عمد، به قصد یا با علم به اینکه به طور کلی یا جزئی صرف اجرای اعمال تروریستی گردد. تامین مالی تروریسم محسوب می‌شود.<sup>۳</sup>

بنابراین اقدامات پیشگیرانه ای برای منع فعالیت‌های غیر قانونی اشخاص یا سازمانهایی که در سرزمین کشور مزبور، آگاهانه ارتکاب جرایم موضوع ماده دو را تشویق، تحریک،

۱- همان، صص ۷۹ و ۷۸.

۲- ژوزف جی نورتون. و شمس، هبا، قانون پول شویی و تامین منابع مالی تروریسم: واکنش‌های پس از ۱۱ سپتامبر، ترجمه محمد جواد میرفخرایی، *مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل*، شماره ۲۹ ۱۳۸۲ ص ۲۰۶.

۳- امیرحسین طیبی فرد، مبارزه با تامین مالی تروریسم، *مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل*، شماره ۳۲ ۱۳۸۴ صص ۲۷۷. ۲۹۹.

سازماندهی قرار می‌دهند یا خود مبادرت به ارتکاب آن جرایم می‌نمایند، الزام مؤسسات مالی و سایر حرفی که عهده‌دار معاملات مالی هستند به شناسایی مشتریان روزمره یا گذری خود و همین‌طور مشتریانی که برای آنها حساب افتتاح می‌شود و بذل توجه خاص به معاملات غیرعادی یا مشکوک و گزارش‌دهی معاملاتی که منشاء آنها مشکوک به اعمال مجرمانه است به همین منظور لازم است کشورهای عضو، اقدامات زیر را به عمل آورند:<sup>۱</sup>

۱- تدوین و تصویب مقرراتی ناظر بر منع افتتاح حسابهایی که صاحبان یا ذینفع‌های آن حسابها، افراد ناشناس یا غیرقابل شناسایی‌اند و اتخاذ اقداماتی جهت کسب اطمینان از این که این مؤسسات هویت صاحبان اصلی این معاملات را کنترل می‌کنند.

۲- در خصوص شناسایی اشخاص حقوقی، مؤسسات مالی مکلف شوند تا از طریق اخذ اطلاعات از مراجع ثبتی یا از خود مشتری یا هر دو؛ اطلاعات و مدارک مربوط به تأسیس، از جمله اطلاعات مربوط به مشتری، نوع قانون، نشانی، مدیران و مفاد اساسنامه آن ناظر بر اختیار متعهد نمودن شخص حقوقی را تحصیل نمایند تا موجودیت قانونی و ساختار مشتری را کنترل کنند.

۳- تدوین و تصویب مقرراتی مبنی بر الزام مؤسسات مالی به این که تمام معاملات پیچیده و غیرعادی با مبالغ عمده و نیز معاملات غیرعادی که ظاهراً هیچ هدف اقتصادی یا قانونی برای آنها متصور نیست را به مقامهای ذی‌صلاح گزارش نمایند.

۴- ملزم نمودن مؤسسات مالی به این که تمام سوابق و مدارک ضروری مربوط به معاملات داخلی و بین‌المللی خود را دست کم برای مدت پنج سال حفظ و نگهداری نمایند.

این اقدامات در صورتی که کشورها بتوانند خود را با مقررات و استانداردهای بین‌المللی هماهنگ کنند سودمند است از طرفی هم کشورها فاقد زیرساخت‌های لازم برای همکاری بین‌المللی هستند و به هر حال مؤسسات بین‌المللی می‌توانند با تروریسم همکاری کنند و یا حتی خود دولتها ممکن است مستقیماً یا غیرمستقیم در سازماندهی و طراحی فعالیتهای تروریستی مشارکت نمایند البته برای اینکه به آنها برچسب تروریستی بودن نخورد، بیشتر از

---

۱- زرنشان، شهرام، پیشین ص ۷۹.

طریق تشویق، تحریک و یا کمکهای مالی غیرمستقیم از آنها حمایت می‌کنند.<sup>۱</sup> بنابراین مؤسسات مالی دارای ساختارهایی هستند که در صورت عدم کنترل این ساختارها امکان رسیدن پولهای مشروع و نامشروع به تروریستها وجود دارد پس می‌توانند زمینه تسهیل و یا زمینه بروز تروریسم باشند.

## ۲-۴. پول شویی

پول شویی جرمی است غیر مشهود که مرز نمی‌شناسد. فن آوری جدید راه‌های نوینی را برای مخفی کردن منشأ وجوه حاصله از اعمال مجرمانه ایجاد نموده است. پول شویی روشی است که بزهکاران و اشخاصی درگیر در معاملات مواد مخدر که معمولاً فروشنده، پول نقد دریافت می‌کند، حمل و نگهداری مبالغ، بسیار پر دردسر است و خرج آن نیز ممکن است توجه مأموران دولت و یا سایر تبهکاران را به خود جلب نماید، به همین خاطر، فروشنده مبالغ حاصل از عمل مجرمانه خود را منتقل می‌کند یا به طریقی تغییر شکل می‌دهد که ظاهری قانونی و مشروع یابد تا بدینوسیله، بدون فاش شدن منبع نامشروع پول، از آن استفاده نماید. ابزار مالی بین‌المللی از جمله دستگاههای خودپرداز همواره عامل مهمی در انتقال پولهای نامشروع و رشد پدیده پول شویی بوده است.<sup>۲</sup>

در واقع رسیدن پولهای نامشروع به دست تروریستها در قالب پولشویی و یا به نوعی مشروعیت‌یابی ظاهری از این جهت در تروریسم مؤثر است که تسهیل‌کننده تروریسم است و از طریق پول شویی وجوهات مورد استفاده‌ی تروریستها و حامیان آنها ناشناس می‌ماند و دریافت اینجور امکانات بدون ردیابی موجب تقویت تروریسم است. مدت‌ها پولشویی بیشتر در رابطه با عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر بود ولی به تدریج در مورد سایر جرائم از جمله تروریسم هم متداول شد. با استفاده از خدمات و تسهیلات بانکها و مؤسسات مالی عواید حاصله از اعمال مجرمانه را تطهیر می‌نمایند. یکی از مواردی که مورد استفاده تروریستها واقع

۱- همان.

۲- فرهاد خمایی زاده. مبارزه با پول شویی در بانکها و مؤسسات مالی نگاهی به قانون ضد تروریسم ایالات متحده امریکا، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین‌الملل شماره ۲۹، ۱۳۸۲، صص ۶-۵.

می‌شود، عدم همکاری بانکها و موسسات مالی به دلیل قاعده حفظ اسرار بانکی است، با توجه به این مسأله که التزام بانکها به رعایت حفظ اسرار مشتریان که همواره یکی از مهمترین ابزارهای جذب مشتری به شمار می‌رود، این امر باعث شده که استفاده از پولشویی به راحتی صورت گیرد.<sup>۱</sup>

مبارزه با پولشویی در سطح داخلی بعضی از کشورها از جمله انگلستان، چین، ژاپن، سوئیس، ایران و ... صورت گرفته است اما در سطح بین الملل همکاری بین کشورها حائز اهمیت است. خصوصاً بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مشخص شد که هیچ یک از کشورها به تنهایی قادر نیستند به طور مؤثری با پولشویی مبارزه نمایند و لازم است با هماهنگی و همکاری با یکدیگر برای شناسایی و رویارویی پولهای نامشروع که با روشهای جدید تطهیر می‌شوند اقدام نمایند.<sup>۲</sup>

بنابراین پیشرفت تکنولوژی و انتقال سریع پولهای نامشروع و همچنین استفاده از قاعده حفظ اسرار بانکی این مجال را به تروریست‌ها داده است تا وجوه خود را به مکانهای دلخواه انتقال دهند. از معمولترین شیوه‌های پول شویی که پول شویان برای کاهش جلب توجه مجریان قانون، انجام می‌دهند این است که مقادیر زیاد پول نقد را به مقادیر کوچکی تبدیل نموده و یا بطور مستقیم در بانک سرمایه‌گذاری کرده و یا با آن ابزارهای مالی چون چک و غیره خرید در مکان‌های دیگر سپرده‌گذاری می‌کنند و شیوه‌های دیگر تطهیر پول سرمایه گذاری موقت در مؤسسات تولیدی- تجاری قانونی، سرمایه گذاری در بازارهای سهام و اوراق بهادار، ایجاد سازمانهای خیریه قلبی، سرمایه گذاری در بازار طلا و دیگر فلزات قیمتی، انتقال پول به کشورهای دارای مقررات بانکی آزاد مانند سوئیس اشاره نمود.<sup>۳</sup> با این وجود زمینه تقویت تروریسم فراهم می‌شود، تروریست‌ها به راحتی از حمایت مالی برخوردار خواهند شد و دست به عملیات تروریستی می‌زنند.

---

۱- همان ص ۷.

۲- همان ص ۲۴.

۳- دستگیر رضایی، پول شویی و اثرات زیانبار آن بر اقتصاد جهان و افغانستان. ۸۸/۹/۱۵

[http:// www.junbesh.net/dr-rizaye.htm](http://www.junbesh.net/dr-rizaye.htm).

## ۵. نقش رایانه در تروریسم

فناوری رایانه‌ای، وسیله‌ای تسهیل کننده برای تحقق بخشیدن به بسیاری از اهداف سازمانی تروریست‌ها محسوب می‌شود. پیتر فلمینگ و مایکل استول، بر آنند که اینترنت برای تروریست‌ها جذابیت مضاعف دارد زیرا این فناوری با فراهم آمدن بیشترین مخاطب برای مشاهده فعالیت‌های خشونت آمیز، موجب تکرار مضامین اصلی مبارزات آنها می‌شود و با یادآوری مکرر توانایی‌های بالقوه آنها برای توسل به اقدامات خشونت آمیز در آینده موجب تشدید و افزایش ترس و وحشت در مخاطبان مورد نظر تروریست می‌گردد. شبکه‌های رایانه‌ای، گذشته از یاری رساندن به تبلیغات تروریستی، امکانات عضوگیری و تامین منابع مالی را برای تروریست‌ها افزایش می‌دهد. ماهیت فناوری مدرن رایانه‌ای به گونه‌ای است که برای فعالیت‌های ارتباطی و اطلاعاتی گروه‌های تروریستی نیز مناسب است. جذابیت این شیوه برای گروه‌هایی که مایل به گسترش فعالیت‌ای خود هستند به بیان پیتر و مایکل به این صورت توضیح داده می‌شود: فناوری اطلاعات به افراد و گروه‌های نفوذ دامنه فعالیت می‌بخشد و این امر نمایانگر از میان رفتن فاصله‌هاست. فاصله فیزیکی و مرزهای ملی که زمانی گروه‌های تروریستی را از هم‌دستان، مخاطبان و آماج‌های مورد نظرشان جدا می‌ساخت امروز به مدد ارتباطات دوربرد مدرن و اینترنت از میان برداشته شده است. سازمان‌هایی چون گروه‌های بنیاد گرای اسلامی که از اسامه بن لادن و حماس پیروی می‌کنند برای هماهنگ ساختن فعالیت‌های خود از رایانه استفاده می‌کنند. برای نمونه، معروف است که گروه خارک یا نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا از طریق پست الکترونیکی به پرسش‌های مطبوعاتی پاسخ می‌دهند. در فعالیت‌هایی هم که گروه‌های تروریست برای جمع‌آوری اطلاعات انجام می‌دهند شبکه‌های رایانه‌ای دسترسی به شبکه گسترده جهانی همین اندازه حائز اهمیت است. ظهور شبکه‌های رایانه‌ای به ساختار سازمانی گروه‌های تروریستی پنجره جدید باز کرده است که آنها را قادر می‌سازد از ساختارهای شبکه‌ای بهره‌جویند.<sup>۱</sup>

---

۱- پیتر فلمینگ و مایکل استول، *سایبر تروریسم: پندارها و واقعیت*، ترجمه اسماعیل بقایی هامانه، عباس باقرپور اردکانی، در تروریسم تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق/نویسندگان؛ جیمز دردریان و دیگران؛ گردآوری علیرضا طیب؛ مترجمان وحید بزرگی و دیگران تهران: نی ۱۳۸۲ صص ۱۵۹-۱۶۲.

با توجه به مطالب گفته شده فناوری رایانه‌ای جدای از استفاده های مفید آن نگرانی و تهدیدهای قابل توجهی در محیط بین الملل عرضه داشته است. به گروه‌های تروریستی این مجال را داده است که از این طریق اقدامات خشونت آمیز را دنبال کنند و زمینه هر چه بیشتر قدرتمندی خود را از طریق یارگیری به دست آورند. البته استفاده‌های رایانه‌ای برای تروریست ها بسیار گسترده است آنها می‌توانند وجوهات مالی خود را با استفاده از رایانه ها جابجاکنند، از دشمنان خود اطلاعات لازم کسب کنند، پاسخگوی پرسش طرفداران باشند، آموزش دهند، و .... بنابراین نقش تسهیل کننده رایانه در تروریسم غیر قابل انکار است.

### ۶. نقش رسانه‌ها در تروریسم

تبلیغات رسانه ای در افزایش اقدامات تروریستی نقش بسزایی داشته است رسانه ها پیام تروریست ها را به تمام دنیا منتقل می‌کنند، هرچه اقدام و عمل تروریستی مهمتر باشد رسانه ها بیشتر آنرا پوشش می‌دهند. اقدامات تروریستی معمولاً ارزش خبری دارند و کارکنان رسانه ها پوشش این‌گونه اقدامات را مسئولیت حرفه‌ای خود می‌دانند و بر سر آن رقابت می‌کنند. برخی از آنان ادعا می‌کنند که پوشش خبری حوادث تروریستی، به حل و فصل این حوادث کمک می‌کند و به نمایش گذاشتن تصویر گروگانها در تلویزون، امکان نجات جان آنها را قوت می‌بخشد. اما اطلاعات نابهنگام یا نادرست رسانه ها می‌تواند مانع حل و فصل یک حادثه تروریستی شود و گزینه‌های برخورد با آن را محدود سازد، یا اینکه اطلاعات ارزشمند را در اختیار تروریستها گذارد.<sup>۱</sup>

### جمع بندی

در این قسمت از نوشتار به عناصری خارج از کشور های اسلامی اشاره شده است که این عناصر در کنار هم ساختاری را به وجود می‌آورند که با تأثیر بر دولت‌های اسلامی زمینه ساز پدیده تروریسم است. نظم کنونی جهان که در قالب دموکراسی غرب بنا شده است نوعی

---

۱- مایکل لیمن و گری پاتر ، *تروریسم به عنوان جرمی سازمان یافته* ، ترجمه دکتر سید قاسم زمانی و علیرضا طیب، در همان ص ۲۶۷.

استثمار و استعمار ملت های مسلمان را در پی داشته است و غرب تلاش می کند تا این شیوه را بر مسلمانان تحمیل کند و فقر و نابرابری بخاطر پیشرفت کشورهای غربی و از طرفی عقب ماندن کشورهای اسلامی موجب گسست میان کشورهای فقیر و ثروتمند شده است و سرمداران غرب با بی اعتنایی با این مسأله برخورد می کنند. غریبها با نگرش تبعیض آمیز خود جایی را برای مسلمانان که قدرتی داشته باشند و از امتیاز برابر با غرب برخوردار شوند را در نظر نمی گیرند بنابراین پیامد مناسبات تبعیض آمیز غرب موجب واکنش منفی مسلمانان نسبت به غرب می شود. ضعف قوانین بین الملل به لحاظ بهره برداری و اعمال نفوذ قدرتهای غربی بویژه آمریکا در نادیده گرفتن حقوق مسلمانان و حقوق بشر با توجیه مبارزه با تروریسم و رویکرد تناقض گونه آنها با این موضوع و راههای تسهیل کننده یا کمک کننده به تروریسم و همچنین تعارض ارزشهای اسلامی با ارزشهای مورد نظر غرب، اینها و مواردی از این قبیل زمینه های ساختاری رویکرد منفی کشورهای اسلامی به غرب را تشکیل می دهند و به عبارت دیگر زمینه ساز رادیکالیسم افراطی و شکل گیری شبکه های تروریستی می گردد. در ضمن اراده کارگزاران و عاملان تروریسم در کنار این ساختارها در تعامل با هم موجب شکل گیری پدیده تروریسم می شوند.

## ب- زمینه های داخلی تروریسم:

### مقدمه:

قبلاً به پدیده های خارجی از کشورهای اسلامی که زمینه های خارجی تروریسم را تشکیل می دادند اشاره کردیم اکنون تلاش می کنیم به مواردی در داخل دولت های اسلامی که زمینه نزاع و درگیری هستند بپردازیم. این موارد به همراه زمینه های خارجی که شرح آن گذشت ساختاری را بوجود می آورند این ساختار، بستر لازم برای تروریسم را فراهم می کند. بنابراین باید ببینیم چگونه قدرت طلبی و منفعت طلبی هیأت حاکمه در این دولتها و استبداد، بحران مشروعیت و مسائلی از این قبیل مانند مشکلات اقتصادی و فرهنگی انگیزه بروز تروریسم را در این کشورها فراهم می کند. برای این منظور لازم است به شرح زمینه های داخلی مورد نظر بپردازیم.

## ۱. قدرت و منافع هیأت حاکمه

برای اینکه بی‌نیام چگونگی کسب قدرت و یا حفظ قدرت و همچنین منافع افراد یا گروه‌های حاکم در دولت‌های اسلامی بستری لازم برای بروز تروریسم است، این نکته مهم است که بر اساس رهیافت مبتنی بر قدرت و به نظر گردستی‌ن و میلانوی‌چ، علت اساسی ایجاد و حفظ نابرابری‌ها، وجود قدرت یا امکان کنترل منابع توسط افراد قدرتمند است؛ آنها با در اختیار داشتن کنترل بر منابع، بر نحوه تخصیص آن تأثیر مستقیم می‌گذارند.<sup>۱</sup> برای بیان این مسأله، "قدرت" را توضیح می‌دهیم:

### ۱-۱. قدرت؛

یکی از تعریف‌هایی که از قدرت به عمل آمده این است که قدرت؛ مجموعه منابع و ابزارهای اجبار آمیز و غیر اجبار آمیزی است که حکومت‌ها برای انجام کار ویژه‌های خود از آنها بهره‌مند و آنها را به کار می‌برند و سیاستمداران بر سر آن منابع، با رقبا و مخالفین خود نیز درگیری منازعه می‌شوند.<sup>۲</sup> برخی از اندیشمندان ریشه‌ای‌ن منازعه را که به تعبیری زمین‌ه تروریسم هم می‌تواند باشد از غریزه مرگ می‌دانند. فروید مرگ را اساس گرایش به تخریب و منازعه می‌داند. افلاطون، علت منازعه را در ندرت منابع یا خیر محدود جستجو کرد، ارسطو، علت اصلی را در نابرابری والکسی دو توکوی‌ل، نویسنده فرانسوی افزایش توقعات را علت اصلی منازعه معرفی می‌کند، مارکس و انگلس، ریشه منازعات اجتماعی و سیاسی را در مالکیت خصوصی و اختلاف منافع مادی میان طبقات می‌جستند و توماس هابز، فیلسوف انگلیسی ریشه اصلی منازعه را در کوشش انسان برای صیانت ذات و مقابله با تهدید مرگ زودرس می‌دانست و برخی محافظه‌کاران معاصر، منازعه سیاسی را نشانه کودکی ملتها خوانده‌اند.<sup>۳</sup>

---

۱- حسین اکبری، بازبینی قدرت سیاسی و نابرابری‌های اجتماعی، فصلنامه سیاسی، اجتماعی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۰ ص ۱۶۹.

۲- حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی، تهران: مؤسسه نگاه معاصر ۱۳۸۰ ص ۲۹.

۳- همان ص ۳۴-۳۵

سیاست مداران عموماً تمایل به رها کردن قدرت ندارند و در بسیاری از این دولت‌ها از این که انتخابات مجددی در کار نیست خوشنودند. تصمیم ماندن بر مسند قدرت ممکن است نه تنها به علت تمایل به حفظ اعتبار و پاداش مادی باشد بلکه گاهی ممکن است به دلیل هراس از عواقب ناشی از کناره‌گیری باشد. هر کسی که بر مسند قدرت قرار گیرد دشمنانی دارد و تنها در چند کشور برخوردار از رشد سیاسی بالا، رهبران سیاسی می‌توانند در صورت کناره‌گیری از قدرت، انتظار واکنشی بزرگوارانه و افتخار آمیز از سوی دی‌گران، همانند دوره زمامداری داشته باشد.<sup>۱</sup> با این حال حفظ قدرت این امکان را می‌دهد که منافع زمامداران در این دولت‌ها، دنبال شود.

## ۱-۲. منافع هیأت حاکمه:

برخی بر این باورند که این تمایل وجود دارد که منافع طبقه حاکم به عنوان منافع کل جامعه قلمداد شود و به نظر حسین بشیریه، اگر امکان هیچ نقد و انتقادی در جامعه وجود نداشته باشد بروز خشونت و ترور می‌تواند واکنش به از دست رفتن یا تضعیف پایگاه‌های قدرت، امتیازهای اقتصادی و سیاسی باشد.<sup>۲</sup> اما راه‌هایی برای حفظ قدرت و به تبع آن دنبال کردن منافع وجود دارد که یکی از این راه‌ها پنهان کاری حکام است که به تعبیر دوورژه موجب تعارض می‌باشد. منافع حکام در این دولت‌ها با نوعی پنهانکاری پشت سر ارزشهای برتری یا منافع عمومی و غیره مخفی می‌شود هنگامی که مردم از این وضعیت آگاهی می‌یابند زمینه مقابله آنها با حکومت فراهم می‌شود. دوورژه تضاد گروه‌های سیاسی را در قالب پنهانکاری از این قرار می‌داند: «۱. ارزشهای فروتر پشت سر ارزشهای برتر، پنهان می‌شوند. معمولترین تکتیک پنهانکاری را در این می‌داند که چهره هدفی که کمتر اقرار پذیری است زیر نقاب هدفی که از دیدگاه نظام‌های ارزشی قابل ارائه باشد در واقع پنهان کردن اهداف زیر پوشش ارزشها؛ ۲. منافع خصوصی پشت منافع عمومی

۱- جی. ای. گلدتورپ، *جامعه‌شناسی کشورهای جهان سوم - نابرابری توسعه*، ترجمه جواد طهوریان، مشهد:

معادنت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ ص ۳۸۶.

۲- مسعود سفیری، *کالبد شکافی خشونت*، تهران: نی ۱۳۷۹ ص ۹۶.

به توده های مردم چنان وانمود شود که منافع آنها در خطراست در حالی که خطر تنها منافع خصوصی اقلیت کوچکی را تهدید می کند. ۳. پنهان شدن پشت سر دشمن؛ به اسم جلوگیری از خطر دشمن تدابیری که در عالم واقع به سود طبقه در رأس قدرت اتخاذ شده است توجیه می گردد<sup>۱</sup> در اغلب کشورهای اسلامی منافع فردی و گروهی بر منافع عمومی ترجیح داده می شود و چون منافع عمومی کمتر در نظر گرفته می شود، مردم به این دولتها کم اعتماد می شوند و برای نشان دادن سلب اعتماد مردم یا اعتماد آنها به دولت، بایستی مردم در سیاست مشارکت می کنند یا نه؟ ضعف فرهنگ سیاسی مشارکتی از نشانه های بی اعتمادی به دولتهاست. وقتی دولت بعنوان نیروی مافوق تصور شود که با زور و خشونت، سلطه می یافته تا منافع گروهی را تأمین کند در این صورت یا مردم از روی ترس اطاعت می کنند و یا به انحاء گوناگون در صدد مقاومت و مقابله با دولت بر می خیزند<sup>۲</sup> بنابراین بی اعتمادی مردم از منفعت طلبی حکومت و غیره نشأت می گیرد و می تواند زمین ه بروز تروریسم را در این دولت ها تقویت کند. پای این بودن تحرک سیاسی اجتماعی در این دولتها، موجب می شود که برای ارتقاء افراد، ملاکهای انتسابی (نزدیکی به کانون قدرت) مؤثرتر از ملاکهای اکتسابی (شایستگی فرد) لحاظ شود به عبارت دیگر عدم نهادینه بودن تحرک سیاسی اجتماعی، بی اعتمادی و خود بیگانگی سیاسی را تشدید می کنند. گاهی بصورت جهشی بعضی افراد صعود می کنند و گاهی هم سقوط دفعی، به همین خاطر احتمالاً ترس از سقوط و عدم امنیت به تشدید تعارضات می انجامد. متزلزل بودن حقوق فردی؛ معمولاً در این دولتها مقام و موقعیت فرد و حقوق او تابعی از علایق حاکم یا هیأت حاکمه است. مجموع این عوامل به کاهش اعتماد سیاسی، سیاست گریزی<sup>۳</sup> و یا به خشونت و تروریسم تمایل دارد. همانطور که بیان

---

۱- موریس دورژه، *جامعه شناسی سیاسی*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۷ صفحات ۳۵۳ تا ۳۴۹.

۲- اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، *بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی (مجموعه مقالات)*، تهران: وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ ص ۲۱۵.

۳- همان، صص ۲۱۷-۲۱۶.

شد منفعت طلبی زمامداران سیاسی در این دولتها و به تبع آن آگاهی مردم و نارضایتی آنها از دستگاه حاکمه، احتمالاً برای غلبه بر مردم و جلوگیری از واکنش های احتمالی آنها نظام سیاسی را به سمت استبداد سوق می دهد و این مسأله در طول تاریخ مسلمانان، مورد توجه مصلحان اسلامی نیز بوده است نه تنها روی آوردن بر استبداد چاره کار نیست بلکه خود استبداد هم احتمال بروز تروریسم را افزایش می دهد برای توضیح بیشتر، به شرح و توصیف استبداد به عنوان مسأله ای که ظهور تروریسم را افزایش می دهد و می تواند بعنوان عاملی که زمینه ساز تروریسم باشد می پردازیم.

### ۳-۱. استبداد:

در اصطلاح سیاسیون مراد از استبداد؛ تصرف کردن یک نفر یا جمعی است در حقوق ملتی بدون ترس از بازخواست.<sup>۱</sup> سید عبدالرحمن کواکبی به عنوان یکی از مصلحان اسلامی خطر استبداد را به انحاء گوناگون توضیح و تفسیر کرده است او بر این باور است که حکمران مستبد، در امورات مردم به اراده خویش حکومت می نماید نه به اراده مردم، با هوای نفس خود در میان مردم حکم می کند نه به قانون شریعت. مستبد اگر مانعی نباشد از حد تجاوز می کند چرا که اگر ظالم در پهلوی مظلوم شمشیری ببیند، هرگز اقدام به ظلم نمی نماید، استعداد جنگ، جنگ را مانع شود مستبد انسان است و از روی فطرت، استعداد خیر و شر هر دو در او هست. پس به رعیت است که مستعد باشند تا بشناسند خیر کدام و شر کدام است می گوید: مستبد آدمی است؛ و آدمی بیشتر با گوسفند و سگ آلفت دارد از این جهت است که مستبد می خواهد رعیتش در شیر و فایده، همچون گوسفند باشد و در اطاعت مانند سگ فروتنی و تملق نماید اما بر رعیت است که مثل اسب باشد؛ اگر او را خدمت کنند، خدمت نماید و اگر بزندش بد خوبی آغازد. بلکه بر رعیت است که مقام خویش را بشناسد که آیا به خاطر خدمت مستبد خلق شده، یا مستبد از برای خدمت به او

---

۱- سید عبدالرحمان کواکبی، *طبایع الاستبداد*، ترجمه عبدالحسین میرزا قاجار، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

حوزه علمیه قم ۱۳۷۸ ص ۸۳.

آمده و او را به خدمت بازداشته؟<sup>۱</sup> اکنون این پرسش به ذهن می رسد که چگونه استبداد زمینه تروریسم را می تواند در خود داشته باشد؟ برای پاسخ به این سؤال باید گفت که حکومتها هنگامی که قدرت را در دست خود متمرکز می کنند امکان اینکه بازیچه هوسهای شیطنانی قرار گیرند و به مخالفان اجازه انتقاد را ندهند و افراد نالایق و چاپلوس پست های حساس را بر عهده گیرند، و افراد کارآمد و لایق خانه نشین شوند وجود دارد و اینک استبداد و خشونت، همدلی اجتماعی را به کیسه و دشمنی تبدیل می کند و با بذل و بخششهای غیر قانونی، بیت المال را به هدر می دهد. این وضعیت موجب از بین رفتن ثبات سیاسی بسترهای وفاق اجتماعی می شود<sup>۲</sup>

حکومت‌های خودکامه قانون را نادیده می گیرند یا به ابزاری برای دست‌یابی به خواسته‌های ناموجه خود تبدیل یا تفسیر می کنند. این حکومتها کم پشتوانه مردمی خود را از دست می دهند و برای حفظ قدرت از شیوه های غیرقانونی استفاده می کنند در واقع برای کسب منافع نامشروع با دور زدن قانون، آن را به نفع خود تفسیر می کنند و بجای اینک به فلسفه وجودی خود یعنی خدمت به مردم فکر کنند و گردن نهند بر عکس همه چیز و همه کس را خادم خود می دانند. وقتی مردم از این رفتار نا عادلانه آگاهی یابند، نه تنها زمينه تروریسم فراهم است بلکه بالاتر زمينه وقوع انقلاب هم وجود دارد به عنوان مثال وقوع انقلاب اسلامی ایران بهترین شاهد بر این ادعاست که مردم با رهبری امام خمینی (ره) که همواره توجه مردم را به استبداد معطوف می داشت موجب سقوط استبداد شاهنشاهی در ایران گردید.

## ۲. بحران مشروعیت

قبل از آنکه بحران مشروعیت را بعنوان یکی از زمینه های تروریسم توضیح دهیم، ابتدا مشروعیت را بررسی می کنیم و بعد به بحران مشروعیت می رسیم؛

۱- همان، صص ۸۷-۸۸.

۲- عبدالمحمد مصطفایی، *وفاق اجتماعی آسیب شناسی و راهبردهای گسترش آن*، تهران: آوای نور ۱۳۸۷ ص ۴۰.

## ۱-۲. مشروعیت؛

برای بیان اصطلاح مشروعیت خود به خود ذهن به سمت ماکس وبر، جامعه شناس معروف که انواع مشروعیت را مطرح نموده و آن را شرح داده است، می رسد. وبر، مشروعیت سیاسی را بعنوان پذیری قلبی حکومت حاکمان و نظام سیاسی از طرف حکومت شوندگان مطرح کرده است، وی حصول این امر را بر همسویی سلطه سیاسی با ارزشها و باورهای عمومی جامعه دانسته است. او از سه نوع مشروعیت سیاسی نام می برد که عبارتند از:<sup>۱</sup>

۱. مشروعیت عقلایی؛ به نظر وبر این نوع مشروعیت بر اعتقاد به حقانیت ترتیبات اتخاذ شده و حق تعین خط مشی از طرف کسانی استوار است که از آنها خواسته شده است تا از طریق این ترتیبات به اعمال سلطه پردازد. یک ویژگی بسیار مهم سلطه عقلایی تکیه بر قانون و به کارگیری یک دستگاه اداری غیر شخصی است. ۲. مشروعیت سنتی؛ وبر این مشروعیت را مبتنی می داند بر باور مستمر به درستی سنن همیشگی معتبر و حقانیت کسانی که به شیوه سنتی اعمال قدرت می پردازند. ۳. مشروعیت کاریزماتیک؛ این مشروعیت بر تسلیم غیر معمول مردم در برابر شخصیت مقدس و فضیلت قهرمانی یا ارزشهای استثنایی یک شخص و فرامین او استوار است و مبنای این سلطه عقل و سنت نیست بلکه احساسات و سنت شکنی لازم<sup>۲</sup> چنین قدرتی است. با این تعابیر اکنون اگر مشروعیت سیاسی و پذیری قلبی حکومت حاکمان در دولتهای اسلامی، با ارزشها و باورهای عمومی جامعه همسویی خود را از دست داد یا تعارض مبنائی پیدا کرد؛ یعنی باورها و ارزشهای متعارض در جامعه پدیدار شد در آن صورت بحران مشروعیت بوجود می آید. بشیوه معتقد است اگر بحران مشروعیت پدید آید و پشتوانه عمومی حکومت تضعیف شود و هیچ وسیله متعارفی برای حفظ قدرت سیاسی در دست نباشد امکان بروز ترور و خشونت های سیاسی افزایش می یابد به نظر او گروههایی که از نظر قدرت سیاسی در اقلیت باشند یا احساس خطر کنند

۱- احمد نقیب زاده، درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، تهران: سمت ۱۳۷۹ صفحات ۱۵۵ تا ۱۵۷.

بی‌شتر به ترورهای سیاسی متوسل می‌شوند<sup>۱</sup> و در این فضا شکل‌گیری گروه‌های تروریستی امکان‌پذیر است.

## ۲-۲. بحران؛

مسئله مشروعیت مربوط به ذات و ماهیت هر نظام سیاسی است پرسش از مشروعیت آن قدر مهم و حیاتی است که هر نظام سیاسی بای‌د به آن پاسخگو باشد و به گونه‌ای اعمال حاکمیت خود را بر پایه‌ی یکی از مبانی و نظریه‌های مقبول جامعه توجیه کرده و عقلانی نشان دهد و گرنه حاکمیت دچار چالش می‌گردد بحران مشروعیت در نظام‌های سیاسی هنگامی بروز می‌کند که دلایل و توجیهات فرمانروایان سیاسی برای جلب اطاعت مردم قانع‌کننده نباشد و مبنای فکری فلسفی اقتدار مورد پرسش قرار گیرد. برخی از علل و عوامل که بحران مشروعیت را بوجود می‌آورند عبارتند از:<sup>۲</sup>

۱. عدم توجه به قوانین اساسی؛ ۲. جلوگیری و ای‌جادهای مانع در مشارکت سیاسی اجتماعی؛ ۳. ضعف حاکمان در انجام و عده‌ها و برنامه‌های در دست اجرا؛ ۴. بالا رفتن شکاف بین حکومت موجود و حکومت دلخواه مردم؛ ۵. عدم جلب و جذب اقشار روشنفکر و آگاه جامعه و غیره. بعنوان مثال رژیم پهلوی دوم در ایران با گذار از یک دهه فضای باز سیاسی (سالهای ۱۳۲۰-۱۳۳۲) در دهه ۱۳۳۰ به بعد دچار ضعف‌هایی در تحکیم مشروعیت خود شد. تورم و تشدید فاصله طبقاتی، فساد دستگاه در بلعیدن ثروت‌های ملی در برابر دیدگان مردم، پیدایش شکاف‌های فرهنگی و تشدید تعارضات آشکار در درون فرهنگ ملی، جریحه‌دار شدن احساسات ملی و مذهبی، متأثر بودن از قدرتهای خارجی و در نتیجه بی‌اهمیت شدن استقلال سیاسی، در کنار استبداد شخصی شاه با گرایش به نظامی‌گری، اقتدار مطلوب رژیم را سست کرده و از شکل‌گیری نوعی مشروعیت سیاسی پایه‌دار جلوگیری کرد؛ همانطور که خانم نیکی کدی در کتاب ریشه‌های انقلاب ایران می‌گوید:

۱- سفیری، پیشین، ص ۱۰۱.

۲- علی‌الهامی، مشروعیت، ماهنامه آموزشی اطلاع‌رسانی معارف، شماره ۳۶ خرداد و تیر ۱۳۸۵ ص ۱۹.

«در سالهای نخست دهه ۱۹۶۰ م مسائلی نظیر تورم جدی، فساد رو به رشد و نشانه‌های دال بر این‌که رونق اقتصادی اواخر سالهای دهه ۱۹۵۰ رو به انفجار بود، باعث گردید که در خارج از قلمرو دو حزب رسمی دولتی مخالفت‌هایی به منصفه ظهور برسد از یک سو تکیه بر عنصر خشونت و استبداد سیاسی به مثابه عاملی مشروعیت‌زدا و از سوی دیگر بروز شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از مدرنیزاسیون (اقتصاد) نوی بد بخش بحران مشروعیت شد.»<sup>۱</sup>

بنابراین بحران مشروعیت نه تنها زمینی تروریسم بلکه بالاتر از آن زمینی و وقوع انقلاب هم در آن وجود دارد و برخی انگیزه‌ها که برای وقوع انقلابها در جامعه شناسی‌ها ذکر شده می‌تواند انگیزه‌ای برای تروریسم هم باشد.

### ۳-۲. انگیزه تروریسم:

در کنار بحران مشروعیت ممکن است انگیزه‌های دیگری باشد که زمینی بروز تروریسم و اعتراض مردم به دولتهای متبوعشان باشد. عبدالحمید ابوالحمد در جامعه شناسی سیاسی، با عنوان ریشه انقلاب‌ها، سه انگیزه را در هم انقلاب‌ها مؤثر می‌داند که به نظر می‌رسد این انگیزه‌ها در ظهور تروریسم بی‌تأثیر نیست؛ ۱. نفی ارزش‌های حاکم؛ ۲. نفی راه و روش حاکمیت؛ ۳. گسترش کمبودها و کمیابی‌ها؛<sup>۲</sup> ارزش‌های حاکم به علت زیاده‌روی‌ها و زیر پا گذاشتن هنجارها و ضابطه‌هایی که خود آن را گذاشته‌اند پذیرفته‌اند یا حاکم بر جامعه است می‌تواند مورد شک و تردید قرار گیرد و اعتراض جامعه را برانگیزد و ممکن است نفی ارزش‌های حاکم در جامعه توسط اکثریت مردم و بصورت عمومی انجام نگیرد و تنها از جانب گروه‌های تروریستی نمایان شود. انگیزه دوم نفی راه و روش حاکمیت بود و این مسئله آنگاه صورت می‌گیرد که گزینش در جامعه بالاتر و گوناگون تر باشد در این صورت ناخشنودی هم‌بیشتر خواهد بود و سوم این‌که ابوالحمد

۱- عباس زارع، بحران مشروعیت، در پیدایش نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی، سایت باشگاه اندیشه، ۱۳۸۹/۱/۱۷

<http://www.Bashgah.Net/pages-1960.html>

۲- عبدالحمید ابوالحمد، مبانی سیاست (جامعه‌شناسی سیاسی) تهران: توس، ۱۳۶۵، صفحات ۳۶۷-۳۷۰-۳۷۱.

معتقد است در بین کمبودها سه خواسته "قدرت"، "حیثیت" و "ثروت" از انگیزه های بیشتری برخوردار است، قدرت؛ را به امکان تحمیل اراده کس به گروه، به کس یا کسان یا گروههای دیگر به قصد وارد کردن و یا بازداشتن آنان به کاری می داند. حیثیت، یعنی داشتن موقعیت ها و مقام ها و اعتبارهایی که برای دیگران در رابطه های اجتماعی هوس انگیز، موجب غبطه و آرزو و خواستنی است و از ثروت می توان هر چه را که قابل مصرف است تعریف کرد<sup>۱</sup>. بنابراین انگیزه های فوق، چون اعتراض و واکنش مردمی را بدنبال دارد و اکثر حاکمیت ها به درخواست مردم پاسخ مثبت نمی دهند و اغلب کشورهای اسلامی دچار این مشکل هستند در این صورت شکل گیری تروریسم دور از انتظار نیست.

### ۳. فقدان دموکراسی:

قبل از بیان فقدان دموکراسی، بعنوان زمینه ای برای تروریسم در دولتهای اسلامی، لازم است دموکراسی را مورد بررسی قرار دهیم تا نبود آن هم مشخص شود:

#### ۳-۱. دموکراسی:

به بیان بشیری به ای دئولوژی دموکراسی، در قرن نوزدهم و بیستم با هم فرق می کند، مفهوم اصلی این ای دئولوژی برابری همگان در حوزه سیاسی و حقوقی است و هدف دموکراسی در قرن نوزدهم بر آوردن خواست های حقوقی و سیاسی اقشار متوسط بود اما در قرن بیستم برابری در حوزه اجتماعی بیشتر مورد توجه بود که مفهوم دولت رفاهی پشته و ضامن واقعی دموکراسی سیاسی در قرن بیستم بوده است. از سوی دیگر از نظر اخلاقی دموکراسی بر اصل نسبیّت ارزشها استوار است؛ یعنی هیچگونه معیار مطلق، برای تعینی سلسله مراتب ارزشها در کار نیست. چند ویژگی اساسی و مهم دموکراسی که مورد تأکید است عبارتند از:<sup>۲</sup> ۱. دموکراسی، حکومتی است مبتنی بر آراء و افکار عمومی با استمرار و احساس مسئولیت به آن که حکومت دائماً منشأ دموکراتیک خود را تجدید کند؛

۱- همان.

۲- حسین بشیریه، پیشین ص ۱۳۴.

۲. افکار عمومی به شیوه ای آزاد و آشکار ابراز شود و شیوه مناسب ابراز آن همچون روزنامه های آزاد، انتخابات، تحزب، مراجعه به آراء عمومی و غیره وجود داشته باشد؛ ۳. در مورد مسائل مورد اختلاف، رأی اکثریت عددی در نظر گرفته شود؛ ۴. حکومت دموکراسی در فضایی عمل می کند که نهادها و انجمن های مستقل در مقابل خود کامگی احتمالی حکام از حقوق و آزادی های افراد و انجمن ها پشتیبانی کنند؛ ۵. کثرت گرای اجتماعی در نظر گرفته شود چون هر جامعه ای مرکب از منافع و علائق و ارزشهای گوناگون است؛ ۶. دموکراسی مستلزم نسبی گرای ارزشی و اخلاقی است، بنابراین هیچ گروهی حق ندارد در جایگاه حکومت، هیچ فلسفه یا ایدئولوژی خاصی را بر گروههای دیگر تحمیل کند؛ ۷. آزادی، شرط عملکرد رضایت بخش نهادهای دموکراتیک رعایت آزادی های اساسی از جمله آزادی بیان، انجمن و قلم است.

بطور کلی از سه دسته نظر درباره حکومت دموکراسی نام برده شده: ۱. یکی دموکراسی به معنای حکومت اکثریت مردم؛ دوم دموکراسی به معنای حکومت قانون و سوم دموکراسی به معنای حکومت متناوب چندین گروه برگزیده بر اساس نظریه اول که دموکراسی اکثریتی یا ژاکوبینی نام دارد اکثریت هیچگاه اشتباه نمی کند اما بر اساس نظریه دوم جوهر دموکراسی در حکومت یا استبداد اکثریت نیست بلکه در قانون است. حکومت خوب حکومت محدود است، اما اراده اکثریت محدودیتی بر قدرت محسوب نمی شود بلکه ممکن است کار را به خودکامگی اکثریت بکشاند، و حمایت توده ها از حکام لازم دموکراسی نیست چه بسا خودکامگانی که از حمایت توده های عظیم برخوردار بوده اند. و اما نظریه سوم که دموکراسی به معنای تعدد گروههای برگزیده است؛ بنابراین نظریه جوهر دموکراسی مدرن را رقابت میان چندین گروه قدرت می دانند. به نظر این گروه حکومت اراده اکثریت یا حکومت قانون ماهیت دموکراسی مدرن را توضیح نمی دهد و همه حکومتها را انواعی از الیگارشی می شمردند. در نهایت آنچه امروزه از دموکراسی اجتماعی برداشت می شود، چیزی بیش از دفاع از دولت رفاهی نیست. تأمین اشتغال

کامل و خدمات رفاهی، تعدیل شکافهای طبقاتی از طریق سیاست های مالی، افزایش هزینه های عمومی و غیره. اکنون که ویژگی های دموکراسی و نظرات موجود درباره آن مطرح شد این سؤال به ذهن می رسد که آیا این شرایط در دولت های اسلامی وجود دارد یا به عبارت دیگر در کشورهای اسلامی دموکراسی هست یا نه؟ و دیگری اینکه چگونه در نبودن دموکراسی زمینه تروریسم وجود دارد؟ برای پاسخ لازم است شبه دموکراسی را توضیح دهیم.

### ۲-۳. حکومت‌های شبه دموکراسی:

بشیریه، از دموکراسی در کشورهای در حال توسعه، به شبه دموکراسی توصیف می کند که در این نوع نظامها، زندگی سیاسی نه کاملاً دموکراتیک و نه کاملاً توتالیتر است، معتقد است که در چنین کشورهایی اصولاً درگیری و داری‌اند نو سازی و توسعه و گذار از سنت به تجدید قرار دارند و کشمکش های برخاسته از این شرایط از استقرار دموکراسی و توتالیتریسم هر دو جلوگیری می کند. ساختار اجتماعی سنتی و فرهنگ سنتی گسیخته و پراکنده امکان استقرار کامل نظام سیاسی مدرن - چه دموکراتیک و چه توتالیتر - را منتفی می سازد و بطور کلی معتقد است استقرار دموکراسی در کشورهای در حال توسعه که دولتهای اسلامی هم جزئی از این کشورها هستند مواجه با موانع مهمی است از جمله: سلطه گروههای اشرافی و قدیمی که دموکراسی را مغایر با منافع خود می یافتند؛ سلطه ارزشهای مطلق کهن و استحکام سنت ها، ادامه قدرت نهادهای قدیمی مغایر با دموکراسی مثل دربارها، نهادهای مذهبی نیرومند و ارتش ها به عدم پایداریش متوسط تجاری و صنعتی که معمولاً به تساهل و صلح و دموکراسی علاقه مندند؛ شدت شکافهای قومی، مذهبی و فرهنگی که معمولاً از اجماع و تفاهم اجتماعی جلوگیری می کنند و مقتضیات و فشارهای ناشی از فرایند نو سازی و صنعتی کردن از سوی دیگرمینه های مساعد برای گرایش به شیوه های حکومت اقتدار طلب نیز قوی بوده است. به اعتقاد بشیریه نتیجه ترکیب این عوامل شبه دموکراسیهای بی ثباتی در کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است که می‌ان

اتوکراسی، الیگارشسی، پوپولیسم، شبه دموکراسی یا دموکراسی ظاهری نوسان دارند<sup>۱</sup> به نظر ابو‌الحمد قدرت حاکم یا دشمنان را تحمل می‌کند و می‌پذیرد یا آنان را از میان می‌برد. همزیستی با دشمنان نخستین پایه دموکراسی و پاسداری از آزادی‌های همگانی است.<sup>۲</sup>

در صورت دموکراتیک بودن نظام سیاسی، اعمال خشونت در سیستم سیاسی به حداقل می‌رسد و به گفته عبدالعلی رضایی، در غیر این صورت میل به اعمال خشونت بی‌شتر می‌شود. در کل جامعه و حکومت، که ظرفیت اعمال خشونت در آنها به شکل سیستماتیک وجود دارد، میل به اعمال خشونت تقویت می‌شود چون در مورد اهدافی که گروهی از نخبگان بر سر آن توافق دارند، توافق عام وجود ندارد و آنان مجبورند که آن نسخه درمانی خود را اجرا کنند و اما در عرصه عمل به موانعی برخورد می‌کنند و برای برچیدن موانع به خشونت متوسل می‌شوند او معتقد است عوامل تعیین‌کننده ورود افراد و گروه‌ها به عرصه خشونت شبیه همان مؤلفه‌های است که موقعیت دولت‌ها را برای ورود به عرصه منازعات بین‌المللی تعیین می‌کند که عبارتند از: ۱- امنیت فردی. ۲- حفظ و توسعه و گسترش ثروت‌های مادی. ۳- مراقبت و تبلیغ شیوه‌ای از زندگی. ۴- تصحیح یا جبران «ناعدالتی‌های» بوجود آمده ۵- عزت و افتخار. ۶- انتقام. ۷- ارضای احساسات و غیره چه در جنگ میان ملت‌ها و چه در خشونت‌هایی که میان دو گروه یا افراد حادث می‌شود، یک عامل به تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کننده باشد، بلکه ترکیبی از انگیزه‌های ذکر شده وجود دارد که انسان‌ها را وادار به قبول ریسک ورود به مبارزه می‌کند<sup>۳</sup> پس در جامعه غیر دموکراتیک انگیزه‌های میل به تروریسم وجود دارد و در فقدان دموکراسی تمایل به تروریسم بی‌شتر خواهد بود و در دولتهای اسلامی به دلیل غیر دموکراتیک بودن تشویق به خشونت هم صورت می‌گیرد برای شرح این مسأله به گفتمان خشونت می‌پردازیم.

---

۱- همان صص ۳۹-۴۰.

۲- ابو‌الحمد، پیشین، صص ۳۷۸.

۳- سفیری، پیشین، صص ۱۵۰-۱۵۶.

### ۳-۳. گفتمان خشونت:

اگر خشونت از طرف جامعه تأیید شده و آموخته شود بنابراین یک نظام آموزشی وجود دارد که از طریق کانال های مختلف در حال آموزش چنین ارزشی به جمع است<sup>۱</sup> بعضی گفتمان ها و دیالوگ ها می توانند بستر ساز فضای خشونت باشند به بیان عضدانلو که اشاره دارد به نظر های دیگر مبنی بر اینکه فرایند پنهانی وجود دارد که کلمه را هوشمند می کند و زبان هم آستانه ورود از ذهنیت به عینیت و هم آستانه ورود از عینیت به ذهنیت است می گوید: زبان تأثیر می گذارد اگر برای ملتی زبان تهدید آمیز به کار برده شود، آنان نیز آماده مقابله می شوند حتی اگر چنین قصدی هم نداشته باشند، زبان راه خود را می گشاید و بر ذهن اثر می گذارد.<sup>۲</sup>

اقلیت ها در دولت های اسلامی در معرض چنین گفتمانی قرار دارند برای مثال شیعیان در بعضی کشورهای اسلامی در معرض خشونت و تهدید هستند یکی از گفتمانهای خشن و زمی نه ساز تروریسم، گفتمان وهابیت است. این جریان فکری نه تنها با تشیع موضع گیری شدیدی داشت بلکه با دیگر جریانهای فکری که دارای گرایشات عقلی بودند از جمله معتزله مخالفت می کرد. ریشه فکری آنها به ابن تیمیه می رسد ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم الجوزیه از بزرگترین علما و فقهای حنبلی هستند که برخی اعتقادات آنها عبارت است از: منع زیارت قبور پیشوایان دینی و عدم جواز ساختن گنبد و بارگاه برای آنان و لزوم ویران کردن آنها، منع توسل به پیامبر و ائمه علیهم السلام و طلب شفاعت از آنها، منع سوگند به غیر خدا و بدعت دانستن هر چیزی جدیدی، وسعت دادن به دایره شرک، مخالفت با عقل و فلسفه و تشیع و تصوف، تکیه بر ظواهر قرآن و حدیث ابن تیمیه بیشتترین تأثیر را بر عبدالوهاب گذاشت<sup>(۳)</sup> و در قرون اخیر از ابن عبدالوهاب تا رشید رضا و پس از آنها به همان اصول و بنیادهای اولیه که مبتنی بر ظواهر

۱- همان ص ۱۵۷.

۲- همان ص ۱۷۸.

۳- سید احمد موقفی، جنبشهای اسلامی معاصر، تهران: سمت ۱۳۷۴، ص ۱۵۸.

کتاب و سنت و سیره سلف چون ابن تیمیه بود وابسته است.<sup>(۱)</sup> بنابراین ترویج گفتمان های خشونت آمیز می تواند زمینۀ مناسبی برای تروریسم باشد. و بعداً خواهد آمد که چگونه شبکه های تروریستی و انتحاری با تأثیر پذیری از اندیشه های رادی کال قدم به عرصۀ ظهور گذاشتند.

#### ۴-۳. فقدان دموکراسی و وجود تروریسم:

آیا دموکراسی تنها راه حل است؟ یعنی نبود دموکراسی مساوی است با تروریسم؟ اف گر گوری گاس سوم (استاد یار علوم سیاسی دانشگاه ورمونت و مدیر مطالعات خاورمیانه) در مقاله ای می گوید: «ماریتین ای‌ندایک، از سیاستمداران ارشد حوزه خاورمیانه در دولت کلینتون، نوشته بود اشتباه بزرگ کلینتون در روند صلح اعراب و اسرائیل این بود که روند ایجاد دموکراسی در خاور میانه را کم‌اهمیت می‌شمرد ای‌ندایک از دولت واشینگتن می‌خواست که روی اصلاحات سیاسی در خاورمیانه تمرکز کند او کتابی را به اتفاق «مورتون ها لپری» مدیر برنامه ری‌زی در وزارت خارجه کلینتون به رشتۀ تحریر در آورده و در آن استدلال می‌کند ری‌شه های ایجاد القاعده، فقر و فقدان آموزش در کشورهای عربستان سعودی، مصر، پاکستان است و این کمبودها ناشی از ماهیت تمامیت خواهی و استبدادی حکومت های این کشورهاست و تنها راه مبارزه با ری‌شه های این مسائل ایجاد دموکراسی در این کشورهاست. اما بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ بر اساس آمار و ارقام وزارت خارجه آمریکا که تحت «الگوهای تروریسم جهانی» منتشر شد ۲۶۹ روی‌داد تروریستی عمده در سراسر جهان در کشورهای بی‌اتفاق افتاده که در طبقه بندی‌های کشورهای آزاد دسته بندی شده اند، ۱۱۹ مورد در کشورهای نسبتاً آزاد و ۱۳۸ مورد در کشورهای بی‌که آزادی در آن وجود ندارد (این آمار عملیات شهادت طلبانه را به حساب نی‌آورده) او معتقد است بر اساس این آمار هیچ ارتباط منطقی میان روی‌داد تروریستی در یک کشور و میزان وجود آزادی در آن کشور وجود ندارد و البته بر اساس داده های رسمی دولت آمریکا بخش عمده ای از روی‌دادهای تروریستی در چند کشور

۱- همان ص ۱۱۰.

محدود روی داده است. در حقیقت نیمی از همه روی داده‌های تروریستی که در کشورهای غیر آزاد اتفاق افتاده در عراق و افغانستان بوده است در حالی که هندوستان هم که یکی از قوی‌ترین دموکراسی‌های جهان را دارد، راجی‌وگانندی و مادرش ایندراگانندی، دو نخست‌وزیر در هندوستان ترور شدند<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد ادعای اف‌گرگوری که تلاش می‌کند تأثیر فقدان دموکراسی در تروریسم را به کلی رد کند درست نباشد و این ادعا که دموکراسی تنها راه است برای از بین بردن عدم نضج تروریسم، این ادعا هم به نظر معقول نیست؛ زیرا همانطور که اشاره شد تروریسم در کشورهای آزاد و دارای دموکراسی هم اتفاق افتاده است و از طرف دیگر نسبت دادن تروریسم به واکنش مردم در سرزمین‌های اسلامی، به تجاوزگری آمریکایی‌ها بطور مطلق، به نظر این هم درست نباشد البته عکس‌العمل مسلمانان در دولت‌های اسلامی به روحی‌تجاوزگر و استعماری غرب امری مسلم است اما تنها دلیل نیست. آنچه که مهم و معقول به ذهن می‌رسد این است که زمینه‌های متعددی وجود دارد برای شکل‌گیری تروریسم و نمی‌توان آنرا به یک مورد محصور کرد.

#### ۴. فقدان توسعه و مشکلات اقتصادی

اغلب دولت‌های اسلامی به لحاظ اقتصادی در وضعیت وضعی‌فمی به سر می‌برند پای‌ین بودن توان اقتصادی، فقر، محرومیت و غیره از طرفی نگاه مسلمانان به پیشرفت مادی غرب و بالا بودن رفاه نسبی در کشورهای توسعه‌یافته غربی، زمینه‌مناسبی است برای نارضایتی از وضع موجود و همچنین بستری است برای میل به تروریسم. برای توضیح مسأله برخی موارد را که مانع پیشرفت اقتصادی می‌شود و به نظر می‌رسد توسعه را در این کشورها مختل کرده است مورد توجه قرار می‌دهیم که در واقع ساختار کشورهای اسلامی بدین گونه است.

---

۱- اف. گرگوری. - کاس سوم؛ تروریسم و فقدان دموکراسی، مترجم: علیرضا عبادتی، ۱۳۸۹/۱/۱۷

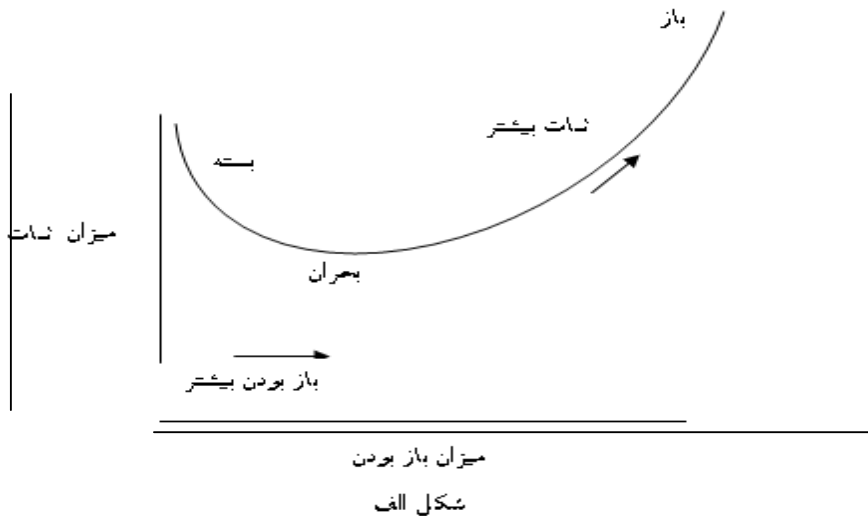
#### ۱-۴. تمرکز سیاست و اقتصاد:

محمود سریع القلم جملاتی از میلتون فریدمن نقل کرده مبنی بر این‌که اگر قدرت اقتصادی به قدرت سیاسی بپیوندد، تمرکز حتمی است و بر عکس اگر قدرت اقتصادی از قدرت سیاسی تفکیک شود، در این صورت قدرت سیاسی تحت نظارت قرار می‌گیرد. از تمرکز قدرت به بزرگترین تهدید برای آزادی انسان یاد می‌کند، او دولت را برای تضمین آزادی افراد ضروری می‌داند در عین حال تمرکز قدرت، آزادی‌های فرد و جامعه را محدود می‌کند، او نظام حقوقی را برای جلوگیری از تمرکز قدرت لازم دانسته اما کافی نمی‌داند، به میزانی که دولت منافی فراتر از منافع جامعه پیدا کند برای فعالیت شهروندان دستور کار مشخص خواهد کرد و چنین تحولی شهروندان را در طیف فعالیت‌های خود محدود می‌کند و در واقع آزادی اندیشه و عمل در گرو توسعه و ثروت خصوصی است. ثروت خصوصی، افراد را از دولت مبری نمی‌سازد بلکه روابط آنها را در چارچوب مقررات قرار می‌دهد؛ در حالی که فرد می‌تواند راه‌های مختلفی برای رشد فردی و ثروت‌اندوزی انتخاب کند.<sup>۱</sup> برخی توسعه سیاسی را تابعی از توسعه اقتصادی می‌دانند. سریع القلم نظریه منحنی جی را مطرح می‌کند که توسط آی‌ان برمر ارائه شده، تمرکز بر ثروت خصوصی و سپس توسعه سیاسی صورت می‌گیرد. مفروض برمر این است که ثبات کشورهایمانند ژاپن، سوئد و آمریکا بر این امر مبتنی است که آنها از قرن گذشته به این سو عمیقاً در نیروهای جهانی شدن ادغام شده‌اند کشورهای بی‌قسمت چپ منحنی قرار دارند، کمتر باز هستند و کشورهای بی‌قسمت راست منحنی قرار دارند نسبت به نیروهای بی‌قسمت ملی بازتر هستند و هر قدر به طرف بالای منحنی حرکت می‌کنیم، ثبات کشورها افزایش پیدا می‌کند شکل الف منحنی برمر را نشان می‌دهد.<sup>۲</sup>

---

۱- محمود سریع القلم، فضای خصوصی، منحنی جی و توسعه یافتگی، *فصلنامه سیاسی اجتماعی*، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی شماره ۹، ۱۳۸۶ صفحات ۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴.

۲- همان، ص ۱۰۵.



به اعتقاد سریع القلم، اگر گفتمانهای سیاسی، اقتصادی و فکری یک جامعه با محیط بین‌المللی تعامل نداشته باشد، آن جامعه رشد نمی‌کند و اگر گفتمانها فقط از دویر دولتی بر جامعه سرازیر شوند و از جامعه به دویر دولتی راه پیدا نکنند، جامعه و افراد رشد نمی‌کنند. او برای نشان دادن جامعه باز، فیلم سازی کارگردان آمریکایی؛ به نام مایکل مور که به دلیل برخورداری از فضا و ضمانت قانونی توانست علیه سیاست‌های بوش فیلمی بسازد و مبنای فکری و عملی او را ابطال کند و می‌ایون‌ها نفر نه تنها در آمریکا بلکه در سراسر جهان، نقادی‌های یک کارگردان از رئیس جمهور آمریکا را متوجه شوند در همین راستا، فشارها و مطالعات مستقل سنای آمریکا بود که دولت بوش را مجبور کرد تا در روش‌ها و سیاست‌های اعمال شده در زندان گوانتانامو تجدید نظر کند. نتیجه این سخن این است که فضای غیر دولتی مانع از یک جنبه‌گرایی دولتی‌ها می‌شود. دلیلی هم همین است که مایکل مور در آمریکا این کار را انجام می‌دهد ولی در دولت‌های بسته کارگردانها توان چنین کاری را ندارند، جامعه و افراد از نهاد دولت در آمریکا استقلال دارند مایکل مور برای تولید فیلم از دولت آمریکا اجازه نگرفت و به پول آنها نیز نیازی نداشت رشد علم در اروپا عمدتاً به دلیل فاصله گرفتن دولت از فضاهای تولید

ثروت بود. اما دولتهای مسلط و قوی مانع رشد فرد می شود. پول نفت باعث تحکیم دیکتاتوری صدام در عراق شد. صنعت، دانشگاه، علم، هنر، بهداشت و رسانه ها همه دولتی شدند و در اختیار اقتدار مرکزی حزب بعث قرار گرفتند. هنرمند با اجازه و نظارت دولت نقاشی می کشید، صنعت گر بر اساس اولویت های دولت پروژه اجرا می کرد و استاد دانشگاه با رعایت استنباط مرکزی قلم می زد در چنین نظامهای ی فرد و شهروند نمی توانند پی شرف کنند. اگر در عراق جامعه ای بزرگ تر از دولت وجود داشت و رسانه ها نقش داشتند و هنرمندان فرصت ابراز نظر داشتند و قوه مقننه از قوه مجریه مستقل بود و دانشگاه از دولت پول نمی گرفت، صدام فرصت و حتی فکر تجاوز به خاک ای-ران و کویست را پیدا نمی کرد این حاصل عدم نهاد سازی و عدم استقلال جامعه از دولت است.<sup>۱</sup>

تمرکز سیاست و اقتصاد این قدرت را به صدام داد تا مخالفین خود را با اعدامهای دسته جمعی و ترور شخصیت های مخالف خود مانع رشد و پی شرف کشور شود او تا آنجا پیش رفت که آیت الله صدر، را مخفیانه اعدام کرد (۱۹۸۰ آوری-ل) و در آغاز هیچ اطلاعاتی در خصوص مرگ او صادر نشد و اخباری که فاش می شد موثق نبود.<sup>۲</sup> در اغلب دولت های اسلامی نهاد سازی واقعی صورت نگرفته و نهادهای موجود هم بسویار ضعیف هستند و قدرتمندی دولت با تسلط بر اقتصاد مانع از رشد افراد و آزادی آنها برای خلاقیت در عرصه اقتصادی و غیره می شود در چنین دولتهای ی هم فضا برای حکومت فراهم است برای ترور مخالفین خود و هم مشکلات پیش روی مردم زمینه را برای ترور و مخالفت نسبت به حکومتهای شان فراهم می کند.

## ۲-۴. ضعف فرهنگ اقتصادی عقلانی:

ضعف فرهنگ اقتصادی در دولتهای اسلامی، یک مشکل اساسی است که اغلب دولت های اسلامی با نبود عقلانیت در عرصه اقتصاد روبرو هستند.

۱- همان صص ۱۰۹-۱۰۸.

۲- جان. ال. اسپوزیتو، *انقلاب ایران بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیر شانه چی، - تهران: باز ۱۳۸۲ ص ۹۷.

#### ۱-۲-۴. عقلانیت به لحاظ فلسفی:

در مدرنیته، اراده شناخت جهان و تسلط بر آن نشأت گرفته از استفاده از عقل بوده است. عقل انسان به مثابه معیار اصلی شناسایی و داور نهایی، در نزد کانت و هگل جایگاه و مقام محوری داشته است. کانت عقل خود بنیاد را که مبنای خروج بشر از حالت صغارت و حقارت و تبدیلی هم‌انسانها به غایت فی نفسه است، به منزلت مبنای مدرنیته و عقلانیت مدرن مطرح می‌سازد. به اعتقاد کانت اراده آدمی هم در شناخت پدیده‌ها و هم در تغییری و تبدیلی آنها در عقل تجلی می‌یابد. این عقل در دوران جدید ضامن تأمین سعادت دنیوی بشر است چه همانطور که سعادت اخروی محصول عمل به تقوا و فضیلت است. شکل عالی‌تر جامعه انسانی نیز در نتیجه کردار و سعی آدمی ساخته می‌شود هگل جدی‌تر از کانت در ارزیابی عقل و جایگاه آن، تا آنجا پیش می‌رود که می‌گویی: آن چه عقلانی است واقعی است و آنچه واقعی است عقلانی است البته در اندیشه هگل نکته کانونی عقلانیت مدرن آزادی است که در روند تاریخی در عصر مدرن فراگیر می‌شود و تمامی افراد را به جایگاه خدایگانی می‌رساند و معتقد است که با سیر تکامل ذهن شاهد تکامل اخلاقی انسان یا جامعه نیز خواهیم بود.<sup>۱</sup>

#### ۲-۲-۴. عقلانیت به لحاظ جامعه‌شناختی:

و به لحاظ جامعه‌شناختی عقلانیت که از نشانه‌های جامعه مدرن است به تعبیری و بر، تمام حوزه‌های زندگی مدرن تمایل فزاینده‌ای به عقلانی شدن دارند. کنش تا زمانی عقلانی است که معطوف به هدفی روشن و خوب توصیف شود و مبتنی بر محاسبه گرایشی برای نیل به هدف باشد. وجه دیگر عقلانیت حذف و سرکوب هر امر غیر عقلانی است که در کار عقل مداخله کند و موجب کاهش کارایی آن گردد.<sup>۲</sup>

۱- علیرضا زغندی، مدرنیته در آرای سیاسی برخی از اندیشمندان ایرانی، *فصلنامه رهیافت*، دانشگاه شهید بهشتی شماره ۹ بهار ۱۳۸۶ ص ۱۵.

۲- محمد جواد نوروزی، *انقلاب اسلامی و چالشهای سنت و مدرنیته* (مجموعه مقالات، همایش انقلاب اسلامی ج دوم)، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، ناشر: دفتر نشر معارف ۱۳۸۵ ص ۴۸.

به نظر سریع القلم طرح بحث عقلانیت به معنای تکرار تجربۀ اقتصادی غرب در کشورهای اسلامی نیست به این دلیل که تکرار تجربۀ غرب به لحاظ ارزشی مطلوب جوامع اسلامی نیست اما می تواند می دانی باشد برای گزینش صحیح و منطقی جهت انتخاب و پرورش یک الگوی توسعه مطلوب، سنتها و آداب فرهنگی بایدهمواره تصحیح و تعدیل شوند تا روند توسعه هموار گردد. همان گونه که تجربیات کشورهای اوپک نمایانگر این است که وجود سرمایه به بالنفسه باعث توسعه اقتصادی نمی شود. با مثال ژاپن و کشورهای خاور دور این مسأله نمایان است که عدم مالکیت منابع اولیه مانع عظیمی برای جهش رشد اقتصادی محسوب نمی شود بسیاری از تحلیلهای گران یکی از علل مهم در سرعت و کیفیت رشد و توسعه این کشورها را بافت فرهنگی آنان دانسته اند. اصول فرهنگی این کشورها نیازهای لازم فرهنگی توسعه اقتصادی را میسر ساخته است. در جوامع خاور دور، افراد به شدت به سلسله مراتب احترام می گذارند و معمولاً اهداف مملکتی و گروهی را بر اهداف شخصی مقدم می دارند؛ به سخت کار کردن و زحمت کشیدن شهرت دارند و به اشتغال و انجام وظایف مؤسسه استخدامی خود، وفاداری فوق العاده نشان می دهند، رغبت قانون پذیری افراد در سطح بالایی قرار دارد، خصوصیات فرهنگی اقتصادی فوق در اغلب کشورهای اسلامی وجود ندارد. او از ای جاد یکی جو سالم فکری به عنوان یک قاعدۀ مستمر تاریخی و فرهنگی در قبال توسعه یاد می کند که افراد آن جامعه ای که با یکدیگر بهتر همکاری کنند و تلاطمات و فراز و نشیبها، نحوه برخورد و حل اختلافات - چه خرد و چه کلان- را به نحو احسن آموخته باشند و این روشها و برخوردها را در جامعۀ خود نهادینه کرده باشند، حرکت و پیشرفت جمعی آنان چه در حیطۀ اقتصاد و چه در عرصه های دیگر مثبت تر خواهد بود. سریع القلم معتقد است که روشهای حل و اختلافها در کشورهای جهان سوم قبل از آنکه در صحنۀ سیاست و اقتصاد طرح گردند، فضای فرهنگ شکل گرفته اند بنابراین تا زمانی که تناقضات فکری موجود میان سیاست، فرهنگ و اقتصاد کشورهای جهان سوم (کشورهای اسلامی) بطور جدی حل و مورد توجه قرار نگیرد، جلوه ای روشن و روندی پایدار و تکاملی از توسعه به مفهوم عام آن تحقق پیدا

نخواهد کرد چرا که ثبات فکری و سیاسی نشأت گرفته از تاریخ و اصالت خود، به همگرایی داخلی بر پایه نظم؛ علم و عقلانیت می انجامد<sup>۱</sup>

به عبارتی دی‌گر تا زمانی که تناقضات فکری موجود حل نشود و علم و محاسبه‌گری مورد توجه قرار نگیرد، و فرهنگ عقلانی شکل نگیرد، مشکلات اقتصادی و غیره باقی خواهد ماند و تعارضات منبث از عدم پیشرفت اقتصادی باقی می‌ماند با این‌وصف زمین‌تروری بی‌شتر می‌شود. تدابیر حکومت‌های اسلامی در به‌کارگیری منابع بسیار مهم است در دولتهای فقیرتر، خیلی عظیمی از مردم این‌کشورها، از طریق زمین‌امرار معاش می‌کنند. در چنین جوامعی، تأکید نابجا بر صنعت‌پیشرفته باعث سود بردن عده‌ای و هزینه‌زیاد تعداد بی‌شماری از مردم می‌شود. منابع کمیاب و به‌سوی اجرای پروژه‌های صنعتی‌نمایشی هدایت می‌شوند که به دلیل ضعف زیرساختها، مهارتهای ناکافی و بی‌تجربگی مدیریتی یا ناتوانی در تأمین قطعات‌ی‌س‌دکی یا ورود انرژی مورد نیاز جهت نگهداری پروژه سرانجام به مواردی بی‌مصرف و پرهزینه ختم می‌شوند. که اولین وظیفه چنین جوامعی گسترش بخش پیشرفته متنوع و پایدار کشاورزی است. عواملی برای توسعه موفقیت‌آمیز کشاورزی وجود دارد از جمله اجازه تعین قیمتهای واقع‌بینانه توسط بازار که باعث ایجاد انگیزه در تولیدکنندگان می‌شود. اعطای اعتبار و اطلاعات فنی به زارعین خرده‌پا و حمایت از شیوه‌های کشاورزی مساعد از لحاظ حفظ محیط‌زیست. پس از افزایش بازدهی و درآمد‌های روستائیان ایجاد صنایع محلی کوچک به منظور فراهم آوردن ابزارهای مورد نیاز زارعان و همچنین عرضه رو به رشد کالاهای مصرفی امکان‌پذیر است<sup>۲</sup>

هنگامی که سیاست‌های اقتصادی واردات و صادرات کالاهای کشاورزی و غیره متمرکز در دولت است وقتی در این دولتها واردات بی‌رویه انجام می‌گیرد این امر

---

۱- محمود سریع‌القلم، *عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه ۱۳۸۲ صفحات ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۴.

۲- تامس لارسون، *اقتصاد سیاسی بین‌الملل*: تلاش برای کسب قدرت و ثروت، نویسندگان توماس لارسون، دیوید اسکیدمور؛ ترجمه احمد ساعی، مهدی تقوی، تهران: قومس، ۱۳۷۶ صص ۳۶۹-۳۷۰.

موجب ضرر و زیان کشاورزان می شود موجب یأس و ناامیدی آنها نسبت به کار کشاورزی می شود. برای مثال آنگاه که بخاطر کاشت کالای مثل سیب زمینی هزینه زیادی می پردازند، زمان برداشت بدلیل واردات بی حساب و بدون محاسبه دولت، قیمت محصول ارزان می شود و بهای آن نصف بهای خرید آن بدست می دهد و نتیجه این روند: عدم تولید، بی کاری، مهاجرت روستائیان به شهرها، روی آوردن به قاچاق کالا و امکان عضو شدن در گروههای تروریستی نیز وجود دارد.

البته پی‌شرفت اقتصادی و توسعه اقتصادی بدون توجه به عرصه های دی‌گر امکان‌پذیر نیست سریع القلم با توجه به مقایسه کشورهای موفق با کشورهای نیمه موفق و ناموفق چند عنصر زیر را به عنوان شرط لازم برای پی‌شرفت در کشورهای در حال توسعه که دولتهای اسلامی هم جزئی از آنها هستند مطرح می کند که فقدان این شروط مساوی است با عدم توسعه و در نتیجه فراهم شدن زمینه تروریسم<sup>۱</sup> - نظام اقتصادی غیر-رانتی؛ ۲- ناسیونالیسم قوی نخبگان ابزاری یا دلبستگی قابل توجه به توسعه یافتگی (رهبران نوساز)؛ ۳- فهم مشترک نخبگان ابزاری و فکری از شرایط داخلی و جهانی؛ ۴- اتصالات تکنولوژیکی و علمی و مدی‌ریتی با غرب؛ ۵- سیاست خارجی هموارکننده سرمایه گذاری خارجی؛ ۶. فرهنگ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی علاقمند به توسعه یافتگی رایج بین المللی؛ ۷- محیط امنیتی (داخلی و خارجی) قابل اتکا و با ثبات. اکنون که نظام اقتصادی اغلب دولت های اسلامی رانتی است، یعنی اقتصاد آنها بر اساس تولیدات صنعتی نیست و تفکیک اقتصادی صورت نگرفته است بلکه وابسته به نفت و دی‌گر منابع طبیعی است و این امر هنوز نتوانسته موجب توسعه در این دولت ها شود. وجود مشکلات ناشی از عدم توسعه و همچنین عدم فهم مشترک نخبگان از شرایط داخلی و خارجی در اکثر این کشورها موجب تعارضات جدی داخلی و خارجی می شود و همانطور که می دانید سرمایه گذاری در جای‌ی صورت می گیرد که امنیت داشته باشد وقتی میان نخبگان فکری و دانشگاهی از یک طرف و نخبگان ابزاری و صاحب قدرت از طرف دی‌گر

۱- عقلانیت و آینده توسعه یافتگی در ایران، پیشین، ص ۱۲.

همسویی وجود نداشته باشد یا بطور کلی در بین نخبگان، تعارضات اساسی و حل نشده وجود داشته باشد در اینجا زمین‌ه تقابل و امکان شکل‌گیری گروه‌های تروریستی هم وجود دارد. اگر به اعلامیه اسامه بن لادن در سال ۱۹۹۶ م توجه کنیم او دلایل صدور این اعلامیه را چنین بر می‌شمارد؛ بی‌عدالتی، فقر، حقارت، فشار ظلم از جانب دولت؛ طرد قوانین شریعت و جای‌گزینی آن توسط قوانین ساخته بشری؛ هتک حرمت و توهین به حقوق بشر؛ اشغال ملک دو سرزمین مقدس توسط آمریکا؛ زندانی کردن علمای بی‌گناه توسط دولت؛ ناتوانی دولت در حفاظت از کشور.<sup>۱</sup>

در این اعلامیه تعارض بین نخبگان به خوبی نمایان است که یکی از دلایل این تعارض فقر و مشکلات اقتصادی است و معمولاً اکثر دولت‌های اسلامی برای کم کردن بحران و فشار مشکلات اقتصادی و غیره بجای تکیه بر مردم خود به قدرتهای غربی و خارجی پناه می‌برند و این امر موجب حقارت و سرخوردگی داخلی و در بروز تروریسم مؤثر واقع می‌شود.

### جمع بندی:

به برخی از زمینه‌های داخلی تروریسم اشاره کردیم که این زمینه‌ها تشکیلی دهنده ساختاری هستند و این ساختار ظرفیت و فضای لازم را ایجاد می‌کند تا افراد و گروه‌های افراطی از این فضا استفاده کنند و تروریسم را راه حل نهایی مشکلات موجود در جهان اسلام تشخیص دهند. از جمله این زمینه‌ها؛ قدرت و منافع هیأت حاکمه در دولت‌های اسلامی بود که برخی صاحب نظران علت اساسی ایجاد و حفظ نابرابریها را در وجود قدرت یا امکان کنترل منابع توسط افراد قدرتمند بدانند و برخی به ریشه‌های ایجاد منازعه پرداختند که این منازعه خواه به دلیل نابرابریها، ندرت منابع، صیانت ذات، افزایش توقعات و یا مواردی از این قبیل باشد. برخی از جامعه‌شناسان بر این باور بودند که تصمیم ماندن بر قدرت یا به نوعی قدرت طلبی ممکن است نه تنها به علت تمایل به حفظ اعتبار و پاداش مادی باشد بلکه گاهی

---

۱- مهدی بخشی شیخ احمد، بررسی علل و عوامل اندیشه ای و عینی شکل‌گیری القاعده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۵.

ممکن است به دلیل هراس از عواقب ناشی از کناره گیری باشد در هر صورت بررسی کردیم که اگر منافع طبقه حاکم به عنوان منافع کل جامعه قلمداد شود و اگر امکان هیچ نقد و انتقادی در جامعه وجود نداشته باشد بروز خشونت و ترور می تواند واکنشی به از دست رفتن یا تضعیف پایگاههای قدرت، امتیازهای اقتصادی و سیاسی باشد همانطور که بیان شد منفعت طلبی زمامداران سیاسی در این دولتها و به تبع آن آگاهی مردم و نارضایتی آنها از دستگاه حاکمه، احتمالاً برای غلبه بر مردم و جلوگیری از واکنش های احتمالی آنها نظام سیاسی را به سمت استبداد سوق می دهد.

حکومتها هنگامی که قدرت را در دست خود متمرکز می کنند امکان این که بازیچه هوسهای شیطانی قرار گیرند و به مخالفان اجازه انتقاد را ندهند و افراد نالایق و چاپلوس پست های حساس را برعهده گیرند توضیح دادیم در این وضعیت خشونت و استبداد، همدلی اجتماعی را به کیسه و دشمنی تبدیل می کند و با بذل و بخش های غیرقانونی، بیت المال به هدر می رود و به تبع آن وفاق اجتماعی و ثبات سیاسی، از بین می رود، دیدیم که وقتی حکومت های خودکامه قانون را نادیده می گیرند یا به ابزاری برای دست یابی به خواسته های ناموجه تبدیل می کنند این حکومتها کم کم پشتوانه مردمی خود را از دست می دهند و زمینه تقابل گروه های افراطی را در قالب تروریسم فراهم می کنند. توضیح دادیم که اگر بحران مشروعیت در نظام های سیاسی بروز کند و دلایل و توجیهات فرمانروایان سیاسی برای جلب اطاعت مردم قانع کننده نباشد و مبنای فکری فلسفی اقتدار مورد پرسش قرار گیرد انگیزه تروریسم بیشتر می شود چرا که عدم توجه به قوانین اساسی، جلوگیری و ایجاد مانع در مشارکت سیاسی اجتماعی، ضعف حاکمان در انجام وعده ها و برنامه های در دست اجرا، بالا رفتن شکاف بین حکومت موجود و حکومت دلخواه مردم، عدم جلب و جذب اقشار روشنفکر و آگاه جامعه و غیره تشکیل دهنده بحران موجود است. وقتی ارزشهای حاکم نفی شود، و راه و روش حاکمیت هم نفی شود و کمبودها و کم یابی ها روز به روز گسترش یابد در این صورت بستر لازم برای رادی کال شدن برخی گروه ها وجود دارد. از دموکراسی در کشورهای در حال توسعه که کشورهای اسلامی جزئی از آنها محسوب می شوند، به شبه دموکراسی یاد کردیم؛ در این نوع نظامها،

زندگی سیاسی نه کاملاً دموکراتیک و نه کاملاً توتالیتر است و چنین دولتهای اصولاً در گیرودار فرایند نوسازی و توسعه و گذار از سنت به تجدید قرار دارند و کشمکش های برخاسته از این شرایط از استقرار دموکراسی و توتالیتریسم هر دو جلوگیری می کند و این مسأله بی ثباتی در کشورهای اسلامی را بی شتر می کند. در مواردی که گروهی از نخبگان بر سر آن توافق دارند، اگر توافق عام وجود نداشته باشد و آنها هم مجبورند که آن نسخه درمانی خود را اجرا کنند در این صورت با موانعی در هنگام عمل روبه رو می شوند و برای برچیدن موانع به خشونت متوسل می شوند بعضی گفتمانها و دیالگوها می توانند بسترساز فضای خشونت باشند اگر خشونت از طرف برخی از گروههای جامعه تأیید شده و آموخته شود در این صورت امکان اعمال خشونت و ترور وجود دارد.

همان طور که گذشت اغلب دولتهای اسلامی به لحاظ اقتصادی در وضعیت ضعیفی به سر می برند، پایین بودن توان اقتصادی، فقر، محرومیت، و غیره از طرفی نگاه مسلمانان به پیشرفت مادی غرب و بالا بودن رفاه نسبی در کشورهای توسعه یافته غربی، زمینه مناسبی است برای نارضایتی از وضع موجود که برخی گروه های افراطی چاره کار را در تروریسم می بینند و تنها راه نجات را در ترور و استفاده از زور نامشروع می دانند.

فصل سوم:

# عملیات استشهادی

## مقدمه:

با ذکر تعاریفی از عملیات استشهادی به بیان برخی شاخص‌ها و زمینه‌های آن می‌پردازیم. از ویژگی‌های عملیات استشهادی تقرب الهی و در راه خدا به استقبال شهادت رفتن است. بنا بر تعالیم دین مقدس اسلام مبنی بر دفاع از جان و مال و ناموس مسلمانان و حفظ سرزمین‌های اسلامی از تجاوز بیگانگان، عملیات استشهادی امری مقدس و ابزاری مناسب برای دفاع از اسلام و مبارزه با ظلم و تجاوز است و این مسأله در زمان غیبت امام معصوم (ع) در چارچوب جهاد دفاعی تعریف می‌شود.

### ۱- مفهوم عملیات استشهادی

در لغت نامه دهخدا چنین آمده است: «شهادت یافتن یعنی کشته شدن در راه حق، شهید گشتن در راه حقیقت؛ اگر کشته شوم رواست در طاعت خداوند خویش شهادت یابم»<sup>۱</sup> به تعبیر شهید مطهری (ره) کلمه شهید را هاله‌ای از قدس و تعالی احاطه کرده است و به کسی شهید گفته می‌شود که در یک راه مقدس و برای هدفی مقدس جان خود را از دست بدهد.<sup>۲</sup> همچنین سید جواد ورعی عملیات شهادت طلبانه را اینگونه تعریف کرده است: «عملیات شهادت طلبانه به اقدامی اطلاق می‌شود که شخصی با قصد قربت و با علم به شهادت و با هدف ضربه زدن به دشمن به انجام آن مبادرت می‌ورزد و در این بین کشته می‌شود.»<sup>۳</sup>

۱- علی اکبر دهخدا، پیشین ج نهم، ص ۱۲۸۶۵ از تاریخ بیهقی چاپ ادیب ص ۳۵۰

۲- مرتضی مطهری، حماسه حسینی (مجموعه آثار) ج ۱۷، تهران: قم: صدرا، ۱۳۶۸ ص ۴۴۵

۳- سید جواد ورعی، پیشین ۳۱۲.

## ۲. شاخصه‌های عملیات استشهدادی

برای بیان اصطلاح عملیات استشهدادی لازم است مفاهیمی که در این رابطه در مبانی دینی وجود دارد بعنوان مشخصه‌های عملیات استشهدادی توضیح دهیم تا فرق بین شهادت و طرق دیگر کشته شدن مشخص گردد. در آیات و روایت به فراوانی دیده می‌شود که خداوند ارزش شهادت و پاداش کسانیکه در راه او کشته می‌شوند را به خوبی نشان داده است. و اما برخی از این مفاهیم عبارتند از:

### ۲-۱. فی سبیل الله:

در همه آیات جهاد، فی سبیل الله بودن شرط و مشخصه آن است<sup>۱</sup> تقدس جهاد در راه خدا به این خاطر است که نجات بندگان خدا و زنده کردن اصول حق و عدالت و پاکی و تقوی در گرو آن است و جنگهایی که به خاطر توسعه طلبی، تعصب، توحش، استعمار و استثمار صورت می‌گیرد چنین نیست<sup>۲</sup> خداوند پاداش فرد یا گروهی که در راه دین جان خود را فدا می‌کنند در نزد خود محفوظ می‌داند و این‌گونه توصیف می‌کند: اجر عظیم<sup>۳</sup>، فائزون و اعظم درجه<sup>۴</sup>، روزی نیکو<sup>۵</sup> و غیره. ابن مسعود از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند:

« خداوند به ارواح شهیدان احد خطاب کرد و از آنها پرسید: چه آرزویی دارید؟ آنها گفتند پروردگارا! ما بالاتر از این چه آرزویی می‌توانیم داشته باشیم که غرق نعمتهای جاویدان توایم و در سایه عرش تو مسکن داریم، تنها تقاضای ما این است که بار دیگر به جهان برگردیم و مجدداً در راه تو شهید شویم خداوند فرمود: فرمان تخلف ناپذیر من این است که کسی دوباره به دنیا بازنگردد. عرض کردند: حال که چنین است تقاضای ما این است که سلام ما را به پیامبر (ص)

۱- محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۲، قم: انتشارات در راه حق، ۱۳۷۹، ص ۳۷۷.

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۴، ۱۳۸۹/۲/۸ <http://www.Ghadeer.org/qoran/I-newon>

۳- نساء ۷۳.

۴- توبه، ۲۰.

۵- حج ۵۸.

( برسانی و به بازماندگان مان، حال ما را بگویی و از وضع ما به آنها  
بشارت دهی که هیچ‌گونه نگران نباشند در این هنگام آیات فوق نازل  
شد. <sup>۱</sup>

از جمله آیه مبارکه «ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم  
يرزقون» «مردم نپندارید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، بلکه زنده‌اند و نزد خدای خود  
روزی می‌برند» <sup>۲</sup>

در این آیه تفاوت مردن معمولی با کسانی که در راه خدا شهید می‌شوند واضح و روشن  
است پاداش بزرگی که خداوند برای این افراد در نظر گرفته است روزی خوردن در نزد  
پروردگار است.

## ۲-۲. ارزش و عظمت شهادت :

حدیث از رسول الله (ص) رسیده است که «بالتر از هر نیکی، نیکی است تا آنکه انسان  
در راه خدا کشته شود پس چون در راه خدا کشته شد بالاتر از آن نیکی، نیکی نیست.» <sup>۳</sup>  
حدیث دیگری از رسول گرامی اسلام (ص) هست که می‌فرماید: «هیچ قطره‌ای محبوبتر  
از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود در نزد خداوند نیست.» <sup>۴</sup> حدیثی از امام صادق (ع)  
نقل شده که «در قیامت لغزشهای شهید حتی به خودش نیز نشان داده نمی‌شود.» <sup>۵</sup>

حضرت علی (ع) با داشتن دهها فضیلت انحصاری، با اینکه اولین کسی بود که ایمان  
آورد، جای پیامبر خوابید، برادر پیامبر شد تنها خانه او به مسجد پیامبر درب داشت، پدر امامان  
علیهم السلام و همسر زهرا علیهاسلام بود، بت شکن بود، ضربت روز خندق او از عبادت  
ثقلین افضل است آن حضرت در هیچیک از موارد یاد شده نفرمود: «فزت و رب الكعبه» اما

۱- تفسیر نمونه، پیشین ج ۳ ص ۱۶۵.

۲- آل عمران ۱۶۸.

۳- کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، باب فضل الشهاده، حدیث ۲ ص ۵۳.

۴- همان، حدیث ۳ ص ۵۳.

۵- همان، حدیث ۶ ص ۵۴.

در هنگام شهادت فرمود «فزت»<sup>۱</sup>

اینها و روایات زیاد دیگری هست که گویای عظمت و ارزش شهادت در راه خدا است. شهادت پایان زندگی نیست بلکه آغاز حیات است. شهادت باختن و از دست دادن نیست بلکه یافتن و به دست آوردن است.<sup>۲</sup>

### ۳-۲. تکیه بر قدرت خدا:

قدرت الهی برترین قدرت و مایه دلگرمی مومنان است و دفع شر دشمن از سوی خداوند مرتبط با حرکت خالصانه مومنین است.<sup>۳</sup>

### ۴-۲. انسانی بودن:

یکی از ویژگی‌های جهاد دفاعی انسانی بودن است. جهاد برای نجات مستضعفین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بی‌تفاوتی در مقابل مظلومیت مستضعفان گناه است، محرومان نباید سکوت کنند بلکه با فریاد مظلومیت خود را به دیگران برسانند.<sup>۴</sup> گاهی رساندن فریاد مظلومیت به گوش دیگران هیچ راهی ندارد جز بوسیله عملیات استشهادی، قبول شهادت در مسیر حفظ اسلام صفات انسانی را تکمیل می‌کند زیرا در این مسیر، عدالت خواهی، عزت‌طلبی، کرامت خدمت به خلق، شکرگذاری، عبادت و بندگی مقابله با ظلم و تجاوز و اعتقاد به معاد اهمیت پیدا می‌کند. بنابراین این ارزشها از مشخصه‌های شهادت طلبی هستند که شهادت را از سایر کشته شدن‌ها متمایز می‌کند. در تفسیر نمونه آمده است؛

**«جهاد اسلامی برای بدست آوردن مال و مقام و یا منابع طبیعی و مواد خام کشورهای دیگر نیست. برای تحصیل بازار مصرف و یا تحمیل عقیده و سیاست نیست بلکه تنها برای نشر اصول فضیلت و ایمان و**

۱- تفسیر نور، پیشین ص ۲۲۷

۲- همان، ص ۲۲۵.

۳- همان، ص ۳۹۵.

۴- همان، ص ۳۷۸.

دفاع از ستم دیدگان است و جهاد دو هدف جامع دارد هدف الهی و هدف انسانی و از نظر اسلام محیطی قابل زیست است که بتوان در آن آزادانه به عقیده صحیح خود عمل نمود.<sup>۱</sup>

## ۵-۲. آگاهی از عمل:

انتخاب آگاهانه عملیات استشهادی و فدا کردن خالصانه جان خود با آزادی و شناخت کامل به اینکه اگر ضربه زدن به دشمن ظالم، از طریق شهادت طلبی موجب از دست رفتن جان خود نیز می‌شود اما در عوض رضایت و خشنودی پروردگار را بدست می‌آورد و در قرآن کریم آمده است؛

«خداوند از مؤمنان جانها و اموالشان را خریداری می‌کند که در برابرش بهشت برای آنها باشد.»<sup>۲</sup>

و همچنین در قرآن کریم آمده است: «پروردگار آنها را به رحمتی از ناحیه خویش و خشنودی و باغهای بهشتی که در آن نعمتهای جاودانه دارند بشارت می‌دهد.»<sup>۳</sup>

پس آگاهی یافتن از پیامد عمل که پاداش الهی و رضایت و خشنودی پروردگار است از شاخصه های مهم عملیات استشهادی است.

## ۳. زمینه‌های عملیات استشهادی

### ۱-۳. حفظ اسلام و مسلمین با انگیزه الهی:

ایثار و از خودگذشتگی تنها در مکتبی قابل توجیه است که فراتر از زندگی در این دنیا می‌اندیشد و اعتقاد به زندگی جاوید در آخرت مطرح است کسی می‌تواند اهل ایثار و فداکاری باشد که به سعادت پس از مرگ برای خود معتقد باشد و به خاطر رسیدن به قرب الهی از هستی خود بگذرد.

اسلام به عنوان آخرین دین الهی برای حفظ موجودیت خود و رسیدن به مقاصد عالی

۱- تفسیر نمونه، پیشین، ج ۴ ص ۱۱.

۲- توبه، ۱۱۱.

۳- توبه، ۲۱-۲۰.

به اهرمها و عواملی نیاز دارد. دینی که بخواهد در عالم فراگیر شود و ابدی و همیشگی نیز باشد و عرصه را بر زورمندان تنگ نماید، حق مظلومان و مستضعفان را از ستمگران و مستکبران بستاند؛ بدون بهره‌گیری از راههای مختلف و متناسب با زمان و مکان امکان پذیر نیست و شهادت طلبی یکی از راهها و عواملی است که برای دفاع ضرورت می‌یابد. ملتی که از شهادت استقبال می‌کند و آمادگی لازم برای ایثار و فداکاری و از خودگذشتگی در راه اهداف خویش داشته باشد همیشه عزیز و سربلند بوده و مورد تحسین همه انسانهای منصف و آزاده است هیچ کسی ملت ترسو و زبون و سست عنصر را که به خاطر دلبستگی به دنیا و زندگی چند روزه تن به هر پستی و ذلتی می‌دهد تحسین نمی‌کند. چنین قومی همیشه مورد سرزنش هستند.<sup>۱</sup>

ارزشهای اسلامی و تعالیم آن آنقدر ظرفیت دارد تا که دل‌های آزاده را بسوی خودجذب کند و با انگیزه الهی زیر پرچم اسلام جمع شوند. اسلام واقعی هیچگاه با زور خود را تثبیت نکرده است و با سرنیزه نیز بر مردم حکومت نمی‌کند. اگر در اینجا از شهادت طلبی حرفی به میان می‌آید صرفاً به خاطر دفاع از موجودیت اسلام و مسلمانان در برابر عجبان و زورگویان است نه بخاطر تحمیل اسلام با اجبار و زور بر دیگران، دفاع از اسلام با فطرت انسان سازگار است «کل مولود یولد علی الفطره...» بنا بر این حدیث هر مولودی به فطرت اسلامیه متولد می‌شود لکن پدران او (یعنی عوامل خارجی) او را منحرف می‌کنند یهودی یا نصرانی یا مجوسی‌اش می‌کنند.<sup>۲</sup> و خداوند هرگز راه تسلط بر سرزمین‌های اسلامی و مسلمانان را باز نکرده است اگر وضعی وجود دارد برمی‌گردد به عمل نکردن مسلمانان به دستورات دینی، آیاتی در قرآن کریم مسلمین را به مبارزه تشویق می‌کند که به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

۱-۳. مؤیدات حفظ اسلام:

### ۱- «ولن يجعل الله الكافرين على المؤمنين سبيلاً»<sup>۳</sup>

۱- ورعی، پیشین، صص ۳۱۵-۳۱۳.

۲- مرتضی مطهری، فطرت، تهران: صدرا، ۱۳۷۶ ص ۲۰.

۳- نساء ۱۴۱.

در تفسیر این آیه آمده است که سبیل نکره در سیاق نفی است و معنی عموم را می‌رساند و استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و از هیچ نظر به افراد با ایمان چیره نخواهند شد اگر پیروزی آنها بر مسلمانان در میدان‌های مختلف دیده می‌شود به این خاطر است که بسیاری از مسلمانان مؤمنان واقعی نیستند و وظایف و مسئولیتهای خویش را فراموش کرده‌اند. نه از اتحاد و اخوت اسلامی خبری هست و نه جهاد به معنی واقعی کلمه انجام می‌دهند.<sup>۱</sup>

بنابراین برای جلوگیری از تسلط کفار مؤمنان حق پذیرش ذلت و سلطه کافران را ندارند و سلطه پذیری نشانه نداشتن ایمان واقعی است و فقها در مسائل مختلف فقهی، برای اثبات عدم تسلط کفار بر مؤمنان به آیه فوق استناد می‌کنند.

۲- «و جهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم ان کنتم مومنین<sup>۲</sup>» «کوچ کنید سبکبار و سنگین بار (خواه بر شما آسان باشد خواه دشوار) و در راه خدا با اموال و جانهای خود جهاد کنید، اگر می‌دانستید این برای شما بهتر است.»

در تفسیر این آیه آمده است که در برابر فرمان خداوند نباید مانع تراشی کرد بلکه باید جان و مال خود را در راه خدا فدا کرد و بر فقیران جهاد با جان بر اغنیاء جهاد با مال و جان واجب است.<sup>۳</sup>

کسی که با عملیات شهادت طلبانه برای حفظ اسلام و مسلمین اقدام کند حقیقتاً در راه خدا مجاهدت می‌کند. هم انگیزه‌اش الهی است و هم هدفش ضربه زدن به دشمنان خدا و یاری دین اوست اطلاق لفظ «جهاد فی سبیل الله» شامل چنین فردی هم می‌شود. فقهای اهل سنت با تجویز قتل کسانی که از سوی دشمن سپر قرار داده می‌شوند؛ آن را منحصر به باب جهاد دانسته‌اند که قتل نفس را مانند یا خفیف تر از کشتن دیگران دانسته‌اند، از این رو حکم

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴ ص ۱۷۳.

۲- توبه، ۴۱.

۳- تفسیر نور، پیشین ج ۵ ص ۵۷.

به جواز عملیات استشهادی با هدف ضربه زدن به دشمن صادر کرده‌اند.<sup>۱</sup>

از نگاه علمای شیعه در زمان غیبت معصوم و در عصر کنونی، بنا بر جهاد دفاعی فتوای

اکثر فقهای شیعه که برای نمونه فتوای امام خمینی (ره) در این باره چنین است:

«اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد: از بذل جان و مال و در این امر احتیاج به اذن مجتهد جامع الشرایط نیست و اگر مسلمانان بترسند که اجانب نقشه استیلا بر بلاد مسلمین را کشیده‌اند چه بدون واسطه یا با واسطه عمال خود از خارج یا داخل واجب است از ممالک اسلامی به هر وسیله که امکان داشته باشد دفاع کنند.»<sup>۲</sup>

در فتوای آیت الله مکارم شیرازی آمده است:

«در جایی که خطر متوجه اسلام باشد و راهی برای دفع خطر جز با عملیات شهادت طلبانه وجود نداشته باشد چنین عملیاتی جائز است و عملیات شهادت طلبانه مسلمانان فلسطین در صورتی که مردم فلسطین برای دفاع از خود راهی جز این کار نداشته باشند جائز دانسته شده است.»<sup>۳</sup>

امام خمینی (ره) برای پاسداری از اسلام شهادت را ضروری می‌داند و می‌گوید:

«اسلام یک امری است که انبیا، نبی اکرم و اولاد و اصحاب متعهد به نبی اکرم برای او جانفشانی کرده‌اند و زحمتهای کشیده‌اند اسلام چیزی است که از سوی خدا آمده است... آخر مطلب شهادت است و وصول به لقاء الله و حضور در محضر حضرت سیدالشهداء و امثال او و این

۱- ورعی، پیشین. ص ۳۳۰-۳۲۲. از مجموعه سلسله متعلقه باحکام الجهاد و ابواب من العلماء و اقسام. ص ۱۱.

۲- سید روح الله موسوی خمینی، رساله توضیح المسائل (مسائل دفاع) قم: نجات ۱۳۷۹. ص ۵۵۳

۳- ناصر مکارم شیرازی، استفتانات دفاع. ۸۹/۳/۲۷ <http://www.makarm.shirazi.org/persin/estefta/7mit>

## غایت آمال اشخاصی است که عشق به خدا دارند»<sup>۱</sup>

ویاز در این باره بیان می‌کند:

«معنای کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا معنایش این نیست که هر روز کربلاست، هر روز بنشینید گریه بکنید و ببینید چه کرده کربلا چه صحنه‌ای بوده هر روز این صحنه باید باشد: مقابله اسلام با کفر، مقابله عدل با ظلم، مقابله عدد کم با ایمان زیاد، در مقابل عدد زیاد با بی‌ایمانی. نه از جمعیت کم (خودتان) بترسید و نه از شکست بترسید شکستی در کار نیست وقتی کار برای خدا باشد، شکست تویش نیست کشته بشوید بهشتی هستید بکشید هم بهشتی هستید.»<sup>۲</sup>

یکی از راه‌هایی که برای محافظت از اسلام و مسلمین می‌توان به آن تمسک جست، روحیه اصلاح‌گری و مبارزه با انحرافات در قالب امر به معروف و نهی از منکر است که در نتیجه این امرگاه بزرگانی را به کام شهادت کشیده و گاه به پیروزی رسانده است. «برای توضیح مسأله امر به معروف و نهی از منکر را بعنوان یکی از زمینه‌های عملیات استشهادی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۲-۳. امر به معروف و نهی از منکر

وقتی از امر به معروف و نهی از منکر نامی به میان می‌آید خود به خود یاد حسین به علی (ع) و واقعه عاشورا در ذهن‌ها زنده می‌شود. وقتی که جامعه اسلامی را فساد دربرمی‌گیرد حلال خدا حرام شود، بیت‌المال مسلمین در اختیار افراد ناشایست قرار گیرد و در غیر رضای خدا و در جهت منافع خود مصرف شود اینجاست که هر کس چنین اوضاع و احوالی را ببیند و درصدد دگرگونی آن نباشد، در مقام اعتراض برنیاید به تعبیر شهید مطهری شایسته است که خدا چنین کسی را به آنجا ببرد که ظالمان، جباران، ستمکاران و تغییر دهندگان دین خدا می‌روند چون سرنوشت مشترک با آنها دارد باز در حماسه حسینی به حدیثی دیگر از پیغمبر

۱- صحیفه نور، ج ۱۷ ص ۵۷

۲- همان، ج ۱۰ ص ۸.

اسلام توجه می‌دهد که حضرت فرمود: «لتامرون بالمعروف و لتنهين عن المنكر او يسلطن الله عليكم شراركم فيه دعوا خياركم فلا يستجاب لهم» اگر امر به معروف و نهی از منکر نباشد بدان شما بر شما مسلط می‌شوند، بعد خوبان شما می‌خوانند و به آنها جوابی داده نمی‌شود یا به عبارت دیگر وقتی بدان شما بر شما مسلط شدند نیکان شما به درگاه الهی می‌نالند و خداوند دعای آنها را مستجاب نمی‌کند یعنی قومی که امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند خاصیتشان این است که خداوند رحمت خود را از آنها می‌گیرد و به تعبیر غزالی در این باره اشاره می‌کند که غزالی می‌گوید معنایش این است که وقتی امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، آنقدر پست می‌شوند، آنقدر عزتشان، کرامتشان از بین می‌رود که وقتی به درگاه همان ظلمه می‌روند، هر چه ندا می‌کنند به آنها اعتنا نمی‌شود.<sup>۱</sup>

سیره اولیای الهی مملو از شهادت طلبی است، شهادت امام حسین (ع) و یاران با وفایش در مسیر امر به معروف و نهی از منکر جای می‌گیرد. شب عاشورا نه به زنده ماندن امید می‌دهد و نه به پیروزی، همه خود را آماده شهادت کرده‌اند و با آگاهی تمام می‌خواهند خود را به کشتن دهند و با شهادت طلبی به مسلمانان درس مبارزه با ظلم و دفاع از اسلام و اجرای امر به معروف و نهی از منکر می‌دهند. امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است و مصلحان اسلامی چه شیعه و چه اهل سنت از این اصل استفاده کرده‌اند که گاه در این راه به استقبال شهادت رفته‌اند. برای اینکه امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یکی از زمینه‌های عملیات استشهدادی بیشتر مورد بررسی قرار دهیم مواردی را از آیات قرآن کریم انتخاب می‌کنیم که فرمان خداوند در رابطه با معروف و منکر است و زمینه نگرش مسلمانان به معروف و منکر را ترسیم می‌کند در کنار این مسأله ظهور این اعتقاد و نگرش در عرصه عمل است که مسلمانان در صورت ضرورت بصورت فردی یا جمعی در قالب عملیات استشهدادی آنرا هویدا می‌کنند. اکنون برخی از آن موارد را در قالب منکر و معروف بیان می‌کنیم؛

---

۱- حماسه حسینی، پیشین صص ۲۱۵-۲۱۶.

### ۱-۲-۳. منکرات :

به مواردی از منکرات اشاره می‌کنیم که مورد نهی قرآن کریم است؛

#### ۱-۲-۳-۱. طاغوت:

خداوند می‌فرماید: «ولقد بعثنا فی کل امه رسولاً ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت»<sup>۱</sup> «همانا ما در میان هر امتی پیامبری را برانگیختیم (تا به مردم بگویند) که خدا را پرستید و از طاغوت دوری نمایید» اگر چه در آیه فوق هم معروف مورد نظر است و هم منکر اما تمرکز ما بیشتر بر روی نهی از منکر است یعنی نهی از اطاعت طاغوت به عنوان یک منکر بسیار مهم، تذکر داده شده است.

در تفسیر آیه فوق آمده است طاغوت از ماده طغیان به معنی متجاوز و متعدی از حد و مرز است و به هر چیزی که وسیله تجاوز از حد گردد نیز گفته می‌شود از این جهت به شیطان، بت، حاکم جبار، و ستمگر و مستکبر و بالاخره مسیری که به غیر حق منتهی گردد طاغوت گفته می‌شود.<sup>۲</sup> بنابراین اطاعت کسانی که از حد خود تجاوز کرده و اسلام و مسلمانان را مورد تعدی خود قرار می‌دهند مورد نهی خداوند قرار گرفته است. وقتی چنین باشد مبارزه برای جلوگیری از تسلط طاغوت ضروری به نظر می‌رسد.

#### ۲-۱-۲-۳. تکیه بر بیگانگان و ولایت کفار:

خداوند می‌فرماید:

«لا تتخذوا اليهود والنصارى اولیاء»<sup>۳</sup> «یهود و نصاری را تکیه‌گاه خود قرار

ندهید»

یکی از منکرات ولایت کفار است البته منظور این نیست که مسلمانان هیچ گونه رابطه تجاری و اجتماعی با یهود و مسیحیان نداشته باشند بلکه منظور این است که با آنها هم پیمان نگردند و در برابر دشمنان روی دوستی آنها تکیه نکنند چرا که این دو طایفه دوست و هم

۱- نحل، ۳۶.

۲- تفسیر نمونه، پیشین ج ۱۱ ص ۲۲۲.

۳- مانند ۵۱.

مسلمانان خود دارند و دوستی آنها به خاطر دستورات کتاب آسمانی آنها نیست بلکه از روی اغراض سیاسی و دسته بندیهای نژادی و مانند آن است یعنی آنها به منافع خودشان توجه دارند و شکی نیست که خداوند افراد ستمگری را که به خود و برادران و خواهران مسلمان خود خیانت کرده و بر دشمنان تکیه کنند هدایت نخواهد کرد.<sup>۱</sup>

خواهد آمد که یهود با کمک مسیحیان چگونه بر بعضی سرزمین‌های اسلامی مسلط شد. و قدرتهای غربی مسیحی از آنها حمایت به عمل آورده و از طرفی بعضی حکام دولتهای اسلامی بجای مبارزه با متجاوزین در برخی موارد با آنها همکاری هم می‌کنند. بنابراین اطاعت کسانی که از حد خود تجاوز کرده و اسلام و مسلمانان را مورد تجاوز قرار می‌دهند مورد نهی خداوند قرار گرفته است وقتی چنین باشد مبارزه برای جلوگیری از تجاوزگری ضروری به نظر می‌رسد.

### ۳-۲-۱-۳. حمایت نکردن از محرومان:

در قرآن آمده است: «و مالکم لا تقتلون فی سبیل الله و المستضعفین»<sup>۲</sup> «چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکان که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟» پس سکوت در برابر تجاوزگران و ظلم ظالمان جایز نیست و چنین کاری ظلمی بزرگ است و اسلام مرز نمی‌شناسد هر جا مستضعفی وجود داشته باشد از آن حمایت می‌کند و این مسئله محصور در مستضعفین و مظلومان در کشورهای اسلامی نیست.

### ۳-۲-۲. معروفات:

مواردی که به عنوان منکر مطرح کردیم، عکس آنها معروف به حساب می‌آیند که برخی از آنها عبارتند از:

۱. اطاعت از خدا و رسول و عمل به دستورات آنها

۲. حمایت از محرومان و ستم‌دیگان

۳. تکیه نکردن بر ظالمان و ستمگران

۱- تفسیر نمونه، پیشین، ج ۴ صص ۴۱۰-۴۰۹.

۲- نساء، ۷۵.

خداوند می‌فرماید: «ولا تركزوا الى الذين ظلموا فتمسكم النار...»<sup>۱</sup> «و تکیه بر ظالمان نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد و از آن حال جز خدا هیچ ولی و سرپرستی نخواهید داشت» در تفسیر این آیه آمده است که تکیه بر ظالم، مفاسد و نابسامانیهای فراوانی می‌آفریند و باعث تقویت آن است و تقویت ظالمان باعث گسترش دامنه ظلم و فساد و تباهی جامعه است تکیه بر ظالمان در فرهنگ فکری جامعه تدریجا اثر می‌گذارد و زشتی ظلم و گناه را از میان می‌برد و مردم را به ستم کردن و ستمگر بودن تشویق می‌کند.<sup>۲</sup>

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند زمینه‌ای باشد برای حفاظت از اسلام و جلوگیری از تجاوز به دولتهای اسلامی اگر چه جلوگیری از تجاوز راهی نداشته باشد جز با عملیات استشهادی که این امر اطاعت از دستور خدا محسوب می‌شود. امام خمینی (ره) می‌گوید: از این جهت که شما می‌خواهید اطاعت امر خدا بکنید نهی از منکر کنید، بزرگترین منکر غلبه اجانب بر ماست این منکر را باید نهی کنید.<sup>۳</sup>

فقها اضافه بر اینکه در کتب فقهی - استدلالی به بیان احکام و مسائل جهاد و دفاع پرداخته‌اند در مواقع لزوم که سرزمین اسلامی یا عزت و استقلال مسلمین در معرض تجاوز بیگانگان قرار می‌گرفت با احساس مسئولیت وارد میدان می‌شدند و مردم را به دفاع و ایستادگی در برابر دشمن ترغیب می‌کردند به رغم آنکه با سلاطین جائر سر ناسازگاری داشتند و آنان را غاصب منصب ولایت می‌دانستند هر گاه با هجوم متجاوزان به بلاد اسلامی رو به رو می‌شدند بنا بر قاعده دفع افسد به مفاسد، مجوز همکاری با سلاطین جائر را صادر می‌کردند هم به آنان اذن تصدی امر دفاع را می‌دادند تا در این جنگ امر و نهی و تصرفاتشان مشروع باشد و مردم به همکاری آنان رغبت کنند و هم مردم را به یاری و مساعدتشان فرا می‌خواندند. در دو سده اخیر که اوج هجوم دشمنان اسلام به بلاد اسلامی بوده و استعمارگران به دنبال شکستن اقتدار مسلمین و چپاول ثروت های آنان بودند، حضور حماسه آفرین فقهای شیعه،

۱- هود، ۱۱۳

۲- تفسیر نمونه، پیشین، ج ۹ ص ۲۶۱.

۳- صحیفه نور، ج ۸ ص ۴۷

بسیار برجسته‌تر از مقاطع دیگر تاریخ بوده است و در ایران مقابله با زیاده خواهی‌های سفیر روسیه (گریبادف) از سوی میرزا مسیح مجتهد و میرزای قمی و صدور فتوای جهاد علیه روسیه، حکم تحریم تنباکو بوسیله میرزای شیرازی و مقابله مدرس با اولتیماتوم روسیه در زمان رضا خان، ایستادگی کاشانی در برابر نفوذ آمریکا در زمان محمدرضا شاه و سرانجام قیام ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی (ره) در برابر قدرتهای شرق و غرب نمونه‌هایی از این قبیل هستند<sup>۱</sup>

این بزرگان با تأسی از مولای خود حسین به علی (ع) و با برپایی امر به معروف و نهی از منکر به مبارزه خود با بیگانگان و همچنین حاکمان جور داخلی می‌پرداختند که نمونه بارز آن در تاریخ مبارزات سیاسی امام خمینی (ره) است که در ابتدای مبارزات خود تقاضای ایشان متوجه انجام برخی اصلاحات در سازمان سیاسی و فرهنگی جامعه و جلوگیری از تخلفات شرعی و قانونی بوده است مثلاً امام در نامه‌ای به محمد رضا شاه پهلوی گوشزد می‌کند که به اسدالله اعلم (نخست وزیر وقت) در این بدعتی که می‌خواهد به اسم انجمنهای ایالتی و ولایتی انجام دهد تذکر دهد و مفاسدش را گوشزد می‌کند اما توجه نمی‌کند در ادامه می‌فرماید: اینجانب به حکم خیرخواهی برای ملت اسلام اعلیحضرت را متوجه می‌کنم به اینکه اطمینان نفرمایید به عناصری که با چاپلوسی و اظهار چاکری و خانه زادی می‌خواهند تمام کارهای خلاف دین و قانون را کرده به اعلیحضرت نسبت دهند و قانون اساسی را که ضامن ملیت و سلطنت است با تصویب نامه خائنانه و غلط از اعتبار بیندازند تا نقشه‌های شوم دشمنان اسلام و ملت را عملی کنند. انتظار ملت مسلمان آن است که با امر اکید آقای علم را ملزوم فرمایید از قانون اسلام و قانون اساسی تبعیت کند و از جسارتی که به ساحت مقدس قرآن کریم نموده استغفار نماید والا در نامه سرگشاده به اعلیحضرت مطالب دیگر را تذکر دهم. از خداوند تعالی استقلال ممالک اسلامی و حفظ آن را از آشوب مسالت می‌نمایم.<sup>۲</sup>

۱- احمد نجفی، *از عملیات شهادت طلبی شیعه تا عملیات انتحاری* «القاعده» (سایت درگاه پاسخ گویی به مسائل

دینی) ۱۴/۲/۱۳۸۹ [http:// www.porjoo.com/fa/node/734230](http://www.porjoo.com/fa/node/734230)

۲- نجف لک زایی، *ثبات و تحول در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) (مجموعه مقالات)* قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع)

۱۳۸۶ ص ۶۶.

امام خمینی با پایبندی به اصل امر به معروف و نهی از منکر و با انگیزه الهی به دفاع از اسلام پرداخت و بسیاری از مردم مسلمان و پیروان او در این مبارزه آگاهانه به استقبال شهادت رفتند، افرادی بودند در زیر شکنجه نظام شاهنشاهی مشقت طاقت فرسا را تحمل می‌کردند. در زندان از اعتراضاتی که به ضرر مبارزان بود خودداری می‌کردند و برای دفاع از اسلام آماده‌ی شهادت بودند. و یا در جریان مبارزه شهادت طلبانه جان خود را نثار می‌کردند اگر چه این نوع شهادت طلبی بصورت شکلی با عملیات استشهادی که شخص خود را به کشتن می‌دهد تا به دشمنان ضربه بزند فرق می‌کند اما در هدف مشترک هستند چرا که در هر دو قصد قربت و رضایت پروردگار لحاظ می‌شود و در هر دو، با هدف ضربه زدن به دشمنان اسلام و مسلمین صورت می‌گیرد.

امام خمینی (ره) رهبر دینی بود که به مبارزه با دشمن برای دفاع از اسلام تلاش می‌کرد و در این راه آگاه بود که امکان شهادت برای او وجود دارد و شهادت در راه خدا را برای خود امری مقدس می‌دانست.

گاه شهادت طلبی به انگیزه دفاع از بلاد اسلامی صورت می‌گیرد و قتیکه بیگانگان به قصد تجاوز به حقوق مسلمین درصدد سلطه بر سرزمین‌های اسلامی هستند، در این زمان مسلمانان لازم می‌دانند که از حقوق خود دفاع کنند برای شرح این مسأله، مبارزه با سلطه بیگانگان و دفاع از سرزمین‌های اسلامی را با ذکر مصادیقی از این نوع پی می‌گیریم.

### ۳-۳: مبارزه با سلطه بیگانگان و دفاع از حقوق مسلمین

یکی از زمینه‌های عملیات استشهادی مبارزه با تجاوزگری و سلطه بیگانگان بر دولتهای اسلامی و سرزمین‌های مسلمانان است البته این مبارزه می‌تواند انفرادی باشد یا جمعی، تقریباً همه فقهای شیعه جهاد دفاعی، در برابر هجوم کفار و بیگانگان به کشورهای اسلامی که موجب از بین رفتن اسلام و به خطر افتادن جان و مال مسلمین می‌شود واجب می‌دانند.

به بیان صاحب جواهر، در صورتی که مسلمانان مورد هجوم دشمنان اسلام از جمله کفار قرار گیرند و اصل اسلام به خطر افتد و یا اراده استیلا بر بلاد اسلامی داشته باشند و این

مسأله موجب اسارت و اخذ اموال مسلمانان باشد در چنین شرایطی بر حرّ و عبد، زن و مرد، سالم و مریض و نابینا و غیره در صورت احتیاج واجب است به هر صورتی اقدام کنند و نیاز به حضور و اذن امام معصوم نیست.<sup>۱</sup>

بنابراین اگر اصل اسلام در خطر نباشد و مسلمانان آزادانه شعائر اسلامی را بجا آورند و جان و مال مسلمانان هم مورد هجوم و تعرض قرار نگیرد در اینصورت جهاد دفاعی موضوعیت خود را از دست می‌دهد. برای توضیح بیشتر مصادیقی را ذکر می‌کنیم و با شرح آنها عملیات استشهادی در کشورهای اسلامی را شرح می‌دهیم؛

#### ۴. مصادیق

یکی از کشورهایی که مورد تجاوز و حمله قرار گرفت کشور جمهوری اسلامی ایران است که شهادت طلبی در ایران، الهام بخش بعضی دول اسلامی دیگر نیز شد بنابراین چگونگی این مسأله را یعنی شهادت طلبی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

##### ۴-۱. ایران

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ و سقوط رژیم شاه، موجب شد تا هر یک از تشکل‌های سیاسی و احزاب برآمده از آنها در ایران، برای رسیدن به آرمانهای خود تلاش کنند. این وضعیت حاکم بر ایران باعث شد تا همسایه غربی یعنی رژیم بعثی عراق، برای دست‌یابی به اهداف خود بجای گفتگو از نیروی نظامی استفاده کند و جنگی هشت ساله را بر ایران تحمیل کند.

بعضی از اهدافی که ذکر شده برای حمله عراق به ایران مورد توجه قرار می‌دهیم؛ از جمله اهداف صدام حسین رئیس‌جمهور عراق عبارتند از: جداسازی خوزستان از ایران، واگذاری جزایر سه‌گانه ایرانی خلیج فارس به امارت متحده عربی که برای اولین بار در سخنرانی‌های پان‌عرب‌بسم جمال عبدالناصر با نام خلیج عربی بیان شد، کمک عراق به

---

۱- محمد حسن نجفی، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۲۱، صص ۱۸-۱۹. نرم افزای جامع الاحادیث نور.

نیروهای چپ و سوسیالیست ایران تا حاکمیت را بدست گیرند که این مسأله، نوعی سرسپردگی صدام به بلوک شرق و اتحاد جماهیر شوروی در آن زمان را می‌رساند و پایان دادن به دخالت های ایران در کشورهای منطقه مخصوصاً عراق، به نظر رهبری عراق.<sup>۱</sup>

جمیز بیل، کارشناس و تحلیلگر آمریکایی سیاسی خاورمیانه و خلیج فارس معتقد است دلیل اصلی شروع جنگ و مناقشات سیاسی قبل از آن را به طور کلی می‌توان در تسلط یافتن بر خلیج فارس دانست صدام می‌خواست از طریق تسلط یافتن بر قدرت اسبق منطقه یعنی ایران، خود را به عنوان ژاندارم جدید این منطقه استراتژیک معرفی کند و از این طریق امتیازات سیاسی اقتصادی فراوانی از کشورهای ثروتمند منطقه کسب کند او می‌خواست ساختار ارتش ایران را که شاه آنرا مجهز کرده بود تضعیف کند و از صدور انقلاب ایران به عراق و دیگر کشورهای عربی جلوگیری کند و با همه اینها صدام تصور می‌کرد بعد از شکست نظامی آمریکا در طبس، مجدداً آمریکا برای جبران شکستش به ایران حمله خواهد کرد.

این تصورات باعث شد تا صدام جنگی را بر ایران تحمیل کند که از شهریور ۱۳۵۹ تا مرداد ۱۳۶۷ میان نیروهای مسلح دو کشور ایران و عراق جریان داشت، جنگ ۸ ساله ایران و عراق یکی از فاجعه‌های تاریخ بشری در قرن بیستم است جنگی که پس از جنگ ویتنام و بالاتر از جنگ جهانی اول، دومین جنگ طولانی قرن بیستم بوده است. این جنگ در نهایت با آتش بس موقت پایان یافت، در این جنگ ارتش عراق به طور گسترده از سلاحهای شیمیایی علیه کردهای عراق و مردم و نظامیان ایران استفاده کرد. با این وجود جامعه جهانی هیچگاه نتوانست اجماعی برای محکوم کردن این جنایت جنگی از سوی عراق ترتیب دهد.<sup>۲</sup>

صدام حسین رئیس جمهور عراق با ظاهر شدن در برابر دوربین‌های عراق با پاره کردن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، آغاز تجاوز رژیم بعثی به خاک ایران را اعلام کرد. جنگی نابرابر در شرایطی به ایران تحمیل شد که ایران از جانب قدرتهای جهانی بویژه آمریکا تحت فشار شدید قرار داشت و در داخل همانطور که اشاره شد نیز جناحهای وابسته به غرب و شرق با ایجاد

۱- مصطفی رضایی، جنگ تحمیلی، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، ۸۹/۳/۹، <http://www.pajohe.com>

۲- ویکی پدیا، جنگ ایران و عراق، ۱۳۸۹/۳/۳، <http://fa.wikipedia>.

هیاهوی تبلیغاتی و ایجاد درگیری نظامی در صدد تضعیف نظام بودند و نیروهای نظامی به خاطر تبعات قهری انقلاب هنوز مراحل بازسازی و سازماندهی را به طور کامل پشت سر نهاده بودند.

آمریکا برای به سازش کشاندن ایران و در نهایت تسلیم آن حمایت پنهان و آشکار خود را در کلیه زمینه‌های سیاسی نظامی اقتصادی و غیره از رژیم بعثی عراق به اجرا گذاشت از سوی دیگر نیز ابرقدرت دیگر جهان یعنی شوروی که متحد عراق محسوب می‌شد خصومتش را با نظام اسلامی که شعار نه شرقی و نه غربی را سرلوحه کار خود قرار داده بود و در جریان اشغال افغانستان توسط شوروی این تجاوز را محکوم کرده بود، بیش از پیش نمود. ارتش عراق که بر اساس محاسبات خود از وضعیت داخلی و خارجی ایران فتح یک هفته‌ای تهران را در سر می‌پروراند در روزهای نخست تجاوز، بدون مانعی جدی در مرزها تا دروازه‌های اهواز و خرمشهر و از قسمت غرب به تصرف بخش‌هایی از کرمانشاه و ایلام پرداخت. تحت چنین شرایطی نیروهای شهادت طلب به جبهه‌ها شتافتند و بتدریج حماسه‌ای مقدس شکل گرفت که در تاریخ ایران اسلامی بی‌سابقه بود. جهاد و شهادت ستونهای نظام اسلامی را تا مدت‌ها مستحکم نمود<sup>۱</sup>

همین روحیه شهادت طلبی باعث شد تا نیروهای مسلح بتوانند دشمن اشغال گر را از ایران اسلامی به عقب برانند و با دفاع از کیان اسلامی پاسداری کنند. وقتی نوجوان ۱۳ ساله بنام حسین فهمیده در حالی که تعدادی نارنجک به کمرش بسته و در دستش بود به طرف تانکها حرکت می‌کند وقتی خبر شهادت و عملیات استشهادی فهمیده به رهبر انقلاب می‌رسد، امام خمینی (ره) در پیامی که به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی صادر می‌کند، جملات معروف خود را پیرامون او می‌فرماید: رهبر ما آن طفل سیزده ساله‌ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم بزرگ تر است با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آنرا منهدم کرد و خود نیز شربت شهادت نوشید به این ترتیب و با این

---

۱- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آغاز جنگ تحمیلی عراق و هفته دفاع مقدس ۱۳۸۹/۳/۳.

<http://www.irdc.ir/fa/calendar/50/default.aspx>.

کلمات حسین و فداکاری و شجاعت او جاودانه شد و خواهد آمد که چگونه این تعبیر امام خمینی (ره) در مورد حسین فهمیده الهام بخش عملیات استشهادی در سرزمین‌های اشغالی لبنان و فلسطین شد امام خمینی این نوجوان را رهبر قلمداد کرد برای اینکه او روش نوینی در شیوه دفاع مقدس و نبرد رزمندگان اسلام با کفر را فراهم کرد و راه پیروزی و سرفرازی را برای ما هموار نمود.<sup>۱</sup>

باید به این نکته اشاره کرد کمتر جنگی را در طول تاریخ کهن ایران سراغ داریم که به پاره شدن و جدا شدن گوشه‌ای از سرزمین مقدس ایران نیانجامیده باشد ولی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که با روحیه شهادت طلبی و فداکاری بهترین جوانان این سرزمین همراه بود به رغم حمایت همه جانبه تسلیحاتی، مالی و پشتیبانی اکثر قریب به اتفاق کشورهای عربی و دولت‌های غربی و شرقی از عراق، برخلاف اهداف دولت‌های عربی به تجزیه ایران و تکه تکه شدن آن منجر نشد. نقشه ایران پیش و پس از قاجاریه نشان از تجزیه بخش‌های متعددی از خاک ایران دارد بخش‌هایی که بویژه در دوران ۳۷ ساله حکومت فتحعلی شاه قاجار پس از جنگ‌های ایران و روس از ایران جدا شدند و بیش از ۲۷۳۰۰۰ کیلومتر بود و در دوران حدوداً پنجاه ساله حکومت ناصرالدین شاه قاجار جدایی بیش از ۲۱۹۶۵۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین‌های تاریخی ایرانیان به وقوع پیوست و آخرین تجزیه نیز در سال ۱۹۷۰م با جدا شدن استان چهارمهرم ایران یعنی بحرین به وقوع پیوست و پس از جدایی غیر قانونی بحرین از ایران در سال ۱۹۷۰ م که هیچگاه به تأیید ملت ایران نرسیده، و توطئه دشمنان ایران برای ادامه تجزیه ایران همچنان در دست اجراست<sup>۲</sup>

فرهنگ شهادت طلبی ابزار مناسبی است برای دفاع از سرزمین‌های اسلامی و جلوگیری از سلطه بیگانگان که در جریان جنگ تحمیلی رزمندگان اسلام عاشقانه از این فرهنگ استفاده کردند و این روحیه ارزشی در انقلاب اسلامی ایران باعث تأثیر به سایر ملل اسلامی شد که در

---

۱- شهادت دانش آموز بسیجی محمد حسین فهمیده، سایت تبیان ۱۳۸۹/۳/۳.

<http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=4108>.

۲- میر مهرداد میرسنجری، تجزیه گام به گام سرزمین‌های ایران در دوره قاجاریه و پهلوی، سایت تابناک ۸۹/۳/۳.

<http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=99939>

کشورهای لبنان و فلسطین چشمگیر بوده است و فرهنگ شهادت طلبی در قالب عملیات استشهادی در این دو کشور روح تازه‌ای به مبارزان داده است و شرح خواهیم داد که چگونه در برابر توسعه طلبی رژیم صهیونیستی از حقوق از دست رفته خود دفاع می‌کنند.

## ۲-۴. لبنان

بطور کلی شیعیان در لبنان متأثر از انقلاب اسلامی در ایران بودند و همزمان با انقلاب ایران در قالب جنبش امل که بنیانگذار آن امام موسی صدر بود جریان داشت در سال ۱۹۷۸ صدر ناپدید شد این جنبش رویکرد اصلاح طلبانه داشت تا رویکرد انقلابی، و بعداً رهبری ناکارآمد آن باعث شد تا حمایت مردمی خود را از دست بدهد اما در کنار آن، گروه دیگر بنام حزب الله و بعنوان بدیل امل، به صحنه آمد که به خوبی رهبری می‌شود و این گروه توانست بسیاری از آنان که اعتماد خود را به امل از دست داده بودند جذب خود کند.<sup>۱</sup>

گروه حزب الله با کارآیی و مقاومتی که در برابر تهاجم اسرائیل به لبنان از خود نشان داده است توانسته اطمینان شیعیان را به خود جلب کند. در ۱۶ خرداد ۱۳۶۱ شارون وزیر دفاع اسرائیل به بهانه خروج رزمندگان فلسطینی از لبنان در حالی که این مسأله واقعیت نداشت و به دنبال ضمیمه کردن جنوب لبنان به فلسطین اشغالی بود، به لبنان حمله می‌کند رژیم صهیونیستی در این هجوم حدود دو سوم لشکرهایش را با پشتیبانی سیصد هواپیمای جنگنده به میدان می‌آورد و به راحتی در طول سه روز از تمامی شهرهای جنوب می‌گذرد و به بیروت می‌رسد برخلاف انتظار مردم، چریکهای فلسطینی و رزمندگان امل نتوانستند مقاومت کنند و با فرار بسوی بیروت راه را برای پیشروی دشمن باز گذاشتند، دشمن تا ورودی شهر بیروت پیشروی کرد که تعدادی جوان با شعار الله اکبر و با سلاح‌های سبک به نیروهای نظامی آنها حمله می‌کنند و آن گروه کوچک موفق می‌شود تا شب تعدادی از نظامیان اسرائیلی را بکشد و حتی چند تانک را هم به تصرف درآوردند و در خیابانهای بیروت به نمایش گذاشتند، این گروه اندک توانست دشمن را ۴۲ روز در آنجا متوقف کند وقتی خبرنگارها از آنها سوال می‌کنند و از آنها می‌پرسند که شما کیستید؟ آنها در جواب می‌گویند ما پیروان امام خمینی هستیم

۱- اسپوزیتو، پیشین صص ۱۳۶-۱۳۸.

مقاومت اینها باعث می‌شود تا دشمن بعد از حدود دو ماه جنگ در برابر مقاومت و دفاع پیروان خمینی تسلیم شود و از تصرف منطقه شیعه نشین ضاحیه که دروازه ورود بیروت بود صرف نظر کند، این گونه بود که حزب الله در لبنان متولد شد و توانست ۱۸ سال با اسرائیل بجنگد و گام به گام رژیم صهیونیستی را از سرزمین خود به عقب براند و نهایتاً برای نخستین بار اسرائیل را وادار به اعتراف کند که شکست خورده است آنچه کمر صهیونیسم را شکست، همین پدیده عملیات استشهادی بود. سید حسن نصرالله رهبر جنبش حزب الله گفت: به این نتیجه رسیدیم که اگر صدها تانک اسرائیل را هم منهدم کنیم (که نمی‌توانستیم) برای آنها خیلی مهم نبود اما اگر یک نفر سربازشان کشته شود موجی از ترس و وحشت در میان آنها ایجاد می‌شود و از ادامه جنگ باز می‌مانند.<sup>۱</sup>

بنابراین عملیات استشهادی یک ضرورت تاثیرگذار برای رزمندگان لبنان محسوب می‌شود برای عقب راندن دشمن صهیونیستی از سرزمین‌های خود. وقتی که از نویسنده کتاب پاره‌های پولادین که این کتاب، کتابی تحقیقی و مستند درباره عملیات استشهادی حزب الله به حساب می‌آید سوال می‌شود در رابطه با دلیل شرعی عملیات استشهادی او می‌گوید: امام خمینی (ره) حسین فهمیده را رهبر ۱۳ ساله‌ای می‌خواند که نارنجک به خود می‌بندد و باعث انفجار تانک دشمن می‌شود. این فتوای عمومی است و برای حزب الله ملاک نظر شرعی امام خمینی می‌باشد همین خبرنگار در مصاحبه‌ای دیگر با سید حسن نصرالله که گفته بود: وقتی فیلم برخی عملیات استشهادی را برای امام خمینی (ره) می‌بردم امام در مورد شهادت عملیات شهادت طلبانه می‌گوید که اینها عارفان حقیقی هستند.

نویسنده کتاب پاره‌های پولادین می‌گوید اینها نظر یک رهبر و ولی فقیه و مرجع مجتهد بود. می‌گوید:

**مسأله دیگر اینکه پس از قتل عام و جنایات اسرائیل در لبنان و فلسطین، عملیات استشهادی تبدیل به سلاحی شد برای عقب راندن اسرائیلی‌ها در خاک لبنان، اهرمی بود برای فشار وارد کردن به آنها**

---

۱- محسن مؤمنی، کرانه‌های امید و حزب الله می‌آید سایت تبیان ۸۹/۳/۳ <http://tebyan.net..>

**کار بجایی رسید که با مبارزات حزب الله لبنان در عرض پنج سال  
اسرائیل تلفاتی داد که در طول پنجاه سال و در جنگ‌های فراوانش با  
چندین کشور عربی چنین تلفاتی را نداده بود.<sup>۱</sup>**

مقاومت شهادت طلبانه تنها راه جلوگیری از دامنه جنایات صهیونیستها تحلیل می‌شود. جنایاتی که از جمله جنایات شامگاه ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۲، در صبرا و شتیلا ضرورت عملیات استشهادی را دوچندان می‌کند بارتاب این عملیات‌ها که ابتدا در لبنان و با عملیات شهادت طلبانه شهید احمد جعفر قسیر در سال ۱۳۶۱ شروع شد بسیار تأثیرگذار بوده است. عملیاتی که قسیر با فدا کردن جان خود پایگاه فرماندهی ارتش اسرائیل در شهر صور را منفجر کرد و باعث کشته شدن تعدادی از افسران نظامی اسرائیل از جمله آموس ریمون رئیس اطلاعات ارتش اسرائیل شد<sup>۲</sup>

بنابراین عملیات استشهادی رزمندگان حزب الله مانعی بسیار جدی در برابر خوی زیاده خواه و تجاوزگر اسرائیل بود و همین مسأله در فلسطین اشغالی با الگوگیری از حزب الله لبنان شکل گرفته است خواهد آمد که جوانان فلسطینی با عملیات استشهادی در برابر تجاوزگری و توسعه طلبی رژیم صهیونیستی با توفیق بیشتری از خود دفاع می‌کنند.

### ۳-۴. فلسطین

اگر بخواهیم تاریخچه‌ای از فلسطین را مرور کنیم از سال ۱۰۹۵ م با تهاجم اروپائیان علیه مسلمانان جنگهای صلیبی آغاز شد که حدود دو قرن طول کشید. مورخان یکی از علل این جنگ‌ها را مسأله فلسطین و شهر بیت المقدس و خراجگذار بودن مسیحیان این شهر برای مسلمانان ذکر می‌کنند. به هر حال مسیحیان ۹۰ سال بر فلسطین حکومت می‌کنند در مراحل پایانی جنگ دوم صلیبی (۱۱۴۷-۱۱۴۹م) ۵۴۴-۵۴۲ صلاح الدین ایوبی صلیبیون را تار و مار می‌کند و بیت المقدس را بازپس می‌گیرد. بعد سلسله عثمانی تاسیس می‌شود در زمان سلطان

۱- سارا زیبا کلام، *قمنوس‌های زیتون* (گفتگو با نویسنده اولین کتاب تحقیقی و مستند درباره عملیات استشهادی حزب الله

۱۳۸۹/۳/۱۳

(

<http://www.hamshahrionlin.ir/hamnews/1385/8505/world/ketabw.htm#S2097>.

۲- شهاب خاکسار، همان.

محمد فاتح در سال ۱۴۵۳م شهر قسطنطنیه فتح شد و به مدت ۵۰۰ سال به پایتخت امپراطوری عثمانی تبدیل گردید. اواخر قرن نوزدهم شورشهایی در فلسطین بوجود آمد انگلستان در این سالها تغییر روش داده و بجای همکاری با عثمانی در برابر عثمانی قرار گرفت و از شورشیان حمایت کرد و از جمله «حسین امیر مکه» که نماینده عثمانی در حجاز که مرد جاه‌طلبی بود تحریک کرد که با حمایت انگلیس از عثمانی جدا شود در چنین شرایطی عده‌ای از یهودیان اندیشه ملت واحد یهود را مطرح کردند و برای تشکیل کشوری مستقل دست به اقداماتی زدند که مورد تشویق انگلیس قرار گرفت اینها حزبی تشکیل دادند و نام صهیون را بر خود نهادند. و با قیومیت انگلیس بر فلسطین انگیزه تشکیل دولت یهود در فلسطین تقویت شد.<sup>۱</sup>

در آغاز جنگ اول صهیونیستها از یک طرف خود را حامی منافع انگلیس نشان می‌دادند و از طرف دیگر به دولت آلمان نزدیک می‌شدند تا از وعده‌های آنان نیز بهره گیرند. «مارکس بودنهايمر» از مقامات ارشد صندوق ملی یهود در یادداشتی به وزارت خارجه آلمان نوشت: یهودیان با همکاری آلمان می‌توانند کفه را به نفع آلمان برهم بزنند... پیدایش دولت یهود برای امپراطوری آلمان ضرورت حیاتی دارد زیرا از تهدید دائمی حکومت روسیه آزاد می‌گردد<sup>۲</sup>

با آغاز جنگ رفته رفته انگلیس نقش جدی تری در جریانات مربوط به فلسطین به عهده گرفت در سال ۱۹۱۵ «هربرت ساموئل» یهودی صهیونستی که یکی از وزرای دولت انگلیس بود لایحه‌ای بنام «فلسطین - پنج اختیار» را به تصویب رساند، لایحه به ضرورت سلطه انگلیس بر فلسطین تاکید کرده و راه این سلطه را یهودی سازی فلسطین بیان می‌داشت و خواستار مهاجرت یهودیان به این سرزمین و خود مختاری آنان بود. این لایحه مورد موافقت وزیران متنفذی چون «لوید جرج» و «لرد بالفور» قرار گرفت و اساس سیاست انگلیس در آینده شد. پس از توافق صهیونیستها و دولت انگلیس مبنی بر اینکه دولت انگلیس این اصل را می‌پذیرد که فلسطین باید به عنوان وطن ملی یهودیان درآید و دوم اینکه دولت انگلیس تمام

---

۱- آشنایی با تاریخ فلسطین (۱). <http://hamshahrionlin.ir/news/?id=34444>.

۲- سید علی اکبر محتشمی پور، مروری به شکل گیری رژیم اشغالگر قدس، *مجله حضور* شماره ۶۲، ۱۳۸۶، سایت

حوزه <http://www.hawzah.net>. ۸۹/۳/۹

مساعی حسنه خود را برای تامین این هدف به کار خواهد برد و در جهت یافتن روشهای مورد لزوم با سازمان صهیونیستها به مذاکره خواهد پرداخت و پس از مدتی مذاکره کابینه انگلیس در جلسه ۱۳ اکتبر ۱۹۱۷م به لرد بالفور وزیر خارجه ماموریت داد تا اعلامیه‌ای به شرح زیر حاکی از اظهار علاقه خود به موافقت با خواست صهیونیستها صادر کند: ... دولت علیحضرت تاسیس وطن ملی برای یهودیان در فلسطین را با نظر موافق تلقی می‌کند و برای رسیدن به این هدف مساعی حسنه خود را به کار خواهد برد مشروط بر اینکه هیچ نوع اقدامی که به حقوق ملی و مذهبی جماعات غیر یهودی در فلسطین و یا حقوق و موقعیت سیاسی یهودیان در کشورهای دیگر لطمه بزند انجام نگیرد.<sup>۱</sup>

لازم به ذکر است که اصل اعلامیه در جهت ضایع نمودن حقوق مردم فلسطین صورت می‌گیرد و اشاره پایانی اعلامیه دولت انگلیس به حقوق ملی و مذهبی جوامع غیر یهودی فلسطین صرفاً به دلیل جلوگیری از اغتشاشات مردم فلسطین بوده است. به دنبال این همکاری خیانت آمیز دولت انگلیس و صهیونیستها، انگلیسی‌ها ۲۷ روز پس از صدور اعلامیه بالفور وارد بیت المقدس می‌شوند یک فرماندهی نظامی برای تسلط و کنترل بر فلسطین سازماندهی می‌کنند در روز ۳۰ ژوئن ۱۹۲۰ «سرهربرت ساموئل» یهودی انگلیسی از سوی دولت انگلیس با سمت کمیسر عالی وارد فلسطین شد تا یک حکومت غیر نظامی بر فلسطین را سازمان دهد. این مسأله موجب تشنج از سوی مسلمانان شد به دلیل اینکه در اعلامیه هدفش همکاری با صهیونیستها بود نه با مسلمانان، او تسهیلات زیادی برای مهاجرت یهودیان به فلسطین تدرک دید به طوری که در ظرف ۳۰ سال سلطه انگلیس بر فلسطین حدود ۶۰۰ هزار نفر یهودی به فلسطین انتقال داده و از محصولات مسلمانان مالیاتهای سنگین می‌گرفت تا ورشکست شده و زمینهایشان را به یهودیان واگذار کنند.<sup>۲</sup>

به این ترتیب در طول مدتی که مرور کردیم هیچ گونه حاکمیتی از سوی یهودیان بر فلسطین صورت نگرفته است و تنها با تغییر و تحولی که در نظام بین الملل در جنگ جهانی

---

۱- همان.

۲- همان.

بوجود می‌آید صهیونیستها با توافق خائنانه با انگلیسی‌ها و به پشتیبانی انگلیسی‌ها زمینه مهاجرت و تسلط خود بر فلسطین را آماده می‌کنند و به این ترتیب حقوق مسلمانان را پایمال می‌کنند و در نخستین برخورد خونین انگلیسی در تابستان ۱۹۲۹م با آتش گشودن بر روی فلسطینیان حدود ۳۵۱ تن را شهید و عده‌ای را مجروح و دستگیر می‌کنند که در اواخر دهه ۱۹۲۰، تا ۱۹۳۶ قیامهای مسلحانه‌ای از جمله قیام شیخ عزالدین قسام و عبدالقادر حسینی و حسن سلامه شکل می‌گیرد و سرکوب می‌شوند و از دهه ۴۰ مسأله فلسطین به یک مسأله عربی تبدیل می‌شود. انگلیس در ۱۴مه ۱۹۴۸ به قیومیت خود خاتمه می‌دهد و نیروهایش را از فلسطین خارج می‌کند در همان روز شورای ملی یهود در تل‌آویو تشکیل می‌شود و در ساعت چهار بعدازظهر روز جمعه ۱۴/۵/۱۹۴۸ موجودیت دولت اسرائیل توسط «دیوید بن گورین» در اجتماعی در موزه تل‌آویو اعلام گردید چند دقیقه پس از اعلام تشکیل اسرائیل «ترومن» رئیس جمهور وقت آمریکا دولت جدید اسرائیل را به رسمیت شناخت و انگلیسیها به هنگام خروج از فلسطین تجهیزات خود را به صهیونیستها تحویل می‌دهند و پس از اعلام تشکیل دولت و رژیم صهیونیستی، یهودیان غاصب شروع به تصرف شهرها و روستاها و بیرون راندن فلسطینیان از خانه و کاشانه‌شان کردند و کشتارهای «دیر یاسین» و «کفر قاسم» را در آوریل ۱۹۴۸ به راه انداختند و فلسطینیان را آواره می‌کنند و در همان سال یعنی در جنگ ۱۹۴۸ پس از موجودیت اسرائیل تقریباً ۷۸٪ کل خاک فلسطین را به اشغال خود درآوردند و حدود یک میلیون از مجموع یک میلیون و نهصد هزار نفر فلسطینی در آن زمان آواره می‌شوند بعد سازمان آزادی بخش فلسطین تشکیل شد و جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل که به پیروزی اسرائیل منجر شد و در سال ۱۹۳۷ باز جنگ دیگر بین اسرائیل با مصر و سوریه درگرفت که با توجه به صدماتی که بر اسرائیل وارد می‌شود اما با حمایت سریع نظامی آمریکا و غرب وضع جنگ تغییر می‌کند و نهایتاً با انعقاد قرارداد صلح جنگ به پایان می‌رسد. سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۴ سازمان آزادی بخش فلسطین را به عنوان تنها نماینده ملت فلسطین به رسمیت شناخت و نتیجه این جنگ این شد که سران عربیه از فکر جنگ با اسرائیل خارج شدند با قرارداد کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ بین مصر و اسرائیل مصر، اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران اسلام نیز وارد صحنه مبارزاتی مردم فلسطین می‌شود در

حالی که قبل از این عاملی که آنها را به هم پیوند می‌داد عربیت بود و اسلام در درجه دوم قرار داشت<sup>۱</sup>

اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تاثیر آن بر دفاع شهادت طلبانه رزمندگان لبنانی و پیروزیهایی که در لبنان بدست آمد بر فلسطین هم اثر گذاشت و قطع امید از دولتهای عربی باعث شد جنبشهای سیاسی مذهبی مردمی جایگزین احزاب و سازمانهای سیاسی ملی و غیر مذهبی در سرزمینهای اشغالی شود و روند جدیدی از قیام و مبارزه با اسرائیل توسط ساکنین سرزمینهای اشغالی در پاییز ۱۹۸۷ آغاز شد که انتفاضه یا «انقلاب مساجد» نام گرفت و وقوع انتفاضه موجب ترس و وحشت اسرائیلیها شد و آنها را وادار به مذاکره با ساف کرد نهایتاً یاسر عرفات موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخت با قلم خود در واشنگتن بر نام فلسطین خط کشید و متن قرارداد را امضاء کرد که به طرح «غزه اریحا» معروف است بر اساس این طرح یک حکومت خود مختار فلسطینی در کرانه غربی و نوار غزه پیش بینی شد که هدف امریکا و رژیم صهیونیستی از این توافق ایجاد شکاف میان فلسطینیان و خاموش کردن شعله‌های انتفاضه به دست جناح فلسطینی سازشکار بود اما چنین چیزی محقق نشد و آتش انتفاضه با دیدار آریل شارون رئیس حزب لیکود اسرائیل از مسجدالاقصی در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ شعله ور شد و شکل جدیدی به خود گرفت و به انتفاضه الاقصی معروف شد.<sup>۲</sup>

آنچه که گذشت اجمالی از تاریخچه فلسطین بود که با حمایت قدرتهای بین المللی از رژیم نامشروع و غاصب صهیونیستی و با سازش برخی افراد داخلی، حقوق مردم فلسطین نادیده گرفته شد و مردم مظلوم فلسطین چاره‌ای را نمی‌بینند مگر اینکه با قیامهای مردمی و استفاده از راهی جدید سرنوشت مبارزاتی خود را دنبال کنند و با عملیات استشهادی دشمن صهیونیستی خود را به زانو درآورد.

حق مردم فلسطین و ظلمی که به این مردم روا داشته می‌شود بر کسی پوشیده نیست شهید مطهری با اشاره به مظلومیت فلسطین می‌گوید اگر پیغمبر اسلام زنده می‌بود امروز چه

---

۱- آشنایی با تاریخ فلسطین، پیشین.

۲- همان.

می‌کرد؟ درباره چه مسأله‌ای می‌اندشید؟ می‌گوید به خدا خجالت دارد ما خودمان را مسلمان بدانیم خودمان را شیعه علی بن ابیطالب بخوانیم در حالی که علی بن ابیطالب فرمود: شنیدم دشمن به کشور اسلامی حمله کرده است لشکرش به «انبار» وارد شده است «حسان بن حسان بکری» را کشت و مرزبانان شما را از جای خود راند به من خبر رسیده مهاجمی از آنان بر زن مسلمان و زن در پناه اسلام تاخته و خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره او را به یغما برده، بعد فرمود: اگر یک مرد مسلمان با شنیدن این خبر دق کند و بمیرد سزاوار است و مورد ملامت نیست» او می‌گوید مراجع تقلید بزرگی مثل آیت الله حکیم و دیگران رسماً فتوا داده‌اند کسی که در فلسطین کشته شود اگر نماز هم نخواند شهید در راه خدا است<sup>۱</sup>

اصولاً عملیات استشهادی وقتی برای اخراج دشمن از سرزمین اسلامی و جلوگیری از تجاوز و پیشروی او صورت می‌گیرد ماهیتی دفاعی دارد قطعاً هر ملتی مایل است با کمترین خسارت دشمن را از سرزمین خود بیرون کند تا وقتی که ضرورت نداشته باشد تا کسی مجبور نشود دست به چنین عملیاتی نمی‌زند مسأله دفاع از خانه و کاشانه و سرزمین اسلامی در برابر اشغالگران و متجاوزان به قدری روشن است که نیاز به توضیح دفاعی بودن آن نیست یکی از علمای اهل سنت در این باره می‌نویسد: آیا ما مجاز هستیم فلسطین را که تنها راهش منفجر کردن خود در جمع یهودیان است محروم کنیم؟ او با هواپیما تانکها و ناوهای صهیونیستی چه کند؟ این وسیله که خداوند در اختیارش نهاده می‌توانیم از او بگیریم؟<sup>۲</sup> این اقدام از سوی مؤمنان عکس‌العملی در برابر جنایات متجاوزان است. وقتی متجاوزان به کشتن مسلمانان و ویران کردن خانه و کاشانه آنان اقدام می‌کنند و از هیچ جنایتی ابا ندارند چنین اقدامی جنبه بازدارندگی دارد<sup>۳</sup>

فهمی هویدی نویسنده مشهور عرب در تحلیل عملیات استشهادی ریشه‌های آنرا در فرهنگ غنی اسلام پی‌گیری می‌کند او می‌گوید:

۱- حماسه حسینی پیشین. صص ۲۸۸-۲۹۲.

۲- ورعی، پیشین. صص ۳۳۳ از الانتفاضه الفلستینیه و العمليات الفدائیه ص ۷.

۳- همان.

«هیچکس نمی‌تواند به احترامی که فرهنگ اسلامی برای زندگی انسان قائل است چیزی بیفزاید خودکشی به دلیل آنکه بیانگر گواهی و ناامیدی انسان از رحمت و قدرت خداوند است ایمان انسان را خدشه دار می‌کند در عین حال هر کس دیگری را ظالمانه و به ناحق بکشد طبق تفسیر قرآن مثل این است که تمام مردم را کشته است در این صورت چگونه می‌توان گفت که مسلمان برای زندگی ارزشی قائل نبوده است و برای از بین بردن آن تردیدی به خود راه نمی‌دهد.»

هویدی در پاسخ به این سوال خود می‌گوید: فرهنگ اسلامی از آن نوع زندگی دفاع می‌کند که حق و عدالت و آزادی در آن حکمرما باشد و مردم در آن احساس عزت و کرامت کنند. همانطور که مسلمان باید تا آخرین لحظه به آباد کردن زمین پردازد تا آخرین رمق از زندگی شرافتمندانه نیز دفاع می‌کند لذا کسانی که جان خود را برای دفاع از حق و حقوق خود قربانی می‌کنند تا ملتشان زندگی شرافتمندانه‌ای داشته باشند به این دلیل که در راه دفاع از حق، عدالت و کرامت جان خود را از دست می‌دهد شهید و مجاهد در راه خدا به حساب می‌آید می‌گوید: در مبارزه عادی به رغم میل به شهادت ممکن است آرزوی بازگشت به نزد خانواده وجود داشته باشد اما در عملیات شهادت طلبانه از همان لحظه اول می‌داند که بازگشتی در کار نیست پس ارزش آن بسیار بالاتر است.<sup>۱</sup>

برخی از منتقدین بر این عقیده‌اند که انحصار خبری غرب موجب می‌شود کوچکترین عملیاتی علیه اسرائیل بویژه در اماکن غیر نظامی نظیر کافه‌ها، رستورانها، ایستگاههای راه‌آهن، کلوپ‌ها و غیره که معمولاً در موج جدید عملیات استشهادی هدف قرار می‌گیرند، به سوژه‌ای تبدیل می‌شود که افکار عمومی جهانی را که قبلاً در جریان انتفاضه سنگ با فلسطینی‌ها همراه شده بود را منحرف نماید و عملیتهای اسرائیلی‌ها را توجیه نماید. موافقین عملیتهای استشهادی در برابر این انتقاد این گونه استدلال می‌نمایند که نگرش جامعه بین الملل نسبت به قضیه فلسطین در اثر این رسانه‌ها همیشه منفی بوده است و این عملیتهای در نگرش آنها تغییر

---

۱- ناصر پور حسن، *مجله حضور* شماره ۴۰، ۱۳۸۱ (پایگاه حوزه). Howzah.net.

ماهوی ایجاد نکرده است برای مثال روزنامه السفیر در این باره می‌نویسد: وقتی طالبان اقدام به تخریب مجسمه‌های بودا در «بامیان» کرد دنیا به جنب و جوش درآمد و یونسکو با صدور بیانیه‌ای آنرا خیانت ضد بشری خواند و خواستار دخالت جامعه بین‌المللی برای جلوگیری از آن شد اما وقتی بخشهایی از کلیسای المهد به آتش کشیده شد و بسیاری از مساجد و کلیساها ویران گردید و از انتقال مجروحان به بیمارستان جلوگیری به عمل آمد و آب و برق و گاز دهها هزار فلسطینی قطع شد، همه سکوت کردند و چشمهای خود را بستند همه این جنایات را دیدند اما دفاع از خویشتن به حساب آورده و با اتهام به فلسطینیان به انجام اعمال تروریستی آنها را مسئول حوادث جاری دانستند به هر حال عملیات استشهادی به عنوان آخرین شیوه مبارزه مقاومت فلسطین به رغم هزینه‌هایی که برای فلسطینیان دارد، گزینه‌ای بی بدیل است که توسط آنها صورت می‌گیرد آنها چیزی را برای از دست دادن ندارند خود را بصورت بمب‌های انسانی درآورده و امنیت آنها را که دغدغه اصلی رژیم صهیونیستی است برهم می‌زنند و گسترش عملیات استشهادی و ورود زنان به عنوان عملیات‌کننده، انتفاضه را وارد فاز جدیدی کرده است که اجباراً توجه جهانیان را به مسأله فلسطین جلب کند.<sup>۱</sup>

مظلومیت فلسطین از آنجا بیشتر سنگینی می‌کند که همکاری بین کشورهای اسلامی نیست، امام خمینی (ره) با اشاره به اینکه فلسطین در رأس مصیبت‌هاست اظهار تاسف می‌نماید از اخلاق کشورهای اسلامی که با وجود منابع طبیعی سرشار و ذخایر گرانبها و جمعیت هفتصد میلیونی نتوانسته‌اند دست استعمار صهیونیسم را از بلاد اسلامی قطع کنند. مسأله قدس را حادثه‌ای برای موحدین جهان و مؤمنین در همه اعصار دانسته و جسارت به مسجدالاقصی و غضب آن توسط جنایتکاران را فاجعه بزرگ تاریخ و ننگ کشورهای اسلامی بیان می‌کند و می‌فرماید:

**« ای قطره‌های جدا از اقیانوس قرآن و اسلام، به خود آبیید و به این اقیانوس الهی متصل شوید، و به این نور مطلق استناره کنید تا چشم طمع جهانخوران از شما ببرد و دست تطاول و تجاوز آنان قطع شود، و**

به زندگانی شرافتمندانه و ارزشهای انسانی برسید از این زندگی ننگین  
که مستی اسرائیلی دوره‌گرد بر شما حکومت کنند و مسلمانان مظلوم را  
در حضور شما پایمال نمایند رهایی یابید. بارالها، به ما خفتگان توفیق  
بیداری عنایت فرما.<sup>۱</sup>

وقتی دولتهای عرب و اسلامی به ندای امام پاسخ نمی‌دهند و از خواب غفلت بیدار  
نمی‌شوند تکلیف مردم مظلوم فلسطین چیست؟ چه کسی از آنها در برابر صهیونیسم و  
قدرتهای حامی صهیونیسم حمایت کند؟ آیت الله فاضل لنکرانی (ره) می‌گوید:

«همه مسلمانان نسبت به حفظ قدس و بیت المقدس که قبله اولیه  
مسلمانان است و نیز نسبت به سرزمین اسلامی فلسطین وظیفه شرعی  
دارند و واجب است با تمام تلاش و امکانات در جهت آزادی قدس  
کوشش نمایند و در مورد عملیات استشهادی چنانچه با نظر صریح  
مسئولین دلسوز انتفاضه و با رعایت همه شرایط اشکالی ندارد و دنیا  
باید بداند مردم مظلوم فلسطین برای مقابله با این رژیم و رساندن فریاد  
مظلومیت خویش به گوش همه از این طریق استفاده می‌نمایند بنابراین  
چنین اعمالی که دفاع از خود و کشور خود بر آن متوقف است صحیح  
است و از مصادیق شهید محسوب می‌شود.»<sup>۲</sup>

یکی از مقامات سابق سازمان جاسوسی اسرائیل ژنرال گول لافت در نشریه فارین افروز  
مقاله‌ای نگاشته بود که در آن آمده مردم فلسطین به بی‌فایده بودن مذاکرات صلح پی برده‌اند و  
دریافته‌اند که راه مبارزه و مقاومت تنها راه دستیابی به پیروزی است توضیح می‌دهد که در  
شرایط نابرابر نظامی میان مبارزان فلسطینی و نظامیان صهیونیست فلسطینیها چاره‌ای جز این  
ندارند که به عملیات استشهادی روی آورند و در مقابل این نوع عملیات‌ها، اسرائیلی‌ها  
حربه‌ای در اختیار ندارند گول لافت در این مقاله به دولت اسرائیل پیشنهاد می‌کند که با اعطای

۱- مصباحی، امام خمینی و فلسطین، حضور شماره ۴۰، ۱۳۸۱ (سایت پایگاه حوزه). Howzah.net.

۲- شیخ محمد فاضل لنکرانی، استفتاء در مورد عملیات استشهادی (مجموعه مسائل و استفتائات) ۱۳۸۹/۳/۹  
<http://L.ankarani.ir/far/hkm/index.php>.

امتیازاتی به مردم فلسطین آنان را به پایان دادن به این عملیات ترغیب کند. اما تجربه نشان داده است که اسرائیلی‌ها هر بار که به طور شفاهی و در طی روند مذاکرات به مردم فلسطین وعده‌هایی داده‌اند، اندکی بعد در صحنه عمل وعده‌های خود را زیر پا گذاشته‌اند. به این دلیل است که اینک می‌بینیم اکثریت مردم فلسطین از عملیات استشهادی حمایت کرده و شهادی خود را این چنین قدر می‌نهند، مردم فلسطین با آگاهی از توانایی برتر نیروهای اسرائیل در عرصه برخوردهای نظامی به رویکرد دیگری متوسل شده‌اند آنها صبر می‌کنند تا حملات به پایان برسد و آرامش برقرار شود، آنگاه گروه‌های شهادت طلب را برای وارد کردن حمله به اسرائیلی‌ها را اعزام می‌کنند. جنگ آزادی بخش در فلسطین موجب شده است تا افراد شهادت طلب به عنوان عالی‌ترین نمونه‌های شجاعت و ایثار نزد مردم فلسطین شناخته شوند و واکنش‌های اسرائیل نهایتاً موجب فرسودگی و خستگی خود نظامیان اسرائیلی خواهد شد اسرائیلی‌ها با برپایی دیوار حائل می‌خواهند از نفوذ شهادت طلبان به داخل شهرک‌های صهیونیستی جلوگیری کنند اما این مسأله هم به اعتبار سیاسی اسرائیل لطمه می‌زند و هر چقدر هم که دیوار طولانی باشد نخواهد توانست از دهها شهرک صهیونیست نشین که در داخل خاک فلسطین تاسیس شده‌اند حراست کند و بر اساس نظرسنجی‌های متعدد دوسوم اسرائیلی‌ها معتقدند که برچیده شدن این شهرک‌ها به نفع آنهاست و اسرائیلی‌ها باید امتیازات صریح و ملموس بدهند تا بتوانند فلسطینی‌ها را متقاعد کنند. تا پیش از انتفاضه دوم بسیاری از فلسطینی‌ها مخالف حمله به غیر نظامیان اسرائیلی بودند در آن زمان آنها امیدوار بودند که بدون توسل به خشونت به آرمانهای خود دست یابند اینک بر اسرائیل است که فضایی ایجاد کند که فلسطینی‌ها به دیدگاه‌های قبلی خود باز گردند به عبارت دیگر تا زمانی که نتوانیم امید مردم فلسطین را در دل آنها زنده نگه داریم، نخواهیم توانست روی آرامش را ببینیم<sup>۱</sup>

بنا بر آنچه که گذشت روی آوردن فلسطینی‌ها به عملیات استشهادی نهایتاً موجب فرسودگی و خستگی نظامیان اسرائیلی خواهد شد و تنها راهی که برای فلسطینی‌ها نتیجه‌بخش

---

۱- گول، لافت، نگاه یک استراتژیک به علل استقبال مردم فلسطین از عملیات شهادت طلبانه، مترجم نگاره حسینیان،

باشگاه اندیشه ۸۹/۳/۵. <http://www.bashgah.net>

خواهد بود همین است چرا که کنترل و جلوگیری از عملیات استشهادی تاکنون غیر ممکن بوده است و فلسطینیان از عملیات شهادت طلبانه به عنوان مؤثرترین راه برای مبارزه با دشمن در جهت آزاد سازی سرزمین‌های اشغالی استفاده می‌کنند و همانطور که توضیح داده شد کسی که به این عملیات اقدام می‌کند چون با قصد قربت و علم به شهادت و با هدف مقدس و بخاطر ضربه زدن به دشمن برای آزاد سازی سرزمین‌های اسلامی صورت می‌گیرد چنین شخصی شهید محسوب می‌شود و بعداً خواهد آمد که عملیات شهادت طلبانه از انتحار و تروریسم متمایز است.

فصل چهارم:

# عملیات انتحاری

## مقدمه:

در این فصل تلاش می‌شود برخی از شاخصه‌های اصلی عملیات انتحاری شناسایی شوند که این مسأله از دو جهت حائز اهمیت است، یکی به دلیل شناخت ماهیت عملیات انتحاری و دیگری نمایاندن تمایز آن با عملیات استشهادی است که در فصل قبل به آن اشاره شد. در ادامه این نوشتار سعی می‌شود با تأکید بر نیروهای انسانی، و زمینه‌های فکری-اعتقادی عملیات انتحاری، تأثیر گذاری این کنشگران را در کنار زمینه‌های عینی نشان دهیم؛ نظریه‌های رادیکال اندیشمندان مسلمان در تقابل با استبداد حاکمان و یا در قبال استعمارگران خارجی در دولتهای اسلامی و آثاری که استعمار در کشورهای اسلامی به جا گذاشته، مجموعه این عوامل زمینه شده است تا با نام مبارزه با غرب و مبارزه با کفر و الحاد شبکه‌ها و گروههای انتحاری تشکیل شوند که به مصادیقی از آنها هم اشاره می‌شود با ذکر این مقدمه به بیان شاخصه‌های عملیات انتحاری و بعد از آن به زمینه‌ها و مصادیق آن می‌پردازیم.

## 1. مفهوم:

به لحاظ لغوی انتحاری یعنی خویشتن را کشتن یا خودکشی<sup>(۱)</sup> اما حمله انتحاری از دیگر انواع خودکشی بسیار متفاوت است اگر خودکشی را اقدامی برای گریز از پوچی یا فرار از استمرار روزمره‌گی و بی‌هدفی بدانیم عامل انتحاری دارای هدف است وی برای هدفش دست به طراحی برنامه‌ای می‌زند که منجر به مرگ خودش و دیگران می‌شود و

---

۱- دهخدا، پیشین، ج دوم، ص ۲۹۵۸.

حملات انتحاری را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: حمله انتحاری با هدف به قصد آسیب زدن به فرد یا افرادی معین به انجام می رسد و ممکن است افراد دی‌گر حاضر در محل نیز کشته شوند یا آسیب ببینند؛ نوع دوم حمله انتحاری به قصد نا امن کردن فضای اجتماعی و سیاسی مورد نظر و برانگیختن ترس و وحشت عمومی طراحی می شود<sup>(۱)</sup> عمدتاً عملیات انتحاری در کشورهای اسلامی ویژگی‌های تروریسم را هم با خود دارد علاوه بر آن شبکه های انتحاری برای توجیه کار خود، به آن رنگ و بوی مذهبی می دهند و نام جهاد بر آن می گذارند در حالی که به لحاظ محتوایی خواهد آمد که خصوصیات جهاد را ندارند.

## ۲. شاخصه های عملیات انتحاری

### ۲-۱. خشونت؛

یکی از ویژگی‌های مهم عملیات انتحاری خشونت یا تهدید به استفاده از خشونت می باشد.

### ۲-۲. وحشت و نا امنی؛

یکی دی‌گر از ویژگی‌های عملیات انتحاری ایجاد وحشت و ترس در قربانی است که این قربانی می تواند حکومت، مذاهب یا فرقه های دی‌گر و یا قدرتهای فرا منطقه ای باشد و این عمل بخاطر جلب توجه بیشتر مردم به طرف خود انجام می گی‌رد و انگیزه اصلی رسیدن به اهداف سیاسی یا مذهبی و یا کسب منافع شخصی و یا هر سه مورد با هم می باشد.

### ۲-۳. سازمان یافته بودن؛

طراحی عملیات انتحاری در شبکه های سازمان یافته صورت می گی‌رد و انجام این گونه عملیات ها ناگهانی و بصورت غافلگیرانه می باشد به نظر رابرت پاپ Roberta. Pape در مقاله ای با عنوان «منطق استراتژی یک تروریسم انتحاری، عملیات انتحار نوی‌ن»،

---

2. [Http://fa.wikipedia.org](http://fa.wikipedia.org)

اغلب در پنج مورد مهم، وجه مشترک دارند وی این موارد را تحت عنوان «وجوه پنج گانه تنظی م کرده است»:

۱. عملیات انتحاری اقدامی «استراتژیک» است بی‌شتر مهاجمان انتحاری افرادی جزمگرا و از لحاظ روانی، گوشه نشین و پرخاشگر نیستند بلکه بی‌شتر به گروههای سازمان یافته ای تعلق دارند که در جستجوی هدف سیاسی ویژه ای هستند این گروهها عملیات انتحاری را در جهت همین اهداف مشخص برپا می کنند و هنگامی که تمام یا بخشی از این هدف ها تحقق پیدا کرد مهاجمان انتحاری نیز متوقف می شوند.

۲. منطق استراتژی عملیات انتحاری، ناظر به «اهداف سرزمینی» است.

۳. طی بیست سال گذشته، تروریست های انتحاری چینی اندیشیده اند که این نوع عملیات تنها راه ممکن و مؤثر است. بدین سان تأثیر عملیات انتحاری در تحصیل مقاصد سیاسی، آنان را به تعقیب عملیات های بلند پروازانه تشویق کرده است.

۴. هر چند تعدیل عملیات تروریستی باعث تعدیل در امتیازات داده شده بوده است، اما به طور کلی تنبیه غیر نظامیان، به سطوح پایینی تا متوسط تهدیدات تروریستی تعلق دارد. تروریسم انتحاری از اهداف غیر نظامی/مدنی برای تهدید دیوار امنیتی و افزایش هزینه امنیتی دولت های نوین استفاده می کنند.

۵. اقدام نظامی به تنهایی قادر به کنترل عملیات انتحاری نیست بلکه مهار این عملیات نیازمند تدابیر دفاع مرزی و ابزارهای امنیتی درون سرزمین خاص می باشد<sup>۱</sup>.

منابع مذهبی شیعه تفاوت های بنیادی میان عملیات انتحاری و استشهادی قائل شده و ضمن تحریم تروریسم و عملیات انتحاری، بحث و تفسیر خاصی از ماهیت و حدود عملیات استشهادی ارائه داده اند که به آن در فصل قبل اشاره شد.

### ۳- زمینه های عملیات انتحاری

#### ۳-۱. زمینه های فکری و اعتقادی:

سازمانها و شبکه های انتحاری در عصر حاضر دارای خاستگاه فکری هستند که ریشه تاریخی برخی از این جری‌انها بر می‌گردد، به گرایشهای خرد گریزی که در تاریخ اسلام وجود داشته است مهم ترین این گرایشها در تاریخ تمدن اسلام، فقهای اهل حدیث، متکلمان اشعری و خوارج هستند. وهابیت به عنوان یکی از حامیان این شبکه ها ریشه در جنبش سلفی، مذهب حنبلی و پیروان اهل حدیث دارد رهبران، نظریه پردازان و بسیاری از اعضای شبکه های انتحاری در کشورهای اسلامی وهابی اند یا از پیروان مذاهب حنبلی و حنفی هستند که به وهابیت تمایل دارند مثلاً القاعده را جنبش سلفی نیز دانسته اند؛ زیرا پیشوایان آن یعنی احمد بن حنبل و ابن تیمه از نخستین مدعیان سلفی گری بوده اند.<sup>۱</sup> برای اینکه زمینه‌های فکری عملیات انتحاری، مورد بررسی قرار گیرد. به اختصار به معرفی برخی از چهره های شاخص می‌پردازیم.

#### ۳-۱-۱. ابن تیمه حنبلی:

ابن تیمه چند سال پس از سقوط بغداد ۱۲۵۸م توسط مغولها به دنیا آمد و علی‌ه حاکمان مسلمان شده مغول دست به شورش زد از نظر او بعد از پیامبر(ص) و خلفای راشدین، اسلام تحریف شده است و وضعیت جامعه آنروز باعث شد تا وی بر علی‌ه رژی حاکم اعلام جهاد کند از نظر او جهاد بر حج، نماز و روزه برتری دارد و وی‌ژگی واقعی یک انسان نه در ریاضت و تقوای فردی بلکه در جهاد بروز پیدا می‌کند ابن تیمه به سه دلیل جهاد را ارزشمند می‌داند.<sup>۲</sup>

۱. جهاد هم برای مجاهد و هم به ساری‌ن فایده می‌رساند؛

۲. جهاد از همه عبادتها برتر است و بی‌شتر از هر عمل دی‌گری عشق و پرستش

بندگان به خداوند را نشان می‌دهد؛

۱- حمیدرضا اسماعیلی، *القاعده؛ از پندار تا پدیدار*، تهران: اندیشه سازان نور، ۱۳۸۶ صص ۲۰-۲۱.

۲- شیخ احمد، پیشین صص ۱۰۶-۱۰۷.

۳. با توجه به اینکه همه موجودات در نهایت می‌روند جهاد وسیله ای است برای به بهترین وجه مردن و موجب سعادت هر دو جهان می‌شود علاوه بر این شهادت آسانترین شکل مردن هم هست.

ابن تیمیّه جهاد بر علیّه صلی‌بیون و هم چنین علیّه مغولها را به کار برد و مسلمانانی را که در جهاد شرکت نکنند را کافر محسوب می‌کرد. کسانی که از قانون اسلام سرباز زنند، کافر هستند حتی اگر شهادتین را نیز گفته باشند و باید با آنها جنگید مخالفت وی با اغلب فقهای آن زمان که بخاطر ثبات جامعه خواهان تساهل با حکام بودند باعث شد تا نظریات وی شالوده ای برای بحث های اسلام گراهای رادی‌کال معاصر به حساب آید<sup>۱</sup> جریانهای رادی‌کالیسم اسلامی نیز اگر چه در دوارن معاصر شکل گرفته است جریانی ریشه دار در تاریخ فکری اسلام است شاید بتوان نخستین نشانه های آن را در سلف گرای برخی از اندیشمندان قدیم به ویژه ابن تیمیّه، مشاهده کرد که ابن تیمیّه سلف گرای خود را با عنصر رادی‌کالیسم همراه ساخت.<sup>۲</sup>

#### ۲-۱-۳. سید قطب:

سید قطب در سپتامبر ۱۹۰۶ م در روستای از شهر اسیوط مصر به دنیا آمد پس از طی دوران تحصیل ابتدایی در زادگاهش، در سال ۱۹۲۱ به قاهره فرستاده شد. در سال ۱۹۲۵ در دانشکده تربیت معلم مشغول به تحصیل شد و پس از فارغ التحصیلی در سال ۱۹۲۸ م در کلاسهای دارالعلوم حضور می‌یابد و در سال ۱۹۳۳ م از آنجا فارغ التحصیل می‌شود مدتی به استخدام وزارت معارف در آمده و در آنجا تدریس می‌کند و در سال ۱۹۴۸ م به دلیل مخالفت‌هایی که با ملک فاروق می‌کند وی را به طور غیر رسمی برای اقامتی نامحدود به ایالات متحده می‌فرستند: ظاهراً هدف این بوده که به مطالعه سیستم آموزشی آمریکایی بپردازد اما این سفر بجای اینکه او را شیفته آمریکایی کند به اسلام و سپس به

۱- همان، ص ۱۰۷.

۲- منصور میر احمدی، مقایسه ویژگیهای معرفت شناختی جریانهای فکری سیاسی معاصر در جهان اسلام، فصلنامه رهیافت سیاسی و بین‌المللی، شماره ۸ زمستان ۱۳۸۵ ص ۱۷۹.

## اخوان المسلمین نزدیکی‌تر کرد.<sup>۱</sup>

سید قطب ای‌دئولوژی بی‌گانه را مناسب کشورهای اسلامی نمی‌داند. سرخوردگی کشورهای اسلامی آزاد شده از دموکراسی و کشورهای اروپا و آمریکا که سمبل دموکراسی بودند از یک طرف و وابستگی‌های آنها به کشورهای سوسیالیستی که حمایت سیاسی و شبه نظامی از آنها می‌کردند، برخی کشورهای اسلامی از جمله مصر را به سوسیالیسم خوشبین ساخت و آنها را بسوی سوسیالیسم کشانید و رهبران سوسیالیست مصر تقریباً برای ای‌دئولوژی اسلامی جای خالی باز نگذاشته بودند، علمای دینی هم که سنگ اسلام را به سینه می‌زدند و از ای‌دئولوژی اسلامی دفاع می‌کردند و آنرا بهترین ای‌دئولوژی می‌دانستند، نتوانستند یک برنامه قابل قبول و یک ای‌دئولوژی ارائه دهند و این مسأله را باعث طرد اسلام و عاجز دانستن آن در برابر سوسیالیسم می‌دانستند و سید قطب بعنوان یکی از رهبران اخوان المسلمین از این مسأله رنج می‌برد از غریب ماندن ای‌دئولوژی اسلامی و از استعمار فکری که بر حکومت مصر حکم فرما بود به شدت ناراحت بود و در صدد معرفی اسلام و یافتن و ارائه عیوب سیستم‌های بی‌گانه و پیدا کردن منشأ و سرچشمه‌های تاریخی آن بود تا ثابت کند که شرایط و عوامل روحی و اجتماعی و... غرب و شرق متفاوت است و نباید سیستمها ورژیمهای آنان را به عاریت گرفت زیرا وصله‌های ناجور و ناهم‌رنگ هستند<sup>۲</sup>

سید قطب با تدوین کتاب "معالم فی الطریق" مانی‌فست جریان رادی‌کالیسم اسلامی را در اختیار نهاد اندیشه سیاسی او در این اثر و دی‌گر آثار او بر پایه سه مفهوم اساسی؛ جاهلیت، حاکمیت و جماعت شکل گرفته که به ترتیب بر افکار کلی فرآیندهای حاکم بر جهان و جاهلی بودن آن ضرورت طراحی جامعه آرمانی بر مبنای حاکمیت الهی و با مراجعه به بنیادهای اصلی اسلام (قرآن و سنت) و ضرورت تشکیل جماعت و گروه

۱- شیخ احمد، پیشین، ص ۷۹.

۲- سید قطب، *ویژگیهای ای‌دئولوژی اسلامی*، ترجمه سید محمد خامنه‌ای، تهران: کیهان ۱۳۶۹، صص ۴۲-۴۳.

پیشتاز برای مبارزه و جهاد به منظور تحقق حاکمیت الهی در جامعه جاهلی دلالت دارند<sup>۱</sup>

سید قطب با اعلام پیش رو بودن اسلام معتقد است که امکان ندارد اسلام قلبی را نورانی سازد، آن را هدایت کند، سپس آنرا در برابر سلطان و حاکمی غیر از سلطنت خداوند تسلیم و ذلیل بیابد نمی شود اسلام خانه دلی را آباد سازد، سپس آنرا در برابر نوعی از ظلمها، ساکت و شکنجی با نگهدارد خواه این ستم بر شخص او باشد یا بر انسانها در هر سرزمینی و در تحت سیطره هر حکومت که باشد بنابراین اگر دیدید ستم در جامعه ای رواج دارد و مظلومی فریادشان بلند است و ملت مسلمان برای دفع آن قدم نکرده اند و آن را در هم نشکسته اند می توانید در وجود واقعی این ملت مسلمان تردید کنید زیرا هیچ ممکن نیست اسلام در قلبها راه یافته باشد و پس از آن به ستمگرایی و زندان، تن در دهد و راضی باشد. می گوید یا اسلام حقیقی در دلها راه یافته و هست یا نیست؟ اگر هست مبارزه ای است پایان نیافتنی و جهادی است قطع نشدنی و شهادت است در راه حق و عدالت و مساوات و اگر نیست که فقط همهمه دعاست و اتکا به اینکه خیر و صلاح و آزادی و عدالت از آسمان بیارد که هیچ کدام از اینها از آسمان نمی بارد می گوید: اسلام عقیده ای انقلابی و جنبش زاست به این معنی که امکان دارد اسلام به معنی واقعی خود وارد قلب انسانی شود و انقلابی در او بوجود نیآورد!<sup>۲</sup> می گوید آنها ای که ظلم و ستم را در اجتماع با چشم خود می بینند و در هر کجا فساد را مشاهده می کنند در عین قدرت دست بلند نمی نمایند و زبان حرکت نمی دهند، اینها با نور اسلام، قلب و روح شان آباد نشده است اگر اسلام دل آنها را آباد ساخته بود از همان زمان که شعله مقدس آن بر قلبیشان تابیده بود، آنها را مشتعل می ساخت و بسوی میدان نبرد و دفاع می کشانید، آنها را به افرادی مجاهد و مبارز تبدیل می کرد. او معتقد است اگر روح ناسیونالیستی و ملی می تواند در این زمان ما را به مبارزه با استعمار ستمگر و کینه جو وا دارد و اگر روح اجتماعی می تواند امروز ما را به مبارزه بر ضد زمینی خواران، فئودالها، سرمای داری

۱- میراحمدی، پیشین، صص ۱۸۰-۱۸۱.

۲- سید قطب، *اسلام و استعمار*، ترجمه محمد جعفر امامی، قم: امید، بی تا صص ۸-۹.

طاغی و متجاوز بر انگیزد و اگر روح حریت و آزادی فردی قدرت دارد ما را در این موقع به نبرد با دیکتاتوری و زورگویی و طغیان وادار سازد، روح اسلام، استعمار و فئودال و سرمای‌ه داری طغیان و... همه را یک کاسه کرده و تحت عنوان (بغی، ظلم و فساد) همه ما را بدون تفرقه به مبارزه و جهاد بر ضد تمام آنها فرمان داده است و می‌گویی: شما مسلمانی را نمی‌یابی که اسلام بر قلب او تابیده باشد ولی دست دوستی به استعمارگران بدهد. اگر چنین کند به ملت و خوی‌شاوندان و شرف و دین خود خیانت نموده است. هر روزی بدون جهاد بگذرد، هر ساعتی که بدون مبارزه سپری گردد و هر لحظه‌ای که بدون عملی بر ضد آنان پای‌ان‌پذیری گناهی است که درون وی آنرا احساس می‌کند و برافکار او سنگینی می‌نماید معصیتی است که جز جهادی پی‌گیر و مبارزه‌ای داغ و تند و پر شور کفاره‌ای ندارد<sup>۱</sup>

بنابراین هدف قطب‌ای‌جاد جامعه‌ای متحد و بین‌المللی از امت اسلامی بود او نهضتی را شروع کرد و در راه آن جان خود را نیز فدا کرد او در ضمن محاکمه خود در سال ۱۹۶۵ م توسط دولت مصر به ریاست جمال عبدالناصر محکوم به اعدام شد وی عقیده داشت که پیوندهای اعتقادی و ای‌دئولوژی‌ک، قوی‌تر از پیوندهای میهن‌پرستی وابسته به اقلیم جغرافی‌ای است معتقد بود تمایزی که بر اساس منطقه میان مسلمانان بوجود آمده بود ناشی از جنگهای صلیبی و امپریالیسم صهیونیستی است که بایستی ریشه کن شود. قطب مسأله مهمتری را نیز مطرح می‌کرد و آن این‌که اسلام این‌حق را به مسلمین اعطا کرده است که اگر عملکردهای شخصی باعث شود نتوان او را به عنوان مسلمان تلقی کرد به او حمله کنند و خود و اموالش را مورد تهاجم قرار دهند این‌عقیده بهره‌برداری از جهاد را برای مقابله با کسانی که به سرپر قدرت هستند توجیه می‌نمود که ترور انور سادات، رئیس‌جمهور مصر در سال ۱۹۸۱ م نتیجه همین نظر بود سازمان مَنظَمَةُ الجهاد که این ترور را انجام داد این اقدام را به دلیل صلح انور سادات با اسرائیل، موجه می‌دانست این سازمان عقیده داشت قانون جاری مصر باشریعت اسلام مخالف بوده و

۱- همان صص ۱۰-۱۲.

باعث رنج و عذاب مسلمانان شده است. رهبر الجهاد بر اساس فتوای ی که صادر کرد، سادات را غیر مسلمان و کافر دانست و ترور را مشروع و قانونی اعلام نمود.<sup>۱</sup>

قطب ی یکی از چهره های کم نظیر جهان اسلام است که فریاد استکبار ستیزی و اسلام خواهی او فراتر از مرزهای جغرافیای ی کشورش طنین انداز شد جهاد و مبارزه در سایر کشورهای اسلامی از جمله ایران، افغانستان، پاکستان، ترکیه و... متأثر از افکار او بود. ترجمه کتابهای او در دهه چهل در ایران موجبات شناخت اهداف و روشهای استعمار و مارکسیسم را فراهم کرد در افغانستان خشم مجاهدین افغان را بر پیکره کمونیسم شعله ور کرد. در نگرش قطب طرح ی یک اسلام سیاسی فعال و خواستار به دست آوردن حاکمیت بود تا همزمان با اجرای کامل شریعت اسلام، بتوان بر ضد زیاده خواهی های غرب و دنیای کمونیستی ایستاد. وی معتقد بود هر کجا مسلمانان پی شرفت و پیروزی داشته باشند، پله ای است برای ای جاد حکومت جهانی اسلام. در این رابطه نامه قطب به آیت الله کاشانی به مناسبت ملی شدن صنعت نفت گویای ای ن مسئله است به اعتقاد او نهضت ملی شدن صنعت نفت " ملی " نیست، بلکه نهضتی اسلامی به رهبری ی یک روحانی است در این نامه آورده است استعمار غربی می داند که اگر میهن اسلامی ی یکپارچه شود چه موقعیت نظامی، سیاسی و اقتصادی نیرومندی خواهد داشت. امپریالیسم از منابع مادی و انسانی فراوانی که جهان اسلام می تواند فراهم بی آورد بخوبی آگاه است.<sup>۲</sup>

موضع گیری سید قطب تهاجمی تر از مواضع اکثر علمای اهل تسنن است تقریباً بی شتر فقهای اهل تسنن و بویژه در عصر حاضر، جهاد را تنها زمانی مشروع دانسته اند که بصورت دفاعی باشد نه ابتدای ی، از دیدگاه اکثر فقهای شیعه دوازده امامی، جهاد ابتدای ی در غیبت امام معصوم (ع) حرام است در اهل تسنن و بویژه از دهه ۱۹۵۰ م و فتوای محمود شلتوت اکثر علمای سر شناس عالم تسنن متفق القولند در ای نکه تنها جهاد جایز جهاد دفاعی است ی یعنی هر گاه کیان امت اسلامی به خطر افتد بر کل امت واجب است که به

۱- پیتر مارسدن، *طالبان (جنگ، مذهب و نظم نوین در افغانستان)* تهران: وزارت خارجه ۱۳۷۹ ص ۸۳

۲- احمد نجمی، *سید قطب؛ طلایه دار بیداری اسلامی*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۶

<http://www.irdc.ir/fa/content/5190/default.aspx>

جهاد بر خیزند. در دیدگاه سنتی اهل سنت، در صورتی که حکومت اسلامی وجود داشته باشد، این وظیفه حاکم است که با مشورت علما اعلان جهاد کند و در صورتی که حکومت اسلامی وجود نداشته باشد مراجع دینی، علما و مفتیان از چنین حقی برخوردار خواهند بود<sup>۱</sup> اما سید قطب در فصل هفتم معالم با این نگرش که جاهلیت همچون نیروی شیطانیه همه جا را احاطه کرده و در اذهان افراد نفوذ کرده و جاگی بر شده است، از این رو جنگ روی می دهد و جهاد تا روز قیامت ادامه می یابد، او جهاد را حتی به درون جوامع اسلامی تسری می دهد.<sup>۲</sup>

بطور اجمالی می توان چند رویکرد سلبی در اندیشه سیاسی قطب نام برد که عبارتند از:<sup>۳</sup>

نفی استعمار خارجی و غربی: قطب در این راه در صدد بر ملا کردن اعمال استعمارگران و بیان زشتی های غربیان و افکارشان بود.

نفی استبداد داخلی: سید قطب وارد میدان مخالفت علنی با حکومت «ملک فاروق» و استبداد او می شود و در این مسیر به بیان وظایف حاکم می پردازد و با زبانی گویا در قالب آرای روشنگرانه، آنها را به جامعه و شخص حاکم گوشزد می کند.

نفی اندیشه غرب: با آگاهاندن مردم نسبت به ذات و باطن دین اسلام، مردم را از آزادی غربی و هجوم اندیشه های آنان بر حذر می داشت و نسخه غرب و سوسیالیسم را مناسب کشورهای اسلامی نمی دانست.

۳-۱-۳. عبدالله اعظم:

در سال ۱۹۴۱م در جتین فلسطین متولد شد بعد از اتمام تحصیلاتش به اردن و سپس سوریه رفت و از دانشگاه دمشق دکترای حقوق اسلامی گرفت در اواخر دهه ۱۹۶۰ به مصر رفته و در دانشگاه الازهر تحصیلات تکمیلی خود را به پایان رساند و در سال ۱۹۷۳

۱- شیخ احمد، پیشین، ص ۱۰۵.

۲- احمد مهربان، ۱۱ سپتامبر و عملیات انتحاریدر جهان اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۸۵.

۳- عفت علیپور، اندیشه سیاسی سید قطب، تهران: احسان، ۱۳۸۸، صص ۷۵-۷۶.

به عربستان سعودی رفته و در دانشگاه جدید التأسیس جده به تدریس مشغول شد و جزء اولی‌ین اشخاصی است که برای شرکت در جهاد علی‌ه شوروی برای اشاعه افکار خود به افغانستان رفت و تنها راه موفقیت در استقرار جامعه اسلامی را جهاد علی‌ه دشمنان اسلام می‌دانست و به یکی از رهبران برجسته جهاد تبدیل شد و بی‌ست و چهارم نوامبر ۱۹۸۹ به همراه پسرش و در راه رفتن به نماز جمعه در پی‌شاور پاکستان ترور شد<sup>۱</sup> و دلایل جهاد را در شانزده بند ذکر کرده است.<sup>۲</sup>

۱. جلوگیری از تسلط کافران؛ ۲. کمبود مسلمانان که جان خود را در راه اسلام فدا می‌کنند؛ ۳. ترس از آتش جهنم؛ ۴. عمل به فریضه جهاد و پاسخ به دعوت خداوند؛ ۵. ادامه دادن راه سلف صالح؛ ۶. استقرار جامعه ای اسلامی؛ ۷. محافظت از مستضعفین روی زمین؛ ۸. شهید شدن و کسب مقامی والا در بهشت؛ ۹. جهاد سپری در مقابل امت است و از بی‌حرمت شدن آنها جلوگیری می‌کند؛ ۱۰. حفاظت از عزت امت و نقش بر آب کردن توطئه های دشمن؛ ۱۱. حفاظت از سرزمین اسلام و جلوگیری از فاسد شدن آن؛ ۱۲. ای‌جاده امتی برای امکان های مقدس مسلمانان؛ ۱۳. حفاظت از امت در مقابل شکنجه و آوارگی؛ ۱۴. سعادت امت و افزایش ثروت آنها؛ ۱۵. جهاد اوج همه چیز در اسلام است؛ ۱۶. جهاد بهترین شکل عبادت در دین اسلام است و مسلمانان به وسیله آن می‌توانند به بالاترین درجات برسند. عبدالله اعظم به دو نوع جهاد اشاره می‌کند یکی جهاد ابتدایی؛ زمانی است که دشمن از سرزمین خود دست به حمله می‌برد که بر مسلمانان واجب کفایی است در این جهاد شرکت کنند و وظیفه اصلی متوجه امام مسلمین است که ارتش تدارک بیند و به جنگ آنها بفرستد و آنها را مجبور به پرداخت جزیه کند، در غیر این صورت امام مرتکب گناه شده است. دوم جهاد دفاعی؛ زمانی که دشمن به سرزمین های اسلامی هجوم آورده باشد در این صورت بر همه مسلمانان واجب عینی است که در جهاد شرکت کنند برای این نوع از جهاد این شرایط الزامی است: اول این‌که، کفار وارد سرزمین اسلام شده

---

۱- شیخ احمد، پیشین صص ۱۱۶-۱۱۷.

۲- همان.

باشند؛ دوم؛ اگر خطوط نیروها در میدان نبرد رو در روی یکدیگر قرار گرفته و به همدیگر نزدیکی شوند؛ سوم، زمانی که امام از امت دعوت کند آنها باید به فتوای وی پاسخ داده و اطاعت کنند؛ چهارم: اگر کفار گروهی از مسلمانان را دستگیر و زندانی کنند.<sup>۱</sup>

به گفته میشل پولی و خالد دوران، عبد الله اعظم، در اصل جزء بنیان گذاران جنبش اسلامی فلسطینی بود، قصد داشت در افغانستان پایگاهی برای جهاد در کشورهای دیگر بنا کند او پس از حمله نیروهای روس در سال ۱۹۷۹ م به افغانستان، به کشورهای مختلف سفر کرد تا نیروهای جوانی برای جهاد در افغانستان جمع آوری کند گفته شده او معتاد به جهاد بود زیرا در موعظه ای که کمی قبل از مرگش ایراد کرده بود ادعا می کرد که دیگر نمی تواند بدون جهاد زندگی کند او استاد اسامه بن لادن بود ای دئولوژی جدی جهاد گرای را او به بن لادن تعلیم داد و به لحاظ اسلامی به آن هویت بخشید البته بن لادن خیلی زود به لحاظ سیاسی اهدافش را از استاد خود بالاتر و دورتر برد و تصمیم او فتح کردن تمام جهان است<sup>۲</sup>

#### ۳-۱-۴. اسامه بن لادن:

اسامه یگانه فرزندی بود که از زنی هم طائفه پدرش در سال ۱۹۵۳ م مطابق ۱۳۳۲ ه.ش، در یکی از حرمسراهای محمد بن لادن، ابر ثروتمند عرب، در شهر مکه مکرمه دیده به جهان گشود. اسامه دوره آموزش ابتدایی خود را از شش سالگی در سال ۱۹۵۸ م در شهر مکه آغاز و دوره متوسط را در سال ۱۹۶۹ به انجام رسانید. آن گاه از مکه به شهر تجاری و بندری جده انتقال یافت و وارد دانشگاه عبدالعزیز گردید. تحصیلات عالی را در رشته مدیریت اقتصاد در سال ۱۹۷۲ به پایان رساند. اسامه مالک یک شرکت ساختمانی و یک شرکت بزرگ ترانسپورت نیز می باشد و اورنگزیب لاهوری، در کتابش می نویسد: اسامه سه همسر دارد که دو تای آنها عرب تبار و سومی دختری کی از سرمای داران فیلمی پی نی

۱- همان، ص ۱۱۸.

۲- میشل پولی، خالد دوران، بن لادن کیست؟ ترجمه مهشید میر معزی، تهران: روزنه ۱۳۸۰، ص ۳۷.

بوده و هر سه همسرش فعلاً با او یکی‌جا در افغانستان به سر می‌برند.<sup>۱</sup>

اسامه‌ی یک اشرف زادهٔ پرآوازه، جنگ‌دی‌ده، نترس، ماجراجو، شهرت طلب و دارای نفوذ فراوان در بین سرمایه‌داران و جوانان عرب و حتی ناراضیان خانوادهٔ سلطنتی آل سعود است. فعالیت‌های نظامی و آموزشی اسامه هم برای آمریکایکا و هم برای عربستان سعودی به عنوان زنگ خطری جدی تلقی گردید، بخاطر ممنوع‌الخروج قرار گرفتن فرزندان از عربستان، نسبت به آمریکایکا و شاه فهد شدیدأ عقده‌ای شده است.

حمله به نیروهای آمریکایی در پای‌گاه "الخیبر" طهران در ریاض را هدف یکی جنگ مقدس و جهاد خواند و تأکید داشت سربازان آمریکایی باید خاک عربستان سعودی را ترک کنند چون آنها مسلمان نیستند و همچنین هشدار می‌دهد تا «وقتی که آمریکایکا نیروهای نظامی اش را از خاک عربستان سعودی بیرون نکند وی در خارج از آمریکایکا، هر نوع ساختمان و سفارت‌های آمریکایی را توسط بمب تخریب خواهد کرد» می‌گویی: طبق دستور آمریکایکا چهارفرزندم در عربستان سعودی تحت نظر قرار گرفته‌اند، وقتی به پسر سه ساله ام اجازه سفر به خارج نمی‌دهند، چطور ممکن است من در برابر فهد و آمریکایکا خاموش بمانم؟<sup>۲</sup> در حالی که این اظهارات حکایت از عقده‌های شخصی اسامه بن لادن دارد او با دادن وعده‌های کاذب «رفتن به بهشت موعود» عده‌ای ناآگاه را به قربانگاه می‌فرستد و به خود کشی و عملیات انتحاری وادار می‌سازد. او با آمریکایکا و فهد مخالف است اما گروگان گرفتن مردم بی‌گناه سرنشینان هواپیماهای مسافربری و کشتن آنها با کدام اصول، آیین و مسلک قابل توجیه است؟<sup>۳</sup>

آنچه که قابل توجه است ای‌دئولوژی جهانی کردن ترور توسط بن لادن است به احتمال قریب به یقین ضد غربی بودن بن لادن حتی بدون مستقر شدن نیروهای نظامی آمریکایکا در عربستان هم شکل می‌گرفت. چرا که طرز فکر او فقط ادامه راه بسیاری از اسلام

۱- عبدالقیوم فدوی، اسامه بن لادن و ماجراها، کابل: مفاخر، ۱۳۸۱ صص ۱۷-۱۸.

۲- همان صص ۴۱-۵۰.

۳- همان ص ۵۱.

گرایان پیش از او از جمله سید قطب است که همی‌شبه آمریکای را لعن و نفرین می‌کرد.<sup>۱</sup> دو اعلامیه از بن لادن وجود دارد که در این اعلامیه‌ها سعی در مقدس نشان دادن ترور و انتحار دارد اولین اعلامیه در ۲۶ آگوست ۱۹۹۶م و تحت عنوان «اعلامیه جهادی علی‌ه آمریکای که دو سرزمین و مکان مقدس را اشغال کرده است» صادر شد و رژیم عربستان هم به دو دلیل مشروعیت خود را از دست داده است اول اینکه شریعت اسلامی را کنار گذاشته است و دوم اینکه به نیروهای خارجی اجازه داده تا کشور را اشغال کنند<sup>۲</sup> و اعلامیه دوم در ۲۳ فوریه ۱۹۹۸ و تحت عنوان «جبهه جهانی اسلامی برای جهاد علی‌ه یهودیان و نصرانیان» صادر شد. در این اعلامیه جرائم آمریکای را اینچنین بی‌ان می‌کند:

سالیان متمادی ایالات متحده مقدس‌ترین سرزمین‌های اسلام یعنی شبه جزیره عربستان را اشغال کرده است و ثروت این سرزمین را به یغما برده است، حاکمانش را کنترل کرده و مردمانش را تحقیر می‌کند؛

آمریکای تحریم علی‌ه مردم عراق را تحمیل کرده است که در نتیجه آن، بالغ بر یک میلیون نفر کشته شده اند؛

هدف اصلی آمریکای حمایت از دولت یهودی و منحرف کردن افکار عمومی از اشغال اورشلیم و قتل عام مسلمانان آنجاست. بنابراین تنها پاسخ مناسبی که مسلمانان می‌توانند به این خیانت بدهند، جهاد دفاعی می‌باشد. که واجب عینی بوده و وظیفه تک تک مسلمانان می‌باشد<sup>۳</sup> به این صورت اسامه بن لادن همانند ابن تیمیه بر جهاد تأکید می‌کنند و نیز همانند سید قطب با تأکید بر مبارزه و جهاد با آمریکای بسیاری از آنها جلوتر رفته و با رادیو کالیسم افراطی تر خود بجای دشمنان اسلام افراد بی‌گناه را هدف قرار می‌دهد.

---

۱- میشل پولی، پیشین، ص ۵۹.

۲- شیخ احمد، پیشین، ص ۱۲۱.

۳- همان صص ۱۲۱-۱۲۲.

## ۵-۱-۳. ایمن ظواهری:

ایمن ظواهری ۱۹ ژوئن سال ۱۹۵۱ در مصر بدنیا آمد او فارغ التحصیل رشته پزشکی از مصر است عضو گروه حرکت جهاد اسلامی مصر در آمد و همچنین نفر دوم سازمان القاعده است او پس از ترور سادات به عنوان سخنگوی زندانیان جهاد اسلامی مصر انتخاب شد<sup>۱</sup> ایمن ظواهری در سال ۱۹۹۳ به ریاست الجهاد رسید و با آشنایی با بن لادن بنیانگذار سازمان القاعده در سال ۱۹۹۸م الجهاد را با القاعده ادغام کرد، و رادی کالیسم قوت مضاعف یافت از این پس بن لادن به عنوان شخص اول و ظواهری به عنوان شخص دوم این تشکیلات، رهبری رادی کالیسم را در جهان اسلام به دست گرفته و هنوز به فعالیت خود ادامه می دهند<sup>۲</sup>

ایمن ظواهری در مصاحبه ای با یک روزنامه نگار گرد می گوید: پلیس و سپاه عراق مرتد هستند و در کشتن آنها شکی نیست و ای‌نگونه می پنداریم هر کس به آمریکای کمک کند خونس بر مسلمانان حلال است او در این مصاحبه با ابراز خوشحالی بخاطر جنگ با آمریکای می گوید: آمریکای و عراق از دست مجاهدان کمرشان شکسته آنها ضررهای خود را آشکار نمی نمایند ما چه در آمریکای و چه در خارج از آن تا آخرین مجاهد روبروی او خواهیم ایستاد و درباره روی داد ۱۱ سپتامبر می گوید: آن کار، شکستن پشت آمریکای صلیبی بود و به گونه ای آمریکای را سرگردان کرده است که سپاه خود را در جهان پخش کرده برای کنترل کردن آنچه آنرا القاعده می نامند چون القاعده برای جهاد اسلامی به یکی از اصول تبدیلی شده است. ظواهری معتقد است که باید جهاد را به سطح جهانی کشیده و در جبهه های مختلف و به ویژه علی‌ه ایالات متحده و متحدانش یعنی اسرائیل و رژیم های سکولار خاورمیانه درگیر شد<sup>۳</sup> و همچنین گفته شده اولین کسی که بن لادن را ترغیب کرد تا بجای اقدامات انقلابی در کشورهای اسلامی حملات خود را

2. <http://www.Hamshaharionline.ir/news-75206.aspx> .1389/5/8

۲- میراحمدی، پیشین ص ۱۸۲.

۳- جامعه اهل سنت غرب ۱۳۸۹/۵/۱۰

[Http://www.Blogsky.Com/1387/04/02/post-172/](http://www.Blogsky.Com/1387/04/02/post-172/)

متوجه ایالات متحده کند او بوده است. ظواهری با اعتقاد به اینکه مبارزه جهانی شده است و ظایفی را برای جنبش های اسلامی ذکر می کند که عبارتند از:

«۱. ثابت قدم بودن در اصول اعتقادی؛ ۲. نزدیکی بی شتر به توده ها؛ ۳. وفاداری نسبت به آرمان استقرار دولت اسلامی در کل جهان اسلام؛ ۴. انتخاب استراتژی های مختلف در مراحل گوناگون نبرد؛ ۵. از دست ندادن امید؛ ۶. نبرد جنبش اسلامی و پیش آهنگ های جهادی با دشمنان اصلی خود یعنی ایالات متحده، روسیه و اسرائیل؛ ۷. کشاندن مبارزه با اتحاد یهودی - نصرانی به کل جهان؛ ۸. اتحاد در مقابل دشمن واحد؛ ۹. تجدید سازمان و حمایت از کشورهای در حال مبارزه؛ ۱۰. تغییری در روش های جهاد.»<sup>۱</sup>

## ۲-۳. زمینه های عینی

### ۱-۲-۳. استعمار:

گذشته از حمایت غربی ها از صهیونیسم، عامل دیگری که برخی از گروه ها در کشورهای اسلامی را به واکنش علیه غرب وادار نمود مسئله استعمار بوده است وقتی مسلم شد که دولتهای غربی همگی در تاراج شرق همداستان هستند و لافری نهایی آزادی خواهانه آنها جلوه ای از نیرنگ استعماری است آثار تردید مسلمانان و کشورهای عربی در ارزش و تمدن غرب پیدا شد و این گمان، کم کم نیرو گرفت که ادب و فلسفه و هنر و مد غرب چه بسا دستاویزهای غرب برای تحکیم سلطه سیاسی خویش است و هجوم استعمار غرب را بر جهان اسلامی شکل تازه ای از جنگهای صلیبی می دیدند. به نظر آنها غرب آنگاه توانست بر سرزمین های اسلامی فرمانروا شود که نخست با گسترش فرهنگ خویش در میان مسلمانان، در مبانی ایمان دینی و سنن دیرین آنان رخنه انداخت و به همین دلیل، نخستین شرط پیروزی مسلمانان در پی کار با استعمار نیز، طرد فرهنگ غربی است و این مسأله را اندیشمندان اسلامی از جمله سید قطب که شرح آن گذشت، مطرح کرده اند که نسخه نظام سرمایه داری و کمونیست مناسب کشورهای اسلامی نیست.<sup>۲</sup>

۱- شیخ احمد، پیشین، صفحات ۷۰-۷۳

۲- حمید عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، چاپ سوم، تهران: سپهر، ۱۳۶۳ صص ۲۴۴-۲۴۳.

حضور استعمار غرب در کشورهای منطقه، در طول بی‌ش از دو سده، وابستگی حاکمان این کشورها به دول استعماری را در پی داشت که در حقیقت بی‌انگرم نبود عدالت، آزادی و دموکراسی در این جوامع بود. این پدیده همچنین موجب سرشکستگی و از بین رفتن عزت امت مسلمان شد و افزایش نارضای تی ها و فراهم کردن زمینه برای ظهور اسلام گرای رادی کالیسم را در پی داشت از عوامل بسیاری عمده ای که بی‌شتر نوی‌سندگان در ظهور و تداوم جنبشهای اسلامی معاصر نام می برند، شکست الگوها و ای‌دئولوژی های متعلق به تمدن غرب مانند لیبرالیسم، سوسیالیسم و کمونیسم در جوامع اسلامی است. لیبرالیسم با غرب کنار آمد و با تشدید استعمار به یاری آن شتافت؛ نتیجه سوسیالیسم عربی چیزی جز اشغال بخش های بی‌شتری از سرزمین اسلامی به وسیله اسرائیل و کشورهای غربی نبود و موجب شکل گیری طبقه ممتاز جدید و افزایش زندانیان سیاسی و اسلام گرا شد که به نوبه خود حاکمیت فساد و محدودیت آزادی‌های مدنی را در پی داشت. به این ترتیب جماعت های اسلامی به عنوان جای‌گزین احتمالی نظامهای حکومتی سابق مطرح شدند<sup>۱</sup>

راهی را که کشورهای اسلامی برای توسعه و پیشرفت در پیش دارند راهی بس دشوار، پر مشقت و پی‌چیده است. اقتصاد آنها تحت سلطه قدرتهای صنعتی است. لنین معتقد است که «سرمایه مالی به اندازه ای پر قدرت است و شاید بتوان گفت آن چنان نیرویی تعیین کننده ای در تمام روابط اقتصادی و بین المللی است که قادر است حتی دولت‌هایی که از استقلال سیاسی کامل بهره مند هستند را نیز به خود وابسته کنند و در واقع همین کار را هم می کند»<sup>۲</sup>. در کشورهایی که دولت مردمی قدرت را بدست می گرفت و حاضر به همکاری با غربی ها نمی شد، خطر از هر طرف همه را تهدید می کرد<sup>۳</sup>

تحمیل شرایط جنگ و صلح به کشورها سابقه دیرینه دارد قدرتهای بزرگ با در

۱- اسماعیلی، پیشین، صص ۴۰-۴۴.

۲- جک وودیس، مقدمه ای بر استعمار نو، ترجمه سعید روحانی، تهران: پیروز، ۱۳۵۹ صص ۴۸-۱۴۰.

۳- همان ص ۱۴۱.

اختیار داشتن «نیروهای واکنش سریع»، «استقرار موشکهای جدید با چند کلاهک هسته ای» و با کاربردهای مختلف و تکنیکهای بسیاری پیشرفته ای از قدرت تخریب و غافلگیری و کنترل نظامی جهان، از طریق تسلط بر تکنولوژی پیچیده جنگی، قادرند کشوری را به اشغال نظامی خود در آورند، چاههای نفت، معادن، پالایشگاهها و کارخانجات عمده، راههای آبی و نقاط استراتژیک جهان را در زمانی کوتاه تصرف کنند<sup>۱</sup> بنابراین همین کشورهای قدرتمند برای دستیابی به منافع خود و تسلط بیشتر به منابع کشورهای اسلامی با چراغ سبز و یا سکوت خود شاهد حمله نظامی دولتی زیاده خواه مثل رژیم بعثی عراق به جمهوری اسلامی ایران و بعد از آن حمله به کویت باشند در حالی که می توانستند با تذکر جدی به صدام حسین رئیس جمهور عراق از پیش آمدن چنین وقایعی جلوگیری کنند اما چنین نشد تا حضور خود را به منطقه حساس خاورمیانه و دست رسی بیشتر خود را بر منابع و ذخائر کشورهای اسلامی فراهم کنند طبیعتاً چنین مسأله ای زمینه نگرش منفی مسلمانان را در پی خواهد داشت برخی گروه های افراطی نسبت به حضور آمریکا در کشورهای اسلامی واکنش نشان داده اند. بیانی به دوم بن لادن که شرح آن گذشت گویای این مسأله است.

## ۲-۳-۲ اهداف کشورها از حمایت شبکه های انتحاری

### ۱-۲-۲-۳ آمریکا:

حمایت مالی و نظامی ایالات متحده در سازماندهی تشکیلات القاعده در مقابل حمله نظامی اتحاد جماهیر شوروی سابق به افغانستان بخاطر انتقام از شوروی بابت جنگ ویتنام با ارسال موشک های ضد هوایی استیونگر به بن لادن و کمک های مالی آمریکا از طریق بانک بین المللی سرمایه در افغانستان بر عهده داشت و هدف دوم آمریکا از کمک به القاعده محدود سازی ایران و ایذولوژی انقلاب اسلامی است که با یاری رساندن به جنبش های رادی کالیسم ضد شیعی مانند القاعده بود و هدف دیگر واشنگتن از حمایت القاعده؛ دور کردن کانون بحران خاورمیانه از منطقه فلسطین و معرفی افغانستان به عنوان

۱- رضا آیرملو، *استراتژی/استعمار نو*، تهران: سپهر، ۱۳۶۶، صص ۵۴-۵۵.

کانون جدید توجه بود<sup>۱</sup>

۳-۲-۲-۲. پاکستان:

اهداف پاکستان از حمایت از القاعده و طالبان؛ پاکستان برای حل اختلافات مرزی با افغانستان که پشتونستان براساس معاهده دی‌وراند تحت فشار انگلیسی‌ها به دولت پاکستان واگذار شد و همواره مورد ادعای ارضی دولت‌های افغانستان قرار داشته است پاکستان در صدد بود با روی کار آمدن یک دولت اسلام‌گرای سنی و مذهبی در افغانستان، مسأله پشتونستان را از اذهان دور سازد که این سیاست بعدها با حمایت از طالبان پی‌گیری شد، هدف دی‌گر پاکستان، منافع اقتصادی و ترانزیت کالا و انرژی، رقابت با هند، مقابله با نفوذ ایران و همسویی با غرب به ویژه آمریکای و توسعه رادی‌کالیسم سلفی با تشکیل و تأسیس مدارس مذهبی و حمایت از آنهاست<sup>۲</sup>.

۳-۲-۲-۳. عربستان:

اهداف عربستان سعودی، مقابله با نفوذ سیاسی مذهبی ایران، تلاش برای تحکیم مرکزی‌ت عربستان بعنوان داعیه دار خلافت اسلامی و مرکزی‌ت جهان اسلام که در این راستا عربستان تلاش داشت با امدادهای مالی و آموزش مذهبی، در کنار رای‌زنی با مقامات آمریکایی برای خرید سلاح‌های مورد نیاز القاعده، نقش مهمی در این ائتلاف ایفا کند بنابراین عربستان با این کار بحران را نیز از داخل به خارج هدایت نمود تا از در دسر احتمالی بن لادن و القاعده در امان بماند<sup>۳</sup> عربستان سعودی بودجه‌ای برای شبکه‌های تروریستی ندارد ولی ۴۰۰۰ شاهزاده‌ای که کشور را اداره می‌کنند، از جنبش‌های اسلام‌گرا حمایت مالی می‌کنند، عربستان یک شبکه بانکی در وهله اول با هدف تأمین مالی توسعه کشورهای نوپا تأسیس کرده است، شرط این کمک‌ها این است که کشور

۱- حمید رضا اسماعیلی، *القاعده: از پندار تا پدیدار*، تهران اندیشه سازان نور ۱۳۸۶ صص ۵۸-۵۹.

۲- همان ص ۶۰.

۳- همان ص ۶۱.

برخوردار برای اشاعه کیش حنبلی از شعبه های مذهب سنی مانعی ایجاد نکند.<sup>۱</sup>

برخی معتقدند عربستان سعودی علاوه بر حمایت از بنیادگرایان اسلامی، کشورهای غربی را از وارد شدن در جنگ علی‌به‌بنیادگرایان تحت حمایت خودش، بر حذر می‌داشت و اینکه گفته می‌شود اسامه بن لادن مخلوق سازمان سی‌ا بوده است تنها به این دلیل که ایالات متحده امریکا در برهه ای از زمان و به طور غیر مستقیم از مجاهدین افغانی در جنگ علی‌به‌شوروی سابق در دهه ۱۹۸۰ از لحاظ مالی و تسلیحاتی حمایت کرده است اما حمایت عربستان سعودی از بنیادگرایی اسلامی حاکی از عزمی راسخ و اتخاذ سیاستی روشن و قاطع در اعتلای جهانی اسلام است. در پرتو این مسأله می‌توان گفت اسامه بن لادن، قبل از هر چیزی، محصول مشترک وهابیت و پادشاهی سعودی است که هر دوی آنها در وجود آن، عناصر همگرایی را یافته‌اند که از دی‌رباز مایه اتحادشان بوده است و امتناع عربستان سعودی از دادن مجوز به ارتش امریکا برای استفاده از خاکش برای حمله به افغانستان بی‌انگرمدارای متقابلی است که می‌ان عربستان سعودی و اسامه بن لادن وجود دارد. هر جا صحبت از تروریسم دولتی است، نام کشورهای مثل لیبی و ایران را به زبان می‌آورند ولی عربستان سعودی را هرگز در این فهرست منظور نکرده‌اند به این دلیل که امریکا نمی‌تواند از نفت عربستان سعودی چشم‌پوشی کند.<sup>۲</sup> به هر صورت حمایت کشورهای یاد شده از گروه‌ها و شبکه‌های انتحاری موجب تقویت آنها شده و این حمایت‌ها تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز عملیات انتحاری محسوب شده‌اند.

#### ۴. مصادیق عملیات انتحاری

##### ۴-۱. طالبان:

جنبش طالبان عمدتاً جنبشی است تشکیلی یافته از علما و طلاب مدارس دینی افغانی که در پاکستان تحصیل کرده‌اند نسل جدید این مهاجرین که در ورودگاهها و ی-

۱- ژان شارل بریزار، بن لادن؛ حقیقت ممنوع، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: آگاه ۱۳۸۱ ص ۸۷.

۲- همان صص ۱۰۱-۱۰۲.

شهرهای پاکستان نشو و نما یافته بودند به راحتی جذب مدارس دینی موجود در این کشور گردیده و در آنجا مشغول فراگیری علوم دینی گردیدند یکی از دلایل گرایش آنها به این مدارس این بود که، مدارس و دانشگاه های دولتی افغانستان به دلیل گرایشهای فکری و انحرافی خاطره ناخوشایندی در میان شهروندان این کشور از خود به یادگار گذاشته بود؛ خصوصاً پس از تسلط چپ بر افغانستان مدارس دولتی، نمادی از اندیشه های چپی و ضد دینی شناخته می شد از طرف دی‌گر در صفوف مجاهدین و مبارزین حضور گسترده و بسیاری فعال علما و طلاب جوان در دفاع از دین و وطن نقش پی‌شاهنگی قیام و مبارزه را نیز دارا بودند. بنابراین اولین آموزه های دینی طالبان در مدارس پاکستان صورت گرفت که طالبان تحت تأثیر مواد آموزشی آنها واقع شد. مدارس دینی و علما و روحانیون مذهبی در پاکستان دو گروه عمده بودند؛ گروه «دی‌وبندی» و گروه «بریلوی» این دو گروه نماینده دو نوع تفکر کلامی و فقهی در چارچوب فقه حنفی است که دی‌وبندیها از نظر اعتقادی شباهت کلی به وهابیت پیدا کرده اند، آنها مانند وهابیت در برابر سایر فرقه های اسلامی حساسیت زیادی نشان می دهند و از توحید و شرک، تفسیر ویژه ای ارائه می دهند، طالبان تحت تأثیر این گروه محسوب می شود<sup>۱</sup>

خشونت طلبی یکی از خصوصیات بارز جنبش طالبان است که از شاخصه های عملیات انتحاری محسوب می شود. تعبیر طالبان از اسلام، جهاد و تغیریات اجتماعی در افغانستان امری غیر عادی و غریب است چرا که ظهور این جنبش به هیچکدام از گروههای عمده اسلام گرا که در سراسر دوران جنگهای ضد شوروی سر برآوردند، شباهت ندارد. انحطاط و زوال مشروعیت سایر گرایشها در جریان کشمکش بر سر قدرت یک خلاء ای‌دئولوژیکی بوجود آورد که زمینه ظهور طالبان را فراهم نمود طالبان در افغانستان منحصر به فرد هستند آنها جز برداشت خاص خود از اسلام هیچ نوع تفسیر دی‌گر را قبول ندارند<sup>۲</sup>

---

۱- محمد اکرم عارفی، مبانی مذهبی و قومی طالبان، *مجله علوم سیاسی*، شماره ۴، بهار ۱۳۷۸

HAWZAH. NET 1389/5/10

۲- احمد رشید، *طالبان، اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید*، ترجمه اسدالله نشایی و صادق باقری، تهران: دانش

برخی بر این باورند که تمام تاریخ افغانستان تاریخ جنگ و خشونت است و پشتونها را عامل بدبختی افغانستان و منطقه می‌شمارند و پشتونها هیچگاه در، تاریخ موجودیت شان با هم در صلح زندگی نکرده‌اند و اکثریت پشتونها حتی نخبگان آموزش دیده آنها در غرب به فرهنگ جنگ سالاری و خشونت قبایل پشتون افتخار می‌کنند و از آن برای بدست آوردن امتیازات سیاسی، قومی و مالی استفاده می‌کنند و برخی‌ها مثل پرویز مشرف در پاکستان، انگیزه ترور طالبان را در نارضایتی پشتونها از ناکافی بودن قدرت آنها در دولت کابل عنوان می‌کند عده دیگری آنها را در بحران پشتونولی در نتیجه افراطیت مذهبی طالبانیسم جستجو می‌کنند اما باید دریچه‌های تراژدی سه قرن اخیر افغانستان را در فرهنگ خشونت قبایل پشتون و وابستگی آنها به بازیگران منطقه ای و جهانی جستجو کرد.<sup>۱</sup>

با سقوط حکومت نجیب‌الله، دست‌نشانده روس در افغانستان، حاکمیت پشتونیسم نیز به پایان رسید و قدرت برای اولین بار بدست مردم غیر پشتون که نقش اساسی در سقوط شوروی سابق بازی نمود نرسید. اما پشتونیسم در چهره طالبان دوباره ظهور نمود و در نتیجه افغانستان را به سرزمین ترور و تریاک، تمدن ستیز در جهان معروف ساخت. عکسی بر روی مجله تایم از عایشه، زن خجالتی و ۱۸ ساله ای است که ازدواج ناموفق در سنین کودکی داشته و توسط خانواده همسرش آزار می‌دی‌ده و بخاطر فرار از خانواده همسرش دادگاه طالبان رأی به بریدن بینی و گوش او در قبال گناهش داده و این‌حد را شوهرش در مورد او جاری می‌کند.<sup>۲</sup> اکنون این سؤال پیش می‌آید چرا طالبان با این قساوت و خشونت که دارد بر افغانستان مسلط شد و این چنین رشد پیدا کرد؟ همانطور که گذشت مسأله قومیت در این رابطه مهم به نظر می‌رسد حاکمیت سیاسی افغانستان در اعصار و قرون متمادی در دست قوم پشتون بوده است و بافت جمعیتی و قومی طالبان

---

هستی ۱۳۷۹ صص ۱۴۳-۱۴۴.

۱- ن.م آرمانیور، بدبختی افغانستان را باید در وابستگی پشتونیسم به استعمار جستجو نمود، اسفند ۱۳۸۸.

[Http://www.Jawedan.Com](http://www.Jawedan.Com)

۲- همان.

یکی از مهمترین امکانات و موفقیت‌ها را در اختیار این جنبش گذاشت احزاب جهادی پشتون (حزب اسلامی حکمت‌یار و خالص، اتحاد اسلامی سیاف، یحاذ ملی گیلانی، نجات ملی مجددی و...) که خواهان حاکمیت بلا منازع پشتون و یا حداقل حاکمیت مؤثر پشتون بودند نه تنها به مقابله با طالبان پرداختند بلکه تمامی افراد و امکانات خود را در اختیار طالبان گذاشتند و مسأله دی‌گر نظم و امنیت بود که در مدت قریب به دو سال عمر دولت مجاهدین که جنگ قدرت شی‌رازه جامعه را از هم فرو پاشاند و نظم و امنیت از بین رفت و طالبان با داعیه برقراری صلح و امنیت در کشور ظهور نمود و مردم افغانستان نیز استقبال کردند. اما به لحاظ خارجی، حمایت‌های مالی، نظامی و سیاسی دولتهای مثل عربستان سعودی، پاکستان و ایالات متحده امریکا را نباید از نظر دور داشت.

دلارهای نفتی عربستان و حمایت‌های مالی و کمک‌های استراتژیک و اطلاعاتی پاکستان نقش جدی در رشد و گسترش این جنبش داشته است<sup>۱</sup> سازمان ملل و آمریکا که جنگ داخلی افغانستان را از دور به تماشا نشسته بودند بطور غیر مستقیم سیاست ادامه جنگ را دنبال می‌کردند چرا که ادامه جنگ به مفهوم بی‌اعتباری بی‌ش از پیش اسلام‌گرایی بود که پس از خروج ارتش سرخ به سطح الگوی مبارزاتی اسلام‌گرایان در جهان اسلام ارتقا یافته بود. خشونت در تطبیق شریعت، دفاع سنتی از سنت و دین از مهمترین ویژگی‌های بنیادگرایی دینی است که در رفتار طالبان قابل ردیابی است بازگشت به سیره سلف صالح و خلفای راشدین در اداره زندگی سیاسی جامعه اسلامی و ضدیت آشکار با اندیشه شیعی طالبانیسم را با حلقه‌های وهابی عربستان سعودی پیوند می‌دهد<sup>۲</sup> اعمال خشونت اجتماعی در راستای تطبیق اهداف و اجرای تفکر دینی طالبان، پدیده‌ای است که در تمام حوزه‌های اجتماعی جریان دارد. طالبان برای تثبیت حاکمیت

۱- طالبان: دین و حکومت، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱، ۱۳۸۸/۸/۱۹

<http://www.Hawzah.net/Howzah/Articles.aspx?language=I&id=83391&searchText=طالبان>

۲- سید عبدالقیوم سجادی، *گفتمان جهانی شدن و اسلام سیاسی در افغانستان پس طالبان*، قم: انتشارات دانشگاه مفید ۱۳۸۸ صص ۳۲۲-۳۲۸.

سیاست‌هایش از خشونت به عنوان ابزار اصلی حکومت، بهره‌برداری می‌کند هر چند این خشونت نسبت به تمامی حوزه‌ها و اقشار مختلف جامعه تعمیق دارد اما بنابر دلایل شکاف عمیق مذهبی میان آنها و شیعیان، اعمال خشونت در مورد شیعیان افغانستان شکل خشن‌تری به خود می‌گیرد. عدم انعطاف مذهبی طالبان آنان را در مخاصمات جدی با شیعیان افغانستان و سایر شیعیان بویژه جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد. موضعگیری تند و خصمانه آنان در برابر ایران و به اسارت گرفتن دیپلماتها، خبرنگار و امداد رسانان ایرانی علی‌رغم آیین‌نامه‌های بین‌المللی و صیانت دیپلماتیک انجام شد این اقدام طالبان در ۱۷ مرداد ۱۳۷۷ با حمله به سر کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در شهر مزار شریف هشت دیپلمات و یک خبرنگار ایران را مظلومانه به شهادت رساندند<sup>۱</sup>

بنیادگرایی افراطی از نوع وهابی با توسل به حربه تکفیر به مبارزه با تمامی مذاهب و فرق اسلامی غیر از خود رفته و بجز خویشتن سایر گروهها را یکسره باطل حتی کافر می‌پندارد. طالبان پس از تصرف مزار شریف در مرداد ۱۳۷۷ دستور قتل عام وسیع شیعیان را صادر کرده و نظامیان آن، گروه گروه شیعیان را به عنوان رافضی و کافر به خاک و خون کشیدند آنها از وجوب جهاد علی‌ه رافضی‌های کافر و ازبکهای ملحد سخن به زبان آورده و کشته شدن در مقابل جبهه متحد افغانستان را شهادت در راه خدا می‌دانستند دشمنی طالبان با ایران ریشه در همین باور نادرست آنها دارد. چنانکه هم‌فکران آنها، دیوبندی‌ها در پاکستان هم چنین تصویری نسبت به شیعه دارند. حق‌مداری و روشهای ستیزه‌جویانه علی‌ه افکار و جناحهای دیگر، تصویری کاملاً خشن و انعطاف‌ناپذیر از طالبان ارائه داده است معمولاً در نظامهای تحت اراده بنیادگرایی افراطی، بدی‌هی‌ترین حقوق عمومی مردم در زمینه‌های سیاسی و فرهنگی نادیده گرفته می‌شود جنبش طالبان به عنوان یک جنبش برخاسته از جامعه پشتون افغانستان آن هم از دل مردمان روستایی و

---

۱- علی خسرو شیری، *شهادت دیپلمات‌های ایرانی در افغانستان*، ۲۳ مرداد ۱۳۸۷، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

غیر شهری که دارای تعلقات سنتی و قبیله‌ای شدیدی‌تری هستند نمی‌تواند از تأثیر پذیری فرهنگی قبیله‌ای به دور باشد مثلاً مدل نظام خلافت در تفکر سیاسی طالبان اگر چه یک مدل اسلامی است اما انتخاب آن به عنوان تنها مدل حکومت مشروع از میان سایر مدل‌های موجود در جهان اسلام و دنیای جدید انگیزه‌های دیگری می‌تواند داشته باشد چه اینکه یک فرد مطلق‌العنان در رأس یک نظام حکومتی که هیچ نقشی به سایر افراد ملت ندهد، با مدل نظام ریاستی قبیله‌ای مرسوم در جوامع روستایی پشتون‌ها شباهت بیشتری دارد و خشونت و انعطاف‌ناپذیری دو ویژگی دیگر طالبان است<sup>۱</sup>

حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر سبب شد تا امریکا و ناتو به بهانه مبارزه با تروریسم به افغانستان حمله کنند این حمله به تسلط طالبان در افغانستان پایان داد اما نتوانسته است عامل ناامنی و اقدامهای انتحاری را که متوجه طالبان بوده است از بین ببرد بلکه سران طالبان با حضور در مناطق مختلف افغانستان و اعلام موجودیت در استانهای این کشور حضور امریکا و ناتو را عملاً در مقابل سؤال جدی قرار داده‌اند و مشکل ناامنی حل نشده باقی است گسترش فعالیت شورشیان و همکاری نکردن مردم با دولت در برخی مناطق باعث افزایش فعالیتهای تروریستی از سوی شورشیان به صورت حملات انتحاری، انفجار بمب و مین‌گذاری، انجام می‌شود، تلفات سنگین به مردم غیر نظامی و نیروهای دولتی و خارجی وارد می‌شود<sup>۲</sup>

بنابراین تحلیل‌های صورت گرفته در سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی غرب، خطرناک‌ترین شاخه طالبان گروهی است که مسئولیت عملیات انتحاری به عهده می‌گیرد اعضای این گروه به هیچ وجه در سایر اقدامات نظامی استفاده نمی‌شوند آنها فقط برای عملیات انتحاری آموزش می‌بینند که بزرگترین سربازان نیروهای ائتلاف در افغانستان محسوب می‌شود<sup>۳</sup>

---

۱ - اکرمی، پیشین.

۲ - روزنامه قدس، دو ابر قدرت در یک باتلاق، سه شنبه ۱۳۸۷/۷/۳۰. <http://www.tebyan.Net>

۳- سرویس خبر رسانی آریانا نت، تغییر شیوه‌های انتحاری طالبان، سه شنبه ۱۳۸۶.

[http://www.Ariananet.com/modules.php?name=artikel&faile\\_index&op=](http://www.Ariananet.com/modules.php?name=artikel&faile_index&op=)

یک شیوه سازماندهی جنگی طالبان که در این اواخر به صورت فزاینده ای از آن استفاده شده است عملیات انتحاری و بمب گذاری در شهرها و بویژه کابل پایتخت افغانستان بوده است، در این شیوه عملیاتی که از استراتژی جنگی سازمان القاعده در عراق الگو برداری شده است علاوه برگشتی های نظامی ناتو، مراکز دولتی مانند وزارتخانه ها، مراکز امنیتی مقامات دولتی مانند استانداران و روحانیون طرفدار دولت مورد حمله قرار گرفته اند. حملات انتحاری در افغانستان پیش از این سابقه نداشته و در هیچ یک از جنگهای معروف افغانستان (با انگلیس و شوروی) از این شیوه مبارزاتی استفاده نشده است بنابراین انتحار در افغانستان یک پدیده کاملاً جدید محسوب می شود<sup>۱</sup>

خشونت طلبی و هراس افکنی طالبان در بین مردم افغانستان برکسی پوشیده نیست بر مبنای گزارش تلویزیون طلوع و روزنامه های کابل، طی ماه های گذشته طالبان بطور متوسط در هفته سه بار شاهراه کابل غزنی را بسته و به بازرسی ماشین ها و بازرجویی مسافری پرداخته است و چنانچه از کسی مدرکی به دست می آوردند که حاکی از عضویت وی در ارتش یا سازمان ها و مؤسسات خارجی فعال در افغانستان بود، وی را با خود برده و اعدام کرده اند بر مبنای گزارش همین منابع حتی چندین بار اتفاق افتاده است که سربازان طالبان در همین مسیر زنان و دخترانی را که با «برقع» صورتشان را پوشیده بودند و بد حجاب بوده اند از ماشین پیاده کرده و در همان کنار جاده «حد» را در مورد وی جاری و او را شلاق زده اند.<sup>۲</sup> بنابراین گروه طلبان از خشونت و وحشت افکنی که از آن بعنوان شاخصه های عملیات انتحاری یاد کردیم به صورت جدی استفاده کرده است.

#### ۲-۴. سازمان القاعده:

القاعده در یازدهم اوت ۱۹۸۸ م به صورت رسمی توسط اسامه بن لادن در شهر پی شاور پاکستان پای به گذاری شد و رهبری آن را نیز وی بر عهده گرفت. این سازمان

view&sid=9029.

۱- نوذر شفیعی، افغانستان و بازگشت دوباره طالبان، دوم بهمن ۱۳۸۷ ۱۳۸۹/۵/۱۰

[Http:// www.dr safiee. Bloga.com/ post-96.aspx](http://www.dr safiee.Bloga.com/post-96.aspx)

۲- همان

مخوف یک تشکیلات بین‌المللی بنی‌ادگرایی اسلامی است که متشکل از شبکه‌های تروریستی مختلف می‌باشد. همه‌ای‌ن شبکه‌های تروریستی، در راستای کاهش دادن تأثیرات و دخالت‌های غیرمسلمانان بر دنیای اسلام و گسترش اسلام در جهان مبارزه می‌کنند و هدف از تشکیلات این سازمان برقراری نظام اسلامی در همه جهان بوده است و اکثر اعضای سازمان القاعده پیرو مسلک سلفی هستند و از سال ۱۹۹۵ نام این سازمان در فهرست سازمانهای تروریستی قرار گرفته است<sup>۱</sup>

اگر چه اسامه بن لادن از دید رسمی پایه‌گذار سازمان القاعده دانسته می‌شود. اما بر عکس پندار همگانی، مفهوم القاعده را که در آغاز از سوی پایه‌گذارانش «القاعده الصلبيه» به معنای شالوده‌استقرار خوانده می‌شد، برای نخستین بار عبدالله عزام (اعظم) در سال ۱۹۸۷ مطرح کرد او در این زمینه در نشریه «الجهاد» نوشت: «هر اصلی‌نیاز به یک گروه پیشگام که آنرا اجرا کند؛ گروهی که همزمان در حالی که بر جامعه تمرکز می‌کند آماده وظایف سنگین و ایثار و فداکاری باشد. هیچ‌ایدئولوژی از یک گروه پیشگام که برای پیروزی آن آماده فدا کردن همه چیز باشد، بی‌نیاز نیست. این گروه در راه پر خطری بی‌پایان زندگی برای رسیدن به هدف، پرچم بدست می‌گیرد؛ چون خدا مقرر کرده که باید چنین کاری انجام دهند، این گروه قاعده استواری برای رسیدن به جامعه اسلامی مورد نظر تشکیلات می‌دهند. بدین سان عبدالله عزام (اعظم) را می‌توان پایه‌گذار و رهبر معنوی القاعده دانست. در واقع، القاعده از همان «مکتب خدمت» او برخاست و در سال ۲۰۰۰ ایمن ظواهری سازمان جهاد اسلامی مصر را با سازمان القاعده ادغام کرد و خود نیز به شخص دوم این تشکیلات تبدیل شد<sup>۲</sup>

خاستگاه فکری القاعده به جریانه‌های خردگریز موجود در جهان اسلام، به ویژه جنبش سلفی و صورت معاصر آن، وهابیت باز می‌گردد. آنان در میراث بری از این جریان، بازگشت به اسلام سلف صالح و مبارزه با شرک را شعار حرکت خود قرار دادند و با

---

۱- مهدی زاده کابلی، سازمان القاعده، دانشنامه آریانا

[http:// database-aryana- ency clopadia. Blogspot. Com/201/01/blog-post-03.html](http://database-aryana-ency-clopadia.blogspot.com/201/01/blog-post-03.html) 89/5/11

۲- همان.

داشتن گرایش ( نقلی و ضد عقلی به معنای ظاهری آیات و روایات تأکید کردند آنان با فلسفه، عرفان، اجتهاد، تصوف و تفسیر مخالفت می ورزند و با داشتن رویکرد حداقلی در فقه و برداشت‌هایی که از توحید و شرک دارند، مسلمانان بسیاری را مشرک و کافر می خوانند که شیعیان از مهم ترین آنها هستند. القاعده برای آنکه از یک اندیشه سلفی محافظه کار (طیف دی‌گر سلفی‌ها) به یک اندیشه سلفی رادیکال تبدیل شود و مرحله دوم را از سلفی‌گری تا رادیکالیسم طی کند به شدت متأثر از عوامل تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع اسلامی بوده است این عوامل عبارتند از: بحران‌های ناشی از نفوذ فرهنگ غرب، مقایسه اوضاع کنونی جهان اسلام با گذشته آن، شکست‌های دنیولوژی‌های غربی در کشورهای منطقه تبدیل شدن فلسطین به کانون همی‌شگی بحران، شکست نظامی و سازش‌های سیاسی، عرفی سازی شتاب زده، استعمار زدگی و پی‌شینه تاریخی اسلام سیاسی و جهادی<sup>۱</sup>. اما القاعده متأثر از عوامل بیرونی از جمله حمایت سه کشور ایالات متحده، پاکستان و عربستان نیز بوده است و این کشورها برای تقویت القاعده در افغانستان تمام سعی خود را بکار بستند تا به اهداف و منافع خود برسند و اهداف مشترک، آنها را بصورت مقطعی در کنار هم قرار داد.<sup>۲</sup>

دوران جتنی‌نی القاعده در سودان طی شد در آن زمان اسامه بن لادن و هم‌پی‌مانانش از «سازمان الجهاد» مصر با مجاهدان مشهور به «افغان-عرب»، القاعده را در قالب سازمانی بزرگتر و پی‌چیده تر به نام «جبهه جهانی علی‌ه یهودیان و صلیبی‌ها» سازماندهی می کردند. فعالیت سازمان جدید تا زمان اعلام موجودیت خود در سال ۱۹۹۴ نمود چندانی نداشت. نقطه عطف تاریخ این سازمان که اینک القاعده نام دارد به افغانستان مهاجرت کردند و قبایل پشتون این کشور، می‌زبان این سازمان گردیدند. قبایل پشتون همانطور که گذشت بعدها در قالب حکومت طالبان، قدرت را در افغانستان بدست گرفتند و نظام بنی‌ادگرا و مستبد آنها از سپتامبر ۱۹۹۶ بر کشور افغانستان استیلا یافت القاعده با حمایت همه جانبه

---

۱- اسماعیلی، پیشین ص ۴۵.

۲- همان صفحات ۵۶- تا ۶۳.

طالبان که به مدت پنج سال (از سپتامبر ۱۹۹۶ تا دسامبر ۲۰۰۱) به طول انجامید، در توسعه تشکیلاتی خود و نیز سازماندهی «جهاد بین الملل» توفیق یافت و توانست پایگاههای متعددی در سراسر افغانستان دایر کند. اسامه بن لادن پس از امضای یک قرار داد صوری میان سازمان الجهاد به رهبری ایمن ظواهری در نهمین سال تشکیلات القاعده مجبور شد خارطوم پایتخت سودان را در اثر فشار دولت عربستان سعودی ترک کند او به افغانستان بازگشت و ترجیح داد با یاری پاکستانی ها سازمان القاعده را در افغانستان استقرار دهد<sup>۱</sup> و در واقع از چریک بودن تبدیل به یک رهبر انتحاری می شود. به روایت کمیسیون الطویل روزنامه نگار؛ جنبشهای جهادی از جمله جماعت الجهاد در مصر، جماعة الاسلامیه المسلحه در الجزایر و الجماعة الاسلامیه المقاتله در لیبی، اینها با اسامه بن لادن پدید آمدند و به تعبیر کمیسیون الطویل اینها تنها جماعت های جهادی در جهان عرب هستند که بنا به ملاحظات دینی و با عنوان اینکه نظام سیاسی حاکم بر این کشورها مرتد هستند، جنگی حقیقی را برای ساقط کردن نظام های سیاسی در کشورهایشان به راه انداختند جنبش القاعده هم همزمان با اینها بود و صرفاً مجاهدانی نبودند که بدون هیچ گونه پیشینه تشکیلاتی برای مبارزه با روس ها به افغانستان رفتند، بلکه آنها از اعضای تشکل های جهادی ای بودند که در مصر، سوریه، الجزایر، لیبی و کشورهای دیگر سرکوب شده بودند اینها پس از بروز نشانه های شکست کمونیست ها در افغانستان، احساس کردند که فرصتی مناسب در افغانستان برای شان فراهم شده تا رزمندگان خود را سازماندهی و آموزش دهند و سپس به کشورهایشان بازگردانند تا مقدمات شروع حرکت جهادی تازه ای را فراهم آورند. لذا بسیاری از این افراد با حمایت حکومت کشورهای خود که به امید برنگشتن اینان، چشم خود را به روی مهاجریشان بسته بودند به افغانستان منتقل شدند اما همین که مجاهدان عرب به افغانستان رسیدند، مشاهده کردند که جهادی که به خاطر آن پا به افغانستان گذاشته اند، در حال پایان است لذا پس از عقب نشینی روس ها از افغانستان در سال ۱۹۸۹ چاره ای ندیدند جز اینکه به مرحله پس از افغانستان بیاورند در سالهای نخست دهه ۹۰،

۱- همان.

سودان و بریتانیای نقش محوری برای حمایت‌های اسلامی - عربی که با نظام‌های سیاسی کشورهای خود، سرستی‌ز داشتند بازی کردند. سیاست درهای باز حکومت ژنرال البشیر برای اسلام‌گرایان، خارطوم را به کندوی عسلی، شبیه به پی‌شاور برای افغان - عربها تبدیل کرد. برخی افراد متمکن مهمان‌سراهای بی برای اسلام‌گرایانی که از کشور خود گریخته بودند تأسیس کردند و برخی جماعت‌ها، شرکت‌های واقعی وی‌با صوری به راه انداختند و برخی دی‌گر اردوگاه‌هایی را در مزارع وسیعی که خریداری کرده بودند تأسیس کردند. یکی از این اردوگاه‌های آموزشی را ای‌من ظواهری جهت آمادگی برای کودتا علیه نظام سیاسی مصر تأسیس کرد، اما با وجود نزدیکی و هم‌مرزی سودان با مصر، نتوانست از پای‌گاه سودان به خوبی استفاده کند زیرا نیروهای امنیتی مصر توانستند به درون تشکیلات ظواهری نفوذ کرده و چیزی نمانده بود که او را دستگیر کنند، اما نیروهای امنیتی سودان به او هشدار دادند و او ناچار به ترک سودان شد. اما پای‌گاه لندن، عرصه هم‌پیمانی‌ها، انشعاب‌ها و نزاع‌های تندمیان جماعت‌های اسلام‌گرای مسلحی شد که اعضای آن همچنان فعال بودند. جهادی‌های لندن از راه انتشار نشریات وی‌ژه‌ای که در مساجد و نمازخانه‌ها توزیع می‌کردند به نشر افکار خود می‌پرداختند.

سال ۱۹۹۷ سال فروپاشی و شکست پروژه‌های جهادی‌های لی‌بی، الجزایر و مصر بود لذا این‌تشکل‌های مسلح‌باید در خود بازنگری می‌کردند و درباره آینده‌شان به بازاندیشی روی می‌آوردند. آنها در این‌کار راه‌های مختلفی را در پیش گرفتند الجزایری‌های «جماعت مسلح» تصمیم به سازماندهی خود در داخل کشورشان گرفتند و بجای جماعت سابقشان، یعنی «الجماعة السلفية للدعوة والقتال» جماعتی تازه با نام «الجماعة المسلحة» را تأسیس کردند. لی‌بی‌ای‌ها تلاش کردند خود را در کشور افغانستان در جایی که برای نخستین بار در آن سازمان یافته بودند بازسازی کنند. ولی مصری‌ها به دو جریان تقسیم شدند: «جماعة الجهاد» که به افغانستان منتقل شد و به رغم جراحی که برداشته بود، تصمیم به ادامه راه جهاد گرفت و «الجماعة الاسلامیه» که پس از بازنگری در افکار خود و رسیدن به این نتیجه که در اقدام مسلحانه چند نظام حاکم به مصر دچار خطا شده‌اند، توقف کامل عملیات خود را اعلام کرد. با فروپاشی جهاد و اقدام بریتانیای

سودان به بستن پای‌گاه‌های جهادی‌ها در اراضی خود، پناهگاه‌دی‌گری (جز افغانستان) برای می‌زبانی از آنان باقی نماند.<sup>۱</sup>

اسامه بن لادن پس از بستن چمدانهای خود در خارطوم نخستین کسی بود که به همراهی رفیقش ایمن ظواهری در سال ۱۹۹۶ به افغانستان رفت و در اندیشه القاعده تحولی پدید آمد؛ زیرا بن لادن و اطرافیان او در رأس آنان ایمن ظواهری در بازنگری‌هایشان در اسباب و علل ناکامی پروژه‌های جهادی به این نتیجه رسیدند که شکست دادن نظام‌های سیاسی عربی تا زمانی که حاکمان عرب از کمک و حمایت‌ایالات متحده برخوردارند ناممکن است و باید ایالات متحده را به عرصه پیکار با اسلام‌گرایان بکشانند تا حکومت‌های عربی ناچار به دفاع از آمریکایی‌ها شده و در نتیجه مشروعیت‌شان در چشم شهروندان عرب از بین برود. بن لادن پروژه‌اش را که انتقال صحنه درگیری از دشمن نزدیکی به دشمن دور را ایجاب می‌کرد، با تشکیل جبهه جهانی پیکار با یهودیان و صلیبیان در ۲۳ فوریه ۱۹۹۸ عملیاتی کرد. و پس از چند ماه با انفجار دو سفارتخانه ایالات متحده در نایروبی و دارالسلام به مرحله عمل رساند و در ادامه در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۰ اقدام به انفجار ناوکول آمریکایی در بندر عدن نمود و سپس در سپتامبر ۲۰۰۱ احتمالاً عملیات نیویورک و واشنگتن را به راه انداخت از این رو بن لادن توانسته هم پیمانان جدیدی در افغانستان بیابد. و پایه‌های این هم‌پیمانی‌ها را مستحکم تر کند. گروه‌های جهادی‌دی‌گری هم که به طور مستقل فعالیت می‌کردند و در رأسشان عبدالرحیم ناشری - مهندس انفجار ناوکول و خالد شیخ محمد، ایده پرداز هجوم به ایالات متحده به وسیله هواپیماهای ربوده شده به صفوف بن لادن پیوستند و جماعت جهاد مصری به رهبری بن لادن نیز در القاعده ادغام و تشکل جدیدی به «قاعده الجهاد» معروف گردید. رهبر تشکیلات القاعده در سپتامبر ۲۰۰۱ از درون به امریکایی‌ها ضربه زد و به حرف و نصیحت معترضان درون تشکیلات خود و نظریه می‌زبان «ملا محمد عمر» که هدف قرار ندادن

---

۱- مجید مرادی، روایتی مستند از طالبان/نگاهی به کتاب "القاعده و هم‌پیمانانش" پگاه حوزه، ۱۴ اردیبهشت

آمری‌کایی‌ها و اکتفا به حمله به یهودیان را ترجیح می‌داد گوش نکرد. اما بازتاب‌های اقدامش علاوه بر خود شامل مخالفانش هم شد. ایالات متحده نیروی همه‌جانبه را با حمله به افغانستان به راه انداخته و نسل‌کاملی از رهبران جهاد و آموزش‌دیدگان اردوگاه‌های افغانستان را نابود یا پراکنده ساخته و امارت طالبان را که پدیدار آنان بود از میان برداشته است<sup>۱</sup>

البته عملیات انتحاری القاعده و طالبان هنوز پای‌ان‌نیافته است چون القاعده در گوشه و کنار جهان پراکنده است.

بنابراین القاعده، بعنوان یکی از گروه‌های سازمان‌یافته و خشن با وحشت افکنی و ایجاد ترس در قربانیان حملات خود، انگیزه‌اش رسیدن به اهداف سیاسی، مذهبی و ای‌منافع شخصی رهبری آن یعنی اسامه بن لادن مرتبط است همانطور که گذشت او معتقد است حاکمان عرب تا وقتی که از حمایت ایالات متحده برخوردارند، شکست دادن آنها ناممکن است و از طرفی استفاده از لفظ جهاد برای مقابله با کفار و ای‌اسارت‌فرزندان در عربستان، مجموعه‌ای‌ها، برخی از مواردی هستند که ظاهراً به انگیزه سیاسی، مذهبی و منفعتی بن لادن بر می‌گردد.

### جمع بندی

از آنچه که گذشت در عملیات انتحاری معلوم شد که این نوع خود را به کشتن دادن از خودکشی معمولی که اقدامی برای گریز از پوچی یا فرار از استمرار و روزمره‌گی است متفاوت است. دانستیم که عملیات انتحاری دارای شاخصه‌هایی از جمله خشونت، وحشت افکنی و ایجاد ترس، سازمان‌یافته بودن و غیره می‌باشد این عملیات در کشورهای اسلامی بنام دین انجام می‌شود. در زمینه‌های فکری آن به برخی از چهره‌های شاخص پرداختیم که این افراد با استفاده از مذهب و شرایط حاکم بر کشورهای اسلامی، تصویری رادی‌کال از اسلام را به نمایش گذاشتند و این روند هر چه جلوتر آمد شکلی افراطی‌تر به خود گرفت. نتیجه رادی‌کالیسم سید قطب، ترور سادات بود و ادامه‌رشد

۱- همان.

این رویکرد رادی‌کالی بروز و ظهور گروه‌های انتحاری است؛ این گروه‌ها عمل خود را با نام جهاد توجیه می‌کنند در حالی که با توجه به شاخصه‌های عملیات انتحاری چنین تلقی مردود است. تعبیر طالبان از اسلام، جهاد و تغیری‌رات اجتماعی در افغانستان امری غیر عادی است این جنبش با گروه‌های عمده اسلام‌گرا که در سراسر دوران جنگ‌های ضد شوروی سر بر آوردند هیچ شباهتی ندارد. حملات انتحاری در افغانستان پیش از این سابقه نداشته و در هیچ‌یک از جنگ‌های معروف افغانستان از این شیوه مبارزاتی استفاده نشده است. توضیح داده شد که بن‌لادن با انتقال صحنه درگیری از دشمن نزدیک به دشمن دور، افراطی‌گری خود را بیش از پیش توسعه داد و مبارزه خود را در برابر آمریکای جهانی اعلام کرد. گروه انتحاری القاعده به هر عمل غیر انسانی دست می‌زند، آنها به سفارتخانه‌ها و مردم عادی و بی‌دفاع رحم نمی‌کنند، با ایجاد وحشت و ترس در مردم جهان بدنبال جلب توجه بیشتر مردم برای رسیدن به اهداف خود هستند.

فصل پنجم:

# جمع بندی و نتیجه گیری

## رابطه تروریسم با عملیات استشهادی و انتحاری

مقدمه: اکنون که به فصل پایانی پژوهش حاضر رسیدیم اگر بخواهیم مروری به قبل داشته باشیم در فصل اول به کلیات و چارچوب نظری اشاره کردیم در فصل دوم به شاخصه ها و زمینه های داخلی و خارجی تروریسم پرداختیم که علاوه بر نقش کارگزار و کنشگران تاکید بیشتر بر ساختارها بود که در قالب زمینه های داخلی و خارجی، تروریسم در کشورهای اسلامی توضیح داده شد. در فصل سوم شاخصه ها و زمینه های عملیات استشهادی را مرور کردیم که در این قسمت به نقش رهبران و کنش گران و هم ساختارها در تعامل با هم و در رابطه دیالکتیکی بین این دو، عملیات استشهادی بوجود می آید. در فصل چهارم به بیان شاخصه ها و زمینه های عملیات انتحاری رسیدیم علاوه بر ساختار یعنی سازمانها و زمینه های فکری و عوامل عینی، تاکید بیشتری بر کنش گران انتحاری است و نهایتاً فصل پایانی را در سه بخش پی می گیریم: در بخش اول مروری بر شاخصه های تروریسم، عملیات استشهادی و انتحاری، در بخش دوم به مقایسه شاخصه های عملیات استشهادی و تروریسم در جهت تفاوت آنها می پردازیم و در بخش سوم به نتیجه گیری پایانی که در واقع به اثبات فرضیه یعنی قرابت عملیات انتحاری و تروریسم و تفاوت عملیات استشهادی و تروریسم می رسیم.

### بخش اول:

۱- مروری بر شاخصه های تروریسم: در بیان شاخصه ها به اجزای مفهومی تروریسم بطور مختصر اشاره می کنیم:

۱-۱. **خشونت یا تهدید به خشونت؛ خشونت عمومی** ترین ویژگی تروریسم بیان شد برخی قید غیر عادی یا غیر قانونی را به خشونت اضافه کرده اند اما خشونت شاخصه اصلی

می باشد و ترور همیشه بعد از تهدید است و در ناآگاهی مطلق به وجود نمی آید.

- ۱-۲. **ویژگی بعدی جنبه سیاسی پدیده است؛** اقدام تروریستی رانمی توان اقدامی جدا از بعضی تمهیدات و زمینه سازیهای اولیه تصور کرد و تروریسم ممکن است فردی یا جمعی انجام گیرد و بصورت سازمان یافته با عزم پیشین و یا طرح معین در جهت تامین قصد خاص متجلی شود مثلاً به قصد تأثیر بر نظام سیاسی یا نظام بین الملل و غیره طرح می شود .
- ۱-۳. **ویژگی دیگر وحشت و ترس افکندن است؛** اشاره شد که ترور به معنای ترس و وحشت است و تروریسم از طریق ایجاد ارعاب و وحشت صورت می گیرد و غالباً کشتن قربانی ممکن است بر اساس اتفاق باشد یا به راحتی می تواند تغییر کند.
- ۱-۴. **قبول مسولیت؛** صدور بیانیه پس از اقدام تروریستی یکی از ویژگی های تروریسم است این بیانیه ضمن قبول مسولیت اقدام، ترویج کننده مواضع عقیدتی سیاسی و یا ملی تروریست ها نیز می باشد .

- ۱-۵. **غیر قانونمندی؛** غیر قانونی بودن ابتدا حکومتها را از دایره تروریسم خارج می نماید مگر اینکه اقدام آنها پنهانی و در زمانی غیر زمان جنگ باشد چون اقدامات جنگی اصولاً در حوزه تروریسم قرار نمی گیرد.
- ۱-۶. **انگیزه؛** اقدامات تروریستی ممکن است برای رسیدن به اهداف سیاسی یا مذهبی و یا کسب منافع شخصی صورت گیرد.

## ۲. مروری بر شاخصه های عملیات استشهادی

اشاره کردیم که از جمله ویژگی های عملیات استشهاد عبارتند از:

- ۲-۱. **فی سبیل الله بودن است؛** در همه آیات جهاد فی سبیل الله بعنوان یک شرط ذکر شده است و در تفسیر آن گذشت که تقدس جهاد در راه خدا به این خاطر است که نجات بندگان خدا و زنده کردن اصول حق و عدالت و پاکی و تقوی در گرو آن است اشاره کردیم کسانی که در راه خدا کشته می شوند از نگاه قرآن کریم مرده نیستند و با مرده های معمولی تفاوت دارند آنها در نزد خدا پاداش می گیرند و پاداش آنها روزی خوردن در نزد پروردگار است .

**۲-۲. ارزش و عظمت شهادت؛** در این باره به برخی از احادیث اشاره کردیم در حدیثی از رسول الله (ص) آمده بود که از شهادت بعنوان فوق هر نیکی یاد شده بود و قطره خون شهید محبوب ترین قطره دانسته شده است و یا از امام صادق (ع) نقل شده بود که لغزشهای شهید حتی به خود شهید هم نشان داده نمی شود و حضرت علی (ع) با داشتن دهها فضیلت انحصاری تنها وقتی به شهادت رسیدند فرمودند «فرت و رب الكعبه» اینها و روایات زیاد دیگر هست که گویای عظمت و ارزش شهادت در راه خدا است که شرح آن گذشت.

**۲-۳. تکیه بر قدرت خدا؛** تکیه بر قدرت خدا بعنوان یکی از ویژگی های عملیات استشهادی مطرح کردیم که قدرت الهی برترین قدرت است و مایه دلگرمی مؤمنان می باشد.

**۲-۴. انسانی بودن؛** در این باره مطالبی از تفسیر نور و تفسیر نمونه آورده شد که جهاد دفاعی برای نجات مستضعفین و قبول شهادت در مسیر حفظ اسلام صفات انسانی را تکمیل می کند و در این راه، عدالت خواهی، عزت طلبی، کرامت، خدمت به خلق، شکر گذاری، عبادت و بندگی، مقابله با ظلم و تجاوز و اعتقاد به معاد اهمیت پیدا می کند.

**۲-۵. آگاهی از عمل؛** توضیح دادیم که انتخاب آگاهانه عملیات استشهادی وفدا کردن خالصانه جان خود با آزادی و شناخت کامل به اینکه اگر ضربه زدن به دشمن ظالم از طریق شهادت طلبی موجب از دست رفتن جان خود نیز می شود اما در عوض رضایت و خشنودی پروردگار را بدست می آورد به آیاتی از قرآن اشاره کردیم که «خداوند از مؤمنان جانها و اموالشان را خریداری می کند که در برابرش بهشت برای آنها باشد» این یک معامله آگاهانه با پروردگار است و خداوند بهترین خریدار است و کسی که عملیات استشهادی را انتخاب می کند می داند که ضرر نخواهد کرد چرا که «پروردگار آنها را به رحمتی از ناحیه خویش و خشنودی خود و باغهای بهشتی که در آن نعمتهای جاودانه دارند بشارت می دهد». پس آگاهی یافتن از پیامد عمل که پاداش الهی و رضایت و خشنودی پروردگار است از شاخصه های مهم عملیات استشهادی محسوب می شود.

**۲-۶. جنبه دفاعی بودن؛** توضیح دادیم در صورتی که جان و مال و سرزمین مسلمانان به خطر افتد یا مورد تجاوز بیگانگان قرارگیرد، مسلمانان این حق را دارند با محوریت فقها و حاکمان اسلامی خود به هنگام ضرورت دست به چنین عملی بزنند. منظور از ضرورت این

است که مثلاً وقتی هیچ راهی و هیچگونه امکاناتی برای مقابله با دشمن متجاوز وجود نداشته باشد و تنها راه ممکن و تاثیر گذار عملیات استشهادی باشد در این صورت شخص می تواند با فدا کردن جان خود و با ضربه زدن به دشمن متجاوز از کیان اسلامی و مسلمانان دفاع کند.

### ۳- مروری به شاخصه های عملیات انتحاری:

اشاره شد که عملیات انتحاری یک نوع خودکشی است و این نوع از خودکشی برای گریز از پوچی یا فرار از استمرار روزمرگی و بی هدفی نیست بلکه عامل انتحاری دارای هدف است و برای آن دست به طراحی برنامه ای می زند که منجر به مرگ خودش و دیگران می شود. توضیح دادیم که شبکه های انتحاری برای توجیه کار خود، به آن رنگ و بوی مذهبی می دهند و نام جهاد بر عمل خود می گذرانند اما خصوصیات جهاد در کار آنها دیده نمی شود. برخی ویژگی ها برای عملیات انتحاری ذکر کردیم که به اختصار به آنها می پردازیم:

۱-۳. **خشونت:** از شاخصه های مهم عملیات انتحاری خشونت است.

۲-۳. **ایجاد وحشت و نا امنی:** توضیح دادیم ایجاد وحشت و ترس در قربانی می تواند حکومت، مذاهب یا قدرتهای فرا منطقه ای باشد و این عمل بخاطر جلب توجه بیشتر مخاطبین به طرف خود انجام می گیرد و انگیزه اصلی آنها رسیدن به اهداف سیاسی یا مذهبی و یا کسب منافع شخصی و یا مجموع این موارد می باشد.

۳-۳. **سازمان یافته بودن:** طراحی عملیات انتحاری در شبکه های سازمان یافته صورت می گیرد و انجام این گونه عملیاتها ناگهانی و غافلگیرانه می باشد. توضیح دادیم که اغلب عملیات های انتحاری در پنج مورد با هم مشترک هستند که عبارتند از:

۱. عملیات انتحاری اقدامی استراتژیک است و بیشتر مهاجمان انتحاری به گروه های سازمان یافته ای تعلق دارند که در جستجوی هدف سیاسی ویژه ای هستند و این گروه ها عملیات انتحاری را در جهت همین اهداف مشخص بر پا می کنند.

۲. منطق عملیات انتحاری ناظر به «اهداف سرزمینی» است.

طی بیست سال گذشته، تروریست های انتحاری چنین اندیشیده اند که این عملیات تنها

راه ممکن و مؤثر است.

بدین سان تأثیر عملیات انتحاری در تحصیل مقاصد سیاسی، آنان را به تعقیب عملیاتیهای بلند پروازانه تشویق کرده است.

هر چند تعدیل عملیات تروریستی باعث تعدیل در امتیازات داده شده، بوده است اما به طور کلی تنبیه غیر نظامیان به سطوح پایین تا متوسط تهدیدات تروریستی تعلق دارد. تروریسم انتحاری از اهداف غیر نظامی / مدنی برای تهدید دیوار امنیتی و افزایش هزینه امنیتی دولت های نوین استفاده می کنند.

اقدام نظامی قادر به کنترل عملیات انتحاری نیست بلکه مهار این نوع عملیات ها نیازمند تدابیر دفاع مرزی و ابزارهای امنیتی درون سرزمین خاص می باشد.

## بخش دوم:

### ۱. عملیات استشهادی و تروریسم (مقایسه ویژگیها و شاخص ها در جهت

### تفاوت)

#### مقدمه:

در این قسمت از نوشتار سعی می کنیم با بیان ویژگیها و شاخص های عملیات استشهادی و تروریسم نشان دهیم که این دو عمل از هم متفاوت هستند؛ عملیات استشهادی عملی دفاعی است که مبتنی بر مذهب و منابع دینی است و برای جلوگیری از تجاوز صورت می گیرد. اما تروریسم خود یک عمل تجاوز کارانه است و مبتنی بر خشونت، رعب و وحشت افکنی است.

همانطور که در مرور شاخصه های تروریسم اشاره کردیم خشونت از ویژگیهای مهم تروریست است که برخی قید غیر عادی یا غیر قانونی به آن اضافه کرده اند اما اگر عملیات استشهادی را عملی قانونی ندانیم لاقول می توان این چنین بیان کرد که با قوانین دولت- ملت ها هم تعارض ندارد. عملیات استشهادی نشأت گرفته از قانون شریعت است که خداوند متعال

قانون گذار اصلی آن است. اگر فقها به چنین عملیاتی رضایت می دهند رضایت آنها در واقع کاشف از حکم خداوند است که از متون دین استخراج می شود. حکمی که به مسلمانان اجازه می دهد تا بصورت متعارف از تجاوز کفار جلوگیری کنند و مسلمانان در این مبارزه از کارهای وحشیانه پرهیز می کنند. استشهاد کننده سفارتخانه ها و مردم بی گناه و بی دفاع را هدف قرار نمی دهد بلکه کسانی را هدف قرار می دهد که به جان و مال و ناموس مسلمانان تعرض داشته و به سرزمین های اسلامی هجوم آورده باشند.

منبع اصلی برخی از اعمال خشونت آمیز که دارای ظاهر مذهبی هستند، دین نمی باشد البته ممکن است عملیات تروریستی تحت نام دین انجام گیرد اما وقتی حادثه بخوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد مشاهده می شود که ارتباطی با دین ندارد. بعنوان مثال ترور منافقین در جریان انقلاب اسلامی ایران اگر چه با ظاهر مذهبی شروع شد ولی در اصل به مبانی مارکسیستی معتقد بودند<sup>۱</sup>

قبلاً به این آیه اشاره داشتیم که «هر کس نفسی را بدون حق قصاص و یا بی آنکه فساد و فتنه ای در روی زمین کند به قتل برساند مثل آن است که همه مردم را کشته است» دین اسلام دین عطف و مهربانی و دین تبلیغ است نه دین خشونت و جنگ<sup>۲</sup> اسلام حتی در حال جنگ هم انهدام اماکن عمومی، کشتن زنان، اطفال را نهی می کند و اصل بر عطف و مهربانی و تبلیغ دین است و جنگ در صورت ضرورت است.

ویژگی دیگر تروریسم وحشت و ترس است و این عمل از طریق ایجاد ارباب و وحشت صورت می گیرد و غالباً کشتن قربانیان را ملاک نمی دانند و قربانی ممکن است بر اساس اتفاق باشد یا به راحتی تغییر کند و یکی از معیارهای آنها اغلب این است که آماج ها با اهداف تروریست غیر مرتبط باشد اما در عملیات استشهادی آماج با هدف مرتبط است یک طرف کفار و متجاوزین و طرف دیگر استشهاد کننده و مسلمانان که مورد هجوم و تجاوز قرار گرفته اند و هرگز اعمال وحشیانه و ارباب و وحشت انداختن در بین مردم بی گناه و کسانی

۱- عبدالرحمن دیلیاک، *تروریسم، ترجمه معاونت فرهنگی*، ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ ص ۱۶۹.

۲- همان ص ۱۷۱.

که در جنگ با مسلمانان نباشند مورد تأیید اسلام نیست.

انگیزه در اقدامات تروریستی اغلب برای رسیدن به اهداف سیاسی یا منافع شخصی و گروهی و غیره می باشد اما انگیزه در عملیات استشهادی الهی و معنوی است و استشهاد کننده برای دست یافتن به وعده های الهی این عمل را انجام می دهد.

عظمت و ارزش شهادت برای استشهاد کننده نمایان است در حدیثی از رسول الله (ص) دیدیم که شهادت از تمام نیکی ها بالاتر است و علی (ع) به هنگام شهادت فرمود: «فزت و رب الكعبه». استشهاد کننده جان خود را می دهد در مقابل به حیات ابدی و رستگاری می رسد. عدالت خواهی، عزت طلبی، کرامت، خدمت به خلق، شکر گذاری، عبادت و بندگی خدا، مقابله با ظلم و تجاوز و اعتقاد به معاد از صفات برجسته یک مسلمان است که قبول شهادت در مسیر حفظ اسلام صفات انسانی را تکمیل می کند اما تروریسم بر یک عمل غیر انسانی استوار است که منفور خداوند و همه انسانهای عدالت طلب جهان است چرا که بنای تروریسم بر هراس افکنی و کارهای غیر اخلاقی است و در جهت منافع مادی غیر عقلایی و غیر انسانی است.

در عملیات استشهادی فی سبیل الله بودن یک ویژگی اساسی است و استشهاد کننده با توکل و اعتماد بر قدرت الهی که برترین قدرت و مایه دلگرمی مؤمنان است دست به چنین عملیاتی می زند اما تروریسم بر قدرتهای مادی تکیه می کند.

غیر قانونمندی از ویژگیهای تروریسم عنوان شده که ابتدا حکومتها را از دایره تروریسم خارج می کند اما در ویژگی دیگر تروریسم بعضی عامل اقدام تروریستی، حکومتها نیز با یک قید غیر قانونی بودن وارد دایره تروریسم می شوند اما هنوز معلوم نیست اقدامات یک حکومت علیه حکومت دیگر با کدام قانون سنجیده می شود، داخلی یا بین المللی پس عامل اقدام تروریستی به این دلیل است که اقدامات حکومتهای قانونی را به عنوان اقدام تروریستی در نظر نمی گیرد مگر اینکه کار آنها پنهانی و در زمانی غیر از زمان جنگ باشد چون اقدامات جنگی اصولاً در حوزه تروریسم قرار نمی گیرد. اما اقدام استشهادی همانطور که اشاره کردیم مبنی بر قانون شریعت با محوریت فقها و حاکم اسلامی است و این عمل در چارچوب و ضابطه اسلامی انجام می گیرد و اعمال تروریستی چه از طرف حکومتها و چه غیر حکومتها،

پنهانی باشد یا آشکار در هر صورت کاری غیر انسانی است و مورد پسند اسلام نیست.

یکی از شاخصه های عملیات استشهادی جنبه دفاعی آن است اما تروریسم الزاماً مبتنی بر دفاع از خود نمی باشد. قبلاً اشاره شد که اگر جان و مال و سرزمین مسلمانان به خطر افتد یا مورد تجاوز بیگانگان قرار گیرد در این صورت اگر هیچ راه دیگری برای مقابله وجود نداشته باشد جز با فداکردن جان خود در این هنگام با وصف ضرورت عملیات استشهادی جایز است در جهاد دفاعی، استشهاد کننده این آزادی را ندارد تا به هر عملی دست بزند بلکه اسلام حدودی را قرار داده که در هنگام تقابل با کفار نباید از آن حدود تجاوز کرد. در فقه اسلامی به امور ممنوعه ای در زمان جهاد دفاعی اشاره شده که به اختصار بیان می کنیم:

«ممنوعیت سلاحهای کشتار جمعی؛ از قبیل سلاحهای شیمیایی، هسته ای، جنگ شهرها- شیوه های وحشیانه با نقض حاکمیت و اراده ملی، گروگان گیری، آتش زدن درختان و مزارع، انهدام اماکن عمومی، کشتن زنان، اطفال و غیر نظامیان، مثله کردن- غدر؛ یعنی عملیات ناجوانمردانه ای که نوعی اطمینان دهی به دشمن باشد و با جلب اعتماد وی همراه باشد مثلاً از دشمن امان گرفته باشد- شبیخون؛ غافلگیری ناجوانمردانه که با روح جهاد و اهداف آن سازگار نیست- آغاز به جنگ بدون دعوت و غیره»<sup>۱</sup>

بنابراین در جهاد دفاعی و عملیات استشهادی که یک نوع جهاد دفاعی است در زمان غیبت معصوم (ع)، از اعمال ناجوانمردانه استفاده نمی شود و صرفاً دفاع ملاک و معیار است اما در تروریسم از اکثر موارد فوق استفاده شده و بکارگیری این روشها برای وادار کردن طرف مقابل به تن دادن به خواسته های تروریست ها و یا بازداشتن آنان از انجام مجموعه ای از اقدامات می باشد و اقدام تروریستی ماهیتاً جنبه غافلگیری دارد<sup>۲</sup> اما عملیات استشهادی فاقد عنصر غافلگیری است و جنبه دفاعی دارد یعنی اینکه واکنش است در برابر تجاوز و با هدف دفع تجاوز انجام می گیرد.

---

۱- عباسعلی عمید زنجانی، اصول و مقررات حاکم بر مخاصصات مسلحانه (جهاد)، تهران: سپهر ۱۳۸۵ صفحات ۳۵۴-

۳۷

۲- علی عبدالله خانی، پیشین، ص ۲۰۰

## ۲. عملیات انتحاری و تروریسم (مقایسه ویژگیها و شاخص های آنها در جهت اثبات اشتراک آنها)

برخی شاخص های مشترک تروریسم و عملیات انتحاری عبارتند از:

۱. **خشونت و تهدید به خشونت؛** از ویژگیهای تروریست و شبکه های انتحاری این است که هر دو آنها از خشونت و تهدید به خشونت، استفاده می کنند. افعال خشونت آمیز - حکایت از نوعی تهاجم در رفتار می کند که در ارتکاب بعضی از جرائم مانند قتل، تخریب و نظائر آن شاخص است. قدر مسلم نمی توان افعال تروریستی، خشونت آمیز را فقط به نحوی که قتل یا صدمات نفسانی مهم نتیجه آن باشد، توصیف نمود. تخریب اموال و آتش سوزی صورتهای دیگری از مجموعه افعال تروریستی به شمار می روند که در ایجاد رعب و هراس مؤثرند<sup>۱</sup> تروریست ها و همچنین عاملان انتحاری برای رسیدن به اهداف خود هم تهدید به انجام اعمال خشونت آمیز می کنند و هم آنرا عملی می کنند از شاخص های مشترک آنها بکار گیری اعمال خشونت آمیز است که نوعی جرم محسوب می شود.

۲. **ایجاد ترس و وحشت؛** از دیگر شاخص های مشترک تروریسم و عملیات انتحاری ایجاد ترس و وحشت در مخاطبان است آنها با انتخاب اعمال خشونت آمیز پیام خود را به مخاطبان نشان می رسانند که این اعمال بصورت جدی موجب ایجاد وحشت است. هم تروریسم و هم عملیات انتحاری، وحشت آفرین است برای اینکه قربانیان غافلگیرانه و ناخواسته گرفتار می شوند.

۳. **قبول مسئولیت؛** اغلب تروریست ها و انتحار کنندگان مسئولیت کار خود را بر عهده می گیرند همانطور که اشاره شد آنها با صدور بیانیه قبول مسئولیت می کنند که این عمل مواضع عقیدتی، سیاسی و یا ملی آنها را نیز نشان می دهد.

۴. **غیر قانونمندی؛** در تروریسم و عملیات انتحاری قانونمندی وجود ندارد؛ به این معنی که در هیچ یک از کشورهای اسلامی قانونی برای انجام اعمال تروریستی و عملیات انتحاری وضع نشده است بلکه این گونه اعمال غیر قانونی هستند.

۱- محمد علی اردبیلی، پیشین ص ۱۲۰

۵. اقدام سازمان یافته؛ از دیگر اشتراکات تروریسم و عملیات انتحاری این است که اغلب مهاجمان آنها به گروه های سازمان یافته تعلق دارند که در پی اهداف مشخص هستند.

۶. انگیزه مشترک؛ انگیزه مشترک تروریسم و گروه های انتحاری ممکن است برای رسیدن به اهداف سیاسی یا مذهبی و یا کسب منافع شخصی صورت گیرد.

۷. سیاسی بودن؛ سیاسی بودن یکی از شاخص های مهم تروریسم است که عملیات انتحاری هم می تواند این ویژگی را داشته باشد یعنی اینکه در هر دو اینها انجام عملیات برای رسیدن به اهداف سیاسی محقق می شود. اینها ویژگی های مشترکی هستند بین تروریسم و عملیات انتحاری که اشتراک این دو را نشان می دهد.

### نتیجه گیری پایانی : (قرابت عملیات انتحاری و تروریسم و تفاوت عملیات استشهادی و تروریسم)

بنابراین با مروری که به ویژگیها و شاخص های مشترک موجود بین تروریسم و عملیات انتحاری داشتیم و با توجه به شاخص های عملیات استشهادی فرضیه ای که برای پژوهش در نظر گرفتیم به اثبات می رسد یعنی اینکه در اسلام عملیات انتحاری برخلاف عملیات استشهادی یک فعالیت تروریستی به حساب می آید (اگرچه بین عملیات استشهادی و انتحاری مشترکاتی هست مادر اینها درصدد بیان مشترکات بین آنها نیستیم بلکه می خواهیم ببینیم کدام یک از آنها با تروریسم ویژگی های مشترک دارند).

به ویژگی هایی همچون خشونت و تهدید به خشونت، ایجاد ترس و وحشت، قبول مسئولیت، غیر قانونمندی، اقدام سازمان یافته، انگیزه و سیاسی بودن اشاره کردیم و این شاخص ها را به عنوان شاخص های مشترک عملیات انتحاری و تروریسم مطرح نمودیم اما این ویژگی ها بسیار متفاوت هستند از ویژگی های عملیات استشهادی همچون فی سبیل الله بودن و در راه خدا به استقبال شهادت رفتن است، عملیات استشهادی یک حرکت ارزشی الهی و انسانی است که افراد شهادت طلب با آگاهی از عمل خود، خالصانه جان خود را فدا کرده و در عوض رضایت و خشنودی خدا و بهشت را بدست می آورند. ارزش و عظمت شهادت در جهت کمال انسان است در جهت عدالت، پاکی و مبارزه با ظلم و تجاوز است که یک نوع

جهاد دفاعی است این ویژگی ها عملیات استشهادی را متفاوت از عملیات انتحاری و تروریسم نشان می دهد . با توجه به بیان شاخصه های تروریسم و عملیات انتحاری ، اشتراک ویژگی هایشان موجب قرابت آنها به هم می شود بنابراین با توجه به مؤیداتی که از آیات و روایات و فتاوی فقها آورده شد، عملیات استشهادی مورد تأیید اسلام است و رویکرد اسلام به تروریسم و همچنین نسبت به عملیات انتحاری به جهت شباهت با تروریسم منفی است.

# فهرست منابع

## فهرست منابع

× قرآن کریم.

### الف کتابهای فارسی؛

۱. آپرملو، رضا، *استراتژی استعمار نو*، تهران: سپهر ۱۳۶۶
۲. ابوالحمد، عبدالحمید، *مبانی سیاست* (جامعه‌شناسی سیاسی) تهران: توس ۱۳۶۵
۳. ادراه کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، *بررسی علل وعوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی* (مجموعه مقالات) تهران وزارت فرهنگ و ارشاد ۱۳۷۹
۴. اردبیلی، محمد علی، *مفهوم تروریسم*، در «تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بن‌الملل» (مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها همایش پنجم و ششم دی‌ماه ۱۳۸۰) تهران: روزنامه رسمی دانشکده علوم قضایی ۱۳۸۱
۵. اسپوزیتو، جان. ال. *انقلاب ایران بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدی‌رسانه‌چی، تهران: باز ۱۳۸۲
۶. اسلامی ندوشن؛ محمد علی، *ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم*، تهران: توس ۱۳۵۷
۷. اسماعیلی، حمیدرضا، *القاعده؛ از پندار تا پیدی‌دار*، تهران: اندیشه سازان نور ۱۳۸۶
۸. بشیری، حسین، *آموزش دانش سیاسی*، تهران: نگاه معاصر ۱۳۸۰
۹. پطروس غالی، پطروس، *سازمان ملل متحد و اقدامات جامع حقوق برای مبارزه با تروریسم بن‌المللی ترجمه سید قاسم زمانی*، در «تروریسم تاریخی، جامعه

- شناسی، گفتمان، حقوق» نوی‌سندگان جی‌مز در دری‌ان و دی‌گران، گردآوری، علی‌رضا  
طی‌ب، مترجمان؛ وحید بزرگی و دی‌گران، تهران: نی ۱۳۸۲
۱۰. پولی و دوران، می‌شل خالد؛ بن لادن کی‌ست؟ ترجمه مهشید می‌رمعزی، تهران: روزنه  
۱۳۸۰
۱۱. پی‌تر فلمینگ و مای‌کل استول، *سای‌بر تروری‌سم: پندارها و واقعی‌ت ترجمه  
اسماعیل بقای‌ی‌ها مانه و عباس باقرپور اردکانی در «تروری‌سم تاری‌خ، جامعه  
شناسی، گفتمان، حقوق» همان ۱۳۸۲*
۱۲. دو ورژه، موری‌س، *جامعه شناسی سی‌اسی*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات  
تهران ۱۳۶۷
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر؛ *لغت نامع دهخدا*، ج دوم و نهم، مؤسسه انتشارات چاپ دانشگاه تهران  
۱۳۷۲
۱۴. دی‌لی‌پاک، عبدالرحمن، *تروری‌سم*، ترجمه معاونت فرهنگی، ناشر: سازمان تبلی‌غات  
اسلامی ۱۳۶۸
۱۵. رشید، احمد؛ طالبان، اسلام، *نفت و بازی بزرگ جدی‌د*، ترجمه اسدالله نشای‌ی و صادق  
باقری، تهران: دانش هستی ۱۳۷۹
۱۶. ره‌پیک، *سی‌امک: تحلی‌ل تروری‌سم در نسبی‌ت مفهومی امنی‌ت و منافع ملی در  
همان ۱۳۸۱*
۱۷. سجادی، سید عبد‌القی‌وم، *گفتمان جانی شدن و اسلام سی‌اسی در افغانستان  
پسا طالبان*، قم: مفی‌د ۱۳۸۸

۱۸. سریع القلم، محمود؛ *عقلانیت و آینه توسعه یافتگی ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و استراتژیک خاورمیانه ۱۳۸۲
۱۹. سفیری، مسعود؛ *کالبد شکافی خشونت*، تهران، نی ۱۳۷۹
۲۰. شارل برمی‌زار، ژان: *بن لادن؛ حقیقت ممنوع*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: آگاه ۱۳۸۱
۲۱. شیخ احمد، مهدی بخشی، *بررسی علل و عوامل اندیشه‌ای و عینی شکل‌گیری القاعده، پای‌ان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۵*
۲۲. طلوعی: محمود: *فرهنگ جامع سیاسی*: چاپ دوم: تهران: علمی ۱۳۷۷
۲۳. عبدالله خانی، علی؛ *تروریسم شناسی*، تهران، ابرار معاصر ۱۳۸۶
۲۴. علی‌پور، عفت، *اندیشه سیاسی سید قطب*، تهران: احسان ۱۳۸۸
۲۵. علی‌زاده، حسن، *فرهنگ خاص علوم سیاسی*: تهران: روزنه ۱۳۷۷
۲۶. عمید زنجانی، عباسعلی، *اصول و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه (جهاد)* تهران: سپهر ۱۳۸۵
۲۷. عنایت، حمید، *سیری در اندیشه سیاسی غرب*، چاپ سوم، تهران: سپهر ۱۳۶۳
۲۸. فدوی، عبدالقیوم، *اسامه بن لادن و ماجراها*، کابل: مفاخر ۱۳۸۱
۲۹. فکوهی، ناصر، *در هزار توهای نظم جهانی*، تهران: نی ۱۳۸۴
۳۰. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، ج ۲، قم مؤسسه در راه حق ۱۳۷۹
۳۱. قطب، سید، *اسلام و استعمار*، ترجمه محمد جعفر امامی، قم: امی‌دی بی تا

۳۲. \_\_\_\_\_، *ویژگی‌های ای‌دئولوژی اسلامی*، ترجمه سید محمد خامنه‌ای، تهران:

کی‌پهان ۱۳۶۹

۳۳. کاظمی، علی اصغر، *نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل*، تهران، توس ۱۳۷۰

۳۴. کلی‌نی، ابو جعفر، *محمد بن یعقوب الکافی*، ج ۵، باب فضل الشهاده، حدیث ۲ نرم

افزار جامع فقه اهل البیت

۳۵. کواکبی، سید عبدالرحمان، *طبایع الاستبداد*، ترجمه عبدالحسین میرزاقاجار، مرکز

انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم ۱۳۷۸

۳۶. گلد تورپ، جی. ای؛ *جامعه‌شناسی کشورهای جهان سوم*، نا برابری توسعه، ترجمه

جواد طهوری‌ان، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی ۱۳۷۰

۳۷. لارسون، تامس، *اقتصاد سیاسی بین‌الملل: تلاش برای کسب قدرت و ثروت*،

نویسندگان توماس لارسون، دی‌وی‌د اسکیمور ترجمه احمد ساعی، مهدی تقوی،

تهران: قومس ۱۳۷۶

۳۸. لک زای، نجف، *ثبات و تحول در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)* (مجموعه

مقالات) قم؛ دانشگاه باقر العلوم (ع) ۱۳۸۶

۳۹. لی‌تل، دانیل، *تبی‌ن در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: صراط

۱۳۷۳

۴۰. مارسدن، پی‌تر، *طالبان* (جنگ، مذهب و نظم نوین در افغانستان) تهران: وزارت خارجه

۱۳۷۹

۴۱. مارش واستوکر، *دی‌وی‌د و جری*، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه احمد گل

محمدی، تهران: نی ۱۳۸۵

۴۲. مصطفای‌ی، عبدالمحمد، *وفاق اجتماعی آسیب شناسی و راه بردهای گسترش آن*،

تهران: آوای نور ۱۳۸۷

۴۳. مطهری، مرتضی، *فطرت*، تهران: صدرا ۱۳۷۶

۴۴. \_\_\_\_\_، *حماسه حسینی* (مجموعه آثار) ج ۱۷ تهران: قم: صدرا ۱۳۶۸

۴۵. موثقی، سید احمد؛ *جنبشهای اسلامی معاصر*، تهران: سمت ۱۳۷۴

۴۶. موسوی خمینی، سید روح الله، *توضیح المسائل* (مسائل دفاع) قم: نجات ۱۳۷۹

۴۷. مهربان، احمد، ۱۱ سپتامبر و *عملیات انتحاری در جهان اسلام*، پای‌ان نامه کارشناسی

ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم اقتصاد و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۷

۴۸. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۲۱، نرم افزار جامع فقه

اهل البیت

۴۹. نقیب زاده، احمد؛ *درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی*، تهران: سمت ۱۳۷۹

۵۰. نوروزی، محمد جواد، *انقلاب اسلامی و چالشهای سنت و مدرنیته* (مجموعه مقالات

همایش انقلاب اسلامی ج دوم) نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، ناشر:

دفتر معارف ۱۳۸۵

۵۱. وودی‌س، جک، *مقدمه‌ای بر استعمار نو*، ترجمه سعید روحانی، تهران: پی‌روز ۱۳۵۹

۵۲. هانتینگتون؛ ساموئل، پی، *برخورد تمدنها و بازسازی نظم جهانی*، ترجمه محمد علی

حمید رفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی ۱۳۷۸

۵۳. های، کالین، *درآمدی انتقادی بر تحلیلی سیاسی*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران:

نی ۱۳۸۵

54. Bashir, Hassan, *Terrorism Definition. Roots and solutions*,  
published by : book E xtra , Grear – Britain 2003 p.54

## ب) مجلات

۱. ازغندی، علی‌رضا، *مدرنی‌ته در آرای سیاسی برخی از اندی‌شمندان ای‌رانی*، فصلنامه رهی‌افتهای سیاسی و بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی شماره ۹، ۱۳۸۶
۲. افضل‌ی، رسول، *پژوهش‌های جغرافی‌های*، شماره ۷۵، پای‌ز ۱۳۸۵
۳. اکبری حسین، *بازی‌نی قدرت سیاسی و نابرابری‌های اجتماعی*، فصلنامه رهی‌افتهای سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه شهید بهشتی شماره ۱۰، ۱۳۸۶
۴. خمایی زاده، فرهاد، *مبارزه با پول شوی‌ی در بانکها و موسسات مالی نگاهی به قانون ضد تروری‌سم ای‌الات متحده امریکا*، جمله حقوقی شماره ۲۹، ۱۳۸۲
۵. زرنشان، شهرام، *شورای امنیت و تعهدات دولتها برای مقابله با تروری‌سم*، مجله حقوقی شماره ۳۶، ۱۳۸۶
۶. ساندز، ی‌س، *مبارزه علی‌ه تروری‌سم و حقوق بین‌الملل: خطرات و فرصتها ترجمه حسن سوری*، مجله حقوقی شماره ۲۹، ۱۳۸۲
۷. سری‌ع القلم، محمود، *فضای خصوصی، منحنی جی و توسعه ی‌افتگی*، فصلنامه رهی‌افتهای سیاسی و بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی شماره ۹، ۱۳۸۶
۸. طی‌بی، امیر حسین، *مبارزه با تامی‌ن مالی تروری‌سم*، مجله حقوقی شماره ۳۲، ۱۳۸۴
۹. کری‌ستوفر، سی. جونز، *مقاله با تروری‌سم هسته‌ای*، ترجمه محمد رضا مهماندار، مجله حقوقی شماره ۳۸، ۱۳۷۸
۱۰. میر احمدی، منصور، *مقایسه وی‌ژگی‌های معرفت شناختی جری‌انهای فکری سیاسی معاصر در جهان اسلام*، فصلنامه رهی‌افتهای سیاسی و بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی شماره ۸ زمستان ۱۳۸۵

۱۱. نصری، قدی، حادثه ۱۱ سپتامبر: نظریه‌ها و تفاسیر: مطالعات راهبردی: ۱۷-۱۸

۱۲. نورتون، ژوزف جی. و شمس هبا، قانون پول شویی و تامین منابع مالی تروریسم:

واکنش‌ها پس از ۱۱ سپتامبر، ترجمه جواد میر فخرایی، مجله حقوقی شماره ۲۹،

۱۳۸۲

۱۳. هافمن، پل، حقوق بشر و تروریسم، ترجمه علی‌رضا ابراهیم گل، مجله حقوق دفتر

خدمات حقوقی بین الملل شماره ۳۴، ۱۳۸۵

۱۴. الهامی، علی، مشروعیت، ماهنامه آموزشی اطلاع رسانی معارف شماره ۳۶

### د) سایتهای اینترنتی

۱. آرمانپور، ن.م، بدبختی افغانستان را باید در وابستگی پشتونی‌ستیم به استعمار جستجو

نمود اسفند ۱۳۸۸

[www.fawedan.com](http://www.fawedan.com)

۲. اخوان، طاهره، نظم نوین جهانی <http://www.pajoohe.com>

۳. پترسون، دی‌وی‌د، هرمان، ادوارداس، مولفه‌های نظم نوین جهان امپریالیستی،

سایت اندی‌شه، ۱۷/۵/۸۸ - 34724 <http://www.bashgah.net/pages> - 34724.html

۴. جوانی، اصغر، مفهوم نظم نوین جهانی، پرتال فرهنگی اطلاع رسانی نور، مجتمع

دانشگاه امیرالمومنین (ع) 16 / 90/148/ <http://noor.portal.net>

۵. ورعی سید جواد، مبانی فقهی عملیات شهادت طلبانه، نشری‌ه حکومت اسلامی شماره

۲۷، ۱۳۸۹/۲/۸ [hawzah.net](http://hawzah.net)

۶. رضایی، دستگیری، پوشویی و اثرات زی‌انبار آن بر اقتصاد جهان و افغانستان.

<http://www.junbesh.net.dr-rizaye.htm>

۷. زارع، عباس، *بحران مشروعیت*، در پیدایش نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی، باشگاه

اندیشه <http://www.Bashgah.net/pages-1960.html>

۸. اف گرگوری. *کاس سوم؛ تروریسم و فقدان دموکراسی*، مترجم علی‌رضا عبارتی

<http://www.bashgah.net>

۹. مکارم‌شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه* ج ۴، ۹، ۱۱

<http://www.ghader.org/qran/t-newon>

۱۰. \_\_\_\_\_ *استفتائات دفاع* ۲۷/۳/۸۹

<http://www.malsarmshirazi.org/persin/esteta/vmit>

۱۱. *صحیفه نور*، ج ۸ و ۱۷

۱۲. نجفی، احمد، *از شهادت طلبی شیعه تا عملیات انتحاری «القاعده»* (سایت درگاه

پاسخ گوئی به مسائل دینی) ۱۳۸۹/۳/۹

<http://www.porsojoo.com/fa/node/73423>

۱۳. رضایی، مصطفی، *جنگ تحمیلی*، پژوهشکده باقرالعلوم (ع) ۱۳۸۹/۳/۹

<http://www.pajohe.com>

۱۴. ویکی‌پدی، *جنگ ایران و عراق* ۱۳۸۹/۳/۳

<http://www.fa.wikipedia>

۱۵. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، *آغاز جنگ تحمیلی عراق و هفته دفاع مقدس* ۱۳۸۹/۳/۳

<http://www.irfdc.ir/fa/calendar/50/default.aspx>

۱۶. شهادت دانش آموز بسیجی محمد حسین فهمیده، ۱۳۸۹/۲/۳

<http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=41080>

۱۷. میرسنجری، میرمهرداد، *تجزیه گام به گام سرزمین‌های ایران در دوره قاجاریه و*

*پهلوی*، تابناک ۱۳۸۹/۳/۳

<http://www.tabnak.ir/fa/pajes/?cid=99939>

۱۸. مؤمنی، محسن، *کرانه‌های امید و حزب الله می‌آید*، تبیان ۱۳۸۹/۳/۳

<http://www.tebyan.net>

۱۹. زی با کلام، سارا، *قمنوس‌های زی‌تون* (گفتگو با نویسنده، اولین کتاب تحقیقی و

مستند درباره عملیات استشهادی حزب‌الله).

<http://www.hamshri/onlin.ir/hamnews/1385/>

[850505/world/ketabw.htm.#s2097](http://850505/world/ketabw.htm.#s2097)

۲۰. آشنایی با تاریخ فلسطینی (۱)

<http://www.hamshri.onlin.ir/news/?id=34444>

۲۱. محتشمی پور، سید علی‌اکبر، *مروری به شکل‌گیری رژیم اشغالگر قدس مجله جملہ*

حضور شماره ۶۲، ۱۳۸۶

<http://www.hawzah.net/1389/3/9>

۲۲. پور حسن، ناصر، *مجله حضور شماره ۴۰، ۱۳۸۱- پای‌گاه حوزه*

Howzan.net

۲۳. مصباحی، امام خمینی و فلسطینی، *حضور شماره ۴۰، ۱۳۸۱*

Howzah.net

۲۴. فاضل لنکرانی، شیخ محمد، *استفتاء در مورد عملیات استشهادی* (مجموعه مسائل و

استفتائات)

<http://www.lankarani.ir/far/hkm/index.php>

۲۵. گول لاف، *نگاه‌ی یک استراتژی‌ک*، به علل استقبال مردم فلسطین از عملیات شهادت

طلبانه، مترجم نگاره حسینیان، باشگاه اندیشه ۸۹/۳/۵

<http://www.bashgah.net>

۲۶. مفهوم عملیات انتحاری

<http://fa.wikipedia.org>

۲۷. فی‌رحی، داوود، *دفاع مشروع ترور و عملیات شهادت طلبانه در مذهب شیعه*

www.feirahi.ir

۲۸. نجمی، احمد، *سید قطب، طلایه دار بی‌مداری اسلامی*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۲۶

اردی‌بهشت ۱۳۸۶

www.irdc.ir/fa/content/5190/default.asp

۲۹. جامعه اهل سنت غرب ۱۳۸۹/۵/۸

/02/post-172/۴387/0\www.blogsky.com/

۳۰. عارفی، محمد اکرم، *مبانی مذهبی و قومی طالبان*، مجله علوم سیاسی شماره ۴ بهار

۱۳۷۸

hawzah.net 1389/۵/۱۰

۳۱. طالبان، *دی‌ن و حکومت*، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱، ۱۳۸۸/۸/۱۹،

, <http://www.Hawzah.net/hawzan/articles/aspzxlanyuay>

3391& search Teut=۸ID:i&id=

۳۲. خسروشیری، علی، *شهادت دی‌پیمات‌های ایرانی در افغانستان*، ۲۳ مرداد ۱۳۸۷ مرکز

استاد انقلاب اسلامی

<http://www.tebyan.net>

۳۳. روزنامه قدس، *دو ابر قدرت در یک باتلاق* سه شنبه ۱۳۸۷/۷/۳۰

<http://www.tebyan.net>

۳۴. سرویس خبررسانی آری‌انانت، *تغییر شیوه‌های انتحاری طالبان*، سه‌شنبه ۱

عقرب ۱۳۸۶.

nidex <http://www.ariananet.com/modules.php?nam=artikel&faile>

&cop=viewsid=90929.

۳۵. شفیع‌بی، نوذر، *افغانستان و بازگشت دوباره طالبان*، دوم بهمن ۱۳۸۷.

. Com/post-96.aspx<http://www.dr safiee.Bloya>

۳۶. مهدی‌زاده کابلی، *سازمان القاعده*، دانشنامه آریانا ۸۹/۵/۱۱

<http://database-aryana-encyclopedia.blogspot.com/201/01blog-post-03.html>

۳۷. مردادی، مجید، *روایتی مستند از طالبان نگاه‌ی به کتاب «القاعده و هم‌پی‌مانش»*

پگاه حوزه، ۱۴، اردی‌بهشت ۱۳۸۷، شماره ۲۳۰، ۸۹/۵/۱۲

<http://www.hawzah.vet>

**Abstract:**

Present study with the title of “Islam Approach to Terrorism” tries to explain Islam’s opinion about terrorism, with descriptive and analytic method, because some make a close relationship between three subjects of terrorism, A Suicide Attack, and Martyrdom Attack. Terrorism is a subject that makes a security of human beings in danger. Terrorists’ goal is to announce their message to their opponent with killing innocent people. This shows that this kind of action is an aggressive action and has no harmony with God’s law; every action with this condition is terrorism even under the name of Islam. According to the hypothesis of this research, a suicide attack which happen by Muslims under the name of Jihad is a kind of terrorist action, because has lots of similarity with terrorism. They named their action Jihad, but the content of their action has no character of defensive Jihad. Martyrdom Attack has no similarity with terrorism and is a defensive action according to ethical teaching for receiving big reward from God. These characteristics make it different from terrorism. Islam is a religion of kindness, affection, and graciousness, not violence, killing women and kids, bombing the public centers are forbidden even through the war, and war is just for the critical moment. Accordingly, Islam’s approach to terrorism is negative. And suicide attack is not permitted in Islamic thought. Instead Islam’s approach towards Martyrdom is positive.

**Key Words:** Islam, Terrorism, Martyrdom Attack, A Suicide Attack.



**Bagher Al- Olum University**

**Faculty of Political Science Social Science and History**

**Thesis**

**For Degree of Master of Science (MSC)**

**In Political Science**

**Title:**

***Islam Approach to Terrorism***

**Supervisor:**

**Dr. M. Mir Ahmadi**

**Advisor:**

**Dr. M. Sotodeh Arani**

**By:**

**Ali Akbar Valad Beigi**

۲۰۱۰